

شناسنامه کتاب

**عنوان: آشنایی با مبانی دفاع مقدس**

**تهیه و تنظیم: پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس**

**گردآوری و تدوین: دکتر هادی مراد پیری – دکتر مجتبی شربتی**

**مراکز پخش:**

- آدرس ساختمان مرکزی پژوهشگاه: تهران . خیابان استاد شهید

مرتضی مطهری. خیابان میرعماد. نبش کوچه اول. پلاک ۴ (صندوق

پستی ۱۶۱۵-۱۵۸۷۵) تلفکس ۸۸۷۴۵۳۹۱ (۰۲۱)

فهرست مطالب :

۱	پیش گفتار
۱۸	فرازهایی از سخنرانی مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه ای (مدظله العالی)
۲۰	تبیین مفاهیم جنگ و دفاع
۲۰	ضرورت ارائه ی درس آشنایی با دفاع مقدس
۲۰	تعاریف و اصطلاحات
۲۲	انواع جنگ
۲۲	انواع جهاد
۲۳	اهداف جنگ
۲۳	علل وقوع جنگ
۲۴	برخی از دلایل وقوع جنگ ها
۲۵	جنگ و دفاع از منظر حضرت امام خمینی <sup>(ه)</sup>
۲۵	جنگ و دفاع از منظر مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه ای
۲۷	آشنائی با جغرافیای مناطق مرزی ایران و عراق
۲۷	الف - موقعیت
۲۸	همسایگان و مناطق مرزی ایران
۳۰	ب- وسعت و شکل
۳۰	ج- جمعیت
۳۰	د- وضعیت توپوگرافی
۳۱	ه- آب و هوا
۳۱	۲-آشنایی اجمالی با جغرافیای استان های مناطق مرزی ایران با عراق
۳۱	الف - جغرافیای منطقه شمال غربی
۳۱	(۱) - موقعیت طبیعی
۳۱	(۲) - وضعیت مناطق مرزی

۳۳	ب- جغرافیای منطقه ی غربی ایران
۳۳	(۱)- موقعیت طبیعی
۳۳	(۲)- وضعیت مناطق مرزی
۳۵	(۳) اهمیت و ارزش نظامی منطقه یغری
۳۵	ج- جغرافیای منطقه ی جنوب غربی ایران
۳۵	(۱)- موقعیت طبیعی
۳۵	(۲)- وضعیت مرزی منطقه ی جنوب غربی
۳۷	(۳)- محورهای وصولی منطقه ی جنوب غربی
۳۷	(۴)- اهمیت و ارزش نظامی منطقه ی جنوب غربی
۳۷	د- شناخت کلی منطقه ی خلیج فارس و جزایر آن
۳۹	۳- شناخت محیط عراق
۳۹	الف- موقعیت و وسعت
۳۹	ب- قومیت، دین و مذهب
۳۹	ج- وضعیت توپوگرافی عراق
۴۰	د- آب و هوای عراق
۴۰	ه- رودخانهها و کانالهای مهم عراق
۴۱	و- سواحل و بنادر عراق
۴۱	ز- بخشی از محورهای مواصلاتی عراق
۴۲	مناقشات مرزی ایران و عراق
۴۲	۱ - از تشکیل دولت عثمانی تا دولت عراق (۱۹۲۰) میلادی
	مهمترین علل جنگها و انعقاد قراردادهای صلح و آتش بس و رفع اختلاف بین دولت ایران و عثمانی:
۴۲	
۴۵	۲ - از تشکیل کشور عراق تا فراداد ۱۹۷۵ الجزایر و در ادامه تا پیروزی انقلاب اسلامی
۵۰	مفاد بیانیه ۱۹۷۵ ی م الجزایر و حل اختلافات مرزی

- ۵۲ بررسی وضعیت محیط داخلی و بین المللی ایران و عراق و مقایسه تطبیقی آن
- ۵۲ ۱- وضعیت نظام جمهوری اسلامی ایران در آستانه ی جنگ
- ۵۲ الف - وضعیت سیاسی - امنیتی
- ۵۳ ب - وضعیت اقتصادی
- ۵۳ ج - وضعیت اجتماعی و فرهنگی
- ۵۴ د - وضعیت نظامی
- ۵۵ وضعیت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- ۵۵ ۲- وضعیت رژیم بعثی عراق در آستانه ی جنگ
- ۵۵ الف - وضعیت سیاسی
- ۵۶ ب - وضعیت اقتصادی
- ۵۶ ج - وضعیت اجتماعی و فرهنگی
- ۵۷ د - وضعیت نظامی
- ۵۸ مقایسه ی تطبیقی وضعیت های دو کشور جمهوری اسلامی ایران و عراق
- ۵۹ ۳- نقش نظام بین الملل در وقوع جنگ
- ۵۹ الف- کشورهای منطقه
- ۶۰ ب- کشورهای فرامنطقه ای
- ۶۰ (۱)- ایالات متحده ی آمریکا
- ۶۰ (۲)- اتحاد جماهیر شوروی
- ۶۱ (۳)- رژیم صهیونیستی اسرائیل
- ۶۱ ج- سازمان های بین المللی
- ۶۳ علل، اهداف و زمینه سازی رژیم بعث عراق در تهاجم علیه نظام جمهوری اسلامی ایران
- ۶۳ ۱- علل تهاجم ارتش بعث عراق به جمهوری اسلامی ایران

- ۶۳ الف - علل سیاسی
- ۶۳ (۱) - جلوگیری از نفوذ و صدور انقلاب شیعی در عراق
- ۶۳ (۲) - براندازی نظام‌نوی پای جمهوری اسلامی ایران
- ۶۳ (۳) - خروج از تنگنای ژئوپلیتیک عراق و دسترسی بیشتر به آب‌های آزاد
- ۶۳ (۴) - عقده حقارت تاریخی صدام در خصوص امضای قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و اقدام برای
- ۶۴ جبران آن
- ۶۴ (۵) - همسو و موافق بودن کشورهای منطقه با تصمیم صدام در تهاجم به جمهوری اسلامی
- ۶۴ ایران
- ۶۴ (۶) - تضاد ایدئولوژیک
- ۶۵ (۷) - باور صدام به حمایت اعراب ایرانی خوزستان از تهاجم عراق
- ۶۵ (۸) - آرزوی صدام برای رهبری جهان عرب و به دست آوردن ژاندارمی در منطقه
- ۶۵ (۹) - ماهیت اخلاقی شخص صدام و جاه‌طلبی وی در امر کشور گشایی و برتری طلبی
- ۶۵ (۱۰) - ضعف سیاست خارجی ایران
- ۶۵ (۱۱) - عدم وحدت نظر و همدلی بین دولت، نهادهای سیاسی و مذهبی ایران
- ۶۵ (۱۲) - چراغ سبز آمریکا به عراق در مورد تهاجم به جمهوری اسلامی ایران
- ۶۵ ب - علل نظامی
- ۶۷ ج - علل اقتصادی
- ۶۷ ۲- اهداف کلی رژیم بعث عراق در تهاجم علیه جمهوری اسلامی ایران
- ۶۸ ۳- زمینه سازی رژیم بعث عراق جهت تهاجم به نظام جمهوری اسلامی ایران
- ۷۰ هجوم سراسری و اشغال مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران
- ۷۰ مقدمه
- ۷۱ ۱ - تهاجم گسترده ی هوائی عراق در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹
- ۷۲ ۲- محورهای پیشروی و اهداف عملیاتی رژیم بعث عراق در تهاجم زمینی
- ۷۴ اهداف تهاجم ارتش بعث عراق به منطقه ی میانی
- ۷۵ اهداف تهاجم ارتش بعث عراق به منطقه ی جنوبی
- ۷۶ ۳ - مناطق اشغال شده و آخرین حد پیشروی ارتش بعث عراق

- ۷۶ الف- استانهای آذربایجان غربی و کردستان
- ۷۶ ب- استان های ایلام و کرمانشاه
- ۷۷ ج- استان خوزستان
- ۷۷ (۱)- جبهه ی شمالی(غرب دزفول- شوش)
- ۷۸ (۲)- جبهه ی میانی (سوسنگرد - اهواز)
- ۷۸ (۳) - جبهه ی جنوبی (خرمشهر-آبادان)
- ۸۰ ویژگی های اولین مرحله جنگ از ۳۱ شهریور تا ۴ آبان ۱۳۵۹(اشغال خرمشهر)
- نظرات و تدابیر حضرت امام خمینی<sup>(ع)</sup>، مقاومت مردمی و نیروهای مسلح، متوقف کردن متجاوز ۸۲
- ۸۲ ۱- تدابیر و موضع گیری حضرت امام<sup>(ع)</sup> در برابر تهاجم ارتش بعث عراق
- ۸۲ الف- مرحله ی اول: چالش های امنیتی و نظامی قبل از شروع جنگ
- ۸۳ ب- مرحله ی دوم : بعد از تهاجم رژیم بعث عراق
- ۸۵ ۲- واکنش نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در مقابل تهاجم ارتش بعثی عراق
- الف- مقطع اول از شروع جنگ تا ششم مهرماه ۱۳۵۹(صدور قطعنامه ی شورای امنیت مبنی بر آتش بس)
- ۸۶
- ۸۷ ب- مقطع دوم از ششم مهرماه تا چهارم آبان ماه ۱۳۵۹ (سقوط خرمشهر)
- ج- مقطع سوم از چهارم آبان تا نهم آبان ماه ۱۳۵۹ (ادامه ی تهاجم دشمن برای تصرف آبادان و دزفول)
- ۸۸
- ۸۸ د- مقطع چهارم از نهم تا بیست و ششم آبانماه ۱۳۵۹ (آزادسازی سوسنگرد)
- ۸۹ ۳- واکنش نیروهای مردمی و نیروهای بسیج در مقابل تهاجم ارتش بعث عراق
- ۹۱ اقدامات سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی ایران از توقف دشمن تا پایان سال اول جنگ
- ۹۱ ۱- اوضاع سیاسی - اجتماعی و نظامی جمهوری اسلامی ایران
- ۹۱ الف- اوضاع سیاسی - اجتماعی
- ۹۲ ب- اوضاع نظامی

- ۹۲ (۱) - بازسازی ساختار و سازمان نیروهای مسلح
- ۹۳ (۲) - فعال شدن سپاه در جهت ایجاد سازمان رزم
- ۹۳ ج- اجرای عملیات‌های زمینی، هوایی و دریایی
- ۹۳ (۱) - عملیات‌های زمینی
- ۹۳ ((الف)) عملیات آفندی تنگ حاجیان (گیلانغرب) (۵۹/۱۰/۱۴)
- ۹۴ ((ب)) عملیات آفندی میمک (۵۹/۱۰/۱۹):
- ۹۴ ((ج)) عملیات آفندی بازی دراز در منطقه سرپل ذهاب (مرحله اول) (۶۰/۲/۲)
- (۲) عملیات‌های آفندی پس از تثبیت دشمن تا آغاز عملیات ثامن الائمه، در صحنه عملیات جنوب:
- ۹۴ (الف) عملیات نصر (کرخه کور) منطقه عمومی هویزه (۵۹/۱۰/۱۵)
- ۹۵ (ب) عملیات (توکل) شرق رودخانه کارون (۵۹/۱۰/۲۰):
- ۹۵ (ج) - عملیات تپه چشمه در غرب پل نادری (۶۰/۱/۱۵)
- ۹۶ (د) عملیات دارخوین (عملیات فرمانده کل قوا؛ خمینی روح خدا) (۶۰/۳/۲۱):
- ۹۶ عملیات‌های هوایی:
- ۹۷ (الف) - فعالیت‌های شناسایی
- ۹۷ (ب) - فعالیت‌های عملیاتی
- ۹۸ (۳) عملیات‌های دریایی:
- ۹۸ سلسله عملیات انهدام سکوهای نفتی البکر و الامیه عراق
- ۹۸ عملیات مروارید:
- ۹۹ آزادسازی مناطق اشغالی جمهوری اسلامی ایران
- ۹۹ ۱ - تغییر در فرماندهی عالی جنگ
- ۱۰۰ ۲ - همکاری و هماهنگی موثر ارتش و سپاه
- ۱۰۰ ۳ - آزادسازی مناطق اشغالی (کلیاتی از عملیات‌های مشترک سپاه و ارتش)
- ۱۰۰ الف - عملیات ثامن الائمه
- ۱۰۲ ب - عملیات طریق القدس
- ۱۰۴ پیامدهای عملیات

- ج- عملیات فتح المبین  
 ۱۰۵ سازمان و استعداد نیروهای خودی  
 ۱۰۶ شرح عملیات  
 ۱۰۷ تقدیر امام خمینی از عملیات فتح المبین
- د- عملیات بیت المقدس  
 ۱۰۸ استعداد و گسترش ارتش عراق  
 ۱۰۹ سازمان و استعداد خودی  
 ۱۱۰ شرح عملیات  
 ۱۱۱ حرکت به سمت مرز  
 ۱۱۱ نگاه امام خمینی به فتح خرمشهر  
 ۱۱۲ نتایج و دستاوردهای عملیات بیت المقدس
- ۴- دلایل پیروزی نیروهای مسلح  
 ۱۱۲
- راهبرد تعقیب و تنبیه متجاوز  
 ۱۱۴  
 ۱- چرایی ادامه ی جنگ پس از آزادسازی خرمشهر  
 ۱۱۴  
 دلایل ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر  
 ۱۱۵
- الف- عدم پذیرش معاهده ی ۱۹۷۵ و ادامه حضور ارتش عراق در بخشی از سرزمین های ایران ۱۱۵
- ب- تصور ایران از قدرت یافتن  
 ۱۱۶
- ج- عدم ارائه ی هیچگونه پیشنهاد صلح از سوی رژیم بعثی عراق و یا مراجع بین المللی  
 ۱۱۶
- د- عدم اعتماد به رفتار صدام  
 ۱۱۶
- ه- شرایط نا مساعد دفاعی در مرزهای جنوبی کشور  
 ۱۱۷
- و- انتظار مردم برای سرکوبی کامل دشمن  
 ۱۱۷
- ۲- راهبرد جمهوری اسلامی ایران پس از آزادسازی خرمشهر  
 ۱۱۷
- الف- دفع کامل تهاجم سرزمینی  
 ۱۱۷
- ب- محدود نگهداشتن دامنه ی جنگ  
 ۱۱۸



- ج- توسعه ی توان مقاومت و تلاش برای پیشیمان کردن دشمن از حمله به ایران  
 ۳- اجرای عملیات در داخل خاک عراق برای وادار نمودن دشمن به قبول شرایط جمهوری  
 اسلامی ایران
- ۱۱۸  
 ۱۱۹ ۴- طرح ریزی و اجرای عملیات والفجر ۸  
 ۱۲۰ نکات اساسی طرح مانور والفجر ۸  
 ۱۲۱ روش های اعمال غافلگیری  
 ۱۲۲ وضعیت و موقعیت منطقه عملیات  
 ۱۲۳ مرحله بندی عملیات  
 ۱۲۳ اقدامات مهندسی  
 ۱۲۴ شرح عملیات  
 ۱۲۴ دفع پاتک های تعجیلی  
 ۱۲۵ احداث پل بعثت  
 ۱۲۵ تلفات و خسارات دشمن  
 ۱۲۶ نتایج عملیات فاو
- ۵- تشریح عملیات کربلای ۵  
 استحکامات و موانع منطقه ی عملیاتی کربلای ۵  
 شرح عملیات  
 نتایج و دستاورد های عملیات  
 تقدیر امام خمینی (ره) از رزمندگان عملیات کربلای ۵
- اقدامات دشمن جهت توسعه ی جنگ و وادار نمودن جمهوری اسلامی ایران به توقف اقدامات نظامی
- ۱۳۱  
 ۱۳۱ ۱- استفاده ی گسترده از عوامل شیمیایی و نقش کشورهای کمک کننده در آن
- الف- جنگ شیمیایی چیست؟  
 ب- تعریف عوامل شیمیایی  
 ج- هدف از کاربرد سلاح شیمیایی  
 د- دوره های استفاده از سلاح شیمیایی توسط ارتش بعث عراق در هشت سال دفاع مقدس
- ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳

- ۲- حملات وسیع هوایی و موشکی به شهرها و منابع حیاتی و حساس  
۱۳۴
- سه هدف عمده ی عراق از بمباران شهرهای ایران  
۱۳۵
- ۳- جنگ نفتکش ها و تأثیر آن در امنیت خلیج فارس و اقتصاد جمهوری اسلامی ایران  
۱۳۶
- ۴- تغییر روش پدافند عراق و تهاجم موردی به بعضی از مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران  
۱۳۸
- نقش کشورهای منطقه ای و فرامنطقه ای در جنگ رژیم بعث عراق، علیه جمهوری اسلامی ایران(۱۴۱)
- ۱- کشورهای عربی  
۱۴۱
- ۲- بلوک غرب با محوریت ایالات متحده آمریکا  
۱۴۲
- الف- آمریکا  
۱۴۲
- ب- فرانسه  
۱۴۲
- ج- انگلستان  
۱۴۳
- ۳- بلوک شرق با محوریت اتحاد جماهیر شوروی  
۱۴۳
- الف- شوروی  
۱۴۳
- ب- چین  
۱۴۴
- رفتار سازمان ملل در جنگ ایران و عراق و فرآیند صدور قطعنامه ۵۹۸  
۱۴۵
- مروری بر تعداد قطعنامه های صادرشده توسط شورای امنیت سازمان ملل.  
۱۴۶
- الف- قطعنامه ی ۴۷۹ در ۲۸ سپتامبر ۱۹۸۰م مطابق با ۶ مهر ۱۳۵۹. ش  
۱۴۶
- ب - قطعنامه ی ۵۱۴ در ۱۲ جولای ۱۹۸۲م مطابق با ۲۳ تیرماه ۱۳۶۱.ش  
۱۴۷
- ج- قطعنامه ی ۵۲۲ در اول اکتبر ۱۹۸۲م مطابق با ۱۲ مهرماه ۱۳۶۱.ش  
۱۴۸
- د- قطعنامه ی ۵۴۰ در ۳۱ اکتبر ۱۹۸۳م مطابق با ۹ آبان ماه ۱۳۶۲  
۱۴۸
- ه - قطعنامه ی ۵۵۲ در اول ژوئن ۱۹۸۴م مطابق با ۱۱ خرداد ۱۳۶۳.ش  
۱۴۹
- و - قطعنامه ی ۵۸۲ در ۲۴ فوریه ۱۹۸۶م مطابق با ۵ اسفند ۱۳۶۴.ش  
۱۴۹
- ز - قطعنامه ی ۵۸۸ در ۸ اکتبر ۱۹۸۶م مطابق با ۱۹ مهرماه ۱۳۶۵.ش  
۱۵۰
- ۲- فرآیند صدور و مفاد قطعنامه ۵۹۸  
۱۵۱

- ۱۵۱ زمینه‌های صدور قطعنامه ۵۹۸:
- ۱۵۱ متن قطعنامه ۵۹۸
- ۱۵۳ ۳- شرایط داخلی و خارجی ایران و دلایل پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران
- ۱۵۵ ۴- فرازهایی از نامه امام خمینی<sup>(ره)</sup> مبنی بر قبول قطعنامه ۵۹۸
- ۱۵۷ مقطع پایان جنگ
- ۱۵۷ ۱- پذیرش قطعنامه ی ۵۹۸ توسط جمهوری اسلامی ایران به طور رسمی
- ۱۵۹ ۲- اجرای تهاجم گسترده و مجدد ارتش بعث عراق به جمهوری اسلامی ایران
- ۱۶۲ ۳- دفع تجاوز مجدد ارتش بعثی عراق در خوزستان
- ۱۶۲ ۴- اجرای عملیات فروغ جاویدان توسط منافقین با پشتیبانی ارتش بعث عراق
- ۱۶۳ دیدگاه سازمان مجاهدین خلق (منافقین) از اوضاع داخلی ایران در سال ۱۳۶۷
- ۱۶۴ شرح عملیات فروغ جاویدان
- ۱۶۷ ۵- پذیرش قطعنامه ی ۵۹۸ از سوی عراق به طور رسمی
- ۱۶۷ ۶- اعلام آتش بس توسط شورای امنیت سازمان ملل
- ۱۶۹ دلایل و عوامل پیروزی جمهوری اسلامی ایران در دفاع مقدس
- ۱۶۹ ۱-دلایل پیروزی
- ۱۶۹ الف - حفظ، تثبیت و تداوم انقلاب اسلامی
- ۱۶۹ ب- شکست استراتژی عراق در تهاجم به جمهوری اسلامی ایران
- ۱۷۰ ج - پذیرش مجدد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر توسط رژیم بعث عراق
- ۱۷۱ د - معرفی رژیم بعث عراق به عنوان متجاوز توسط دبیرکل سازمان ملل
- ۱۷۱ ۲- مهمترین عوامل پیروزی جمهوری اسلامی ایران بر رژیم بعث عراق
- ۱۷۱ الف - رهبری و مدیریت حضرت امام خمینی(ره) در ۸ سال دفاع مقدس
- ۱۷۱ ب- نقش مردم در پشتیبانی از جنگ
- ۱۷۲ ج- ایثارگری و فرهنگ جهاد و شهادت

۱۷۲	(۱) - سبقت گیری بر دیگران
۱۷۳	(۲) - خطر پذیری
۱۷۳	(۳) - افزایش مستمر توانایی ها
۱۷۴	د- ابتکارات و خلاقیت ها
۱۷۴	ه- وحدت و همبستگی ملی
۱۷۴	و- شیوه و سبک مدیریت جبهه
۱۷۵	ز- اسطوره های دفاع مقدس
۱۷۵	ح- تشابهات دفاع مقدس و عاشورای حسینی
۱۷۷	تحلیل آمار ایثارگران جمهوری اسلامی ایران و تلفات ارتش بعث عراق
۱۷۷	شهید و شهادت
۱۷۸	شهادت، قله ی کمال
۱۷۸	مقام شهید
۱۷۹	وظیفه ی جامعه نسبت به شهید
۱۷۹	منزلت خانواده شهید
۱۸۱	آمار ایثارگران دوران دفاع مقدس
۱۸۱	آمار کل شهدا به تفکیک استان های کشور
۱۸۵	نتایج و دستاوردهای جنگ و دفاع مقدس در عرصه های داخلی و بین المللی
۱۸۵	۱- دستاوردهای داخلی
۱۸۵	الف- عرصه ی سیاسی و امنیتی
۱۸۶	ب- عرصه ی اجتماعی و فرهنگی
۱۸۷	ج- عرصه ی اقتصادی
۱۸۷	د- عرصه ی علمی و فناوری
۱۸۸	ه- عرصه ی نظامی

۱۸۹	۲- دستاوردهای خارجی
۱۸۹	الف- عرصه ی سیاسی
۱۹۱	ب- عرصه ی اقتصادی
۱۹۳	منابع و مآخذ

#### فهرست نقشه ها:

۲۸	نقشه شماره ۱- موقعیت ژئوپلیتیکی ایران
۳۲	نقشه شماره ۲ - جغرافیای منطقه ی شمال غربی ایران
۳۴	نقشه شماره ۳ - جغرافیای منطقه غرب ایران
۳۶	نقشه شماره ۴ - جغرافیای منطقه ی جنوب غربی ایران
۳۸	نقشه شماره ۵ - جزایر ایران در خلیج فارس
۴۰	نقشه شماره ۶ - موقعیت جغرافیای عراق
	نقشه شماره ۷ - مناطق و بخشهایی که در طول تاریخ ۲۰۰ ساله ی گذشته، از ایران جدا شده است.
۵۱	
۶۸	نقشه شماره ۸ - اهداف عراق از حمله به جمهوری اسلامی ایران
۷۱	نقشه شماره ۹ - تهاجم هوایی حزب بعث عراق به جمهوری اسلامی ایران
۷۳	نقشه شماره ۱۰ - محورهای پیشروی ارتش بعث عراق به منطقه ی میانی
۷۴	نقشه شماره ۱۱ - محورهای هجوم ارتش عراق به جنوب غربی ایران
۸۰	نقشه شماره ۱۲ - مناطق اشغال شده ی ایران توسط ارتش بعث عراق
۱۰۱	نقشه شماره ۱۳ - منطقه ی عملیاتی ثامن الائمه
۱۰۴	نقشه شماره ۱۴ - منطقه ی عملیاتی طریق القدس
۱۰۶	نقشه شماره ۱۵ - منطقه ی عملیاتی فتح المبین
۱۱۰	نقشه شماره ۱۶ - منطقه ی عملیاتی بیت المقدس

- نقشه شماره ۱۷ - منطقه ی عملیاتی والفجر ۸..... ۱۲۰
- نقشه شماره ۱۸ - منطقه ی عملیاتی کربلای ۵..... ۱۲۸
- نقشه شماره ۱۹ - حملات مجدد عراق در سالهای ۶۴ و ۶۵..... ۱۳۹
- نقشه شماره ۲۰ - تهاجم ارتش بعث عراق و شکست نهایی آن در پایان جنگ در منطقه جنوب  
..... ۱۶۰
- نقشه شماره ۲۱ - تهاجم ارتش بعث عراق و شکست نهایی آن در پایان جنگ در منطقه غرب ۱۶۱
- نقشه شماره ۲۲ - منطقه ی پیشروی منافقین در غرب کشور ..... ۱۶۶

#### پیش گفتار

---

پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس با بهره گیری از فرماندهان، محققان، متخصصین  
مجرب و کار آزموده در زمینه ی انعکاس علوم و معارف دوران پر افتخار هشت سال دفاع

مقدس به روش علمی و پژوهشی، در قالب تولید و انتشار محصولات دیداری، شنیداری و نوشتاری مرتبط با حوزه عملکرد رزمندگان اسلام در ۸ سال دفاع مقدس، فعالیت چشمگیری را در سال های اخیر انجام داده که با توجه به کمبودهای اساسی در عرصه ادبیات علمی و نظامی، انتظار می رود که این روند همچنان با حمایت اندیشمندان گرامی تداوم پیدا کند.

با توجه به تجارب بسیار گراندقدر این دوران پر افتخار، امید این است که این پژوهشگاه قادر باشد علوم فوق را به صورت نهادینه و علمی، تهیه و در مقاطع مختلف دانشگاهی ارائه نماید و در راستای منویات مقام معظم رهبری و فرمانده معزز کل قوا حضرت امام خامنه ای (مدظله العالی) گامهای اساسی را بردارد.

کتاب آشنایی با مبانی دفاع مقدس ماحصل تلاش های مستمر صاحب نظران، متخصصین و کارشناسان که به منظور پر کردن خلاءهای ناشی در مسائل جغرافیایی، بهداشت و درمان، فرهنگی، سیاسی و نظامی به رشته ی تحریر درآمده است، دو هدف عمده را دنبال می کند:

۱- ارائه ی یک محتوای ارزشمند از مجاهدتها، توانمندیها و ایثارگری های دوران هشت سال دفاع مقدس جهت استفاده دانشجویان (مقاطع کاردانی و کارشناسی) و متخصصین در حوزه های علمی مختلف.

۲- توسعه و انتقال علوم و معارف دفاع مقدس برای نسل جوان به روش علمی و نهادینه و اجرایی نمودن منویات مقام معظم رهبری برای حفاظت از این گنج عظیم و ماندگار.

امید است با نگارش این کتاب توانسته باشیم گامی هرچند کوچک در زمینه ترسیم مفاهیم و ادبیات آن دوران ارزشمند بخصوص ولایت مداری رزمندگان جمهوری اسلامی ایران ، گام مؤثری برداریم .

آب دریا را اگر نتوان کشید                      هم به قدر تشنگی باید چشید

پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس از کلیه عزیزانی که در به ثمر رسیدن این فاخر، تلاش شبانه روزی و بی شائبه ای داشته اند نهایت تشکر و قدردانی را به عمل آورده و به حکم وظیفه به ویژه از مجموعه همکاران ذیل سپاسگزاری و قدردانی می نماید:

۱- استاد فقید و رزمنده‌ی جانباز، سردار سرلشکر پاسدار شهید دکتر حاج احمد سوداگر ریاست سابق پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس که نقش مؤثری در ارائه‌ی درس آشنایی با دفاع مقدس در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور داشته است.

۲- سردار سرلشکر پاسدار دکتر سید یحیی صفوی ناظر عالی درس دفاع مقدس و نماینده شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری که پژوهشگاه را در تدوین اثر فوق راهنمایی و یاری نمودند.

۳- همه اساتید و فرماندهان هشت سال دفاع مقدس بخصوص دکتر محسن رضایی، سردار سرلشکر دکتر غلامعلی رشید، امیر دریابان علی شمخانی، امیر سرلشکر حسنی سعدی و... که در کلاسهای درس تربیت مدرس در این پژوهشگاه مطالب بسیار ارزنده‌ی او را ارائه نموده اند و سعی شده از مطالب آنها در تهیه و تدوین کتاب فوق استفاده گردد کمال تشکر و قدردانی را دارم.

۴- فرماندهان، پیشکسوتان، خیرگان و محققان هشت سال دفاع مقدس که در تهیه تدوین این کتاب همکاری و این پژوهشگاه را یاری دادند که به ترتیب حروف الفبا اسامی آنها به شرح ذیل می باشد.

۸- سردار سرتیپ پاسدار احمد غلامپور

- |  |  |
|--|--|
| ۱- امیر سرتیپ ۲ بازنشسته مسعود بختیاری   | ۹- امیر سرتیپ ۲ بازنشسته نصرت الله معین وزیری      |
| ۲- سردار سرتیپ پاسدار یعقوب زهدی         | ۱۰- امیر سرتیپ ۲ بازنشسته عبدالحسین مفید           |
| ۳- امیر سرتیپ ۲ بازنشسته داوود سنجری پور | ۱۱- امیر سرتیپ ۲ بازنشسته سید علی اکبر موسوی قویدل |
| ۴- آقای دکتر مجتبی شربتی                 | ۱۲- امیر سرتیپ ۲ حسین ولیوند زمانی                 |
| ۵- سردار سرتیپ ۲ پاسدار ناصر شعبانی      | ۱۳- آقای علی میرهاشمی                              |
| ۶- سردار سرتیپ ۲ پاسدار مهراں طهماسبی    | ۱۴- آقای احمد یارمحمدی                             |
| ۷- سردار سرتیپ پاسدار دکتر حسین علائی    |  |

در این نوشتار سعی شده است که مطالب ارائه شده به صورت مستند و منطقی ارائه گردد و لیکن ممکن است دارای اشکالات و نواقصی باشد. لذا از همه صاحب نظران، اندیشمندان، کارشناسان، فرماندهان، اساتید و دانشجویان گرانقدر درس آشنایی با دفاع مقدس انتظار دارد با نقطه نظرات عالمانه و صادقانه خود این پژوهشگاه را یاری فرمائید تا در چاپ جدید تجدید نظر و اصلاح گردد.

قبلاً از بذل توجه و عنایت شما عزیزان کمال تشکر و قدردانی را دارم.



رئیس پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس  
سرتیپ<sup>۲</sup> یاسدار دکتر هادی مرادپیری  
شهریور ۱۳۹۱

در دیدار با متولیان فرهنگ و هنر دفاع مقدس (۶ مهر ۱۳۷۹)

... جنگ، یکی از محیط ترین حوادث برای یک ملت است. ما همگی این را با وجود خودمان، با گوشت و پوست و احساس و ادراک خودمان مشاهده کردیم. این نیست که فقط در تاریخ چیزی خوانده، یا به آمارها مراجعه کرده باشیم. لیکن نکته‌ی مهم این است که ملتها می‌توانند این حادثه‌ی پُرخسارت را به یک فرصت و به یک سرمایه تبدیل کنند. می‌دانید؛ خسارت جنگ هم فقط این نیست که عزیزان ملت به کام مرگ کشانده می‌شوند یا ویرانه‌هایی به بار می‌آید و سرمایه‌هایی بر باد می‌رود. اگر در جنگی عزم ملی و خردمندی سردمداران کشور به کمک کشور نیاید، آن سرافکندگی و ذلت و هزیمت معنوی‌ای که بر دوش آن ملت سنگینی خواهد کرد، شاید از همه‌ی این خسارتها بالاتر است.

عزیزان من! آنچه که این قضیه را تمام می‌کند، این است که روایت این حادثه به‌درستی صورت گیرد. اگر این حادثه‌ی بزرگ، درست روایت شود، این اثرات ماندگار خواهد شد. اگر غلط روایت شود، یا روایت نشود، این تأثیرات بسیار کم خواهد شد. نه این که به کلی از بین برود؛ لیکن بسیار کم خواهد شد. اگر خدای نکرده مغرضانه روایت شود، قضیه بعکس خواهد شد.

این هشت سال دوره‌ی دفاع مقدس، شامل هزاران هزار حادثه است. من می‌خواهم این را از جامعه‌ی فرهنگی و هنری کشور مطالبه کنم که از این هزاران هزار حادثه، لاقلاً یک فهرست تهیه کنند. بنشینند فکر کنند و در حوادث جنگ، دقت نظر هنرمندانه به خرج دهند؛ یک فهرست از این حوادث به وجود آورند؛ بعد این را بگذارند در قبال کارهای هنری‌ای که تا امروز درباره‌ی جنگ شده است - که البته بسیار هم ارزشمند است - ببینند که چقدر از این فهرست را ما پُر کرده‌ایم. من اعتقادم این است که اگر این کار صورت گیرد، خواهیم فهمید که ما یک هزارم آنچه را که درباره‌ی این جنگ می‌باید تبیین کرد و می‌توان تبیین و موشکافی کرد، هنوز بیان نکرده‌ایم!

**ما در این ماجرای هشت ساله، یک پیروزی مطلق به دست آوردیم.** ما که جنگ را شروع نکرده بودیم که بگوییم فلان جا را می‌خواستیم بگیریم، نتوانستیم، پس ناکام شدیم، قضیه این نبود. قضیه این بود که دشمنی به ما حمله کرده بود و می‌خواست بخشی از خاک ما را بگیرد. همه‌ی دنیا هم به او کمک کردند، ما هم مردانه ایستادیم، ناکام شد و بینی‌اش به خاک مالیده شد و برگشت. پیروزی از این بالاتر؟ این پیروزی را با همین ابعاد، با همه‌ی خصوصیات که در آن وجود دارد، با همه‌ی آن هزاران هزار ماجرابی که آن را به وجود آورده است، ما باید روایت کنیم. این کار هنرمندان عزیز ماست. کار

نویسندگان است. کار سینماگران است. کار شاعران است. کار نقاشان است. کار اصحاب فرهنگ و هنر است.

همه‌ی جنگ، داخل جبهه‌ها نیست. بسیاری از مسائل جنگ، داخل خانه‌هاست؛ در راه‌هاست؛ داخل دل‌هاست؛ در مجموعه‌های تصمیم‌گیری است؛ در مجامع بین‌المللی است.

امروز ما می‌بینیم وقتی که راجع به دفاع مقدس و جنگ هشت ساله و این عظمت مطلقه‌ی که ملت ایران آفرید، صحبت می‌شود - که مهمترین موضوع هنری است و یک هنرمند درباره‌ی این‌گونه شکوه‌های ملی، خوب می‌تواند قلم فرسایی یا میدان داری کند - بعضی از آثار در گوشه‌وکنار پیدا می‌شود که نه فقط عظمت را نمی‌بینند؛ می‌گردند یک نقطه ضعیفی، یا واقعی، یا حتی پنداری، پیدا می‌کنند و آن را مورد مذاقه فرار می‌دهند! هدف از این کارها چیست؟ چرا باید ما این فرآورده‌ی عظیم ملت ایران را ندیده بگیریم؟! این خدمت به ملت ایران است که در تهاجمی که به مرزهای او، به شخصیت او، به عزت او، به تاریخ او، به هویت ملی او شده است - این‌گونه مردانه ایستاده و این‌طور شجاعانه دفاع کرده - ما بیایم آن را زیر سؤال ببریم.

آثار بزرگ هنری دنیا را نگاه کنید؛ بسیاری از آنها بروی قهرمانی‌های ملتها متمرکزند؛ حتی آن‌جایی که شکست خوردند.

امروز کار عده‌ای که به میدان جنگ رفتند و در این هشت سال، آن حماسه را آفریدند - چه شهدایشان، چه ایثارگانشان، چه رزمندگان‌شان - دیگر تمام شد. آنها کار خودشان را کردند. پس از پایان کار آنها، کار یک خیل عظیم دیگری آغاز می‌شود؛ نوبت این خیل عظیمی است که این‌دیگر مسأله‌اش هشت سال نیست؛ هشتاد سال هم اگر طول بکشد، جا دارد....

## تبیین مفاهیم جنگ و دفاع

### ضرورت ارائه ی درس آشنایی با دفاع مقدس

در این کتاب سعی می شود حوادث مهم دوران هشت سال دفاع مقدس که ترکیبی از منطق و تدبیر، حماسه آفرینی، معنویت، عاطفه و مهربانی بود مورد مطالعه قرار گیرد. در این بررسی ضمن بحث پیرامون پیروزی ها، رشادت ها، شجاعت ها و فداکاری هایی که بسیار مهم و غرور آفرین بوده است، به مسائل و مشکلات مربوط به هر دوره از جنگ، وضعیت و شرایط دشمن، فشارهای وارده بر رزمندگان اسلام و مردم کشور نیز پرداخته می شود و نظام تصمیم گیری آن، موردارزیابی و تحلیل قرار می گیرد. تاکنون در اکثر مطالب و کتاب های انتشار یافته در مورد دفاع مقدس، بیشتر به بعد عاطفی و حماسی جنگ پرداخته شده است و کمترین ابعاد گوناگون و مؤلفه های علمی و نهادینه شده جنگ در سطح کلان و به شکل تحلیلی و عمیق مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در این کتاب سعی شده است با استفاده از مدارک معتبر و منابع دست اول، روایتی صحیح و تحلیلی واقع بینانه و بی طرفانه از این واقعه ی بزرگ تاریخ هشت ساله دفاع ملت بزرگ و انقلابی جمهوری اسلامی ایران ارائه گردد. بدیهی است چنانچه روزی دسترسی به همه اسناد و مدارک رژیم بعثی عراق امکان پذیر شود آنگاه بهتر و دقیق تر می توان به ارزیابی و تحلیل این حادثه بزرگ پرداخت.

### تعاریف و اصطلاحات

#### (۱)-تعریف لغوی جنگ

واژه جنگ در لغت نامه های فارسی به معنی جدال، قتال، هرگونه کوشش و کشش، نبرد، رزم و آورد، زدوخورد، کشتار جمعی یا هرگونه درگیری خصمانه با قصد ساقط کردن یا از میدان در کردن حریف اطلاق می شود. (نوروزی، ۱۳۸۵، ص. ۲۸۶)

#### (۲)- تعاریف اصطلاحی جنگ

الف- جنگ نزاع بین یک یا چند حکومت است که ابتدا با نیروهای مسلح همراه است. هدف نهایی هر یک از طرفین غلبه بر دیگری و تحمیل شرایط مورد نظرش برای برقراری صلح است. (حسینی، ۱۳۶۶، ص. ۸)

ب- جنگ عبارت است از برخورد خشونت آمیز نیروهای مسلح دو یا چند دولت پس از به بن بست رسیدن راه حل‌های سیاسی به منظور تحمیل اراده یکی بر دیگری. (پیری، ۱۳۷۲، ص. ۱۳)

### (۳)- تعریف لغوی دفاع

دفاع از ریشه دَفَع می‌آید. یعنی عقب راندن، پس زدن

### (۴)- تعاریف اصطلاحی دفاع

تدابیری که برای مقاومت در مقابل حملات سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی، روانی و فناوری توسط یک یا چند کشور مؤتلفه اتخاذ می‌شود را دفاع می‌گویند. توانایی‌های دفاعی بازدارندگی را تقویت می‌کنند و بازدارندگی نیز به این توانایی‌ها نیرو می‌بخشند. هم‌چنین به حفظ و حمایت از ارزش‌هایی نظیر زندگی، مالکیت، آزادی، هویت ملی و تمامیت ارضی در برابر تهدیدات گوناگون، داخلی و خارجی و یا ساختاری دفاعی تلقی می‌گردد. (نوروزی، ۱۳۸۵، ص. ۳۴۴)

### (۵)- تعریف لغوی جهاد

«جهاد» از ریشه «جَهَد» یا «جَهْد» به معنای زحمت و مشقت یا توان، طاقت، کوشش و تلاش بسیار توأم با سختی است.

### (۶)- تعریف اصطلاحی جهاد

جهاد از منظر فقها و اسلام‌شناسان جایگاه ویژه‌ای دارد. مشخصه‌ی بارز جهاد حرکت در راه خدا است در این باره آیت الله حسین نوری بر این باور است که :

از لحاظ شرع و فقه اسلامی جهاد عبارت است از ایثار جان و مال در راه اعتلای پایگاه اسلام و پایداری در راه اقامه‌ی شعائر دینی با تحمل مشکلات در برابر طوفان حوادث (نوری، ۱۳۷۷، ص. ۲۱)

شهید مطهری نیز جهاد را ماهیتاً امری دفاعی می‌دانند و بر این اعتقادند که جهاد، فقط به عنوان دفاع و در واقع مبارزه با یک نوع تجاوز (تهاجم) است... ایشان جنگ برای استخدام نیروهای اقتصادی یا انسانی یک قوم را از نظر اسلام روا نمی‌دانند. (مطهری، ۱۳۶۸، ص. ۳۹)

### (۷)- تعریف دفاع مقدس

مجموعه مجاهدت ها، حماسه ها، پایمردی ها و فعالیت های متنوعی که ملت شریف و مسلمانان ایران و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در طول ۸ سال (۲۸۹۵ روز) در برابر تهاجم رژیم بعث عراق به خاک ایران اسلامی انجام داده و در این امتحان الهی سربلند و پیروز بیرون آمدند. (نوروزی، ۱۳۸۵، ص. ۳۴۶)

## انواع جنگ

جنگ براساس معیارهای مختلف به چند قسم تقسیم می شود:

- ۱- براساس هدف: به جنگهای عادلانه و غیر عادلانه.
- ۲- براساس مقیاسهای جغرافیایی: به جنگهای محلی، منطقه ای، فرامنطقه ای و جهانی (عمومی).
- ۳- بر مبنای انضباط و تاکتیک: به جنگهای منظم (کلاسیک) و نامنظم (چریکی).
- ۴- براساس سطح جغرافیایی: به جنگهای دریایی، هوایی، زمینی.
- ۵- براساس قلمرو: به جنگهای داخلی و خارجی.
- ۶- بر مبنای نوع ابزار: به جنگهای متعارف (غیر هسته ای) و نامتعارف (هسته ای) تقسیم می شود. (نطاق پور نوری، ۱۳۸۶، ص. ۳۶)

## انواع جهاد

اندیشمندان جهان اسلام جهاد را در دو نوع ابتدایی و دفاعی مورد مطالعه قرار دادند. جهاد ابتدایی علی رغم همه ی مطالبی که دشمنان و کینه توزان درباره ی تکیه ی اسلام بر خشونت گفته اند افقی برتر از انتقام جویی دارد دفاع از حقوق بشر و نفعی و پیشگیری از ظلم و ستم و فتنه و فساد و دفاع از تمامی پایگاه ها و سنگرهای انسانی طرح کلی مسیری است که جهاد ابتدایی در اسلام در آن گام می سپارد (نوری، ۱۳۷۷، ص. ۴۲۶)

مرحوم صاحب جواهر می گوید: «جهاد با کفار یا بدان جهت است که آنان را از ستمگری و حمله به مسلمین و قلمرو اسلام بازدارند و یا به خاطر کشانیدن آنان به سوی اسلام است. (همان، ص: ۴۳۰)

نوع دوم جهاد همان جهاد تدافعی است که موضع شهید مطهری در این خصوص به طور مبصوتی در کتاب جهاد ایشان بیان شده است. ایشان می گویند: از منظر اسلام المقتول دون اهل و عیاله شهید. یعنی کسیکه در مقام دفاع از مالش و از ناموسش کشته بشود از نظر اسلام شهید است. پس دفاع از ناموس هم مانند دفاع از جان و مال است بلکه بالاتر است دفاع از شرافت است دفاع از استقلال برای

یک ملت قطعاً امری مشروع است پس در صورتی که یک قوم بخواهند استقلال قوم دیگری را بگیرند و آنها را تحت قیومت خودشان قرار بدهند و این ملت بخواهد از استقلال خودش دفاع کند و دست به اسلحه برد کاری مشروع و بلکه ممدوح و قابل تحسین انجام داده است. (مطهری، ۱۳۶۸، ص. ۴۰)

از منظر پیامبر گرامی اسلام (ص) جهاد به دو قسمت تقسیم شده است جهاد اکبر و جهاد اصغر.

جهاد اکبر : مبارزه با نفس و هواهای نفسانی. جنگ با دشمن درونی.

جهاد اصغر : جهاد و جنگ با دشمن خارجی و بیرونی. (باباپور، ۱۳۸۹: ۲۷)

## اهداف جنگ

جنگ بین کشورهای متخاصم دارای اهدافی است که در راستای هدف کلی، یک کشور برای خود ترسیم می نماید که در اینجا به اهم آنها اشاره می نمایم.

جنگ با هدف تصرف سرزمین و کشور گشایی.

جنگ با هدف تحمیل اراده ی سیاسی و یا جلوگیری از تحمیل اراده ی یکی بر دیگری.

جنگ با هدف قدرت طلبی و جاه طلبی رهبران سیاسی.

جنگ با هدف دفاع از سرزمین، مملکت و ناموس.

جنگ با هدف تحقق حقوق بین المللی.

جنگ با هدف دستیابی به منابع و ذخایر یک کشور.

جنگ با هدف احیای دین. (جمشیدی، ۱۳۸۰، ص. ۵۹۰)

## علل وقوع جنگ

(۱) - **علل مادی** : هر یک از ابزارهای مادی که برای آغاز و یا ادامه ی جنگ به کار می رود، اگر با انگیزه ها و هدفهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و مانند آن همراه باشد، در آن صورت علل مادی جنگ را تشکیل خواهند داد.

(۲) - **علل سیاسی** : برخی عقیده دارند، هر گاه سیاست توانایی خود را در حل و فصل اختلافات از دست بدهد، جنگ آخرین وسیله‌ای است که برای دستیابی به اهداف سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

(۳) - **علل اقتصادی**: تلاش برای دستیابی به امکانات اقتصادی، منابع زیرزمینی، از بین بردن منابع تجاری و گمرکی و مانند آن، از علل اقتصادی جنگ معرفی شده‌اند. (تافلر & تافلر، ۱۳۷۲، ص. ۱۱)

(۴) - **علل معنوی**: انسان هایی که به خدا ایمان دارند تنها به انگیزه های اقتصادی، سیاسی و مانند آن به جنگ نمی پردازند. به این معنی که یک انسان با ایمان، انگیزه های فوق را تحت الشعاع انگیزه های الهی قرار می دهد. در واقع در دیدگاه الهی، جنگ برای برداشتن عضو فاسد از پیکره ی اجتماع یا به منظور نابود کردن عقایدیک حیات مادی و معنوی انسان های دیگر را تهدید می کند و یا برای نجات تعدادی از انسان هایی که در بند ظلم و ستم هستند، صورت می گیرد. (آجرلو، ۱۳۸۸، ص. ۳۶)

### برخی از دلایل وقوع جنگ ها

به طور کلی می توان گفت: عواملی که موجبات تعارض و اختلاف میان دو یا چند سیستم حکومتی را فراهم نموده و زمینه ساز تهدیدات بوده و سایه یک جنگ را ظاهر می سازند بشرح زیر می باشند:

- اختلافات مرزی و دعاوی ارضی .
  - بحرانهای مختلف ( داخلی - خارجی ).
  - مسابقه تسلیحاتی .
  - تضادهای ایدئولوژیکی .
  - مسائلی مانند تروریسم، حقوق بشر و مسائل زیست محیطی.
  - ادعای سیاست واحد بر آبراههای بین المللی استراتژیک و یا بستن آن .
  - بهره برداری از منابع و ثروت دریاها و اقیانوسها .
  - انتقال قدرت تکنولوژیکی به کشورهای همجوار .
  - حمایت از جنبش های مذهبی و نهضت های رهایی بخش .
  - عزم و تصمیم یک دولت به جنگ .
  - اقدامات پنهانی از طریق سفارتخانه ها و استفاده از عوامل داخلی هواخواه در کشور رقیب .
  - ادعای باز پس گیری ایالات و مناطق از دست رفته در جنگهای گذشته و کسب اعتبار سیاسی .
- انجام اقدامات خرابکارانه و زمینه سازی براندازی در کشور رقیب .  
بدست آوردن مستعمراتی بمنظور داشتن بازار فروش محصولات و منبع مواد خام . (تافلر & تافلر، ۱۳۷۲، ص. ۱۱)



## جنگ و دفاع از منظر حضرت امام خمینی<sup>(ع)</sup>

امام خمینی<sup>(ع)</sup> به عنوان مرجع عالیقدر شیعیان و رهبر امت اسلامی جهان و صاحب نظر برجسته در اندیشه‌ی نظامی و دفاعی و هم به عنوان فرمانده‌ی کل نیروهای مسلح پس از پیروزی انقلاب اسلامی و هم به عنوان رهبری کننده‌ی یکی از بزرگترین جنگ‌های جهان، ضمن تاکید بر اصل تدبیر در جنگ، اصولی چند را مورد نظر قرار داده است. برخی از این اصول عبارتند از:

(۱) - ایمان به هدف متعالی و مقدس «جهاد فی سبیل الله»

(۲) - اطاعت از فرماندهی.

(۳) - اتکا بر مردم (مردمی بودن جنگ).

(۴) - اصل اخلاق جنگی و اخلاق در جنگ.

(۵) - وحدت نیروهای مسلح و نیز بین قوای نظامی و مردمی.

(۶) - جنگ اعتقادی (جنگ در راه آرمان و اعتقادات والا).

(۷) - توجه به اسلحه و تکنولوژی به مثابه‌ی ابزار.

(۸) - سلاح و صلاح (اسلحه باید در دست انسان صالح باشد).

(۹) - نفی جنگ هسته‌ای و تکیه بر جنگ متعارف.

(۱۰) - نفی هر گونه سلطه‌ی غیر خدایی.

(۱۱) - نگرش تکلیفی و مسئولیتی.

(۱۲) - تکیه بر نقش اساسی انسان.

(۱۳) - باور، اراده و عمل.

(۱۴) - نفی یأس و نومیدی.

(۱۵) - استفاده از تجارب دیگران.

(۱۶) - اطلاعات و آمادگی و برنامه ریزی.

(۱۷) - جنگ حق و باطل.

(۱۸) - اسلام و کفر. (جمشیدی م.، ۱۳۸۳، ص. ۵۹۹)

## جنگ و دفاع از منظر مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه‌ای (مد ظله العالی)

«قدرت‌های بزرگ ریاکارانه این جنگ را که بر ما تحمیل شده بی‌معنا می‌نامند و این در حالی است که خود همواره از آغازگر متجاوز آن حمایت نظامی، سیاسی و اقتصادی کرده‌اند. شک نیست که به راه انداختن چنین جنگی همواره بی‌معناست، ولی آنان تا وقتی هنوز متجاوز از دست

یافتن به هدفهای شومش مأیوس نشده بود چنین تعبیری نمی کردند. اما امروز این جنگ برای ملت ما دارای معنایی بسیار مهم است. کوشش مجاهدت‌آمیز و فداکارانه برای سوزاندن ریشه‌ی تجاوز و اثبات این که یک ملت قادر است که علی‌رغم خواست قدرتهای بزرگ از انقلاب و ثبات و شرف خود دفاع کند. ملت ما با فداکاری و ایثار خود در حال شکستن و ابطال معادله‌ای است که همیشه مشوق تجاوز و جنگ بوده است، و آن معادله این است که تکیه بر سلاح پیشرفته و تکیه بر حمایت قدرتها تضمین‌کننده‌ی موفقیت است. ملت ایران در مدت این هفت سال پاسخ به سؤال بزرگی را جستجو کرده است.»

(سخنرانی مقام معظم رهبری در چهل‌ودومین مجمع عمومی سازمان ملل، نیویورک، ۱۳۶۶/۰۶/۳۱)

به طور کلی آموزه‌های دفاع مقدس از نظر معظم له به شرح زیر می باشد :

- ۱- جنگ تدافعی و دفاعی
- ۲- دفاع از حق و حقیقت
- ۳- دفاع از آرمانها و هدفها
- ۴- جنگ طلب نبودن
- ۵- والاترین ارزشها دفاع است
- ۶- عمق بخشی دفاعی
- ۷- دفاع همگانی
- ۸- دفاع، حق انسانی
- ۹- لزوم تفکر دفاعی
- ۱۰- عقلی بودن دفاع
- ۱۱- بسیج و دفاع
- ۱۲- بسیج و دفاع از اسلام و انقلاب
- ۱۳- حضور زنان در دفاع
- ۱۴- دفاع مردمی
- ۱۵- هویت و غیرت ملی
- ۱۶- دفاع از هویت ملی
- ۱۷- دفاع از اسلام.

## آشنائی با جغرافیای مناطق مرزی ایران و عراق

---

### ۱- آشنایی با موقعیت جغرافیایی ایران

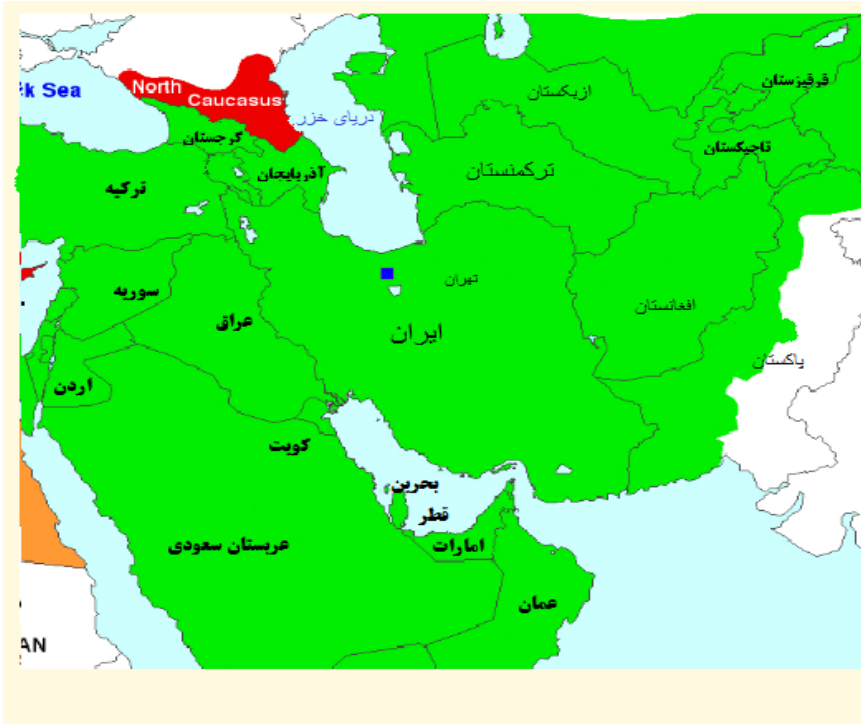
#### الف- موقعیت

سرزمین کنونی ایران که بخش عمده‌ای از فلات کبیر ایران را تشکیل می‌دهد با بیش از نود درصد از مساحت در غرب این فلات واقع شده است. (صفوی، ۱۳۸۱، ص. ۶۵) کشور ایران دارای سه امتیاز موقعیتی است:

(۱)- متصل به موقعیت بری اورا سیاست.

(۲)- به سبب دارا بودن سواحل طولانی در خلیج فارس و دریای عمان از موقعیت بحری برخوردار است.

(۳)- به لحاظ در اختیار داشتن تنگه ی استراتژیک هرمز، دارای موقعیت گذرگاهی است و روزانه ۱۸ میلیون بشکه نفت از این تنگه صادر می‌شود. (ترابی، ۱۳۷۹، ص. ۲۹)



نقشه شماره ۱- موقعیت ژئوپلیتیکی ایران

## همسایگان و مناطق مرزی ایران

پیرامون جمهوری اسلامی ایران، بالغ ۸۷۳۱ کیلومتر می باشد که ۴۱۱۳ کیلومتر مرز خشکی و ۱۹۱۸ کیلومتر آن را مرز رودخانه ای، دریاچه و باتلاق تشکیل می دهد و ۲۷۰۰ کیلومتر طول کرانه های ایران در شمال (دریای مازندران) و در جنوب (خلیج فارس و دریای عمان) می باشد. در بعضی از نقاط، مرز طبیعی این کشور با مرز سیاسی آن منطبق است. در بسیاری از موارد خطوط مهم مرزی، بین مرز طبیعی و سیاسی انطباق وجود ندارد. بطور کلی مرز طبیعی ایران شامل همه فلات ایران است. مرزهای ایران در دریای آزاد در جنوب کشور و در خلیج فارس واقع است و از دهانه های فاو تا بندرعباس ۱۲۵۹ کیلومتر (به خط مستقیم) امتداد دارد.

مرز سیاسی در این حوزه از ساحل، ۱۲ مایل دریایی است. جزایر نیز هر یک ۶ مایل مرز دریایی دارند. بجز جزیره ی فارسی که مرز آن روی خط منصف بین ایران و عربستان قرار دارد و در کنار آن

جزیره‌ی عربی مربوط به عربستان واقع شده است که اگر ۶ مایل مرز دریایی برای این دو جزیره در نظر گرفته شود، خط مرزی روی این جزیره قرار می‌گیرد. بر اساس توافق ایران و عربستان، مرز مشترک، حد فاصل بین این دو جزایر است.

در دریای عمان از بندرعباس تا دهانه‌ی خلیج گواتر ۷۸۴ کیلومتر مرز به صورت خط مستقیم است. مرز سیاسی آن ۱۲ مایل و مرز اقتصادی با کشور عمان ۵۰ مایل است و بقیه‌ی دریا بین المللی است.

در دریای بسته نیز کشور ایران در دریای مازندران با همسایگان خود ۶۵۷ کیلومتر مرز مشترک دارد و بر اساس قرارداد ۱۹۴۲ بین ایران و شوروی هر کشور تا ۱۰ مایل مرز سیاسی و حق انحصاری اقتصادی دارد و بقیه‌ی دریا، مشترک است. پس از فروپاشی شوروی و استقلال کشورهای آسیای مرکزی این دریا بین ایران، آذربایجان، روسیه، ترکمنستان و قزاقستان مشترک است. مرزهای غربی ایران با عراق از دهانه‌ی فاو تا دالامپرداغ، ۱۶۰۹ کیلومتر است که ۸۴ کیلومتر آن در اروندرود بر اساس خط تالوگ قرار دارد و از دهانه‌ی فاو تا نهرخین تداوم می‌یابد. بقیه‌ی مرز مشترک بین این دو کشور، مرز خشکی است که از لحاظ شکل متنوع‌ترین مرز سیاسی است.

در منطقه‌ی قصر شیرین و نفت شهر، به صورت محدب و در دره‌ی شیلر، بین کردستان ایران و عراق که بانه را از مریوان جدا می‌کند، مرز به شکل مقعر و در جلگه خوزستان مرز به صورت خط مستقیم است. کشور ترکیه نیز از همسایگان غربی ایران است که از دالامپرداغ تا قره سوی سفلی و ارس ۴۸۶ کیلومتر مرز مشترک بین این دو کشور وجود دارد.

مرزهای شمالی ایران نیز از پورآلان تا آستارا، ۷۶۷ کیلومتر آن با آذربایجان و ۴۰ کیلومتر با ارمنستان است و از خلیج حسین قلی تا دهانه‌ی ذوالفقار ۱۲۰۶ کیلومتر بقیه بین ایران و ترکمنستان مرز مشترک وجود دارد.

در شرق ایران کشورهای افغانستان و پاکستان واقع شده اند که از دهانه‌ی ذوالفقار تا کوه ملک سیاه ۹۴۵ کیلومتر با افغانستان و از کوه ملک سیاه تا دهانه‌ی خلیج گواتر ۹۷۸ کیلومتر با کشور پاکستان مرز مشترک است. (صفوی، ۱۳۸۷، ص. ۷۷-۷۹)

با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی ایران، نسبت به حوزه‌های ژئوپلیتیکی مجاور و تأثیر آن حوزه‌ها بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، ایران از یک موقعیت برتری نسبت به کشورهای اطراف خود برخوردار است. در واقع می‌توان گفت ایران به عنوان یک بازیگر، با توان ژئوپلیتیکی بالادر تمام-حوزه‌های ژئوپلیتیکی مجاورش حضور دارد و در پیدایش تشکلهای منطقه‌ای و فعال شدن حوزه‌های

ژئوپلیتیکی مجاور و درکارکردهای حوزه‌های ژئوپلیتیکی نقش و سهم مهمی می‌تواند داشته باشد و فرایندهای سیاسی حوزه‌های مجاور را شکل بدهد.

حوزه‌های ژئوپلیتیکی مجاور ایران تفاوت‌ها و مشابهت‌هایی با ایران دارند و ایران با تمام این حوزه‌های ژئوپلیتیکی می‌تواند دارای مشابهت و تجانس‌ها و دارای روابط مشترکی باشد. (صفوی، ۱۳۸۷، ص. ۷) نقشه شماره ۱- موقعیت ژئوپلیتیکی ایران را نشان می‌دهد.

### ب- وسعت و شکل

کشور ایران با وسعتی در حدود ۱/۶۴۸/۱۹۵ کیلومتر مربع، از گسترش قابل ملاحظه‌ای برخوردار است و از این حیث شانزدهمین کشور جهان است. (حریریان، ۱۳۷۷، ص. ۲) از لحاظ شکل جغرافیایی، چهار ضلعی نامنظمی است که بزرگترین قطر آن در جهت شمال غربی به جنوب شرقی (از آرات تا خلیج گواتر) در حدود ۲۲۵۰ کیلومتر و قطر کوچک آن در جهت شمال شرقی به جنوب غربی (از سرخس تا دهانه ی ارونرود) در حدود ۱۴۰۰ کیلومتر است. (صفوی، ۱۳۸۷، ص. ۷۹)

### ج- جمعیت

طبق اعلام سایت مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰ جمعیت ایران را به تعداد ۶۶۹،۱۴۹،۷۵ میلیون نفر اعلام نموده است.<sup>۱</sup>

### د- وضعیت توپوگرافی

بخش وسیعی از مساحت ایران پوشیده از کوه‌های بلند مانند البرز و زاگرس است که در طول صدها کیلومتر مانند دیواری بلند کشیده شده‌اند. این سرزمین با مساحت و ارتفاع متفاوت، در میان رشته‌کوه‌ها بی در محل کوهپایه‌ها و مجاور دریاها و دریاچه‌ها وجود دارند. جلگه‌های ساحلی شمال و جنوب، دشت لوت و دشت کویر، نمونه‌هایی از سرزمین‌های هموار به شمار می‌رود. (شایان، ۱۳۸۰، ص. ۱۶)

---

<sup>1</sup> [http://www.amar.org.ir/Portals/0/Files/abstract/1390/sarshomari90\\_nahaii.pdf](http://www.amar.org.ir/Portals/0/Files/abstract/1390/sarshomari90_nahaii.pdf)

## ه- آب و هوا

موقعیت جغرافیایی ایران در نیمکره ی شمالی و واقع شدن آن در منطقه ی معتدله و کمربند صحرایی زمین، زیر ساختی چهارفصل و نیز صحرایی به آن بخشیده و تحت تأثیر عوامل درونی و ساختار اقلیمی خاصی را به وجود آورده است. اقلیم ایران به طور مشخص تحت تأثیر چهارعامل عمده جغرافیایی قرار دارد: ۱- عرض جغرافیایی ۲- ارتفاعات ۳- موقعیت جغرافیایی ۴- توده های هوا با منشأ بیرونی. در اثر ترکیب این عوامل، الگوهای اقلیمی متنوعی در ایران پدید آمده است. (حافظ نیا، ۱۳۸۱، ص. ۸۰)

باتوجه به صحنه های عملیاتی جنگ ایران و عراق که در مناطق غربی ایران شکل گرفته لذا جغرافیای نظامی استان های شمال غرب، غرب و جنوب غربی ایران مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است.

## ۲- آشنایی اجمالی با جغرافیای استان های مناطق مرزی ایران با عراق

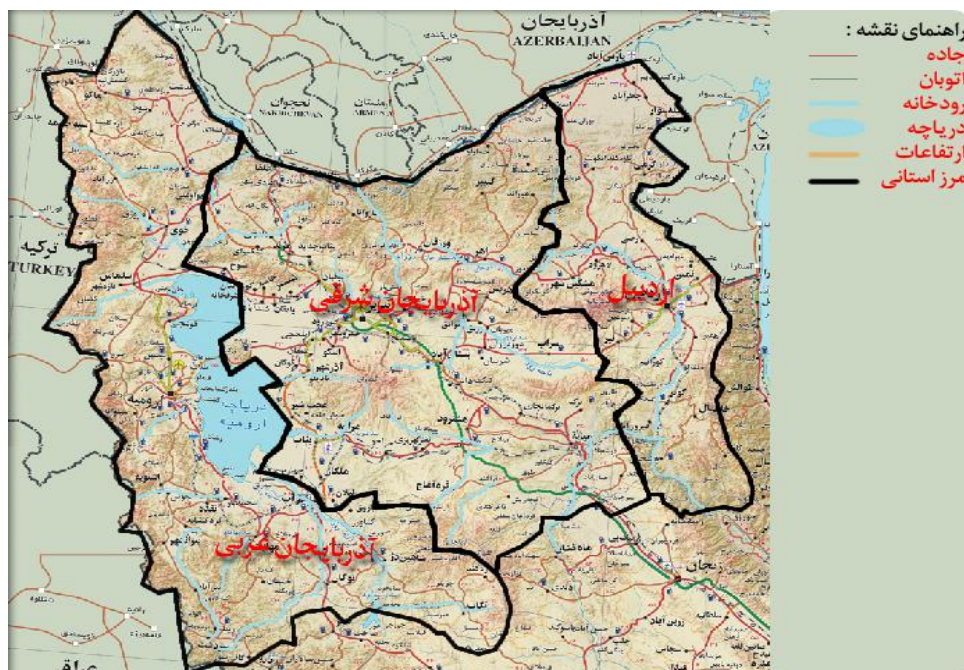
### الف- جغرافیای منطقه شمال غربی

#### (۱)- موقعیت طبیعی

آذربایجان در شمال باختری ایران یکی از مناطق حساس و مرتفع کشور است. مجاورت با همسایگان (جمهوری آذربایجان، ارمنستان، ترکیه و عراق) و وجود عوارض حساس و پراهمیت در مجاورت این منطقه چه در داخل و چه در خارج، از نظر عملیات نظامی فوق العاده با ارزش می باشد. (عزتی، ۱۳۷۲، ص. ۳۱)

#### (۲)- وضعیت مناطق مرزی

(الف)- مرز با جمهوری های آذربایجان، ارمنستان و جمهوری خود مختار نخجوان محل تلاقی قره سوی سفلی و ارس مرز مشترک ایران و جمهوری های یادشده و ترکیه است. **Error!** Reference source not found. را به تصویر کشیده است:



نقشه شماره ۲ - جغرافیای منطقه ی شمال غربی ایران

- (ب) - مرز با کشور ترکیه و عراق: مرز ایران در آذربایجان باختری از خط الرأس ارتفاعات عبور کرده و از لحاظ عملیاتی می توان آن را به سه بخش تقسیم کرد:
- ((۱)) - از ترمچین تا دالامیرداغ ( نقطه مرز مشترک ایران، عراق، ترکیه)
- ((۲)) - از دالامیرداغ تا دره ی قطور.
- ((۳)) - از دره ی قطور تا دارکلان (دیم قشلاق) (همان، ۳۳)
- آذربایجان به وسیله ی ارتفاعات مشخصی استخوان بندی شده و یک منطقه ی کوهستانی را تشکیل داده است. این ارتفاعات شامل: قره داغ - سیلان داغ و میشو داغ - بزغوش داغ و سهند - ارتفاعات قافلانکوه - رشته ارتفاعات طالش و ارتفاعات آرارات می باشد. (صغوی، ۱۳۸۴، ص. ۴۹)
- در این منطقه ایلات و عشایر مختلف از جمله شاهسون ها و اکراد وجود دارند که اکراد در کوه های باختری جنوبی منطقه سکنی دارند که تیره های عمده آنها شامل: (جلالی در ناحیه ی آرارات، میلان در منطقه ی ماکو، محال ثلاث در ناحیه ی قطور، سکال در منطقه ی سلماس، عشایر ارومیه، عشایر منطقه ی مهاباد و عشایر منطقه ی سقز و سردشت) (ودیعی، ۱۳۵۳، ص. ۵۲)



آذربایجان گرچه از لحاظ اداری سه استان را تشکیل می دهد اما از لحاظ جغرافیایی در سطح عملیاتی در حکم یک منطقه ی واحد منصوب می شود.

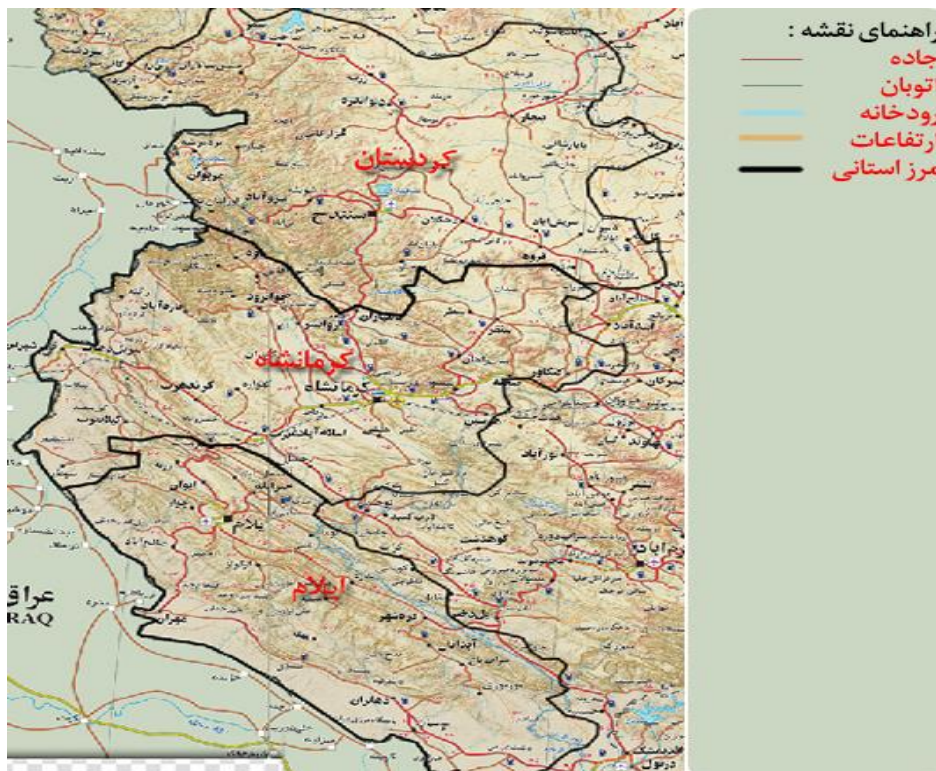
## ب- جغرافیای منطقه ی غربی ایران

### (۱) - موقعیت طبیعی

منطقه ی غربی ایران شامل استان های کردستان، کرمانشاه و قسمتی از استان ایلام می باشد. این منطقه، از شمال و شرق به آذربایجان و از جنوب به ارتفاعات کبیرکوه و در جنوب غربی ایران قرار گرفته است. طول این منطقه در حدود ۶۰۰ و عرض آن حدود ۱۵۰ کیلومتر می باشد. (عزتی، ۱۳۷۲، ص. ۴۵)

### (۲) - وضعیت مناطق مرزی

به طور کلی منطقه مرزی غرب ایران به علت کوهستانی بودن به صورت مرز محدب و معقر بوده که هر یک از مناطق مرزی در اجرای عملیات نظامی دارای نقش های متمایز می باشد و از نظر دفاعی بهترین سدهای کوهستانی را دارا می باشد. (نقشه شماره ۳ - جغرافیای منطقه غرب ایران را نشان می دهد.)



نقشه شماره ۳ - جغرافیای منطقه غرب ایران

این منطقه دارای ارتفاعات مشخصی بوده و قسمت شمال آن یک منطقه کوهستانی را تشکیل داده و قسمت جنوبی آن مناطق کم ارتفاع می‌باشد.

منطقه ی کرمانشاه منطقه‌ای است نیمه کوهستانی که بلندترین نقطه را الوند با ارتفاع ۱۵۸۰ متر در مواضع پدافندی اسدآباد در بر دارد و پست‌ترین منطقه در باختر مواضع پاتاق است. (صفوی، ۱۳۸۴، ص. ۱۲۳)

مهم ترین عارضه منطقه ی ایلام رشته ارتفاع کبیرکوه می‌باشد این رشته ارتفاعات، ارتفاعات منظم و عظیمی است و ستون فقرات منطقه را تشکیل می‌دهد که به طول تقریبی ۲۰۰ کیلومتر و به عرض متوسط ۶۰ الی ۷۰ کیلومتر می‌باشد. (صفوی، ۱۳۸۴، ص. ۱۳۳)

جمعیت منطقه ی غرب کشور بر اساس آمار سال ۱۳۷۵ عبارت‌است از کردستان ۱۳۴۸۳۸۳ نفر، کرمانشاه ۱۷۷۸۵۹۶ نفر، ایلام ۴۷۷۸۸۶ نفر که از این تعداد در حدود ۵۳٪ ساکن در نقاط شهری و

در حدود ۴۵٪ در مناطق روستایی سکونت داشته و بقیه غیر ساکن می باشند. (صفوی، ۱۳۸۱، ص. ۱۳۷)

ساکنین منطقه ی غرب ایران را از لحاظ مذهب می توان به شرح زیر تقسیم کرد :  
-کردستان:در سمت شمال سنی (شافعی) و در قسمت جنوب این منطقه سنی (شافعی) و مذهب شیعه را نیز می توان دید.

-کرمانشاه : سنی، شیعه، علی الهی و سایر اقلیت های مذهبی.

-ایلام : شیعه و مذهب سنی (حنفی)،(صفوی، ۱۳۸۴، ص. ۸۴)

### ۳) اهمیت و ارزش نظامی منطقه ی غربی

این منطقه به واسطه ی موقعیت کوهستانی خود همیشه منطقه ای بسیار مشکل و پر زحمت برای عملیات نظامی محسوب شده است.

## ج- جغرافیای منطقه ی جنوب غربی ایران

### (۱) - موقعیت طبیعی

استان خوزستان در جنوب غرب ایران و خارج از سد کوهستانی قرار گرفته است. جلگه ای صاف و بی عارضه به شمار می رود و در وسط جلگه فقط یک رشته ارتفاع خیلی پست که ارتفاع آن از صد متر متجاوز نیست دیده می شود. این ارتفاع کم اهمیت، یگانه نقطه ی برجسته و یگانه ارتفاع قابل توجه این جلگه محسوب می شود.

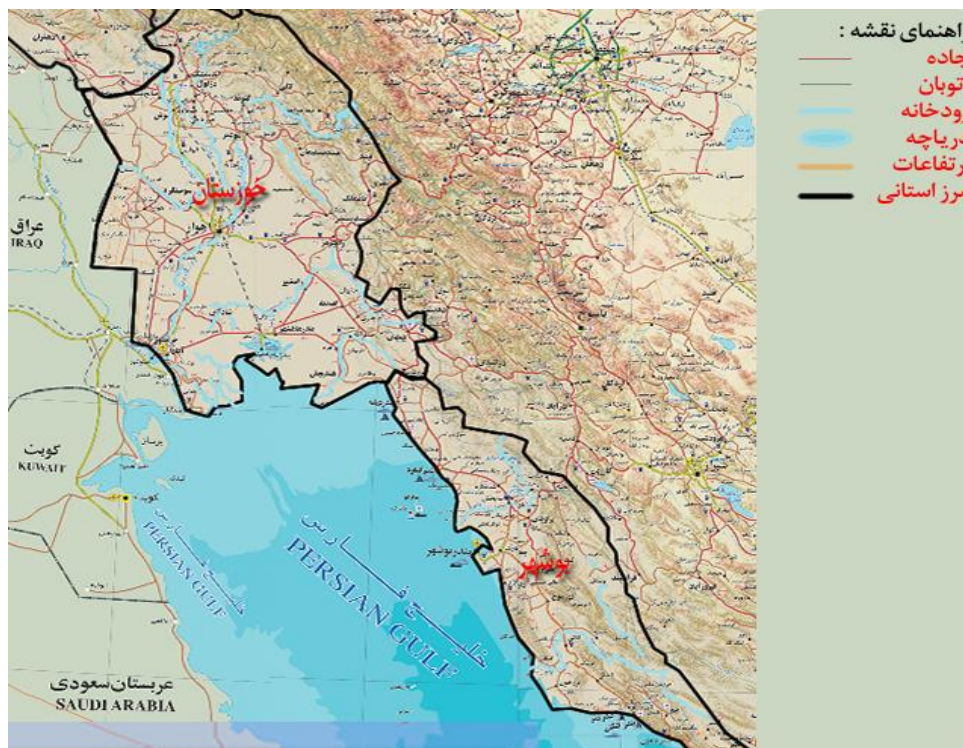
مساحت منطقه ی خوزستان در حدود ۶۶/۵۳۲ کیلومتر مربع است. (صفوی، ۱۳۸۴ : ۱۴۲)  
حداکثر طول آن در حدود ۳۰۰ کیلومتر بین اندیشمک و دهانه ی اروندرود و عرض آن در حدود ۲۰۰ کیلومتر بین خرمشهر و بهبهان است. (همان: ۱۵۶)

### (۲) - وضعیت مرزی منطقه ی جنوب غربی

منطقه ی خوزستان با عراق ۶۳۰ کیلومتر مرز مشترک دارد که از این مقدار ۴۲۰ کیلومتر مرز زمینی و ۲۱۰ کیلومتر مرز دریایی است. براساس آنچه در **Error! Reference source not found.** می توان ملاحظه نمود.

مرز خشکی منطقه ی خوزستان با عراق به ۴ بخش متمایز تقسیم می شود :

- (الف) - از خلیج فارس تا محل تلاقی نهر خین و اروندرود.
- (ب) - از محل تلاقی نهر خین و اروندرود تا پاسگاه ژاندارمری حدود.
- (ج) - از پاسگاه مرزی حدود تا پاسگاه مرزی طلاییه.
- (د) - هورالعظیم : این هور که در مواقع بارندگی و بالا آمدن آب دجله سطح آب هور نیز بالا آمده و جنوب آن حدود پاسگاه مرزی طلاییه و شمال آن به نواحی جنوبی بستان می‌رسد. سرتاسر هور پوشیده از نی و گیاهان مردابی است، فقط در تابستان ها آب هور تبخیر شده و بارندگی نیز کم می‌شود. (عزتی، ۱۳۷۲، ص. ۹۹-۱۰۰)



نقشه شماره ۴ - جغرافیای منطقه ی جنوب غربی ایران

خوزستان تقریباً ۲۱۰ کیلومتر مرز دریایی با عراق دارد. (همان : ۱۰۰)

مرز ایران در آب های جنوب، تابع مقررات کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق بین الملل دریاهاست که بر اساس خط مبدأ تعریف شده از سوی ایران، تا عمق دوازده مایلی آب ها، دریای سرزمینی محسوب می شوند. (حافظ نیا، ۱۳۸۱، ص. ۳۰۹)

ارتفاعات مرزی در استان خوزستان شامل ارتفاعات حمرین است که در مرز قرار دارند و ارتفاعات تینه، برقازه، میشداغ، رقابیه و ارتفاعات الله اکبر که تا شمال بستان نیز ادامه دارد و به نواحی مرکزی در استان خوزستان، ارتفاعات پست و پراکنده ی اطراف شهر اهواز و حمیدیه قرار دارند.

### (۳) - محورهای وصولی منطقه ی جنوب غربی

(الف) - تهدید از طرف دریا : محور دریا محوری است که کشتی های جنگی و خارجی با تناژ بالا قادر به عملیات و تردد در این منطقه هستند. محور تهدیدهای خارجی در این منطقه به دو شاخه تقسیم می شوند : ۱- محور خور موسی و بندر امام خمینی<sup>(۶)</sup> ۲- محور اروندرود و دهانه فاو. (ب) - تهدید از طریق عبور از رودخانه به دو شاخه تقسیم می شوند: ۱- محور دهانه ی فاو و اروندرود تا خرمشهر. ۲- محور طلائیه تا جزایه. (ج) - منطقه ی عبور از خشکی به دوشاخه تقسیم می شوند : ۱- محور شلمچه تا طلائیه. ۲- محور جزایه تا موسیان.

محور چیلات، دهلران : این محور در بالای موسیان واقع شده و جزو استان ایلام محسوب می شود اما در این منطقه قابل بررسی است و می تواند یک محور عملیاتی محسوب شود. (صفوی، ۱۳۸۴ : ۱۶)

شبکه آبهای مهم منطقه جنوب غربی ایران شامل رودخانه ی کارون، کرخه، جراحی، شاپور، دویرج، بالارود، هندیان و اروندرود می باشد. مردم منطقه از نظر نژاد، ایرانی اصیل و از قوم پارت هستند اما به مرور زمان در اثر کوچ نژادهای مختلف، طوایف متعددی به وجود آمده اند. (همان، ص ۱۷)

### (۴) - اهمیت و ارزش نظامی منطقه ی جنوب غربی

کوهستان شمالی خوزستان به علت ارتفاع زیاد به سختی قابل دور زدن می باشد و عدم وجود معابر نفوذی زیاد هرگونه عمل نظامی عمیق را غیرممکن می سازد. (عزتی، ۱۳۷۲، ص. ۱۰۳)

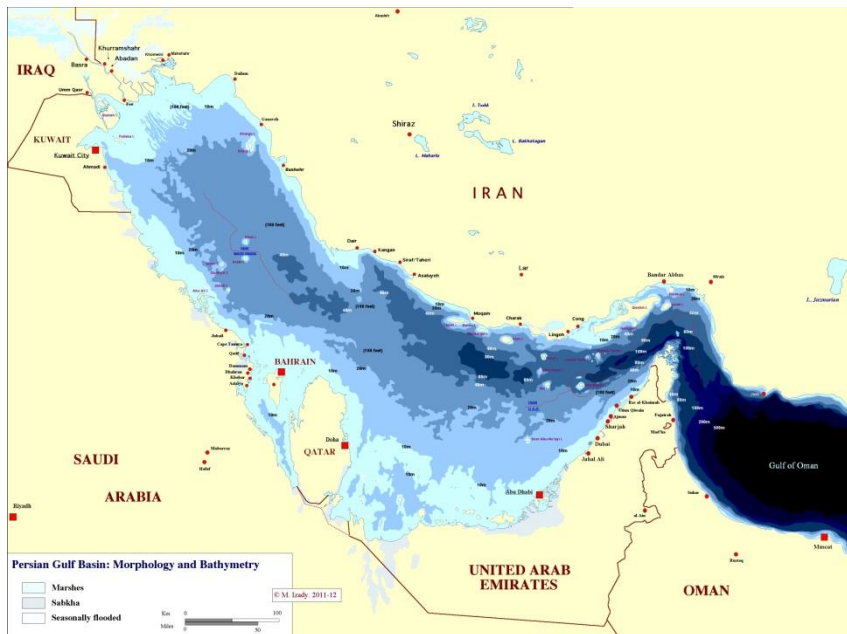
## د- شناخت کلی منطقه ی خلیج فارس و جزایر آن

موقعیت خلیج فارس به نحوی است که در تمامی استراتژی های غرب و شرق به نحوی این آبراه بزرگ دریایی خودنمایی می کند. پس شناخت آن و بهره برداری صحیح از امکانات نظامی و اقتصادی آن رابطه ی مستقیمی با ثبات سیاسی و امنیت کشور ما دارد.

خلیج فارس دریای کم عمقی است که در حاشیه ی غربی اقیانوس هند واقع شده و بین شبه جزیره ی عربستان و جنوب ایران قرار دارد. مساحت آن حدود ۲۳۹۰۰۰ کیلومتر مربع است. طول آن از دهانه ی شط العرب (اروند رود) تا تنگه ی هرمز که به دریای عمان می پیوندد قریب ۱۳۷۵ کیلومتر و عرض آن بین ۱۸۰ تا ۲۵۰ کیلومتر متغیر است و وجود تخته سنگ هایی در زیر آب باعث عدم نزدیک شدن به سواحل می شود عمیق ترین محل در قسمت جنوبی تنگه ی هرمز نزدیک رأس المسندم (۱۸۲ متر) است. (کامران، ۱۳۸۱، ص. ۲۶)

بنادر مهم ساحل شمالی خلیج فارس عبارتند از : میناب، بندرعباس، بندرلنگه، بندرکلات، بندر بوشهر، بندر امام، بندر آبادان و بندر خرمشهر.

جزایر ایران در خلیج فارس عبارتند از : جزایر خارک و خارکو، جزیره ی لاوان (شیخ شعیب)، جزایر فارور بزرگ و کوچک، جزیره ی کیش، جزایر تنب بزرگ، تنب کوچک، ابوموسی، هندورابی، سیری، جزیره ی قشم، جزیره ی هنگام، جزیره ی هرمز، جزیره ی لارک و جزیره ی فارسی (بدیعی، ۱۳۶۲، ص. ۶۵) نقشه شماره ۵ - جزایر ایران در خلیج فارس و موقعیت سواحل خلیج فارس را نشان می دهد.



نقشه شماره ۵ - جزایر ایران در خلیج فارس

## ۳- شناخت محیط عراق

### الف- موقعیت و وسعت

عراق بین ۳۶/۵ - ۲۹ درجه عرض شمالی و ۴۸ - ۳۸ درجه طول شرقی قرار دارد. این کشور از جنوب با کشورهای کویت و عربستان، از سمت غرب با اردن و سوریه، از شمال با ترکیه و از شرق با جمهوری اسلامی ایران همسایه است. سرزمین عراق در جنوب غربی آسیا و جنوب غربی فلات ایران واقع شده است. (صفوی، ۱۳۸۱، ص. ۱۹۸)

موقعیت استراتژیکی عراق که در تقاطع سه قاره قرار گرفته و ویژگی های خاص جغرافیایی آن، نقش عمده‌ای در تاریخ این کشور به عهده داشته است. (مار، ۱۳۸۰، ص. ۳۶)

وسعت عراق ۴۳۴۹۲۴ کیلومتر مربع می‌باشد که از آن مقدار ۴۹۱۰ کیلومتر مربع مرز آبی شامل دریاچه‌ها و باتلاق‌ها و سایر پهنه‌های آبی می‌باشد. (صفوی، ۱۳۸۴، ص. ۱۹۸) عراق در میان همسایگان پیرامونی خود از نظر وسعت بعد از کشورهای عربستان سعودی، ایران و ترکیه در جایگاه چهارم قرار می‌گیرد. در سرشماری کشور عراق در سال ۱۹۸۷ میلادی جمعیت این کشور به حدود ۱۶ میلیون نفر رسیده است. (همان : ۳۰)

### ب- قومیت، دین و مذهب

در تقسیم بندی عراق به لحاظ قومی و نژادی بر روی تقسیم‌بندی زیر توافق بیشتری وجود دارد : ۸۰-۷۷ درصد عرب (بزرگترین گروه قومی) از نژاد سامی که اعظم آنها شیعه هستند، ۱۹ درصد کرد (دومین گروه بزرگ قومی) و بقیه (ترکمن‌ها و مسیحیان) که حدود ۱ تا ۲ درصد جمعیت را شامل می‌شوند آسوریان و آرامنه هم ۱ درصد و ایرانیان با حدود ۱ درصد در شهرهای مذهبی عراق ساکنند. (صفوی، ۱۳۸۴، ص. ۲۰۴)

### ج- وضعیت توپوگرافی عراق

کشور عراق از نظر توپوگرافی یک کشور جلگه‌ای و مسطح محسوب می‌شود. بیش از ۹۰ درصد قلمرو این کشور را جلگه‌ها و دشت های مسطح و نسبتاً بی عارضه تشکیل می‌دهد، فقط از جانب شمال شرقی و شمال امتداد و انتهای ارتفاعات زاگرس و ارتفاعات توروس ترکیه، به‌طور محدود توپوگرافی این کشور را به هم زده است. (صفوی، ۱۳۸۱، ص. ۲۰۱)

## د- آب و هوای عراق

آب و هوای عراق در درجه ی اول متأثر از موقعیت جغرافیایی (موقعیت ریاضی آن) می باشد و در درجه ی دوم نیز عوامل و پدیده های طبیعی، محیطی، پیرامونی و داخلی بر چگونگی اقلیم این کشور و روند وضعیت دما و رطوبت در فصول مختلف تأثیرگذار هستند. (نامی & محمدپور، ۱۳۸۷، ص. ۱۵-۱۷)

## ه- رودخانه ها و کانالهای مهم عراق

در شمال بصره در ناحیه ای بنام «القرنه» دجله و فرات به هم پیوسته و شط العرب را (اروند رود) تشکیل می دهند. (اروند رود) شط العرب تا ۸۰ کیلومتری (از قرنه تا نهرخین) در خاک عراق جریان می یابد و پس از آن با الحاق رودخانه ی کارون از نهرخین تا سواحل خلیج فارس (دهانه ی اروند رود) به نام اروند رود به طول ۸۴ کیلومتر (به طور دقیق ۹۳ کیلومتر) مرز بین المللی ایران و عراق را تشکیل می دهد. عرض آن در مواقع عادی بین ۵۰۰ تا ۷۰۰ متر و عمق آن از ۱۰ تا ۱۵ متر متغیر است. رودهای مهم عراق عبارتند از: دجله، فرات، دیاله، الوند و... (همان: ۲۴)



نقشه شماره ۶ - موقعیت جغرافیای عراق



## و- سواحل و بنادر عراق

- (۱)- سواحل : سواحل عراق در خلیج فارس از دهانه ی فاو (رأس البیشه) شروع و تا بندر - ام القصر به طول ۴۸ کیلومتر ادامه دارد.
- (۲)- بنادر : عراق با داشتن بنادر عمده ی «بصره»، «ام القصر»، «فاو» و سکوه‌های نفتی «الامیه» و «البکر»، بخش عمده‌ای از کالاهای خود را از طریق حمل و نقل دریایی جابجا می کند

## ز- بخشی از محورهای مواصلاتی عراق

- محور مریوان، پنجوین، سید صادق، سلیمانیه
- محور خسروی، خانقین، بغداد
- محور نفت شهر، نفت خانه، خانقین
- محور مهران، بدره، دیونی، عزیزیه، بغداد کوت
- محور بستان، جزابه، شیب، حلفائیه، عماره
- محور هویزه، طلاییه، نشوه، بصره
- محور خرمشهر، شلمچه، تنومه، بصره. (نوحی، ۱۳۶۶، ص. ۱۶)

## مناقشات مرزی ایران و عراق

### ۱ - از تشکیل دولت عثمانی تا دولت عراق (۱۹۲۰) میلادی

در اوایل قرن دهم هجری شاه اسماعیل صفوی موفق شد با کمک ایلات و عشایر شیعی مذهب آذربایجان و گیلان، حکومت‌های مستقل محلی و نظام ملوک الطوائفی را در گستره سرزمین ایران برانداخته و دولت مرکزی قدرتمندی را به نام صفویه در ایران تأسیس نماید. این امر از لحاظ سیاسی و مذهبی موجبات نارضایتی و ناراحتی همسایه غربی ایران یعنی امپراتوری عظیم عثمانی فراهم گردید که ادعای خلافت بر مسلمین را داشت. و مایل به قدرتمند شدن ایران در منطقه نبود و آن را رقیبی برای خود می‌پنداشت.

در نتیجه جنگ‌های خونین ایران و عثمانی که در حقیقت، جنگ تضاد منافع دو ابر قدرت منطقه‌ای بود آغاز شد که تا پنج قرن بعد و انحلال امپراتوری عثمانی که حدود ۲۴ جنگ بین این دو دولت بود، واقع شد که اولین آن نبرد معروف چالدران در ۹۱۴ هجری قمری و آخرین آن در سال ۱۲۳۸ هجری قمری (در زمان سلطنت فتحعلی شاه قاجار) رخ داد. (جعفری ولدانی، ۱۳۷۱، ص. ۱۵۸)

در این جنگ‌ها که در دوران سلسله‌های صفویه، زندیه، افشاریه و قاجاریه به وقوع پیوست هر گاه که ایران از نظر نظامی فاقد قدرت بود عثمانی‌ها پیروز شده و قسمتی از ولایات قفقاز و آذربایجان و کردستان را تصرف می‌کردند و زمانی که سپاه ایران پیروز می‌شد عثمانی‌ها را به عقب رانده و بر بین‌النهرین (عراق امروزی) و بخش‌های شرقی ترکیه امروزی تسلط می‌یافتند.

### مهمترین علل جنگ‌ها و انعقاد قراردادهای صلح و آتش‌بس و رفع اختلاف

#### بین دولت ایران و عثمانی:

الف - اختلاف سرحدی دو دولت و توسعه طلبی حکام عثمانی و چشم داشت آنها به قسمت‌هایی از خاک ایران به خصوص به ولایت گرجستان، ارمنستان، آذربایجان، کردستان و عراق و متقابلاً علاقه ی ایرانیان به عراق به خاطر مقابر ائمه مورد احترام و اعتقاد پیشینیان.

ب - اختلاف مذهبی ناشی از شیعه بودن ایرانیان و سنی بودن عثمانی‌ها که در تداوم اختلاف‌های دو کشور نقش اساسی را ایفا می‌کرد.

ج - بدرفتاری حکام و مأموران دولت عثمانی با زوار ایرانی که برای زیارت عتبات عالیات به بین‌النهرین (عراق) عزیمت می‌کردند.

د - تحریک و آتش‌افروزی کشورهای اروپایی برای برافروختن آتش جنگ بین ایران و عثمانی، به منظور تضعیف این دو ابر قدرت شرقی و تأمین امنیت و منافع خود.

ه - اوضاع نابسامان داخلی ایران در زمان‌های مختلف ناشی از بی‌ثباتی حکومت‌های استبداد و بی‌لیاقتی زمامداران.

و - پناهنده شدن امیران و شاهزادگان ناراضی و یاغی ایران و عثمانی به کشورهای و دربارهای یکدیگر.

ز - وضعیت ایلات و عشایر سرحدی و مرز نشین و بیلاق و قشلاق کردن آنها در ولایات مرزی دو کشور که برای استفاده از مراتع بین دو کشور تردد می‌کردند و بر حسب منافع خود، مکرراً ترک تابعیت و تجدید تابعیت نموده و باعث برهم خوردن روابط دو کشور می‌شدند. (همان، ۱۶۱)

همان طور که گفته شد آخرین جنگ بین ایران و عثمانی (قبل از فروپاشی آن در سال ۱۹۲۰ م)، در سال ۱۸۲۳ م (۱۲۳۸ ق) در زمان سلطنت فتحعلی شاه قاجار رخ داد که منجر به عقد قرارداد معروف (ارزروم - ۱) گردید. این قرارداد نتوانست اختلافات هفت‌گانه فوق‌الذکر را کاملاً فیصله داده و موجبات رضایت طرفین را فراهم آورد. (منصوری لاریجانی، ۱۳۸۸، ص. ۲۱)

در سال ۱۲۵۳ ق (زمان سلطنت محمد شاه قاجار) در اثر لشکر کشی علیرضا پاشا والی بغداد به محرمه (خرمشهر فعلی) و غارت این شهر و سپس کشتار شیعیان در کربلا و بی‌احترامی عثمانی به بقاع متبرکه که با اعتراض شدید دولت ایران مواجه شده بود می‌رفت که جنگ خونین دیگری بین دو دولت درگیرد که با وساطت دول روس و انگلیس که وقوع جنگ تازه بین ایران و عثمانی به نفع منافع منطقه‌ای آنان نبود یک کمیسیون چهار جانبه از نمایندگان ایران و عثمانی و روس و انگلیس (به عنوان میانجی) برای رسیدگی به اختلافات ایران و عثمانی و حل و فصل آنها تشکیل شد.

محل مذاکرات شهر ارزروم بود و رئیس هیئت نمایندگی ایران را میرزاتقی خان فراهانی (امیر کبیر بعدی) برعهده داشت. این مذاکرات سه سال طول کشید و انگلیس و روس در آن به شدت اعمال نفوذ می‌کردند، ولی درایت و هوشمندی و آگاهی‌های سیاسی میرزاتقی خان فراهانی مانع از

این گردیده بود که بتوانند حقوقی از ایران ترضیع نمایند. نهایتاً در سال ۱۸۴۷ میلادی پیش‌نویس عهدنامه معروف به ارزروم - ۲ تهیه و به امضای نمایندگان دول چهارگانه رسید. و در آن مقرر گردید طبق رسم، پس از امضای شاهان دو کشور رسمیت یافته و مبادله گردد.

طبق این قرارداد نواحی واقع در شرق دشت ذهاب، شرق شط العرب (اروند رود) و بندر خرمشهر متعلق به ایران شناخته شد و دو دولت متقابلاً حق کشتیرانی آزاد یکدیگر را در شط العرب (اروند رود) به رسمیت شناخته و از کلیه دعاوی ارضی نسبت به یکدیگر صرف‌نظر نمودند و دولت عثمانی متعهد شد از آزار و اذیت زوار شیعه ایرانی در عتبات خودداری نماید (پارسا دوست، ۱۳۶۹، ص. ۸۲-۸۷)

عهدنامه مزبور قبل از مبادله رسمی به علت تغییراتی که دولت عثمانی در آن به تحریک و با واسطه‌گری انگلستان به طور یک جانبه در خصوص حقوق ایران در شط العرب (اروند رود) به عمل آورده که موجب ترضیع حق ایران می‌شد مورد اعتراض ایران قرار گرفت و به امضای محمد شاه قاجار نرسید و بدین ترتیب از طرف ایران فاقد اعتبار تلقی گردید و اختلافات ایران و عثمانی در زمینه مسایل مرزی کماکان ادامه یافت؛ اگر چه موجب جنگ جدیدی نشد. (همان: ۹۳)

هفتاد سال بعد یعنی در سال ۱۹۱۳ میلادی در زمان سلطنت احمد شاه قاجار مجدداً مذاکرات بین ایران و عثمانی با میانجی‌گری روس و انگلیس برای رفع موارد اختلاف در قرارداد ارزروم - ۲ در قسطنطنیه (پایتخت عثمانی؛ شهر استانبول فعلی) بین هیئت‌های نمایندگی طرفین شروع شد و سال بعد (۱۹۱۴) مذاکرات تکمیلی در تهران ادامه یافت که حاصل آن تنظیم یک پروتکل (متمم عهدنامه) بود که به پروتکل ۱۹۱۳ قسطنطنیه و صورت جلسات ۱۹۱۴ تهران موسوم است که مرزهای مشترک ایران عثمانی را مشخص می‌نمود. (همین مرزهای زمینی فعلی بین ایران و ترکیه، ایران و عراق) (Wilson, 1941 & Persia, ص. ۲۷۰-۲۷۱)

مرزهای زمینی تعیین شده ایران در این عهدنامه، در مقایسه با مرزهای عهدنامه ارزروم - ۲ کم و بیش عقب‌تر است و تمامی ارون رود (شط العرب) نیز به جز قسمت کوتاهی در مقابل آبادان به عثمانی واگذار گردیده بود؛ لذا حقوق ایران در آن لحاظ نگردیده بود و به همین جهت پروتکل و صورت جلسات مذکور هم از طرف مجلس شورای ملی وقت ایران تصویب نگردید و از طرف دیگر به علت شروع جنگ جهانی اول (۱۹۱۴) و درگیری عثمانی در این جنگ پروتکل مزبور در مجلس مبعوثان عثمانی مطرح و تصویب نگردید فلذا عهدنامه مزبور از درجه اعتبار ساقط محسوب گردید و آن دولت نیز اعلام کرد نمی‌توان آن را یک سند سیاسی معتبر دانست. (Ministry of foreign affairs of iran, 1969,

p. 9)

به این ترتیب می‌توان گفت که در دوره قاجاریه تا پایان عمر امپراطوری عثمانی (۱۹۲۰ م) مرزهای خاکی و آبی دو کشور اگرچه بارها و بارها تعیین شدند اما همواره چون مورد رضایت ایران نبود (و حق هم همین بود) لذا هیچ‌گاه رسماً مصوب نشدند.

## ۲ - از تشکیل کشور عراق تا قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و در ادامه تا پیروزی

### انقلاب اسلامی

پس از جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸) امپراطوری عثمانی که از دول مغلوب جنگ بود فروپاشید و قلمرو وسیع آن توسط فاتحین جنگ (به ویژه انگلیس و فرانسه) تجزیه گردیده و کشورهای جدیدی به جغرافیای جهانی وارد شدند؛ از جمله آنها تشکیل عراق در بین‌النهرین بود (۱۹۲۰ م) که از سوی جامعه ملل (سازمانی شبیه سازمان ملل متحد فعلی) برای مدت ۱۲ سال تحت قیمومیت انگلستان درآمد. تا پس از کسب توانایی‌های لازم و تجارب اداری و سیاسی و ... به استقلال کامل دست یابد. (همان، ص ۱۲)

مرزهای عراق با دولت‌های هم‌جوارش که تماماً از نوع کشورهای به وجود آمده از امپراطوری عثمانی بودند (ترکیه، اردن، عربستان و کویت) توسط فرانسه و انگلیس تعیین گردید و در مورد مرزهای این کشور با ایران پروتکل ۱۹۱۳ قسطنطنیه و صورت جلسات مذاکرات ۱۹۱۴ تهران را مبنا قرار دادند که طبعاً چون ایران پروتکل مزبور را تصویب نکرده بود دعوای مرزی ایران با کشور جدید عراق همان موارد اختلاف با عثمانی سابق بود که بخش عمده این اختلاف مربوط به مرز مشترک رودخانه‌ای اروندو حقوق کشتیرانی در آن بود. (league of nations, 1935, pp. 13-14)

عدم پذیرش و نارضایتی دولت ایران از مرزهای تعیین شده عراق با ایران سبب گردید که از شناسایی رسمیت دولت عراق خودداری کند.

دولت انگلستان که مایل بود به عراق استقلال ظاهری داده و آن را جزو اقمار خود به سازمان ملل وارد نماید با دادن وعده حل مشکل مرز مشترک زمینی و رودخانه ای و احقاق حقوق ارضی، از ایران در خواست نمود تا دولت جدید عراق را به رسمیت بشناسد. (league of nations, 1935, p. 24)

با اتکا به وعده فوق، دولت ایران در ۱۹۲۹ م رژیم عراق را به رسمیت شناخت. (پارسا دوست، ریشه تاریخی اختلافات ایران، ۱۳۶۹، ص. ۱۰۴)

اما به زودی معلوم شد که دولت عراق (در واقع دولت انگلستان) در وعده ای که به حل عادلانه مشکل داده، فقط منظورش به رسمیت شناختن عراق از سوی دولت ایران بوده است. بنا بر این در سال ۱۳۱۰ش (۱۹۳۱م) ایران رسماً عدم اعتبار تعیین حدود مرزی ۱۹۱۳ را به دولت عراق اعلام نمود و به دنبال این جریان روابط دو کشور رنگ تیرگی گرفته و در اروندرود و سرحدات خاکی تصادمهایی بین گشتی ها و ژاندارمری طرفین روی داد. (league of nations, 1935, ص. ۱۲)

در سال ۱۹۳۲ م انگلستان عراق را از قیومیت خود خارج ساخته و ظاهراً این کشور دارای استقلال کامل گردید اگر چه زمامداران این کشور تحت نفوذ مستقیم انگلستان قرار داشته و این کشور بر عراق سیادت کامل داشت.

در این زمان و نیز سال‌های بعد، یادداشت‌های تندی بین ایران و عراق مبادله شده که طی آن عراق اصرار می‌ورزید که معاهده ارزروم ۱۸۴۷ و پروتکل ۱۹۱۳ و صورت مجلس مذاکرات ۱۹۱۴ در تعیین سرحدات دو کشور رسمیت داشته و اروندرود به طور کامل در مالکیت و حاکمیت عراق است ولی ایران قراردادی را که صد سال پیش بر او تحمیل گردیده و هیچ‌گونه قوت قانونی نیافته بود، قبول نکرده و آن را باطل شمرد. (joyce, 1941, ص. ۲۱۰)

به دنبال درگیری‌های مرزی، عراق در ۱۳۱۳ش (۱۹۳۴ م) از ایران به جامعه ملل شکایت کرد. چون اجلاس جامعه مزبور در یافتن راه حل مورد رضایت طرفین توفیق نیافت، به طرفین پیشنهاد نمود از طریق مذاکره مستقیم در حل موارد اختلاف تلاش نمایند که این پیشنهاد از طرف دو دولت ایران و عراق پذیرفته شد.

در این مذاکرات که به منظور عقد عهدنامه جدیدی برای تعیین دقیق مرزهای زمینی و آبی دو کشور در تهران و بغداد آغاز شد، نماینده عراق اصرار می‌ورزید که در مذاکرات مربوط به اروندرود، انگلیس هم شرکت نماید که برای ایران قابل قبول نبود و لذا نماینده ایران به عنوان اعتراض به این امر، جلسات را ترک و به ایران مراجعت نمود و مشکل همچنان به قوت خود باقی ماند. (league of nations, 1935, ص. ۱۹۶)

قدرت یافتن مجدد آلمان از سال ۱۹۳۵ م به بعد برای دولت انگلیس موجب نگرانی شد. و بدین جهت درصدد برآمد به هر ترتیب اختلاف مرزی ایران و عراق حل گردد؛ زیرا موضوع عقد یک پیمان دفاعی بین دولت‌های منطقه (ایران، ترکیه، افغانستان) برای مقابله با تهدیدات احتمالی آلمان طرح‌ریزی شده بود و علاوه بر دولت انگلستان، دولت ترکیه نیز اصرار می‌ورزید که هر چه زودتر اختلافات مرزی ایران و عراق حل شده تا زمینه برای عقد پیمان مزبور فراهم شود. بدین جهت پس از مذاکرات مفصل در تهران و بغداد، دو دولت ایران و عراق طرح عهدنامه‌ای را براساس عهدنامه ارزروم

۱۸۴۷ و پروتکل ۱۹۱۳ اسلامبول و صورت مجلس‌های تحدید حدود ۱۹۱۴ تهیه کردند، که اگر چه در آن به مالکیت ایران در ارونرد رود اعتراف نشده بود ولی اسمی نیز از حق حاکمیت مطلق عراق بر ارونرد رود نبرده بود، ولی ایران و عراق در اداره امور ارونرد رود و میسر کشتیرانی حقوق مساوی یافتند که قرار شد در قرارداد مجددی و ظرف یک سال آینده جزئیات و نحوه اداره شط، روشن و تصویب شود (مرزهای زمینی این عهدنامه همین مرزهای زمینی امروزی است). (پارسا دوست، ۱۳۶۹، ص. ۲۰۳)

این طرح در تیر ماه ۱۳۱۶ ش (۱۹۳۷ م) به امضای وزرای خارجه ایران و عراق رسیده و مورد قبول قرار گرفت و تقریباً تجدید همان عهدنامه‌های رسمیت نیافته قدیمی و به عبارت دیگر تحمیلی تازه بود. در این زمان دولت عراق عملاً تحت‌الحمایه انگلستان قرار داشت. (Ministry of foreign affairs of iran, 1969، ص. ۳۱)

اسناد و مدارکی که از طرف وزارت امور خارجه انگلستان بعدها منتشر شده، حاکی از آن است که درباره مسئله اختلافات مرزی ایران و عراق عامل تصمیم‌گیرنده و تعیین‌کننده دولت انگلستان است. طبق این مدارک، اگر چه به نظر دولت انگلستان عملاً تنها راه حصول اطمینان از حفظ آرامش و ثبات در مرز ایران و عراق در رودخانه ارونرد رود تعیین خط تالوگ (خط‌القعر) به عنوان خط مرز مشترک بوده است و باز به موجب همین مدارک، دولت عراق نیز اصرار چندانی در مورد اینکه مرز دو کشور، خط تالوگ نباشد نداشته و پافشاری چندانی هم روی حاکمیت مطلق عراق روی ارونرد رود نمی‌کرد، ولی مدعی اصلی در این میان وزارت دربارداری بریتانیا بود که به موجب اسناد مذکور، استدلال می‌کرده که چنانچه مرز دو کشور، خط تالوگ تعیین شود منافع دولت انگلیس به خطر خواهد افتاد و وزارت خارجه انگلستان نیز از نظر وزارت دربارداری تبعیت نمود.

مطالعه موارد عهدنامه سرحدی ۱۳۱۶ ش و پروتکل ضمیمه آن به خوبی نشان می‌داد که حقوق حاکمیت ایران در ارونرد رود نادیده گرفته شده و تزییع گردیده است. به علاوه در این عهدنامه رسماً به عهدنامه ۱۹۳۰ م عراق و انگلیس (که به موجب آن عراق عملاً تحت‌الحمایه و حافظ منافع انگلیس در آمده بود) اشاره گردید و در نتیجه آثار استعمار به خوبی در معاهده مرزی ۱۳۱۶ ش (۱۹۳۷ م) مشهود است. (پارسا دوست، ۱۳۶۹، ص. ۲۰۶-۲۱۰)

چهار روز بعد از امضای عهدنامه بین ایران و عراق و حل‌ظاهری اختلافات فی‌مابین، پیمان دفاعی و عدم تعرض معروف به پیمان سعدآباد بین دولت‌های ایران، عراق، افغانستان و ترکیه در تهران به امضاء رسید. دولت ایران برای ابراز حسن نیت و رعایت همسایگی حاضر بود که با وجود

تضییع حقوق ایران، مقررات آن را اجرا نموده و حداقل حقوق ناچیزی که برای او قایل شده بودند از سوی عراق رعایت شود.

متأسفانه تجربیات نشان داد که این آمادگی یک طرفه بوده و عراقی‌ها حاضر نبودند حقوق ایران را رعایت کنند و بلافاصله پس از امضای قرارداد سعی کردند با طفره و تعلل از زیر بار تعهدات مربوطه در معاهده و پروتکل ضمیمه آن، که مربوط به اداره اروند رود می‌شد شانه خالی کرده و اداره کشتیرانی و عواید حاصله از اروند رود را در دست خود نگه دارند. (Ministry of foreign affairs of iran, 1969, ص. ۴۴)

در مورد مفاد عهدنامه ۱۳۱۶ ش به طور خلاصه می‌توان گفت این عهدنامه که بر مبنای پروتکل ۱۹۱۳ م قسطنطنیه و صورت مجالس ۱۹۱۴ م در مورد تعیین خطوط مرزی ایران و عثمانی تهیه گردیده بود. به جای اینکه مطابق مسلم‌ترین اصول حقوق بین‌المللی در مورد مرزهای آبی و رودخانه‌ای بین دو کشور، خط تالوگ به عنوان مرز مشترک در اروند رود تعیین شود، به جز قسمت کوچکی (در حدود پنج کیلومتر) در مقابل جزیره آبادان حاکمیت تمامی اروند رود به عراق واگذار شده بود.

اختلافات مرزی ایران و عراق به ویژه مسئله اروند رود همیشه عامل بروز بحران و اختلاف، آن هم اکثراً از سوی عراق بود. در ۱۹۴۹ م (۱۳۲۸ هـ. ش) با توجه به اینکه عراق حقوق مندرج در عهدنامه ۱۳۱۳ ش را همچنان نادیده می‌گرفت دولت ایران پیش‌نویس یک عهدنامه جدید را به عراق پیشنهاد داد که به علت عدم توجه و عدم همکاری مقامات عراقی، مشکلات موجود کماکان حل نشده باقی مانده و تلاش ایران برای بهبود مناسبات بی‌نتیجه ماند. (Ministry of foreign affairs of iran, 1969, ص. ۴۴، ۵۱)

در ۱۹۵۸ م (۱۳۳۷ هـ. ش) ایران مجدداً خواستار احقاق حقوق طبیعی و مسلم خود در اروند رود شد و از دولت عراق خواست تا با پذیرش خط تالوگ در این رودخانه، به اختلافات دیرینه خاتمه دهد. ولی سرلشکر عبدالکریم قاسم، رئیس جدید رژیم وقت عراق، در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام داشت: «اساساً در عهدنامه ۱۹۳۷ م عراق آن پنج کیلومتر از اروند رود را به ایران بخشیده و این یک بخشش بوده و یک حق مکتسب نبوده است. ایران در این باره مستحق نبود اما عراق امیدوار بوده است که با این وضع مسائل مرزی حل شود ولیکن مسائل مرزی تا کنون حل نشده و اگر این مسائل و مشکلات در آینده حل نشود ما (عراق) در موضوع بخشش این پنج کیلومتر پایبند نخواهیم بود و آن را به میهن خود بازخواهیم گرداند.» (پارسا دوست، ۱۳۶۹، ص. ۲۱۴)

متعاقب این اظهارات که حاکی از سوء نیت و رفتار غیردوستانه رئیس دولت جدید عراق در قبال پیشنهاد ایران برای آغاز مذاکره و حل مسالمت‌آمیز اختلافات میان دو کشور در امور مرزی بود وزارت



خارجہ ایران اعلام کرد: «با این ترتیب، دولت ایران جز خط تالوگ (خط القعر) قابل کشتیرانی، هیچ مدرک دیگری را برای تعیین خط مرزی در اروند رود با حقوق خود و اصول مسلم بین‌المللی منطبق نمی‌داند.» (Ministry of foreign affairs of iran, 1969, ص. ۶۴)

به این ترتیب اختلافات دو کشور همسایه همچنان ادامه یافته و علی‌رغم ملاقات‌ها و مذاکرات متعدد بین مقامات دو کشور موضوع اختلاف مرزهای خاکی به طور اعم و مسئله اروند رود به طور اخص به همان نحو باقی مانده و مقامات عراقی به طور وضوح از حل مشکل طفره رفته و هیچ‌گونه علاقه‌ای به رفع اختلافات نشان نمی‌دادند. (همان، ۴۵)

در ۱۳۴۸ ش هیئت نمایندگی ایران مأمور مذاکره درباره اختلافات مرزی با عراق، که در بغداد به سر می‌برد، با ملاحظه عدم همکاری مقامات عراقی با تسلیم یادداشتی به وزارت امور خارجه عراق مبنی بر اینکه به علت تخلف عراق از مفاد عهدنامه ۱۳۱۶ ش و مغایر بودن این عهدنامه با عرف و اصول حقوق بین‌المللی در مورد مرزهای رودخانه‌ای این عهدنامه را کان لم یکن تلقی می‌نماید، بغداد را ترک نمودند.

اما دولت عراق در پاسخ اظهار داشت که عراق اروند رود را جزئی از قلمرو خود دانسته و از دولت ایران می‌خواهد که به کشتی‌هایی که با پرچم ایران در اروند رود حرکت می‌کنند دستور دهد پرچم خود را پایین آورده و پرچم عراق را برافرازد و همچنین اگر از نفرات نیروی دریایی ایران کسی در کشتی باشد او را به زور خارج خواهد کرد و پرچم ایران را پایین خواهد کشید و همچنین در آتیه با توسل قوه قهریه اجازه نخواهد داد که کشتی‌هایی که مقصد آنها بنادر ایران (خرمشهر، آبادان) در اروند رود است وارد اروند رود شوند.

متعاقب این اعلام، روابط دو کشور به شدت تیره و بحرانی شد و دولت ایران رسماً عهدنامه ۱۳۱۶ ش را بدون ارزش و منتفی اعلام کرد، ولی آمادگی خود را برای آغاز مذاکره برای حل اختلافات و عقد قرارداد جدید اعلام نمود.

دولت عراق متقابلاً دست به یک سلسله اقدامات خصمانه از قبیل راندن اجباری هزاران نفر افراد ایرانی‌الاصل مقیم عراق و اعمال تزییقات فراوان برای زوار ایرانی اماکن مقدسه و جنگ تبلیغاتی شدید و درگیری‌ها پراکنده مرزی مبادرت ورزید و دامنه بحران تا به آنجا کشیده شد که به تمرکز نیروهای نظامی دو کشور در طول مرزهای مشترک منجر گردید و قدرت نمایی ارتش ایران مانع از این شد که عراق بتواند از تردد کشتی‌ها در اروند رود با پرچم ایران جلوگیری نماید. گسترش دامنه بحران تا ۱۳۵۳ ش (۱۹۷۵ م) ادامه یافت و ایران با حمایت از جنبش اکراد بارزانی که خواهان خود مختاری در عراق بودند دولت بعثی عراق را تحت فشار شدیدی قرار داد.

## مفاد بیانیه ۱۹۷۵ م الجزایر و حل اختلافات مرزی

الف - مرزهای زمینی خود را براساس پروتکل قسطنطنیه مورخ ۱۹۱۳ م و صورت جلسه‌های هیئت تعیین مرز مورخ ۱۹۱۴ م تعیین کنند. (جعفری ولدانی، ۱۳۷۱، ص. ۲۳۶)

ب - مرزهای آبی خود را براساس خط تالوگ تعیین نمایند.

ج - با این کار دو کشور امنیت و اعتماد متقابل را در امتداد مرزهای مشترک خویش برقرار خواهند ساخت. طرفین بدینسان متعهد می‌شوند که در مرزهای خود یک کنترل دقیق و مؤثر به منظور قطع هرگونه نفوذ که جنبه خرابکارانه از هر سو داشته باشد اعمال کنند.

د - دو طرف توافق کردند که مقررات فوق، عواملی تجزیه‌ناپذیر از یک راه حل کلی بوده و در نتیجه بدیهی است که نقض هر یک از مفاد فوق مغایر روح توافق الجزایر است. (همان : ۲۳۶)

توافق فوق بین شاه سابق ایران و صدام حسین معاون وقت رئیس جمهوری عراق و با میانجیگری الجزایر صورت گرفت. در اجرای این تفاهم‌نامه، وزرای خارجه ایران و عراق و الجزایر چندین بار جهت تنظیم قرارداد ملاقات نموده و بالاخره در ژوئن ۱۹۷۵ م اسنادی به شرح زیر بین دو دولت در بغداد توسط وزرای خارجه به امضاء رسید:

عهدنامه مربوط به مرزهای دولتی و حسن همجواری که مشتمل بر یک مقدمه و ۸ ماده است که ماده ۶ آن به خصوص:

الف - در مورد رفع اختلافات به طرق مسالمت‌آمیز تأکید نموده و مقرر می‌دارد که اختلافات احتمالی دو طرف از طریق ارجاع به حکمیت و دیوان داوری حل و فصل شود.

ب - پروتکل راجع به علامت‌گذاری مجدد مرز زمینی و شرح مرز زمینی.

ج - پروتکل راجع به تعیین مرز رودخانه‌ای.

به علاوه چندین الحاقیه و موافقت‌نامه نیز مربوط به حل و فصل کلیه موارد اختلافات دو طرف، مانند:

(۱) - مسئله کلانتران مرزی

(۲) - تعلیف احشام

(۳) - استفاده از آب رودخانه‌های مرزی

(۴) - مقررات مربوط به کشتیرانی در اروند رود

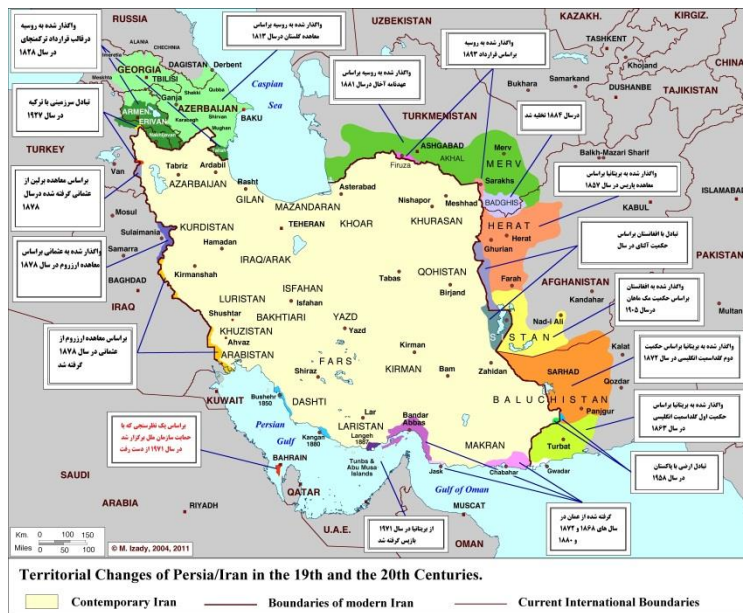
(۵) - مسافرت اتباع ایران و عراق برای زیارت اماکن مقدسه به امضاء رسیده و طرفین به اختلاف

دیرینه خود ضمن تأیید و اذعان به اینکه، مرز زمینی دو کشور براساس پروتکل ۱۹۱۳ م قسطنطنیه و

مرزهای آبی براساس تالوگ (خط میانه کانال اصلی قابل کشتیرانی در پایین‌ترین سطح قابل کشتیرانی) تجدید حدود گردیده است و این مرز زمینی و رودخانه‌های الی‌الابد، قطعی، دائمی و لایتغیر است، خاتمه دادند. (پارسا دوست، ۱۳۶۹، ص. ۴۱۰)

متعاقب تصویب معاهدات فوق‌الذکر در مجالس شورای هر دو کشور این معاهدات رسمی، مصوب و لازم‌الاجراء گردید.

این قرارداد طبق ماده منشور ملل متحد در دبیرخانه آن سازمان به شماره های ۱۴۹۰۳ - ۱۴۹۰۷ به ثبت رسید و رسمیت یافت. به این ترتیب ماهیت روابط ایران و عراق براساس عهدنامه ۱۹۷۵ و پروتکل‌ها و موافقت‌نامه‌های آن، براساس حسن همجواری و رفع هرگونه اختلاف از طریق مسالمت‌آمیز، پی‌ریزی گردید. (همان: ۴۰۴)



نقشه شماره ۷ - مناطق و بخشهایی که در طول تاریخ ۲۰۰ ساله ی گذشته، از ایران جداشده است.

## بررسی وضعیت محیط داخلی و بین المللی ایران و عراق و مقایسه تطبیقی آن

### ۱- وضعیت نظام جمهوری اسلامی ایران در آستانه ی جنگ

#### الف - وضعیت سیاسی - امنیتی

از روزهای آغازین پیروزی انقلاب اسلامی، کشور جمهوری اسلامی ایران دچار بروز برخی از اختلافات در بین گروههای سیاسی افرادی که در رأس حکومت بودند شد. در همین شرایط بعضی درگیری ها در سطح بعضی از استانها و شهرها مشاهده گردید و در برخی از نقاط، کشور دچار مشکلات امنیتی گردید.

احزاب و گروه های سیاسی به صورت فراگیر در سطح همه کشور فعالیت های سیاسی خود را به شدت ادامه می دادند. علاوه بر فعال شدن برخی از احزاب قدیمی مانند جبهه ملی، نهضت آزادی، گروه فدائیان اسلام، حزب ملت ایران و حزب توده، احزاب جدیدی مانند حزب جمهوری اسلامی، جنبش مسلمانان مبارز، حزب خلق مسلمان و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی تشکیل و فعالیت می نمود.

همچنین تلاش زیادی برای توسعه نگرانی و ناآرامی در بعضی از شهرهای بلوچ نشین استان سیستان و بلوچستان نیز صورت گرفت. امام خمینی<sup>(ع)</sup> برای بررسی مسائل آن منطقه و رسیدگی به وضع مردم، حجت الاسلام سیدعلی خامنه ای را برای رسیدگی به کمبودها و محرومیت های مردم بلوچ در ۹ فروردین ۱۳۵۸ به آن استان اعزام نمود. ایشان در حکم خود مرقوم فرمودند: «در طول پنجاه سال رژیم سفاک پهلوی، همیشه برادران و خواهران منطقه بلوچستان و سیستان مورد ظلم و جور بودند. لذا جنابعالی به آن منطقه رفته به خواسته های اهالی محترم آن مناطق رسیدگی نمایید و انتظارات مردم دلیر آن دیار را برای اینجانب و اولیای امور گزارش دهید.» (صحیفه ی امام ۱۳۷۸، جلد ۶: ۴۲۹)

علاوه بر ناآرامی های فوق در استان های مختلف از سوی عوامل وابسته به رژیم بعث عراق و یا گروه های چپ، گروه فرقان نیز که بعضاً به صورت مخفیانه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی تشکیل شده بود، دست به کار ترور برخی از شخصیت های مهم انقلاب اسلامی شد. از جمله آیت الله مرتضی مطهری، رئیس شورای انقلاب و از یاران نزدیک امام خمینی در شب ۱۲ اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۸ از سوی این

گروه درست چند روز پس از ترور اولین رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ( سپهبد قرنی )، جلوی منزل خود در قلهک تهران مورد حمله ی مسلحانه قرار گرفته و به شهادت رسیدند. همچنین حاج مهدی عراقی از یاران امام خمینی<sup>(۵)</sup> و فرزندش حسام نیز توسط گروه فرقان و آیت الله سید محمدعلی قاضی طباطبائی از علمای برجسته آذربایجان و امام جمعه تبریز که نقش مؤثری در پیشبرد نهضت اسلامی در آذربایجان داشت، به شهادت رسیدند. با پیروزی انقلاب اسلامی، برخی از اقدامات ذیل برای تضعیف جریان انقلاب و جلوگیری از تشکیل نظام با ثبات جدید در ایران، صورت گرفت :

- (۱)- ترور علمای تأثیر گذار و روحانیون پر نفوذ طرفدار امام خمینی در سراسر کشور.
- (۲)- فعالیت و تبلیغات گسترده به منظور انحلال و نابودی ارتش و جلوگیری از تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- (۳)- توسعه اختلافات قومی و تلاش برای واگرایی اقوام ایرانی از یکدیگر.
- (۴)- سعی در عدم تشکیل یک حکومت مردمی مقتدر مبتنی بر تفکر اسلامی و نیز مشکل آفرینی در جهت ایجاد بسترهای قانونی و تشکیل نهادهای مؤثر.

## ب - وضعیت اقتصادی

ایران در زمان مسئولیت دولت موقت، دچار آشفتگی های ناشی از تغییر رژیم بود. در همان دو ماهه اول پس از سقوط نظام شاهنشاهی، کشور درگیر همه پرسی به منظور تعیین شکل و ماهیت نظام جدید و همچنین استقرار نهادهای جمهوری اسلامی و نیز تثبیت نظام برآمده از انقلاب اسلامی بود. (علایی، ۱۳۸۸، ص. ۷-۸)

در بدو شروع جنگ، گرچه درآمدهای نفتی ایران وضع مناسبی داشت ولی تولید نفت ایران نسبت به دو سال قبل از آغاز جنگ، کاهش یافته بود و تعاملات اقتصادی ایران نسبت به دوره رژیم گذشته تا حدود زیادی محدود شده، از نظر اقتصادی توسط آمریکا و برخی از کشورهای اروپای غربی تحریم و قیمت نفت نیز به شدت کاهش یافته بود.

## ج - وضعیت اجتماعی و فرهنگی

در دوران پر شور انقلاب در سال ۱۳۵۷، یکی از شعار های اساسی مردم ایران با عنوان « استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» علاوه بر درخواست آزادی بیگانه ستیزی و نفرت از دخالت قدرت های بزرگ، بازگشت به هویت ملی اسلامی خود بود. از صفات دیگر ایرانیان می توان به

باهوش بودن، مهربانی، مهمان نوازی، دینداری نوع دوستی و افتخار به فرهنگ و تاریخ پر افتخار خود و ... را نام برد. (کازمی، ۱۳۷۷، ص. ۳۹)

## د - وضعیت نظامی

با فروپاشی نظام شاهنشاهی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی در ایران، مبانی، ساختارها و مؤلفه های قدرت نظامی در کشور دچار تغییر و دگرگونی عمیق شد.

با پیروزی انقلاب اسلامی، به دلیل روشن نبودن وضعیت کاری و خدمتی، بسیاری از اعضای ارتش به پادگانهای خود نرفتند. برای مردم هم مهمترین مسئله اطمینان از بی طرف باقیماندن ارتش و پیوستن کامل آنها به حرکت انقلابی ملت بود.

در چنین شرایطی در پادگانها و پایگاه های نظامی، عملاً نظام فرماندهی، سلسله مراتب و انضباط وجود نداشت. برای مدیریت پادگان ها، از سوی ارتشی های وفادارتر به انقلاب، شوراهای اسلامی در هر پادگان و مرکز نظامی تشکیل شد و آنها افرادی را به عنوان فرمانده در هر رده مشخص می کردند.<sup>۱</sup> پس از پیروزی انقلاب، تمام امرای ارتش به دلیل وابستگی به نظام شاهنشاهی، بازنشسته و یا با روش های دیگر از ارتش جدا شدند و استعداد نیروی انسانی ارتش، کاهش یافت. (طباطبایی، ۱۳۸۷، ص. ۲۶۷)

همچنین دولت موقت اجازه داد که اعضای ثابت ارتش به یگان های شهرهای خود، منتقل گردند. بنابراین افراد از حوزه تخصصی خود جدا و به واحدهایی بدون توجه به تخصص خویش، ملحق شدند. براین اساس به ساختار و سازمان ارتش یک لطمه اساسی وارد شد.

پس می توان گفت طرف دو سال قبل از آغاز جنگ، توان نظامی ایران نه تنها توسعه نیافت و تقویت نشد بلکه عملاً به طور مرتب از نظر تجهیزاتی و پشتیبانی تضعیف گردیده و تحلیل رفت.

اگر چهارمؤلفه «ساختار و سازمان»، «نیروی انسانی»، «تجهیزات» و «آموزش» را پیش نیاز آمادگی رزمی بدانیم، مشخص می شود که گرچه ارتش دارای تجهیزات، امکانات و جنگ افزارهای فراوان و نسبتاً پیشرفته ای بود، اما انسجام و نظام فرماندهی خود را تا حد زیادی از دست داده بود و دارای یک ساختار مستقل از امریکا نیز نبود. تسلیحات و تجهیزات نظامی ایران در آستانه جنگ، در نیروهای زمینی، هوایی و دریایی پیشرفته تر از تجهیزات و جنگ افزارهای ارتش عراق بود، ولی با این حال نیاز به

---

<sup>۱</sup> سخنرانی امیر سرتیپ حسنی سعدی معاون هماهنگ کننده ستاد کل نیروهای مسلح در مرکز اسناد دفاع مقدس

بازسازی روحی، فکری و همچنین کسب آمادگی های بیشتری داشت. در آستانه جنگ، آمار تعداد اعضای نیروهای مسلح به دلیل کاهش دوره خدمت سربازی و ترخیص هزاران نفر از اعضای ارتش ۲۵۰ هزار نفر کاهش یافت. (بهداروند، ۱۳۸۸، ص. ۳۶)

### وضعیت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران عواملی همچون بحران های منطقه ای در استانهای کردستان، خوزستان، سیستان و بلوچستان و ترکمن صحرا و ظهور روز افزون جریان ها و سازمان های سیاسی، نظامی، تحرکات و تهدیدات داخلی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران به منظور حفظ و حراست از انقلاب اسلامی و دستاورد های آن تشکیل گردید بر این اساس ماموریت اصلی سپاه مقابله با بحران های داخلی و سپس خارجی بود و ساختار و سازمان سپاه نیز در همین راستا شکل گیری نمود. (علایی، ۱۳۸۸، ص. ۱۵)

## ۲- وضعیت رژیم بعثی عراق در آستانه ی جنگ

### الف - وضعیت سیاسی

در دوران حزب بعث، رئیس جمهور در عراق همه کاره بود و به عنوان رئیس دولت، نخست وزیر، فرمانده کل نیروهای مسلح و رئیس شورای فرماندهی انقلاب عراق، حق تصمیم گیریهای ویژه و اختیارات مطلق را داشت.

ظهور و کودتای صدام بر علیه حسن البکر، قدرت رئیس جمهور در عراق را افزایش داد و مجلس را بعنوان ابزاری مؤید تصمیمات صدام حسین بصورت تمام عیار در خدمت وی قرار داد. ساختار ارتش بعثی عراق به گونه ای بود که صدام خود با فرمانده لشکرها و سپاه ها در تماس بود و سلسله مراتب عمودی گسترده وجود نداشت. و بسیار تمایل داشت تا خود را رهبر جهان عرب بنامد. او فردی خشن، دیکتاتور، ضد شیعه، ضد ایرانیان و دارای تعصب شدید عربی بود. این روحیه و ویژگی های صدام در تمام ارکان رژیم عراق، خود را نشان می داد.

با دیکتاتوری حاکمان عراق در دوران حزب بعث، این کشور به یک ثبات نسبی و پایدار دست یافت و به سرعت خود را از نظر نظامی تقویت نمود. از زمان روی کار آمدن حزب بعث در عراق، این کشور به عنوان یکی از دولت های تحت نفوذ شوروی سابق در منطقه خاورمیانه و جزء بلوک بندی قدرت شرق محسوب می گردید و همواره نگران توسعه قدرت ایران بود.

امام خمینی<sup>(ع)</sup> درباره حزب بعث می فرماید: « ما حزب بعث را جنایتکارانی می دانیم که در حال صلح و جنگ در جنایتند. در طول حکومتشان در عراق در حال جنگ نبودند لکن جنایت آنها بر اسلام و مسلمین، بر ملت عراق، بر مراجع عظام عراق و بر علمای اسلام هر روز واقع می شد و بعد آن هم آن دیوانگی را که در فطرت آنها بود و طغیانگری را که خمیره ذاتی صدام است، آن دیوانگی را عمل کرد و عقلای اسلام و عقلای جهان دست به دست هم دادند که این سنگ را از چاه بیرون بیاورند لکن کار این دیوانه آن طور است که نمی شود این سنگ را بیرون آورد مگر با اسلحه و قوت ایمان. » ( صحیفه امام، ج ۱۶ : ۸۹ )

به هر حال تاریک ترین دوران مردم عراق، زمان حاکمیت حزب بعث بر این کشور است که جز ویرانی و جنگ، چیز دیگری نداشت.

## ب - وضعیت اقتصادی

عراق کشوری ثروتمند و سرشار از منابع انرژی بوده و اقتصاد آن بر پایه نفت استوار و با بیش از ۱۲۰ میلیارد بشکه ذخایر نفتی دومین کشور نفتی خاورمیانه پس از عربستان می باشد. با ملی شدن صنعت نفت در عراق در اول ژوئن ۱۹۷۲، ظرف تنها چند سال، عواید نفتی عراق ۱۵ برابر شد. (مجله ی تایم، ۱۹۸۰م : ۲۶) این ثروت بی کران بود که توانست قدرت حزب بعث را پایدار نموده و ارتش عراق را توسعه دهد و این کشور را برای جنگ با ایران آماده کند. در ماه های آغاز جنگ، عراق با تولید نفتی به اندازه ظرفیت تولیدی ایران و با صادرات حدود ۲/۵ میلیون بشکه در روز، درآمد سرانه نفتی بالاتری نسبت به ایران در اختیار داشت. البته در سال ۱۳۵۷ هجری شمسی درآمد نفتی ایران به مراتب بیشتر از عراق بود ولی با پیروزی انقلاب اسلامی تولید و فروش نفت ایران کاهش چشمگیری یافت.

## ج - وضعیت اجتماعی و فرهنگی

جمعیت عراق حدود ۱۳ میلیون نفر بود . این کشور ترکیبی از سه قوم عرب، کرد و ترکمن بوده و فاقد عناصر لازم برای تشکیل یک ملت است.

در مجموع ۹۶ درصد مردم عراق مسلمان می باشند و در دوران حاکمیت حزب بعث بر عراق سعی می شد تا شیعیان در جنوب و کردها در شمال عراق از نظر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، عقب نگه داشته شوند. در این دوران به شهر تکریت توجه ویژه ای می شد و بغداد هم شاهد پیشرفت معقولی بود.



رژیم عراق همیشه نگران حرکت‌های سیاسی شیعیان و کردها بود. بسیاری از کردهای عراق در دوران صدام، آواره شده و به خارج از کشور فرار کردند. (السامرای، ۱۳۸۸، ص. ۲۱ و ۲۶)

اقلیت اعراب سنی، بیشتر منافع و منابع مالی و اقتصادی عراق را علاوه بر قدرت اداری و حاکمیت سیاسی در اختیار داشتند. (علایی، ۱۳۸۸، ص. ۳۷)

## د - وضعیت نظامی

از زمان روی کار آمدن حزب بعث، عراق همواره در پی تقویت و توسعه توان نیروهای مسلح خود بوده است. از این تاریخ، به طور مرتب بر کمیت و کیفیت ارتش بعثی عراق افزوده شد. در این دوران، عراق با استفاده از پیمان دوستی ۱۵ ساله با شوروی، که در سال ۱۳۵۱ شمسی مطابق با ۱۹۷۲ میلادی بین دو کشور به امضاء رسیده بود، تمام نیازمندی‌های تسلیحاتی، آموزشی، تدارکاتی و سازماندهی ارتش بعثی را عمدتاً از شوروی تأمین می‌کرد.

این کشور توانست با برخی از دولت‌های اروپایی مانند فرانسه و ایتالیا نیز قراردادهایی به منظور تأمین جنگ افزارها و تجهیزات نظامی منعقد نماید. برمبنای دکترین شوروی، راهبرد قدرت نظامی عراق، بر اساس یک «استراتژی زمین پایه» طرح ریزی شده بود. بنابراین ستون فقرات ارتش عراق متکی بر نیروی زمینی و تشکیل سه سپاه بزرگ، برنامه ریزی شده بود.

هسته اصلی قدرت ضربت نیروی زمینی را یگان‌های زرهی و قدرت تحرک آن را واحدهای مکانیزه تشکیل می‌دادند که با آتش پر حجم توپخانه پشتیبانی می‌شدند. بنابراین ارتش عراق توانسته بود حدود ۵۴۵۰ تانک و نفربر، ۱۵۰۰ عراده توپخانه صحرایی، ۱۲ لشکر زرهی، مکانیزه و پیاده، ۲ تیپ مستقل، ۲۰ تیپ گارد مرزی و ۱۰ تیپ آموزشی به نام احتیاط و ۳۳۶ فروند انواع هواپیما از جمله ۲۵۰ فروند هواپیمای جنگی و ۳۳۰ فروند انواع بالگرد بود.

در طی جنگ سیر تجهیز نیروی هوایی عراق به هواپیماهای فرانسوی افزایش یافت به گونه‌ای که در سال‌های پایانی جنگ ستون فقرات قدرت هوایی ارتش بعثی را میراژهای F1-2000 و انواع موشک‌های هوا به هوا و هوا به سطح مانند اگزو سه و بمب‌های لیزری، تشکیل می‌دادند. (علایی، ۱۳۸۸، ص. ۴۵)

## مقایسه ی تطبیقی وضعیت های دو کشور جمهوری اسلامی ایران و عراق

با توجه به مطالب مطرح شده در این فصل، می توان وضعیت ایران و عراق را قبل از آغاز جنگ، به شرح ذیل جمع بندی نمود:

(۱) - ایران در طول یک سال و نیم قبل از آغاز جنگ، درگیر و مشغول ایجاد بسترهای قانونی برای تشکیل نظام جمهوری اسلامی پس از فروپاشی رژیم شاهنشاهی بود و در نتیجه دچار اختلاف نظرها و چالشهای سیاسی به منظور روی کار آوردن دولت دائمی گردید. در حالی که در عراق حزب بعث با قدرت کامل مخالفان را سرکوب و زمام امور کشور را در اختیار داشت.

(۲) - ایران دچار تروریسم از سوی گروه هایی نظیر فرقان، منافقین و درگیری های مسلحانه در برخی از استانها شده بود. و همزمان نیز درگیر با هجوم سراسری رژیم بعث عراق شد، در حالی که رئیس جمهور عراق تصفیه در درون حزب بعث را آغاز و مخالفین درون کشور را بشدت سرکوب نمود تا پس از آغاز جنگ هیچگونه نگرانی از اوضاع سیاسی داخلی کشور نداشته باشد.

(۳) - روابط خارجی ایران دچار تحول اساسی گشته و بسیاری از کشورهای دوست تبدیل به دولت های متخاصم و یا دولت های غیر دوست شدند. در حالی که رژیم بعثی یک پیمان دوستی و همکاری نظامی با اتحاد جماهیر شوروی داشت و با کشورهای عضو بلوک شرق مناسبات خوبی برقرار کرده بود. همچنین دولت عراق در حال نزدیک شدن به امریکا و برخی از کشورهای اروپایی و فاصله گرفتن از سوریه به دلیل رقابت های حزبی بود.

(۴) - امنیت داخلی ایران در اولویت برنامه های دولت قرار داشت و ایجاد یک دولت با ثبات و نهادهای قانونی مردمی نیز مهمترین دغدغه مسئولین کشور بود. در حالی که عراق دارای ثبات سیاسی، ساختار یکپارچه و قدرت متمرکز، استبدادی، دیکتاتوری، با حاکمیت امنیتی و پلیسی در کشور و بدون نگرانی از یک تهدید خارجی بود.

(۵) - از نظر ساختاری، ایران قبل از آغاز جنگ، فاقد نهادهایی مانند شورای عالی امنیت ملی بود که بتواند بطور منظم مسائل مربوط به تهدیدات نظامی و امنیتی علیه کشور را بررسی، ارزیابی و مورد مطالعه قرار داده و بحران های امنیتی و دفاعی را مدیریت نموده و کنترل نماید و تهاجم نظامی ارتش عراق زمانی آغاز شد که ایران آمادگی ورود به یک جنگ تمام عیار را نداشت.

(۶) - با توجه به این که حداکثر جمعیت ایران را شیعیان تشکیل می دهند و از طرفی حزب بعث دارای اندیشه ای ضد شیعی و ضد ایرانی بوده لذا سعی می کرد جمهوری اسلامی ایران را به عنوان تهدید جدی معرفی و به دنبال برتری جویی و تلاش برای توسعه قدرت عراق در جهان عرب بود.

در نهایت می توان گفت: ایران در شرایط قبل از آغاز جنگ، از نظر نظامی در وضعیت نابسامان، از نظر سیاسی متشتت و دچار چند دستگی و اختلافات داخلی، از نظر اقتصادی در حال آشفتگی و از نظر بین المللی نیز در شرایط نسبتاً منزوی بسر می برد. اما رژیم عراق در آستانه جنگ تحمیلی، دارای ثبات سیاسی، ساختار یکپارچه و قدرت متمرکز، استبدادی، دیکتاتوری، با حاکمیت امنیتی و پلیسی در کشور و بدون نگرانی از یک تهدید خارجی بود.

### ۳ - نقش نظام بین الملل در وقوع جنگ

#### الف - کشورهای منطقه

چند ماه قبل از آغاز جنگ در ۱۳۵۹/۳/۱۴ صدام حسین رئیس جمهور عراق در شهر طائف عربستان با بعضی از سران کشورهای عربی ملاقات نمود و اطلاعاتی از اوضاع اقتصادی، اجتماعی و نظامی ایران از آنها دریافت نمود. (نجف پور، ۱۳۸۳: ۶۷) با آغاز جنگ، عراق بلافاصله از پشتیبانی تقریباً همه کشورهای عربی خلیج فارس و نیز اردن و مصر برخوردار شد. عربستان سعودی و کویت توافق کردند تا تولید نفت خود را افزایش داده و این اضافه تولید را برای عراق به فروش برسانند. از سوی دیگر کویت با به اجرا گذاشتن مقررات جدیدی سعی نمود تا ایرانیان و شیعیان طرفدار انقلاب اسلامی را در آن کشور تحت فشار قرار دهد. اردن بندر عقبه را به منظور تدارک ارتش بعثی عراق در اختیار آن کشور قرار داد و جاده ارتباطی اردن به عراق، مهم ترین مسیر تدارکاتی ارتش عراق و نیز صادرات نفت عراق از طریق تانکرهای نفتکش شد.

با ادامه جنگ، روابط کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس با دولت عراق گسترده تر شد و این کشورها کمک های مالی فراوانی به دولت عراق کردندو برخی از کشورهای عربی مانند الجزایر که در جنگ بی طرف بودند، اکثر کشورهای عربی از عراق پشتیبانی می کردند. برای مثال مصر که کشور فقیری بود با اعزام صدها هزار نفر کارگر به عراق، امکان بسیج نیروی انسانی به جبهه ها را برای عراق فراهم آورد.

از سوی دیگر، حافظ اسد رئیس جمهور سوریه طی مصاحبه ای با روزنامه السفیر در ۱۳۵۹/۸/۱۷ جنگ عراق با ایران را محکوم و آن را برای انحراف افکار عمومی اعراب از مبارزه با اسرائیل و به نفع امریکا ارزیابی کرد. این اقدام سوریه موجب شد تا عراق بلافاصله روابط سیاسی خود را با سوریه قطع کند. لیبی یکی دیگر از کشورهای عربی و افریقایی بود که از ابتدای جنگ در

طرف ایران قرار گرفت و معتقد بود جنگ باید تا سقوط صدام ادامه یابد. (صحیفه ی امام، ج ۱۴: ۱۶۱)

## ب- کشورهای فرامنطقه ای

### (۱)- ایالات متحده ی آمریکا

برخی از صاحب نظران معتقدند که تصمیم قطعی به آغاز جنگ از تیرماه ۱۳۵۹ که برژینسکی مشاور امنیتی رئیس جمهور آمریکا در مرز اردن با صدام حسین ملاقات کرد، اتخاذ گردید. بعضی سیاستمداران می گویند قدرت های جهانی با این جنگ موافق بودند، چون در جهت منافع آنها بود. آمریکا اعتقاد داشت که درگیر کردن ایران با جنگ، باعث می شود تا مسئولان کشور در سیاستهای خود تجدید نظر کنند. (رحمانی، ۱۳۸۳، ص. ۶۶)

البته خود آمریکا مدعی است که قبل از اشغال لانه جاسوسی، مقامات ایران را از حمله احتمالی عراق مطلع کرده است و حتی کشور عمان را از همکاری با عراق در استفاده از پایگاه های آن کشور برحذر داشته است ولی آنچه مشخص است این است که هیچ یک از قدرت های بزرگ جهانی از جمله آمریکا و شوروی مانع از حمله ارتش عراق به ایران نشدند و از ابزار شورای امنیت نیز برای توقف جنگ، استفاده نکردند. آمریکا رژیم عراق را بعنوان آغازگر جنگ محکوم نکرد و در برابر اقدامات غیر قانونی عراق در نقض معاهده الجزایر، سکوت اختیار کرد.

در هنگامی که جنگ اتفاق افتاد، نه تنها ایران از سوی آمریکا در وضعیت تحریم تسلیحاتی به سر می برد بلکه به دلیل گروگان گیری اعضای سفارت آمریکا در تهران، روابط سیاسی آمریکا با ایران قطع گردیده و با حمله ی نظامی آمریکا به طیس، وضعیت بحرانی بر روابط دو کشور حاکم بود. آمریکا جنگ را فرصت مناسبی برای تضعیف و فشار به ایران، جهت بازگرداندن ایران به دامان ایالات متحده می دانست.

امریکا در جریان جنگ عراق با ایران، از رژیم بعثی عراق حمایت کرد. امریکا در تلاش بود تا دو طرف درگیر در جنگ را در کنترل خود، داشته باشد. البته امریکا می خواست که عراق پیروز و فاتح میدان جنگ باشد ولی نمی خواست که عراق بر منطقه خلیج فارس مسلط شود.

### (۲)- اتحاد جماهیر شوروی

در زمان آغاز جنگ، شوروی گسترده ترین روابط سیاسی و نظامی را با دولت بعثی عراق داشت و عراق را یکی از کشورهای بلوک شرق محسوب می کرد. گرچه روابط سیاسی شوروی با ایران نیز برقرار بود و سفارت خانه های دو کشور فعال بوده ولی روابط با ایران در شرایط شکننده ای قرار داشت. در

اوایل انقلاب که حزب توده در ایران فعال بود و تمام فراریهای حزب توده از خارج به ایران برگشته و سازماندهی گسترده ای انجام داده بودند، شوروی به تأثیر گذاری آنها امیدوار شده بود. با آغاز جنگ، اتحاد جماهیر شوروی، وقفه ای ۸ ماهه را در ارسال سلاح های خود به عراق صورت داد، زیرا حزب بعث عراق، قبل از آغاز جنگ، سرکوب حزب کمونیست آن کشور را آغاز کرده بود و گرایش زیادی به تأمین تجهیزات نظامی از کشورهای اروپایی نشان می داد. همزمان با قطع ارسال سلاح از سوی شوروی به عراق، این کشور به دولت های اروپای شرقی دستور داد تا سلاح های ساخت شوروی خود را برای عراق ارسال نمایند. بدین صورت تسلیحات، مهمات و قطعات یدکی مورد نیاز ارتش عراق از کشورهای اروپای شرقی تأمین و از طریق بندر عقبه در اردن در اختیار ارتش عراق قرار می گرفت.

عمده ترین تأمین کنندگان سلاح برای ارتش عراق در دوران جنگ، کشورهای شوروی و فرانسه بودند. از سوی دیگر به دلیل اشغال افغانستان به دست ارتش سرخ، قبل از آغاز جنگ عراق با ایران، شوروی انتظار سکوت ایران در برابر این واقعه را داشت، ولی ایران به صورت جدی با حمله به افغانستان مخالفت کرد و این موضوع باعث شد تا شوروی به حمایت خود از عراق ادامه دهد تا بدین وسیله بتواند به ایران فشار وارد نماید.

### (۳) - رژیم صهیونیستی اسرائیل

بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سفارت اسرائیل در تهران تعطیل و با حضور یاسر عرفات، سفارت فلسطین در ایران افتتاح گردید. مردم در خیابان ها شعار امروز ایران، فردا فلسطین را سر می دادند. این نوع اقدامات، اسرائیل را تبدیل به دشمن اصلی ایران کرد و توجه رژیم صهیونیستی از کشورهای عربی به سوی جمهوری اسلامی جلب شد. در زمان آغاز جنگ، هیچ یک از دو کشور ایران و عراق با رژیم صهیونیستی روابط دیپلماتیک نداشتند. اسرائیل نسبت به هر دو کشور نگرانی داشت. ایران را خطر بزرگی برای خود محسوب می کرد و از نزدیکی مردم عراق با ایران نگران بود. جنگ عراق با ایران موجب شد تا مسئله فلسطین در سطح کشورهای عربی و در جهان اولویت خود را از دست بدهد.

### ج - سازمان های بین المللی

طبق ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد هر کشوری که مورد تجاوز قرار گیرد، باید از کلیه ابزار و ادوات نظامی برای دفاع از تمامیت ارضی خود، استفاده کند. از سوی دیگر این کشور، باید

بلافاصله شورای امنیت سازمان ملل را در جریان قرار داده و درخواست برگزاری جلسه فوری بنماید. از آنجا که به هنگام آغاز جنگ، ایران فاقد وزیر امور خارجه بود و کشورهای غربی نیز در تخاصم شدید با ایران قرار داشتند، متأسفانه ایران اقدامات حقوقی لازم را انجام نداده و از شورای امنیت سازمان ملل درخواستی برای تشکیل جلسه فوری نکرد.

## علل، اهداف و زمینه سازی رژیم بعث عراق در تهاجم علیه نظام جمهوری اسلامی ایران

### ۱- علل تهاجم ارتش بعث عراق به جمهوری اسلامی ایران

#### الف- علل سیاسی

##### (۱) - جلوگیری از نفوذ و صدور انقلاب شیعی در عراق

انقلاب اسلامی با شعار صدور انقلاب و حاکمیت اسلام بر سراسر کره زمین به پیروزی رسیده بود. طبیعی بود نخستین مراکزی که از نظر ایدئولوژیک مورد توجه انقلاب اسلامی قرار میگرفت، کشورهای همسایه بودند. در میان همسایگان ایران، کشور عراق با داشتن ۶۲٪ شیعه، خطر را بیش از دیگر کشورها احساس میکرد.

##### (۲) - براندازی نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران

در کتاب منتشره از سوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۱ در صفحات ۲۵ و ۸ از قول طه یاسین رمضان، معاون اول نخست وزیر عراق که در مقام فرماندهی ارتش خلقی عراق بوده آورده است: «این جنگ برای عهدنامه ۱۹۷۵ و یا چندصد کیلومتر خاک و یا نصف شط العرب (اروند رود) نیست... ما بر این نکته تاکید میکنیم که جنگ به پایان نخواهد رسید مگر اینکه رژیم حاکم بر ایران از بین برود.» (تحلیلی بر جنگ تحمیلی رژیم عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۱)

##### (۳) - خروج از تنگنای ژئوپلیتیک عراق و دسترسی بیشتر به آب های آزاد

نوک پیکان حملات عراق متوجه منطقه خوزستان بود. اشغال این منطقه برای عراق چند فایده دربرداشت:

(الف) - عراق با اشغال خوزستان و بوشهر می توانست مرز دریایی خود را به میزان زیادی گسترش داده و از بن بست ژئوپلیتیک خارج شده و نفوذ خود را به راحتی در خلیج فارس وسعت بخشد.

(ب)- منطقه بسیار حاصلخیز خوزستان، دارای معادن عظیم نفت و گاز بود و اشغال چنین سرزمینی، هم باعث نفوذ شدید عراق در بازار نفت می شد و همچنین تصرف جلگه پرآب و سرسبز خوزستان وسعت کشور او را افزایش می داد. (درویشی سه تلانی، ۱۳۷۸)

(ج)- با توجه به اینکه مردم خوزستان، عمدتاً عرب زبان اند، صدام تصور می کرد اگر به ایران حمله کند، مردم عرب زبان به استقبال او آمده و به حمایت از ارتش بعث عراق برمی خیزند.

#### (۴)-عقدہ حقارت تاریخی صدام در خصوص امضای قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و اقدام برای

#### جبران آن

صدام برای اقناع افکار عمومی عراق و جهان عرب که امضای قرارداد ۱۹۷۵ الجزیره را نشانه ی ضعف او در برابر قدرت ایران میدانستند، در اولین فرصت مناسب قرارداد را لغو کرد.

#### (۵)- همسو و موافق بودن کشورهای منطقه با تصمیم صدام در تهاجم به جمهوری اسلامی

#### ایران

کشورهای منطقه با تصمیم صدام برای حمله به ایران به دلیل احساس خطر مشترک این کشورها از انقلاب اسلامی سو بودند. زیرا انقلابی که توانسته بود رژیم پادشاهی ۲۵۰۰ ساله را سرنگون کند میتواندست خطری جدی برای کشورهای منطقه باشد زیرا این کشورها ویژگی های مشترکی با رژیم شاهنشاهی داشتند .

#### (۶)- تضاد ایدئولوژیک

شعار پان عربیسم حزب بعث هیچگونه هماهنگی با تفکر وحدت مسلمین امام خمینی<sup>(ع)</sup> نداشت. لذا یکی از اهداف صدام برای تجاوز به ایران اسلامی، رقابت ایدئولوژیک با انقلاب اسلامی ایران بود. ایدئولوژی حزب بعث با طرح شعارهایی چون: وحدت جهان عرب، سوسیالیسم، ناسیونالیسم عربی و ... در پی متحد ساختن اعراب و جلب توجه آنان به رهبری حزب بعث عراق بود.(همان : ۲۴)



- (۷) - باور صدام به حمایت اعراب ایرانی خوزستان از تهاجم عراق
- (۸) - آرزوی صدام برای رهبری جهان عرب و به دست آوردن ژاندارمی در منطقه
- (۹) - ماهیت اخلاقی شخص صدام و جاه طلبی وی در امر کشور گشایی و برتری
- (۱۰) - ضعف سیاست خارجی ایران
- (۱۱) - عدم وحدت نظر و همدلی بین دولت، نهادهای سیاسی و مذهبی ایران
- (۱۲) - چراغ سبز آمریکا به عراق در مورد تهاجم به جمهوری اسلامی ایران<sup>۱</sup>

در این رهگذر منافع مختلفی نصیب آمریکا می شد از جمله فشار به ایران در جهت آزادی گروگان های سفارت آمریکا.

- (۱۳) - اظهار نظر و مصاحبه های ناآگاهانه بعضی از مقامات سیاسی و نظامی وقت ج.ا.ا در مورد مالکیت ارضی تیسفون و مدائن و بصره که موجب سوء استفاده طرف های عراقی در مورد زدن برچسب به ناحق کشور گشایی به ج.ا.ا می گردید. (منصوری لاریجانی، ۱۳۸۸، ص. ۵۸-۵۹)

## ب - علل نظامی

- (۱) - کاهش نیروهای ارتش توسط دولت بازرگان به طوری که در تاریخ ۵۸/۲/۹ اعلام داشت که ایران به ارتش ۵۰۰ هزار نفری نیازی ندارد و تعداد ارتشیان کاهش خواهد یافت (درودیان، ۱۳۸۱، ص. ۱۴)
- (۲) - لغو قراردادهای نظامی توسط دولت بازرگان از جمله زیردریائی ها و تانک های شیر ۱ و شیر ۲ و هواپیماهای پیشرفته و ناوچه های موشک انداز مدرن.
- (۳) - کاهش مدت خدمت سربازی از ۲۴ ماه به ۱۲ ماه و سپس برگشت آن به ۱۸ ماه پس از ۴ ماه.
- (۴) - شعار انحلال ارتش از سوی گروه های ضدانقلاب و تأثیر روانی آن بر روی روحیه ی کارکنان ارتش.

---

<sup>۱</sup> - روزنامه فیگارو در تیرماه ۵۹ نوشت: « برژینسکی مشاور امنیت ملی کارتر، در مرز اردن با صدام حسین ملاقات می کند و می گوید: آمریکا با آرزوی عراق در مورد شط العرب (اروند رود) و احتمالاً برقراری یک جمهوری عربستان در این منطقه، مخالفتی نخواهد کرد و از او حمایت خواهد کرد»

- (۵)- قطع پشتیبانی‌های همه جانبه ی نظامی و تدارکاتی کشورهای غربی و شرقی از ارتش جمهوری اسلامی ایران و تحریم تسلیحاتی ایران.
- (۶)- برکناری و یا فرار فرماندهان رده ی بالای ارتش و ایجاد ضعف مدیریت در ارتش.
- (۷)- رکود در برنامه‌های آموزشی و از کارافتادن سلاح و تجهیزات به علت عدم انجام نگهداری و تعمیرات دوره‌ای.
- (۸)- انتقالات و انتصابات غیرمنطقی و شتابزده فرماندهان و پرسنل فنی و متخصص در ارتش.
- (۹)- بی‌اعتمادی و بدبینی مسئولین، نسبت به فرماندهان ارتش در اثر وقوع کودتای نقاب (پادگان شهید نوژه ی همدان).
- (۱۰)- درگیر شدن قسمت قابل ملاحظه‌ای از یگان‌های ارتش در ناآرامی‌های داخلی از جمله کردستان و عدم حضور آنان در مناطق مرز مشترک با عراق به عنوان عامل بازدارنده.
- (۱۱)- آمادگی رزمی ارتش عراق و پیش‌بینی و برنامه‌ریزی برای شروع جنگ از یک‌سال قبل از تهاجم. یعنی در زمینه ی برنامه ریزی برای جنگ مشکلی وجود نداشت و طرح های لازم با تمام جزئیات از یک سال گذشته تهیه شده بود و به طور مستمر مرور می شد.<sup>۱</sup> و در مقابل، آماده نبودن ارتش جمهوری اسلامی ایران برای شرکت در یک جنگ همه جانبه.<sup>۲</sup>
- (۱۲)- فرصت‌طلبی صدام حسین جهت بهره‌برداری از ضعف مقطعی ارتش ایران.
- تصمیم گیرندگان تهاجم عراق به ایران در تجزیه و تحلیل خود از اوضاع ارتش ایران، از هم پاشیدگی مقطعی بنیه ی دفاعی ایران را نقطه ی امیدی برای صدام می دانستند، کما اینکه طارق عزیز وزیر امور خارجه عراق سه ماه قبل از حمله، گفته بود: «امروز ارتش ایران از هم پاشیده شده است.» (طارق عزیز، ۱۳۵۹، ص. ۲۱)

---

<sup>۱</sup>سرلشکر سامرایي در صفحه ۵۳ کتاب ویرانی دروازه شرقی می‌نوسد: «در زمینه برنامه ریزی برای جنگ مشکلی وجود نداشت، طرح‌های لازم با تمام جزئیات، از یک سال گذشته تهیه شده بود و بطور مستمر مرور می‌شد»

<sup>۲</sup>سرلشکر عراقی و فیک سامرایي، در صفحه ۴۲ و ۴۳ کتاب «ویرانی دروازه شرقی» چنین می‌گوید:

«پس از سرنگونی شاه، توانمندی رزمی ایران، به سرعت کاهش یافت و تا ۴۰ درصد توانمندی سابقش افست کرد. .... نیروهای ما و وضعیت عراق، از برتری کاملاً آشکاری برخوردار بودند. ....»

(۱۳)- خروج ۱۲ هزار مستشار آمریکایی (قره باغی، ۱۳۶۴، ص. ۹۱) از ایران، ظاهراً قدرت دفاعی ارتش را در زمینه های آموزشی و تعمیر و نگهداری تقلیل داده بود.

### ج- علل اقتصادی

مشکلات اقتصادی ایران در سال ۵۹ کمتر از مشکلات سیاسی نبود، بحث تحریم اقتصادی و کاهش قیمت نفت موجب تضعیف بنیه ی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران گردیده بود. قسمتی از این مشکلات به شرح زیر بودند:

(۱)- مشکل فروش نفت و توطئه ی دشمنان خارجی در بازارهای نفتی و ایجاد تزلزل در قیمت پایه ای نفت در سازمان اوپک.

(۲)- بلوکه شدن دارایی های ایران در بانک های آمریکا و تحریم اقتصادی ایران.

(۳)- حرکت کند چرخ های اقتصادی کشور به دلیل عدم امکان تهیه و خرید قطعات و لوازم یدکی کارخانجات.

(۴)- عدم پیش بینی راه حل های اقتصادی متناسب با استراتژی عدم وابستگی به شرق و غرب.

(۵)- معلق ماندن و بلاتکلیف بودن قراردادهای اقتصادی ایران با کشورهای غربی که عمدتاً در زمان رژیم گذشته منعقد شده بود.

(۶)- کمک های اقتصادی و مالی کشورهای عربی به عراق، سبب تقویب بنیه ی اقتصادی عراق و به تبع آن نیروهای مسلح گردیده بود.

### ۲- اهداف کلی رژیم بعث عراق در تهاجم علیه جمهوری اسلامی ایران

الف- سرنگون کردن نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران. (به علت هراس رژیم بعث عراق از رخنه و تأثیرگذاری پیام انقلاب اسلامی در عراق)

ب- تجزیه استان خوزستان و الحاق آن به عراق.

ج- خروج از تنگنای ژئوپلتیک عراق با تصرف سواحل شمال خلیج فارس.

د- حاکمیت مطلق بر آبراه اروندرود و لغو قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر.

ه- کسب رهبری جهان عرب.

و- استرداد جزایر سه گانه ایرانی (ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک).



نقشه شماره ۸ - اهداف عراق از حمله به جمهوری اسلامی ایران

### ۳- زمینه سازی رژیم بعث عراق جهت تهاجم به نظام جمهوری اسلامی

#### ایران

- (۱)- اخراج و مصادره اموال منقول و غیرمنقول حدود پنجاه هزار نفر از اتباع شیعه مذهب عراق به اتهام ایرانی الاصل بودن آن ها. (پارسا دوست، ۱۳۶۹، ص. ۶۶)
- (۲)- ایجاد مزاحمت و محاصره ی اقامتگاه علمای برجسته و روحانیون ایرانی که در عتبات عالیات به سر می بردند و ایجاد تضيیقات عدیده جهت مسافرت ایرانیان به عتبات عالیات.
- (۵)- پناه دادن به بسیاری از ضدانقلابیون فراری به عراق و وابستگان رژیم گذشته ایران. (همان:

(۱۹)

- (۶)- تأسیس رادیوهایی به زبان های فارسی، ترکی، ارمنی، کردی، ترکمنی، بلوچی و عربی جهت تحریک اقوام ایرانی و ایجاد تفرقه و فتنه های قومی و مذهبی در داخل ایران.
- (۷)- ایجاد دفتر به اصطلاح آزادی بخش خوزستان و کوشش مذبحخانه ای برای تحریک ایرانیان عرب زبان علیه جمهوری اسلامی ایران
- (۸)- چاپ نقشه های جعلی استان خوزستان و تغییر اسامی شهرهای منطقه.
- (۹)- اظهارات و اعمال تهدیدآمیز مانند :
- (الف)- صدام در فروردین ماه ۱۳۵۹ در اجتماعی در شمال عراق گفت :«عراق آماده است با زور تمام اختلافات خود را با ایران حل کند.»
- (ب)- خروج بی قید و شرط ایران از جزایر تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی.
- (ج) بازگرداندن دنباله شط العرب به حالت قبل از معاهده ۱۹۷۵.
- (د) به رسمیت شناختن عربی بودن استان خوزستان ( با نام جعلی).
- صدام در ۱۳۵۹/۲/۱۲ طی سخنرانی اعلام کرد : " نه خمینی ( امام ) و نه هیچکس دیگری نمی تواند مانعی در راه ارتش ما باشد".
- (۱۰)- اعزام عده ای از خرابکاران آموزش دیده عراقی به داخل خاک ایران در لباس ایرانیان اخراجی به منظور خرابکاری در مراکز حیاتی. (همان: ۶۶)
- (۱۱)- احداث پاسگاه های جدید مرزی و تقویت پاسگاه های قدیمی مرزی.
- (۱۲)- فراخوانی نیروهای ذخیره ارتش عراق به جز افراد ایرانی الاصل.
- (۱۳) - حمله به پاسگاه های مرزی ایران و به اسارت بردن تعدادی از مردم روستاهای مرزی، نیروهای نظامی و ژاندارمری.
- (۱۴)- پرداخت مبلغ یکصد میلیون دلار به کشور اردن برای ایجاد تسهیلات عبور وسایل جنگی از طریق بندر عقبه.
- (۱۵)- انتقال هواپیماهای نظامی و مسافربری از عراق به فرودگاه های عربستان و اردن بمنظور حفظ سلامت آن ها.
- (۱۶)- انتقال کشتی های باری و تجاری عراق از اروندرود و بندر بصره به بنادر و مناطق دیگر.
- (۱۷)- تخریب لوله های نفت ایران توسط عوامل خرابکار رژیم بعث.
- (۱۸)- رزمایش یگان های ارتش عراق در مناطق و سرزمین های مشابه با ایران.
- (۱۹)- استقرار یگان های نظامی و ایجاد مواضع در سرتاسر مرز.

## هجوم سراسری و اشغال مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران

### مقدمه

با فراهم شدن زمینه های سیاسی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی و فرهنگی، حمله نظامی به جمهوری اسلامی ایران در دستور کار سران رژیم بعث عراق و استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا قرار گرفت.<sup>۱</sup> صدام حسین که پیش از این در برابر اسناد مسلم تاریخی ایران مجبور به پذیرش حاکمیت ایران بر آبراه مشترک مرزی اروندرود براساس خط تالوگ شده بود بدلیل برخورداری از خوی جاه طلبی خود درصدد برآمد تا قرارداد الجزایر را که با امضای شخص او صورت گرفته بود نادیده گرفته و همچنین بمنظور تحقق آرزوهای قدیمی اش در زمینه ثبت شدن نامش در تاریخ از طریق یک اقدام بزرگ نظامی مایل بود با ایران وارد جنگ شود. بعلاوه به قدرت رسیدن نظام اسلامی در ایران، در دو بعد منطقه ای و جهانی موجب نگرانی کشورهای منطقه و عموم کشورهای غربی بویژه ایالات متحده ی آمریکا، انگلیس و فرانسه شده بود و حزب بعث توسعه طلب عراق اطمینان داشت فرصت طلائی برای بازگرداندن حاکمیت و سلطه بر شط العرب (اروند رود) و برطرف کردن مشکل ژئوپلیتیکی کشور عراق با دسترسی به قسمتی از سواحل شمال غربی خلیج فارس و آزاد کردن عرب زبانهای استان خوزستان از تابعیت ایران فرا رسیده است. (السامرای، ۱۳۸۸، ص. ۵۸)

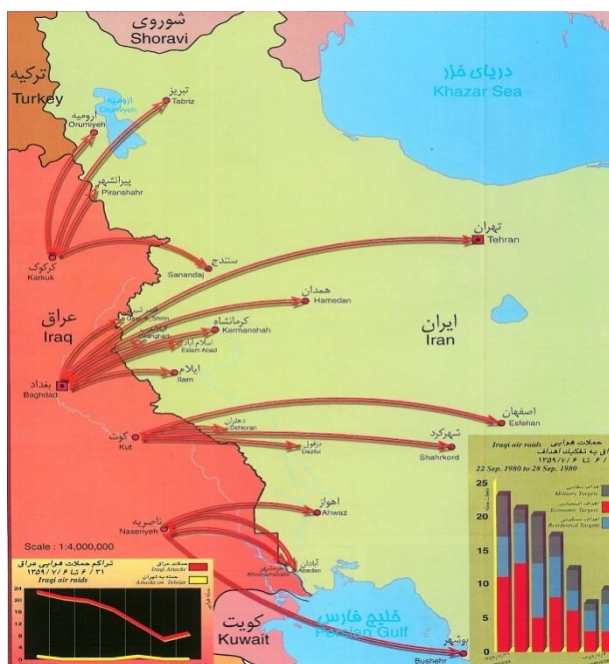
بر همین اساس ارتش بعثی عراق علاوه بر تهاجم هوایی، یگان های نیروی زمینی خود را در سه سپاه سازماندهی و در مناطق شمالی، میانی و جنوبی برای اشغال اهداف پیش بینی شده مستقر نمود.

<sup>۱</sup> در جهت وضعیت نظامی، صدام حسین در ۳۱ تیر ۱۳۵۹ در مصاحبه با رسانه های خبری که در روزنامه السیاسة عراق تیترو زده شد اعلام نمود: « اکنون ما نیروی نظامی کامل فراهم نموده ایم و توان باز پس گیری ۳ جزیره ی اشغال شده توسط ایران را داریم» همچنین در ۱۲ مرداد ۱۳۵۹ در کنفرانس سران عرب در طائف عربستان اظهار نمود: « حمله ی نظامی به ایران برای ارتش قهرمان عراق یک تفریح نظامی است»

## ۱ - تهاجم گسترده ی هوایی عراق در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹

در ساعت ۱۲:۰۰ به وقت بغداد روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ نیروی هوایی ارتش عراق با ۱۹۲ فروند هواپیمای جنگنده بمب افکن برای انهدام پایگاههای هوایی، فرودگاهها و مراکز حساس و حیاتی ایران حمله هوایی گسترده ای را آغاز نمود. (همان، ۶۵)

هدف از این عملیات هوایی بمباران پایگاه های هوایی تهران، تبریز، دزفول، همدان، بوشهر، شیراز، اصفهان و فرودگاههای کرمانشاه، سنندج و ارومیه بود. ولی با فرا رسیدن شب معلوم شد که نتیجه حمله ی هوایی کاملاً ن موفق بوده و همه ی آسیبی که به ایران وارد شده بود صرفاً انهدام یک هواپیمای جنگی و یک هواپیمای مسافری بود درحالیکه عراق یک فروند هواپیمای بمب افکن سنگین ساخت شوروی از نوع توپولوف شانزده را از دست داد. (همان، ۶۶)



نقشه شماره ۹ - تهاجم هوایی حزب بعث عراق به جمهوری اسلامی ایران

## ۲- محورهای پیشروی و اهداف عملیاتی رژیم بعث عراق در تهاجم زمینی

**الف- سپاه یکم (منطقه ی شمالی)** مجاور مرزهای آذربایجان غربی و کردستان از دالامیرداغ (محل تلاقی مرزهای ایران، ترکیه و عراق) تا باویسی (حدود ۲۰ کیلومتری شمال قصر شیرین) با لشکرهای ۷ پیاده کوهستانی و لشکر ۱۱ پیاده (منهای تیپ ۴۹ پیاده) و تعدادی از تیپ های احتیاط و گارد مرزی بمنظور تأمین هدف های ذیل مأموریت داشتند :

(۱)- کنترل معابر و محورهای وصولی مناطق مرزی شامل :

(الف)- محور موصل-رواندوز-حاج عمران-پیرانشهر

(ب)- محور اربیل-قلعه دیزه-سردشت

(ج)- محور سید صادق- پنجوین- باشماق- مریوان

(۲)- پشتیبانی نظامی و مالی از گروه های شورشی و تروریستی که در سرتاسر این منطقه از

اوایل سال ۱۳۵۸ برای جداسازی با نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران درگیر نبرد بودند.

(۳)- برقراری امنیت و حفظ نقاط حساس و حیاتی کردستان عراق در مقابل تهدیدات حزب

دموکرات کردستان عراق و سایر گروه های جنبش های مسلحانه ی منطقه.

**ب- سپاه دوم (منطقه میانی)** از باویسی (شمال قصر شیرین) تا چنگوله (جنوب مهران) حدود ۴۰۰

کیلومتر قرارگاه سپاه دوم از بغداد به قزل رباط (جنوب جلولو) تغییر مکان و با در اختیار گرفتن

لشکرهای پیاده کوهستانی و زرهی و تیپ های مستقل، احتیاط و گارد مرزی مأموریت داشت با استفاده

از محورهای موجود اهداف پیش بینی شده را اشغال نماید.



نقشه شماره ۷ - مناطق و بخشهایی که در طول تاریخ ۲۰۰ ساله ی گذشته، از ایران جدا شده است، را به تصویر کشیده است.



نقشه شماره ۱۰ - محورهای پیشروی ارتش بعث عراق به منطقه ی میانی

محورهای پیشروی ارتش بعث عراق به منطقه ی میانی:

- ۱- میدان - باویسی - تپله کوه - تپه رش - سرپل ذهاب
- ۲- خانقین - خسروی - قصر شیرین - سرپل ذهاب
- ۳- خانقین - خسروی - قصر شیرین - گیلان غرب
- ۴- نفت خانه - نفت شهر
- ۵- مندلی - سومار
- ۶- بدره - زرباطیه - مهران

## اهداف تهاجم ارتش بعث عراق به منطقه ی میانی

(۱)- تصرف شهرهای مرزی (قصرشیرین- نفت شهر- سومار و مهران) و سپس شهرهای سر پل ذهاب و گیلان غرب به منظور بهره گیری تبلیغاتی و آوارگی مردم برای ایجاد مشکل برای دولت جمهوری اسلامی ایران.

(۲)- تصرف عوارض حساس ارتفاعات زاگرس به منظور اطمینان از یک پدافند مطمئن و ایجاد یک فضای امن برای شهرهای خود در این منطقه.

ج- سپاه سوم (منطقه ی جنوبی) از چنگوله تا فاو حدود ۳۸۵ کیلومتر. قرارگاه سپاه سوم از ناصریه به منطقه ی حارثه در حومه ی بصره تغییر مکان و با در اختیار گرفتن لشکرهای مکانیزه، زرهی، تیپ های مستقل و نیروی مخصوص، مکانیزه، گارد ریاست جمهوری، و تعدادی تیپ های احتیاط و گارد مرزی مأموریت داشت با استفاده از محورهای موجود، استان خوزستان را که در نقشه های عراق، استان عربستان نامگذاری شده بود اشغال نماید.



نقشه شماره ۱۱ - محورهای هجوم ارتش عراق به جنوب غربی ایران

## محورهای هجوم ارتش عراق به جنوب غربی ایران :

- ۱- علی غربی- ارتفاعات حمزین- عین خوش- تپه های علی گره زد- پل نادری- شهردزفول
- ۲- فکه- تپه برغازه- ارتفاعات ابوصلیبی خات(تپه های رادار)- شهرشوش
- ۳- سوبله- تنگ جزابه- بستان- تپه های الله اکبر- شهرسوسنگرد
- ۴- نشوه- طلایه- شهرسوسنگرد
- ۵- تنومه- کوشک- شهراهواز
- ۶- شلمچه - شهرخرمشهر
- ۷- شلمچه- مارد- شرق کارون- شهرآبادان

## اهداف تهاجم ارتش بعث عراق به منطقه ی جنوبی

- (۱)- کنترل کامل اروندرود با تصرف خرمشهر و آبادان.
  - (۲)- دسترسی به سواحل شمال غربی خلیج فارس با تصرف بنادر امام و ماهشهر.
  - (۳)- تصرف منابع مهم نفت و گاز با هدف تضعیف و نابودی اقتصاد ایران.
  - (۴)- تصرف استان خوزستان و آزاد کردن مردم عرب زبان این استان.
  - (۵)- تحمیل اراده به جمهوری اسلامی ایران و یا سرنگونی نظام.
- با حرکت و جابجایی گسترده و استقرار نیروهای ارتش بعثی عراق در خطوط مرزی در ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰ م (۲۶ شهریور ۱۳۵۹ ه. ش ) شب هنگام نمایندگان مجمع ملی عراق برای تشکیل جلسه ای فوق العاده دعوت شدند و صدام حسین فرمانده کل قوا طی سخنرانی مفصلی، لغو قرارداد ۱۹۷۵ م الجزایر را که خود امضاء کرده بود اعلام نمود.
- وی در این جلسه توضیح داد که چون زمامداران ایران با مداخله آشکار در امور داخلی عراق با پشتیبانی و مسلح کردن شورشیان گرد، قصد براندازی نظام ما را دارند لذا همان طوری که شاه از استرداد اراضی عراق خودداری نمود و ما ناگزیر شدیم همان سرزمین هارا (منظور صدام مناطق زین الکش و میمک میباشد که در ۱۷ و ۱۹ شهریور ۱۳۵۹ اشغال نمودند) به زور آزاد کنیم، بنابراین در مقابل شما اعلام می دارم که قرارداد ۱۹۷۵ م از طرف ما ملغی است.
- او که در مقابل تلویزیون سخنرانی می کرد قرارداد را درمقابل بینندگان تلویزیون پاره کرد و اضافه نمود ما این تصمیم تاریخی را برای بدست آوردن حاکمیت براراضی و آبهای خود گرفتیم و

علیه هرکس که بخواهد با این تصمیم مشروع ما مخالفت نماید با تمام قدرت و شایستگی، مقابله خواهیم کرد. (پارسا دوست، ۱۳۶۹، ص. ۵۲۵)

### ۳ - مناطق اشغال شده و آخرین حد پیشروی ارتش بعث عراق

در سپیده دم روز اول مهرماه ۱۳۵۹ ه. ش تهاجم زمینی ارتش بعث عراق با عبور از خطوط مرزی ایران برای اشغال اهداف پیش بینی شده در عمق خاک جمهوری اسلامی ایران آغاز شد که نتایج اشغال در هر یک از استان های مجاور مرز به شرح زیر می باشد :

#### الف - استانهای آذربایجان غربی و کردستان

نیروهای سپاه یکم ارتش بعث عراق در وصول به اهداف خود با مشکلی مواجه نشده و موفق شدند با حمایت از گروه های شورشی و ضد انقلاب ایران از رهائی نیروهای مسلح ایران درگیر نبرد، جلوگیری نمایند.

#### ب - استان های ایلام و کرمانشاه

در استان ایلام بخشی از نیروهای سپاه دوم موفق شدند روز دوم مهرماه شهر مهران را اشغال نمایند. در روز سوم مهرماه پیشروی متجاوزین در ارتفاعات کانی سخت و سد کنجان چم دفع شد و نیروهای عراقی از ورود به شهر صالح آباد بازماندند و بدین ترتیب نیروهای متجاوز در استان ایلام از ادامه پیشروی باز مانده و زمینگیر شدند.

شهر موسیان در ساعت ۱۵:۰۰ روز ۱۲ مهرماه توسط نیروهائی از سپاه سوم اشغال شد ولی متجاوز برای اشغال شهر دهلران اقدام جدی به عمل نیاورد.

در استان کرمانشاه شهرهای مرزی سومار و نفت شهر در روز دوم و قصرشیرین در روز چهارم مهرماه توسط دشمن اشغال شد. متجاوزین از روز سوم تا پنجم مهرماه تلاش گسترده ای را برای تصرف شهرهای سرپل ذهاب در سه راه گردنه پاتاق و گیلان غرب در سر راه گردنه ی قلاجه به عمل آوردند ولی در اثر مقاومت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در کنار نیروهای مردمی و بومی موفق به تصرف این دو شهر نشدند و در غرب این دو شهر در ارتفاعات دستک، قراویز، بازی دراز و تنگ حاجیان زمینگیر و از روز ششم پیشروی متجاوزین در استان کرمانشاه نیز متوقف گردید در حالی که تا وصول

به اهداف پیش بینی شده ده ها کیلومتر فاصله داشتند. دستاورد سپاه دوم ارتش عراق در این دو استان اشغال چهارشهر کوچک مرزی و حدود سه هزار کیلومتر از سرزمین های حاشیه مرز بود.

## ج- استان خوزستان

### (۱) - جبهه ی شمالی (غرب دزفول - شوش)

نیروهائی از سپاه سوم در روزهای پنجم و ششم مهرماه به حوالی پل سرخه نادری و شوش در غرب رودخانه کرخه رسیدند. گرچه تلاشهای محدودی در روز ششم مهرماه در منطقه ی سرخه نادری و روزهای هفتم و دهم مهرماه در منطقه ی شوش برای عبور از رودخانه ی کرخه برای اشغال سرپل هائی به عمل آوردند ولی با مقاومت اندک نیروهای ایرانی مواجه و متوقف شدند.

به نظر میرسد مهمترین عامل مقاومت و ایستادگی نیروهای رزمنده ی جمهوری اسلامی ایران به خصوص نیروهای مردمی و مقاومت آن ها در کلیه مناطق بخصوص شهر خرمشهر بود که موجب گردید آهنگ پیشروی نیروهای سپاه سوم مختل و سران ارتش عراق برای ادامه ی پیشروی و استفاده از موفقیت های به دست آمده دچار تردید شوند و تا روشن شدن وضعیت در سرزمین های غربی رودخانه ی کرخه متوقف گردند و حتی در اشغال سر پلی در غرب رودخانه ی کرخه در منطقه ی سرخه نادری به مساحت حدود ۲۰ کیلومتر مربع توسط نیروهای ایرانی، عکس العملی به غیر از آتشباری توپخانه برای انهدام نیروهای مستقر در سر پل به عمل نیاورند.

با اشغال خرمشهر در چهارم آبان ماه تلاش های آفندی متجاوز برای اشغال کامل استان خوزستان متمرکز گردید و لذا در نهم آبان ماه همزمان با پیشروی برای اشغال آبادان تهاجم گسترده ای را برای اشغال شهر دزفول آغاز نمود. نیروهای سپاه سوم با اجرای آتش سنگین به نیروهای خودی مستقر در سر پل سرخه نادری از ساعت ۵:۳۰ تا ۱۸:۳۰ در مدت ۱۳ ساعت مداوم شش بار و هر بار با یک یگان تازه نفس حمله نمودند جنگ تن به تن بارها در سنگرهای مقدم پدافندی جریان داشت و نهایتاً در اثر مقاومت مدافعین ایرانی، متجاوز با تحمل تعداد زیادی کشته و زخمی از پیشروی بازماند.

اظهارات اسرا و پناهندگان عراقی حاکی از این بود که فرمانده ی لشکر ۱۰ زرهی در روز قبل اعلام نموده بود که با قبول ۶۰ درصد تلفات ناهار را در دزفول صرف خواهیم کرد. حمله ی یگان های دیگری از سپاه سوم در منطقه ی شوش توسط مدافعین نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و مقاومت های مردمی سرکوب و دفع گردید. (السامرای، ۱۳۸۸، ص. ۵۰)

## (۲) - جبهه ی میانی (سوسنگرد - اهواز)

نیروهائی از سپاه سوم ارتش بعث عراق در مسیر چزابه، تپه های سوسنگرد و الله اکبر موفق شدند در روز چهارم مهرماه شهر بستان را تصرف و در روز پنجم با عقب راندن نیروهای خودی از تپه های الله اکبر تا حوالی ۳ کیلومتری روستای هوفل در شمال غربی سوسنگرد پیشروی نمایند و نیروی دیگری در مسیر نشوه، طلائیه و سوسنگرد موفق شد بدون برخورد به مقاومت مؤثر به حوالی سوسنگرد برسد.

نیروهای عراقی با تباری با عناصر ضد انقلاب وارد شهر شدند و با گماردن ۱۶ نفر مزدور در مشاغل حساس عملاً سوسنگرد به اشغال متجاوز درآمد. در حالی که متجاوزین تدارک پیشروی به سمت اهواز را فراهم می نمودند در روز هشتم مهرماه با شبیخون تعداد معدودی از رزمندگان خودی مواجه و با از دست دادن ۲۲ دستگاه تانک و تعدادی کشته و زخمی از سوسنگرد متواری و تا مرز عقب نشینی نمودند و کلیه ی مزدوران وابسته به نیروهای عراقی توسط دولت ایران محاکمه و اعدام شدند.

در روز چهارم مهرماه نیروئی از دشمن از طریق محور تنومه، کوشک و اهواز موفق شد در مسیر پیشروی، پادگان حمید را اشغال و در روز پنجم مهر به دب حردان (حدود ۲۰ کیلومتری غرب اهواز) برسد.

نیروهای عراقی بعد از این که در سایر جبهه ها متوقف و از ادامه ی پیشروی باز ماندند برای تهدید اهواز مجدداً سوسنگرد را در روز ۲۴ آبان ماه محاصره و وارد شهر شدند ولی در ۲۶ آبان ماه با عکس العمل نیروهای ایرانی مواجه و به مناطق غرب سوسنگرد عقب نشینی و در حوالی دهلاویه مستقر شدند. کلیه نیروهای سپاه سوم ارتش عراق بعد از این شکست در سرتاسر استان خوزستان از ادامه پیشروی بازماندند و در لاک دفاعی خود فرو رفتند.

## (۳) - جبهه ی جنوبی (خرمشهر-آبادان)

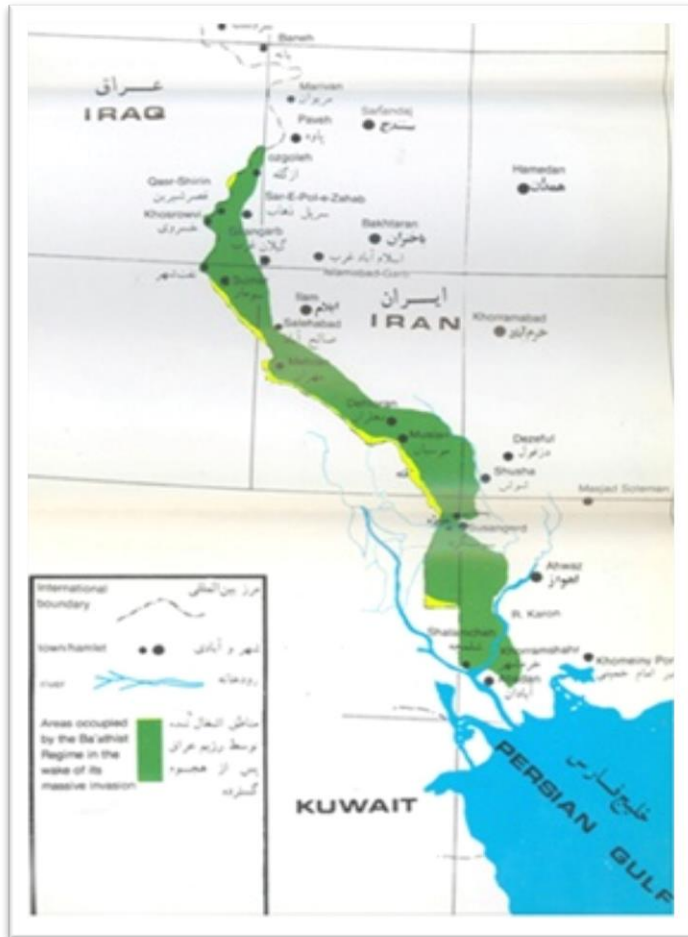
تهاجم برای تصرف بندر خرمشهر از پاسگاه مرزی شلمچه در محوری که ۱۷ کیلومتر فاصله دارد آغاز شد. متجاوز تصور می کرد این مسافت را در اسرع وقت طی و در مدت دو، سه روز خرمشهر را تصرف و سپس با اشغال آبادان در کمتر از شش روز کرانه های شمالی رودخانه اروند رود را در اختیار خواهد گرفت .

سپاه سوم گرچه به سبب مقاومت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و مقاومت های مردمی تقویت های لازم را برای اشغال خرمشهر به عمل آوردند ولی به سبب طولانی شدن تصرف خرمشهر برای تضعیف روحیه ی مدافعین و کاهش امکانات پشتیبانی از آنها در ۱۹ مهرماه با احداث پل در منطقه ی مارد در ۲۰ کیلومتری شمال آبادان از رودخانه کارون عبور و سر پلی در شرق رودخانه به مساحت

۱۵۰ کیلومتر مربع اشغال و با قطع جاده های آبادان-اهواز و آبادان - ماهشهر جزیره ی آبادان را از طریق راه زمینی محاصره و سقوط آبادان جدی شد.

بالاخره بعد از ۳۴ روز نبرد، نیروهای عراقی موفق شدند خرمشهر را اشغال نمایند و سپس اقدامات اساسی برای اشغال آبادان به عمل آوردند و بالاخره نیروهای عراقی در شب نهم آبان ماه با توسعه ی سر پل شرق کارون، سواحل شمالی رودخانه ی بهمن شیر را به طول ۱۸ کیلومتر اشغال و با احداث پل در منطقه ی ذوالفقاری از رودخانه عبور و از طریق نخلستان ها وارد آبادان شدند ولی عکس العمل نیروهای خودی بخصوص نیروهای مردمی و بومی منطقه در روز نهم آبان ماه موجب شد که نیروهای نفوذ یافته عراقی با قبول تعدادی کشته، زخمی و اسیر تا چهار کیلومتری شمالی رودخانه ی بهمن شیر عقب نشینی نمایند.

دست آوردهای سپاه سوم که مأموریت تصرف استان خوزستان را به عهده داشت بعد از ۵۶ روز تلاش آفندی تصرف دو شهر از ۲۶ شهر این استان و اشغال حدود ۱۲ هزار کیلومتر مربع از ۶۴۲۳۶ کیلومتر مربع از مساحت استان خوزستان (کمتر از  $\frac{1}{5}$ ) در غرب رودخانه های کرخه و کارون بود و از دسترسی به ذخائر زیرزمینی محروم ماند و زمین گیر شدند. (السامرای، ۱۳۸۸، ص. ۵۰)



نقشه شماره ۱۲ - مناطق اشغال شده ی ایران توسط ارتش بعث عراق

## ویژگی های اولین مرحله جنگ از ۳۱ شهریور تا ۴ آبان ۱۳۵۹ (اشغال

### خرمشهر)

- ۱- ناکامی نیروهای هوایی در ایجاد یک وضعیت هوایی مناسب به نفع نیروهای عراقی.
- ۲- ناکامی در تصرف اهداف مهم نظامی و عملیاتی بر روی زمین و دفاع شدید نیروهای ایرانی از شهرهای دزفول، اهواز، آبادان و خرمشهر.
- ۳- گسترش وسیع و با سرعت سازمان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران و نیروهای بسیجی.



۴- تغییر رویه نیروهای خودی از مرحله ی عقب نشینی به مرحله ی هجوم و دفاع نیرومند رسیدند و با عملیات چریکی، ابتکار عملیات را در اختیار گرفتند. وزیردفاع ایران «مصطفی چمران» شخصاً فرماندهی و اداره ی این گونه عملیات را بر عهده داشت.

۵- روحانیون رده بالای جمهوری اسلامی ایران به دلایل روانی و به صورت داوطلبانه در جنگ شرکت می کردند.

۶- نیروهای خودی قدرت به کارگیری ماهرانه و گسترده ی سلاح توپخانه را پیدا نمودند. افسران دیده بان ایرانی به صورت شایسته ای اقدام به هدایت و کنترل آتش می کردند و همین مسأله سبب شد تا نیروهای ما آن ها را در مناطق فاقد پوشش و استحکام، زیر فشار آتش شدید قرار داده و منهدم نمایند.

## نظرات و تدابیر حضرت امام خمینی<sup>(ه)</sup>، مقاومت مردمی و نیروهای مسلح، متوقف کردن متجاوز

### ۱- تدابیر و موضع‌گیری حضرت امام<sup>(ه)</sup> در برابر تهاجم ارتش بعث عراق

تهاجم ارتش بعث عراق به ایران اسلامی حادثه‌ی بسیار بزرگ و یکی از طولانی‌ترین جنگ‌های معاصر در منطقه‌ی خلیج فارس می‌باشد در این روند تدابیر، سیاست‌ها و خط مشی‌های حضرت امام<sup>(ه)</sup> در دو مرحله بیان شده است.

#### الف- مرحله‌ی اول: چالش‌های امنیتی و نظامی قبل از شروع جنگ

با پیروزی انقلاب اسلامی حضرت امام<sup>(ه)</sup> با اجتناب از سلطه‌ی هردو ابرقدرت غرب و شرق، خط‌مشی سیاسی کشور را استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی اعلام فرمودند به یقین برای رهبر انقلاب روشن و آشکار بود که استکبار جهانی به ویژه آمریکا پذیرای سیاست اعلام شده نمی‌باشد و قطعاً مشکلاتی برای رژیم نوپای جمهوری اسلامی ایجاد خواهد نمود. لذا تدابیر ارزشمندی را در فراهم نمودن توان بازدارندگی اتخاذ فرمودند. اهم تلاش رهبر کبیر انقلاب اسلامی در جهت حفظ ارتش، تشکیل سپاه پاسداران، تشکیل بسیج مردمی و آگاهی مردم انقلابی متمرکز گردید که بخشی از مهم‌ترین تدابیر حضرت امام<sup>(ه)</sup> در مقابله با مخالفان ارتش چنین است:

- (۱)- تضعیف ارتش، تضعیف اسلام است تضعیف نکنید البته پاکسازی و تصفیه می‌شوند آنهایی که باقی می‌مانند عزیزند. آنهایی که تضعیف ارتش را می‌خواهند خائنند. (صحیفه امام، ج ۶: ۲۷۵)
- (۲)- شما نظامیان، شما ارتشیان از ما هستید. شما حافظ استقلال کشور هستید هرکس با شما مخالفت کند با استقلال کشور و اسلام مخالفت کرده است. (همان: ص ۲۸۴)
- (۳)- به منظور ایجاد همبستگی بین مردم انقلابی و افراد ارتش روز ۲۹ فروردین ماه را روز ارتش تبیین فرمودند که هم‌اکنون نیز این فرمان تداوم دارد.
- (۴)- در شایعه انحلال ارتش توسط گروهک‌های ضدانقلاب فرمودند: «مردم ارتش را یاری و تقویت کنید آنکه می‌گوید ارتش باید منحل شود، منافق است ارتش باید بماند.»

(۵)- در دوم اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ برای پاسداری و صیانت از انقلاب و ایجاد امنیت و حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی، فرمان تشکیل و سازماندهی سپاه پاسداران را صادر فرمودند.

(۶)- در پنجم آذرماه ۱۳۵۸ تشکیل ارتش بیست‌میلیونی توسط نیروهای بسیج مردمی را اعلام نمودند و با فراخوانی مردم برای حفظ نظام و انقلاب، جذب، آموزش، سازماندهی و به کارگیری آن‌ها را به سپاه پاسداران محول و تأکید فرمودند: «اسلام رزمنده می‌خواهد، جنگجو می‌خواهد، در مقابل آنهایی که هجوم می‌کنند به مملکت ما، اسلام مجاهد می‌خواهد درست کند، نمی‌خواهد یک نفر آدم عیاش درست کند.» (همان، ج ۹: ۴۵۵)

(۷)- حضرت امام<sup>(ع)</sup> تهدید عراق و تمامی تحولات امنیتی در داخل را یک سیکل به هم پیوسته داخل و خارج در چارچوب سیاست‌های آمریکا علیه انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی تعریف کردند و این امر نقش بسیار مؤثری در اعتماد به نفس و تسلط روحی و روانی مردم برای مقابله با تجاوز عراق داشت حضرت امام در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۲۱ نقش آمریکا در تحریک رژیم بعثی عراق را در آماده شدن برای حمله به ایران متذکر شدند و در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۲۷ تصریح می‌نماید که آمریکا عراق را وادار نموده است خون جوانان ما را بریزد و دست آمریکا از آستین دولت عراق بیرون آمده است. (همان، ج ۱۳: ۸۱)

## ب- مرحله ی دوم: بعد از تهاجم رژیم بعث عراق

حضرت امام<sup>(ع)</sup> با تفسیر ماهیت معنوی جنگ با تأکید بر مفهوم جنگ، جنگ‌اسلام و کفر و «صدام عامل آمریکا» بهم پیوستگی جنگ و انقلاب را مشخص و ماهیت تجاوز به ایران را روشن ساختند و مقاومت همه جانبه با تأکید بر نیروهای بسیج مردمی برای مقابله با مهاجمین عراقی را اعلام نمودند.

(۱)- در ۱۳۵۹/۶/۳۱ فرمودند: «این صدام حسین است که به واسطه ی تحریک آمریکا به ما حمله کرده است» (بنی لوحی & پیری، ۱۳۷۹، ص. ۴۱)

(۲)- ساختار و سازمان دفاعی برای مقاومت با تشکیل شورای عالی دفاع و صدور فرامین جدید به منظور هماهنگی نیروهای مسلح و نیروهای مردمی را ابلاغ فرمودند.

(۳)- حضرت امام<sup>(ع)</sup> در یک عملیات روانی بر علیه صدام و رژیم بعثی به ملت ایران اطمینان می‌دهند که یک دزدی آمده است سنگی انداخته و فرار کرده و در قبال اسلام‌گرایی صدام نیز می‌فرمایند: «صدام حسین به حسب حکم شرعی کافر است» و جرم ملت ایران را مخالفت با آمریکا تعیین می‌کند. (همان: ۴۱)

(۴) - موضع‌گیری رهبر انقلاب در برابر تهاجم سراسری ارتش عراق در اوضاع نابسامان سیاسی و اقتصادی کشور مبتنی بر عنصر ایمان و توکل بر خدا بود. وی در این خصوص می‌فرماید :

« من از ملت ایران خواهانم که در هر مسئله‌ای که پیش می‌آید قوی باشند، قدرتمند باشند، متکی به خدای تبارک و تعالی باشند و از هیچ چیز باک نداشته باشند ما از آن قدرتهای بزرگ نترسیدیم این صدام که قدرتی ندارد، عراق چیزی نیست» (صحیفه امام، ج ۱۳ : ۲۳۲)

(۵) - سخنان ملکوتی امام‌راحل<sup>(۶)</sup> که از قلب مطمئن و جان آرام او سرچشمه می‌گرفت روحیه ی مردم و مسئولان و نیروهای مسلح را تقویت نمود و اتکال آن‌ها را به خدا بیشتر کرد و انگیزه دفاع و مبارزه با دشمن را در آنان به ویژه جوانان جان برکف میهن‌اسلامی بالا برد تا جایی که فرمودند :

«هروقتی که مقتضی بشود من پیامی به ملت خواهم داد و به صدام‌حسین و امثال او ثابت خواهم کرد که اینها، این اذنان آمریکا قابل‌ذکر نیستند.» (همان : ۲۲۱)

(۶) - امام‌راحل<sup>(۷)</sup> با تحقیر دشمن مردم را به مبارزه و حتی شکست دشمن امیدوار کردند و این صحنه‌های اعجاز آفرین ولایت فقیه در نظام جمهوری اسلامی است که در بحرانی‌ترین شرایط با در دست گرفتن سکان، کشتی نظام را از تزلزل نجات می‌دهد و ثابت می‌کند که جوهر اقتدار نظام و امنیت کشور ولایت فقیه است. (منصوری لاریجانی، ۱۳۸۸، ص. ۱۲۹)

(۷) - حضرت امام<sup>(۸)</sup> تکلیف ملت ایران و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران را در واکنش به تجاوز رژیم بعثی اینگونه تبیین می‌کنند :

«جنگ، جنگ است و عزت و شرف میهن و دین ما در گرو همین مبارزات است جوانمردی ارتش و سایر قوای مسلحه مثل سپاه پاسداران و دیگران ما را به یاد جوانمردی‌های صدر اسلام انداخت» (صحیفه امام، ج ۱۳ : ۱۰۰)

تکلیف ما این است که از اسلام صیانت کنیم و حفظ کنیم اسلام را. کشته بشویم تکلیف را عمل کرده‌ایم، بکشیم هم تکلیف را عمل کرده‌ایم. این همان منطقی است که ما در اول هم، که با این رژیم فاسد پهلوی مخالفت می‌کردیم، منطبق ما همین بود. منطبق این نبود که ما حتماً باید پیش ببریم. منطبق این بود که برای اسلام مشکلات پیدا شده است. احکام اسلام دارد از بین می‌رود. مظاهر اسلام دارد از بین می‌رود و ما مکلفیم که هرچه قدرت داریم با آن‌ها مقابله کنیم کشته هم شدیم اهمیتی ندارد. شما هیچ وقت از هیچ چیز هراس نداشته باشید شما برای حفظ اسلام دارید جنگ می‌کنید و برای نابودی اسلام. الان اسلام به تمام در مقابل کفر واقع شده است و شما باید از اسلام پاسداری کنید و حمایت کنید و دفاع کنید. دفاع یک امر واجبی است بر همه کس. و بر هر کس که هر مقدار قدرت دارد باید دفاع بکند از اسلام» (صحیفه امام، ج ۱۳ : ۲۵)

بی‌ثباتی اولیه حاصل از پیامدهای تهاجم عراق با دعوت مردم به آرامش نه‌تنها به رفع نگرانی از تهدید موجودیت نظام انجامید بلکه رزمندگان اسلام موفق شدند متجاوزین را از رسیدن به اهداف از پیش تبیین شده محروم نمایند.

## ۲- واکنش نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در مقابل تهاجم ارتش

### بعثی عراق

در حالیکه ارتش بعثی عراق از اوایل سال ۱۳۵۹ ه.ش فعالیت‌های گسترده‌ای را برای تهاجم به ایران اسلامی تدارک می‌دید صدام حسین با احضار هشتاد هزار نیروی ذخیره و احتیاط در فروردین‌ماه ۱۳۵۹، با مرمت جاده‌های مرزی و احداث جاده‌های جدید به طرف مرزهای ایران، جایجائی یگان‌های نظامی از اقصی نقاط کشور به طرف مرزها و تجاوزات مرزی متعدد اقدام کرد و کلیه ی این اقدامات که نشانگر قرائن و شواهد تهاجم به ایران بود توسط نیروهای مردمی، ژاندارمری و عوامل اطلاعاتی به فرمانده کل‌قوا(بنی‌صدر) گزارش می‌شد.

ولی به دلایل غیرمنطقی رئیس‌جمهور وقت ایران هرگز باور نداشت ارتش بعثی عراق به ایران اسلامی حمله نماید لذا نه‌تنها اقدام اساسی در به‌کارگیری قدرت ملی برای ایجاد موانع و استحکامات در محورهای پیشروی برای افزایش قدرت دفاعی به عمل نیامد بلکه از نیروهای سپاه پاسداران که کارآمدی آن‌ها در مبارزه با افراد مسلح غیرقانونی و ضد انقلاب در استان‌های شمال غرب و شرق و نیروهای منافقین که به اتفاق یگان‌های ارتش تجاری را کسب نموده بودند برای تقویت قدرت نظامی کشور استفاده نمود.

در نتیجه تعدادی از محورهای پیشروی فاقد نیروی دفاعی و تعداد دیگری از یگان‌ها از نیروی کافی برخوردار نبودند و لذا در ابتدا امکان پیشروی برای تعدادی از یگان‌های ارتش بعثی عراق در سرزمین‌های صاف و بدون عارضه استان خوزستان فراهم گردید.

با توجه به گستردگی فعالیت‌های عملیاتی رزمندگان اسلام (ارتش، سپاه پاسداران، نیروهای بسیج مردمی، ژاندارمری و...) در سرزمین‌های گسترده و در محورهای پیشروی متعدد که با فراز و نشیب‌های فراوان همراه بود تشریح آن در این اجمال نمی‌گنجد. لذا مهم‌ترین حوادث نبرد در چهار مقطع زمانی که هر مقطع از ویژگی خاصی برخوردار می‌باشد بیان می‌گردد :

## الف - مقطع اول از شروع جنگ تا ششم مهرماه ۱۳۵۹ (صدور قطعنامه ی

### شورای امنیت مبنی بر آتش‌بس)

پس از حمله سراسری رژیم بعث عراق و عدم دستیابی به اهداف خود، اولین قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل صادر شد که این قطعنامه توسط صدام پذیرفته شد چرا؟ چون سران ارتش بعثی عراق پی‌بردند که در برآوردهای خود دچار اشتباه شدند. صدام به توانمندی قدرت نظامی عراق، فقدان توان دفاعی ایران و استقبال مردم بومی و عرب زبان خوزستان از ارتش عراق امیدوار بودند که در این چند روز هرگز تحقق پیدا نکرد. ایران این قطعنامه را نپذیرفت و بر لزوم عقب نشینی متجاوزین بدون آتش بس تاکید نمود و پذیرش آن برای عراق دشوار بود زیرا تصور می‌شد که جنگ به داخل سرزمین عراق کشیده شود.

« در همین روز ما احساس کردیم که در موقعیت نظامی خوشایندی قرار نداریم». (السامرای،

۱۳۸۸، ص. ۷۴)

با توجه به تهاجم ارتش رژیم بعث عراق، واکنش نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به قرار زیر

بود:

در پاسخ به تهاجم نیروی هوایی ارتش بعث عراق، نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱ مهر ۱۳۵۹ با ۱۴۰ فروند هواپیمای بمب افکن، اقدام به بمباران پایگاه های هوایی «الحریه» در کرکوک و پایگاه های «بصره»، «ناصریه» و «البکر» در شرق، «الدجیل» در شمال بغداد و «الکوت» کردند. با بمباران پایگاه الحریه، تا چند روز پرواز هواپیماهای عراقی از این پایگاه امکان پذیر نبود در ادامه هجوم هوایی ارتش عراق بلافاصله تهاجم سراسری او به مرزهای زمینی جمهوری اسلامی ایران در همین تاریخ آغاز شد.<sup>۱</sup>

(۲) - نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران با صدور اعلامیه‌ای در روز اول مهرماه کلیه ی

مرزهای آبی کشور را منطقه ی جنگی اعلام و اجازه حمل کالا از طریق مرزهای آبی کشور به طرف عراق را قطع نمود. (نامه ۱۳۵۹/۷/۱-۱۷/۵۹)

(۳) - استقرار رزمندگان اسلام و مقابله با دشمن بعثی در مناطق عملیاتی (ارتش، سپاه پاسداران،

نیروهای بسیج، ژاندارمری، نیرو های بومی محلی و...)

---

<sup>۱</sup> - علی اکبر موسوی قويدل یکی از فرماندهان هشت سال دفاع مقدس و در حال حاضر مشاور عالی و عضو

شورای راهبردی پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس می باشد.

- (۴) - جلوگیری از نزدیک شدن مهاجمین عراقی به شهر صالح آباد وزمین گیر شدن یگان های ارتش بعثی عراق در ارتفاعات کانی سخت و سد کنجان چم در سوم مهرماه در ایلام و سایر مناطق در استان ایلام.
- (۵) - عقب راندن متجاوزین از شهرهای سرپل ذهاب و گیلان غرب تا ارتفاعات دستک، قراویز، بازی دراز و تنگه ی حاجیان در پنجم و ششم مهرماه در استان کرمانشاه.
- (۶) - متوقف نمودن پیشروی دشمن در سرزمین های منطقه ی میانی (صحنه ی عملیات کرمانشاه - ایلام).
- (۷) - سد پیشروی نیروهای دشمن در حومه ی شمالی و غربی خرمشهر و جلوگیری از ورود مهاجمین به داخل شهر و مقاومت جانانه ی مردم غیور خرمشهر در مقابله با نیروهای حزب بعث عراق همراه با نیروهای ارتش، سپاه و نیروهای مردم و بسیج.
- (۸) - جلوگیری از عبور نیروهای عراقی از رودخانه ی کرخه در منطقه ی پل سرخه نادری.

## ب- مقطع دوم از ششم مهرماه تا چهارم آبان ماه ۱۳۵۹ (سقوط

### خرمشهر)

ایستادگی و مقاومت رزمندگان اسلام در غرب و شرق خرمشهر موجب شد که متجاوز برای تضعیف روحیه ی مدافعین شهر و کاهش امکانات پشتیبانی از آن ها و تسریع در اشغال آن در ۱۳۵۹/۷/۱۹ با عبور از رودخانه ی کارون در منطقه ی مارد در ۲۰ کیلومتری شمال آبادان سرپلی در شرق رودخانه به مساحت ۱۵۰ کیلومتر مربع اشغال و با قطع جاده های آبادان- اهواز و آبادان- ماهشهر، آبادان را از طریق راه زمینی محاصره نماید تا با ایجاد محدودیت پشتیبانی از نیروهای رزمنده در خرمشهر، آبادان در معرض سقوط قرار گیرد.

با شروع نبرد در خیابان ها و کوچه ها در ۲۴ مهرماه خرمشهر به خونین شهر تغییر نام داده شد و سرانجام بعد از ۳۴ روز نبرد، خونین شهر سقوط کرد ولی رزمندگان اسلام و به خصوص نیروهای مردمی و بسیجی با مقاومت و پایداری و نثار خون خود دستاوردهای ارزشمندی را به ارمغان آوردند و موجبات شکست دشمن را در استان خوزستان فراهم نمودند.

مقاومت مردمی در خرمشهر آهنگ پیشروی نیروهای عراقی را در سایر مناطق خوزستان مختل و سران ارتش بعثی عراق را در ادامه ی حملات آفندی در غرب رودخانه های کرخه و کارون دچار تردید و تا تعیین تکلیف نبرد در خرمشهر متوقف شوند و لذا فرصت مناسب برای وصول نیروها و سازماندهی پدافند در آبادان و غرب دزفول- شوش فراهم گردید.

حماسه‌ی مقاومت در خرمشهر، رؤیای تصرف شش روزه استان خوزستان و تحمیل اراده به نظام مقدس جمهوری اسلامی را برای نیروهای حزب بعث به کابوس تبدیل نمود. مقاومت در خرمشهر صحنه‌ی آزمون حساسی برای جوانان امروز و نسل آینده ایران زمین می‌باشد که با الگوگیری از ائمه و با شعور انقلابی و پیروی از ولایت فقیه می‌توان با حداقل امکانات در مقابل با دشمن تا دندان مسلح مقابله نمود.

### ج- مقطع سوم از چهارم آبان تا نهم آبان ماه ۱۳۵۹ (ادامه‌ی تهاجم دشمن برای

#### تصرف آبادان و دزفول)

متجاوز پس از اشغال خرمشهر در حداقل فاصله‌ی زمانی ممکن تلاش خود را برای تصرف آبادان و دزفول در جبهه‌های جنوبی و شمالی استان خوزستان به طور همزمان متمرکز نمود تا پس از تصرف اهواز، زمینه‌ی اشغال خوزستان را فراهم نماید.

دشمن پس از اشغال شهر خرمشهر در شب هفتم آبان ماه پس از استقرار در کنار رودخانه‌ی بهمن شیر و با احداث پل در منطقه‌ی ذوالفقاری از طریق نخلستان‌ها به سمت شهر آبادان و با هدف تصرف این شهر اقدام به یک تهاجم وسیع نمود که با ایثارگری‌ها و فداکاری‌های جانانه‌ی نیروهای مردمی و بومی و نیروهای سپاه و ارتش مواجه گردید. پس از یک نبرد سنگین او را از شهر، بیرون راندند.

دشمن در جبهه‌ی شمالی (غرب دزفول- شوش) در روز نهم آبان ماه با عبور از رودخانه‌ی کرخه به منظور تصرف شهر دزفول، حمله‌ی خود را آغاز نمود. دشمن متجاوز پس از اجرای آتش‌تپیه‌ی شدید و طولانی از ساعت ۵:۳۰ تا ۱۸:۳۰ بمدت ۱۳ ساعت مداوم در شش مرحله و هر بار با یک یگان تازه نفس تهاجم نمود.

نبرد تن‌به‌تن بارها در سنگرهای مقدم پدافندی جریان داشت و نهایتاً در اثر مقاومت رزمندگان اسلام نیروهای عراقی با تحمل تعداد زیادی کشته و زخمی نتوانستند در خطوط مقدم پدافندی رخنه نمایند و پس از عدم موفقیت متوقف شدند.

### د- مقطع چهارم از نهم تا بیست و ششم آبانماه ۱۳۵۹ (آزادسازی سوسنگرد)

سران ارتش عراق برای جبران دو شکست متوالی و بهره‌برداری تبلیغاتی آخرین تلاش آفندی را در جبهه‌ی میانی برای تصرف شهر سوسنگرد متمرکز نمودند.



دشمن در ۲۴ آبان ماه شهرسوسنگرد را به طور کامل محاصره و در ۲۵ آبان ماه نبرد خیابانی و تن به تن توسط سپاه پاسداران، نیروهای بسیج مردمی، مردم بومی محلی و ژاندارمری در داخل شهر آغاز شد و بالاخره در ساعت ۶:۳۰ روز ۲۶ آبان ماه در اجرای فرمان امام راحل رزمندگان اسلام با شکستن حلقه ی محاصره ی دشمن از شرق وارد شهر شدند و با کمک نیروهای رزمنده در شهر، متجاوزین را منهدم و به غرب سوسنگرد فراری دادند و شهر را آزاد نمودند و بدین ترتیب پیشروی متجاوز در سر تا سر جبهه های استان خوزستان متوقف گردید.

### ۳- واکنش نیروهای مردمی و نیروهای بسیج در مقابل تهاجم ارتش بعث

#### عراق

ایثار و فداکاری رزمندگان اسلام در صحنه های نبرد و دفاع مؤثر و کارساز و هم چنین مقاومت مردم بومی محلی در شهرها جهت مقابله با ارتش بعث عراق در هنگام تهاجم بسیار حائز اهمیت است به گونه ای که دشمن را در دستیابی به اهدافش نا امید گردانید و این رشادت ها دشمن را متوقف نمود.

ارتش بعثی عراق پس از ۵۶ روز جنگ در استان خوزستان که منجر به توقف کامل آن ها گردید دستاورد قابل توجهی نداشت و این نشانگر آن است که ارتش بعثی عراق به جز تصرف ناتمام خرمشهر، چندین شهر کوچک مرزی و پانزده هزار کیلومتر مربع از سرزمین های حوالی مرزها به هیچ کدام از اهداف خود دست نیافت.

توقف ارتش متجاوز در کلیه ی مناطق عملیاتی بنا به میل او نبود بلکه توسط رزمندگان اسلام به وی تحمیل شد. نیروهای عراقی هرگز نمی خواستند در تپه های غربی شهرهای صالح آباد، گیلان غرب، سرپل ذهاب زمین گیر شوند زیرا تا وصول به اهداف پیش بینی شده خود ده ها کیلومتر فاصله داشتند و هم چنین متجاوزین هرگز تمایل نداشتند در بیابان های غرب رودخانه کرخه (غرب دزفول - شوش)، دب حردان (غرب اهواز)، دهلاویه (غرب سوسنگرد) و شرق کارون (شمال آبادان) متوقف بشوند.

به طور یقین اشغال استان خوزستان (یا به قول صدام استان عربستان) هدف راهبردی سران کشور عراق و آمریکا بود، در حالیکه از استان خوزستان به مساحت ۶۴۲۳۶ کیلومتر مربع کمتر از یک پنجم آن و از ۲۶ شهر این استان فقط دو شهر خرمشهر و بستان اشغال شد و دشمن به شهرهای بزرگ و کوچک و هم چنین ذخایر زیر زمینی این استان که عمدتاً در شرق رودخانه های

کارون و کرخه هستند دسترسی پیدا نکرد و رؤیای تصرف اهداف بزرگ و کوتاه مدت به سهولت به افسانه‌ها پیوست..

« اهداف نظامی عراق در جنوب، اشغال شهرهای دزفول، اهواز و بنادر آبادان، امام، ماهشهر و تسلط بر استان خوزستان بود که بحمدالله این آرزو را به گور برد» (السامرای، ۱۳۸۸، ص. ۷۲)

## اقدامات سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی ایران از توقف دشمن تا پایان سال اول جنگ

تحلیل گران مسائل جنگ تحمیلی، برهه زمانی تثبیت دشمن متجاوز در سراسر مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران با کشور عراق را از آغاز جنگ تحمیلی تا نیمه دوم آبان‌ماه ۱۳۵۹ (۲۶ آبان‌ماه، روز ناکام کردن عراق در تصرف سوسنگرد) در نظر گرفته‌اند و معتقدند که آن زمان، پایان پیشروی نیروهای متجاوز و رفتن ارتش عراق در لاک دفاعی بوده است. (موسوی قویدل، ۱۳۸۵، ص. ۴۸)

### ۱- اوضاع سیاسی - اجتماعی و نظامی جمهوری اسلامی ایران

#### الف- اوضاع سیاسی - اجتماعی

بعد از تثبیت و متوقف نمودن تهاجم دشمن، کماکان مشکلات سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی ادامه داشت پاره ای از آن‌ها به شرح زیر بود:

(۱)- کوچ جنگ‌زدگان از مناطق اشغالی به شهرهای امن‌تر، ادامه تعارضات سیاسی داخلی از جمله کشمکش‌های ابوالحسن بنی‌صدر (رئیس جمهوری)، نهضت آزادی و لیبرال‌ها با نیروهای انقلابی و پیرو خط امام<sup>(۶)</sup>.

(۲)- مبارزه مسلحانه سازمان مجاهدین (منافقین) خلق علیه نظام جمهوری اسلامی ایران با ترور برخی از شخصیت‌های برجسته سیاسی و مذهبی کشور در حوادث ششم تیر ( ترور حجت الاسلام خامنه ای در مسجد ابوذر تهران )، هفتم تیرماه ۶۰ ( انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی در چهارراه سرچشمه تهران و شهادت ۷۲ تن از جمله آیت الله بهشتی )، هشتم شهریورماه ۱۳۶۰ ( انفجار دفتر نخست وزیر و شهادت شهیدان رجایی رئیس جمهور و باهنر نخست وزیر ) و ....

(۳)- تشکیل چند کابینه در طول مدت کمتر از ۴ ماه ( از خردادماه تا مهرماه ۱۳۶۰ ) و همچنین بروز اغتشاشات و بحران‌های داخلی در اقصی نقاط کشور.

(۴) - در آن شرایط بسیار سخت، سیاست‌های استکبارستیزانه نظام جمهوری اسلامی ایران نیز مزید بر علت شده بود که حمایت جدی هیچ کشور خارجی را در سطح منطقه و جهان به همراه خود نداشته باشد.

(۵) - پس از برکناری بنی‌صدر از فرماندهی کل قوا، گروه‌های مخالف نظام که با وی هم‌پیمان شده بودند، موقعیت را برای تشدید بحران‌های داخلی مناسب دیدند و بدان امید که رئیس‌جمهور همچنان از حمایت مردمی برخوردار است؛ دست به تشنج آفرینی زدند. در این راستا، ابتدا جبهه ملی در ۱۳۶۰/۳/۲۵ در مخالفت با لایحه قصاص، مردم را دعوت به راهپیمایی کرد. لیکن با اشاره حضرت امام خمینی<sup>(۶)</sup> مردم انقلابی به خیابان‌ها ریختند و تلاش جبهه ملی را خنثی نمودند.

پنج روز بعد (۱۳۶۰/۳/۳۰) سازمان مجاهدین خلق (منافقین) که از همان روزهای اول انقلاب اقدام به جمع‌آوری سلاح و تشکیل تیم‌های مخفی کرده بود تحت عنوان حمایت از رئیس‌جمهور، یک راهپیمایی غیرقانونی و خشونت‌بار به راه انداخت. در جریان آن اقدام مسلحانه، عده‌ای از پیروان خط امام<sup>(۷)</sup> به خاک و خون کشیده شدند. لیکن، آن اقدام نه تنها به تحقق اهداف سازمان مذکور نیانجامید، بلکه واکنش شدید مردم را نیز به دنبال داشت.

بنی‌صدر و رجوی که به اتکا یکدیگر، به مخالفت با نظام پرداخته بودند سرانجام، به پاریس گریختند؛ و طرفداران‌شان نیز به خانه‌های تیمی خریدند. لیکن هنوز مرکزیت نظامی سازمان در داخل کشور استقرار داشت. به دنبال انهدام پی‌درپی خانه‌های تیمی و تشکیلات سازمان مذکور، و همچنین کشته شدن بسیاری از سران منافقین تقریباً ساختار منافقین در داخل کشور از هم پاشید. (حمیدی نیا، ۱۳۸۵، ص. ۱۴)

مهمترین چالش بنی‌صدر در مقام فرمانده کل قوا بیشتر براداره جنگ با استفاده از نیروهای ارتش اصرار می‌ورزید، در حالی که مخالفین وی به حضور بیشتر نیروهای مردمی و سپاه پاسداران در کنار ارتش اعتقاد داشتند. (فوزی، ۱۳۸۴، ص. ۳۳۶)

## ب- اوضاع نظامی

### (۱) - بازسازی ساختار و سازمان نیروهای مسلح

مهمترین استراتژی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، توقف و تثبیت ارتش عراق و ممانعت از پیشروی آن و حفظ شهرهای مرزی، به خصوص شهرهای مهم بود. مقامات و فرماندهان نظامی عراق احتمالاً تصور می‌کردند که نیروهای ایران بر اثر انقلاب، کاملاً از هم گسیخته شده‌اند. طراحان نظامی

عراق کاملاً از نقاط ضعف ارتش ایران مطلع بودند. متوقف کردن و تثبیت ارتش عراق، به ایران فرصت داد تا تعداد زیادی از نیروهای ذخیره را فراخواند و به منطقه جنگی بفرستد. همچنین به ارتش و نیروهای انقلابی ایران، زمان لازم را برای حضور در خطوط مقدم، ایجاد خطوط دفاعی و سنگر گرفتن در آن را داد. ارتش که در هنگام حمله‌ی عراق (در منطقه جنوب)، به تدریج به تقویت و اعزام یگان‌های جدید پرداخت. سپاه پاسداران نیز استفاده از نیروهای مسلح و مردمی و بسیج به سامان‌دهی و گسترش سازمان رزم خود مبادرت ورزید و مقاومت‌های مردمی را به‌خصوص در جبهه‌ی جنوب و غرب سامان‌دهی و فرماندهی کند. (صفوی & اردستانی، ۱۳۸۸، ص. ۱۸۱)

## (۲) - فعال شدن سپاه در جهت ایجاد سازمان رزم

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به دلیل ضرورت حضور و مقابله با دشمنان بعثی و همچنین درک درست از شرایط پیش آمده و برای کمک به ارتش جمهوری اسلامی ایران وارد عرصه جنگ و دفاع مقدس شد که در ابتدا با مخالفت شدید بنی‌صدر که سمت فرمانده کل قوا را به عهده داشت، مواجه شد و سپس اقدام به توسعه ساختار و سازمان نظامی خود نمود. (همان : ۱۸۲)

## ج- اجرای عملیات‌های زمینی، هوایی و دریایی

### (۱) - عملیات‌های زمینی

حضور گسترده و همه جانبه مردم در صحنه‌های جنگ و پشتیبانی بی دریغ آنان از نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران باعث جلوگیری از پیشروی نیروهای دشمن به طور گسترده گردیده است و در این راستا در مناطق جنوب و غرب عملیات‌های متعدد و متنوعی زمینی، هوایی و دریایی انجام شد که در برخی از آنها اشاره می‌گردد.

### ((الف)) عملیات آفندی تنگ حاجیان (گیلانغرب) (۵۹/۱۰/۱۴)

در دی ماه ۵۹ قرارگاه عملیات غرب ارتش و سپاه پاسداران یک طرح آفندی در جبهه کرمانشاه تهیه کرد که تلاش اصلی آن، محور گیلانغرب بود و تاریخ اجرای آن هماهنگ با عملیات کرخه کور (عملیات نصر) در خوزستان روز ۱۴ دی ماه ۱۳۵۹ تعیین گردید.

روز اول حمله در شرایطی به پایان رسید که فقط گردان تانک و گردان سپاه پاسداران در مرکز منطقه نبرد حدود ۳ کیلومتر پیشروی کرده و متحمل تلفات سنگینی شده بودند و بقیه

نیروها در شمال و جنوب پیشروی چندانی نکردند. سرانجام تلاش نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در قسمت شمالی منطقه نبرد نیز به نتیجه مطلوب نزدیک شد .

#### **((ب)) عملیات آفندی میمک (۵۹/۱۰/۱۹):**

بلندی های میمک که در منطقه مرزی جنوب غربی صالح آباد قرار دارد یکی از دو نقطه مورد اختلاف در مرز زمینی ایران و عراق بود بدین سبب ارتش عراق در دومین تهاجم قبل از آغاز جنگ عمومی خود این منطقه را در ۱۹ شهریور ماه ۱۳۵۹ اشغال نمود.

#### **((ج)) عملیات آفندی بازی دراز در منطقه سرپل ذهاب (مرحله اول) (۶۰/۲/۲)**

اهمیت ارتفاعات بازی دراز در آن است که این بلندیها بر محورهای شمالی گیلانغرب و سرپل ذهاب و همچنین به غرب منطقه نبرد تا شرق شهر قصر شیرین تسلط کامل دارند و در دست داشتن آنها امتیازات تاکتیکی زیادی برای نیروی اشغال کننده ایجاد می نماید، نیروهای عمل کننده ترکیبی از نیروهای ارتش و سپاه بودند.

این عملیات در ساعت ۰۵۰۰ صبح روز دوم اردیبهشت ماه پیشروی خود را به طرف جنوب غرب برای آزاد کردن ارتفاعات بازی دراز آغاز کردند.

تا پایان روز پنجم نبرد، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی حدود هشتاد درصد مأموریت آفندی خود را در ارتفاعات بازی دراز انجام داده بعلاوه تهدیدات دشمن را در منطقه حساس سرپل ذهاب خنثی کردند.

سرانجام تلاش جانبازانه رزمندگان جمهوری اسلامی در ۵ روز نبرد مداوم در آغاز روز هفتم اردیبهشت به نتیجه نهایی رسید و در ساعت ۰۷۳۰ آن روز، موفق شدند قله ۱۱۵۰ را تصرف نمایند. در نبردهای آن روز تعداد دیگری از افراد دشمن به اسارت رزمندگان ایران درآمد. توپخانه پشتیبانی با احساس مسئولیت کامل، فعال بود و با حداکثر امکانات به روی دشمن آتش می ریخت .

#### **(۲) عملیات های آفندی پس از تثبیت دشمن تا آغاز عملیات ثامن الائمه، در صحنه**

**عملیات جنوب:**

#### **(الف) عملیات نصر (کرخه کور) منطقه عمومی هویزه (۵۹/۱۰/۱۵)**

بعد از پیروزی بر دشمن در جبهه سوسنگرد در مورخ ۵۹/۸/۲۶، ملت مسلمان ایران که از این پیروزی به هیجان آمده بود سکوت و سکون را در جبهه ها نمی توانستند بپذیرند و این خواست مردم

که در سخنرانی‌ها و خطبه‌های نماز جمعه از زبان ائمه جمعه و جماعت بیان می‌گردید، به مراکز تصمیم‌گیری، از جمله شورای عالی دفاع منعکس شد.

بدین ترتیب عملیات نصر در دو مرحله اجراگردید: در مرحله اول که در روز ۱۵ دیماه انجام گرفت، نیروهای خودی، دشمن رادشمال رودخانه کرخه کورمنهدم کردند و تلفات و خسارات قابل توجهی به دشمن وارد ساختند. در مرحله دوم که ساعت ۰۹۵۰ روز ۱۶ دیماه شروع شد، نیروهای خودی با پاتک شدید و پرحجم دشمن مواجه گردیدند و سرانجام پس از ۸ روز نبرد نتوانستند به اهداف خود دسترسی پیداکنند و در نهایت مجدداً به محل استقرار اولیه مراجعت نمودند.

#### (ب) عملیات (توکل) شرق رودخانه کارون (۵۹/۱۰/۲۰):

بعلت حساسیت فوق العاده محاصره آبادان و احتمال پیشروی و توسعه سرپل توسط نیروهای عراقی، مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران تلاش می‌کردند هر چه زودتر نیروهای متجاوز را سرکوب و به غرب رودخانه کارون، عقب برانند، بر همین اساس، فرماندهی رودخانه اروند را بصورت محدودی تقویت نمودند تا این فرماندهی نیز همزمان با عملیات نصر، با هجوم به سرپل دشمن در شرق کارون، نیروهای متجاوز را به غرب رودخانه کارون به عقب براند.

حمله در اولین دقایق آغاز روز ۲۰ دیماه شروع شد و تا حوالی ظهر همان روز ادامه یافت، ولی به علت توان رزمی برتر دشمن و آگاهی دشمن از اجرای تک نیروهای خودی، و موفقیتی به دست نیامد و عناصر فرماندهی اروند که متشکل از نیروهای نامتجانس ارتشی، ژاندارمری، تکاوران دریایی و گروه عملیات نامنظم بود، با تحمل تلفات نسبتاً سنگین به مواضع قبلی خود، عقب نشینی کردند.

#### (ج) - عملیات تپه چشمه در غرب پل نادری (۶۰/۱/۱۵)

در منتهی الیه ارتفاعات غرب پل نادری تپه ای وجود دارد که به نام تپه چشمه معروف می‌باشد که از یک موقعیت عالی دیدبانی برخوردار است.

در ساعت ۳ بامداد روز ۶۰/۱/۱۵ لشکر ۲۱ حمزه طی یک تک شبانه این تپه را تصرف نمودند. لشکر ۱۰ زرهی عراق در ساعت ۰۸۰۰ صبح روز ۱۵ فروردین ماه به منظور باز پس‌گیری این عارضه حساس، مبادرت به پاتک نمودند، اما بعلت پیش‌بینی‌های طرح ریزی شده و

بکارگیری موثر بال‌گردهای هوانیروز، دشمن ناکام ماند و به این ترتیب اولین عملیات آفندی محدود لشکر ۲۱ پیاده که با هدف توسعه سرپل غرب نادری انجام گرفت، نتیجه پیروزمندانه ای داشت.

### (د) عملیات دارخوین (عملیات فرمانده کل قوا؛ خمینی روح خدا) (۶۰/۳/۲۱):

بر اساس تجربیات حاصله از دو عملیات آفندی ناموفق در منطقه شمال آبادان، تصمیم به اجرای یک عمل آفندی محدود در منطقه دارخوین اتخاذ گردید که هدف آن تصرف و نگهداری خاکریزهای یکم و دوم دشمن در جنوب آبادی محمدیه (در جنوب دارخوین) بود. برآورد اطلاعاتی عملیات دارخوین به وسیله فرماندهی سپاه پاسداران منطقه (برادر رحیم صفوی) در تاریخ ۶۰/۳/۱۰ تهیه شد و سپس بر مبنای برآورد وضعیت که به عمل آمد طرح عملیاتی با هماهنگی فرمانده سپاه پاسداران دارخوین ولشکر ۷۷ در تاریخ ۶۰/۳/۱۳ تهیه و منتشر گردید، بر مبنای این طرح، یگانهای لشکر ۷۷ که در شرق و جنوب سرپل دشمن بودند مأموریت تثبیت دشمن را بعهده داشتند و نیروهای سپاه پاسداران دارخوین تحت پشتیبانی یگانهای توپخانه لشکر ۷۷ مأموریت تک به مواضع دشمن را بعهده داشت. گردان ۲۱۴ سوار زرهی و یک گروهان از گردان ۱۰۷ ژاندارمری، نیروهای سپاه پاسداران را پشتیبانی میکردند.

پس از اجرای ده دقیقه آتش تهیه، هجوم رزمندگان سپاه در ساعت چهار و پانزده دقیقه روز ۲۱ خرداد ماه به مواضع دشمن شروع شد و تا ساعت ۱۱۰۰ روز ۲۱ خردادماه، خاکریزهای یکم و دوم دشمن تصرف شد و حدود ۲۰۰ نفر از افراد دشمن اسیر شدند. پاتکهای دشمن در اثر آتش توپخانه و مقاومت دلیرمردان سپاه، نتیجه ای بدست نیاورد و نهایتاً در ساعت ۱۲۰۰ روز ۲۲ خردادماه ۶۰ ضمن آزادسازی حدود ۹ کیلومترمربع از مناطق اشغالی (درسرپل)، وضعیت به حالت عادی درآمد.

### عملیات‌های هوایی:

به طور کلی در سال‌های دفاع مقدس، کمتر عملیات زمینی (آفندی و پدافندی) و همچنین دریایی (ازحمله به اهداف تاکتیکی و استراتژیکی دشمن گرفته تا اسکورت نفتکش‌ها، کشتی‌های تجاری و ایجاد تأمین هوایی در منطقه عملیاتی و...) را می‌توان نام برد که با پشتیبانی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران همراه نبوده باشد. به هر حال، فعالیت‌های نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در دوران تثبیت دشمن متجاور تا پایان نخستین سال دفاع مقدس را می‌توان به شرح زیر دسته‌بندی و عنوان نمود: (کیانی، ۱۳۸۸، ص. ۱۳۷-۱۴۴)



### (الف) - فعالیت‌های شناسایی

- (۱) - اجرای مأموریت‌های شناسایی‌های هوایی بصری و فیلم‌برداری بنا به درخواست نیروی زمینی و نیروی دریایی منظر کسب اطلاعات از مناطق عملیاتی، وضعیت نیروهای متجاوز و اماکن و تأسیسات حیاتی و حساس واقع در عمق خاک دشمن.
- (۲) - کشف و شناسایی هواپیماهای متجاوز به حریم هوایی میهن اسلامی توسط یگان‌های پدافند هوایی.

### (ب) - فعالیت‌های عملیاتی

فعالیت‌های عملیاتی نیروی هوایی در این مقطع از جنگ شامل، اجرای آتش پشتیبانی هوایی نزدیک برای رزمندگان جبهه‌های عملیاتی، انهدام پادگان‌های نظامی، مراکز حیاتی، صنعتی، نفتی، بنادر استراتژیک، نیروگاه‌های برق و پل‌های استراتژیک عراق می‌باشد که با انجام عملیات‌های زیر صورت گرفته است:

(۱) - عملیات تأمین هوایی خلیج فارس و دریای عمان

(۲) - عملیات مروارید

در جریان عملیات مروارید (هفتم آذر ۱۳۵۹) خلبانان جنگنده بمب‌افکن‌های نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران سه فروند ناوچه موشک‌انداز «اوزا»، یک فروند کشتی نفربر هزارتنی و سه فروند ناوچه تندروی «P-6» عراقی را در آب‌های نیلگون خلیج فارس غرق نمودند. نیروی هوایی ۵ فروند از هواپیمای جنگنده دشمن شامل: «میگ - ۲۳»، «میگ - ۲۱» و «سوخوی - ۲۲» را سرنگون ساختند.

(۳) عملیات هوایی «الولید»

در دوران دفاع مقدس، یکی از حملات درخشان و جالب توجه نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران به کشور عراق، بمباران پایگاه هوایی الولید (موسوم به اچ - ۳) در غرب آن کشور و نزدیک مرزهای سوریه و اردن بود. نیروی هوایی عراق، پایگاه الولید را (به علت بعد مسافت تا مرزهای ایران) مأمّن تعداد زیادی از انواع هواپیماهای خود قرار داده بود. با این وجود، در پانزدهم فروردین‌ماه ۱۳۶۰ یک اسکادران هشت فروندی از هواپیماهای شکاری بمب‌افکن اف - ۴ که با ۱۳ فروند از هواپیماهای شکاری، سوخت‌رسان و گشتی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی و همراهی می‌شدند، با اجرای یک طرح بسیار دقیق و انجام دوبار سوخت‌گیری هوایی،

خود را به پایگاه مزبور رسانیدند و آن را به شدت بمباران نمودند. در اثر آن عملیات حماسی و شجاعانه ۴۸ فروند از پیشرفته‌ترین هواپیماهای دشمن و آشیانه‌های آنها منهدم گردید. همچنین در این عملیات پالایشگاه کرکوک با ۴ فروند شکاری بمب افکن بمباران شد.

### (۳) عملیات‌های دریایی:

#### *سلسله عملیات انهدام سکوهای نفتی البکر و الامیه عراق*

پایانه‌های مدرن صادرات نفت البکر و الامیه<sup>۱</sup> عراق در خلیج فارس علاوه بر توانایی صدور نفت به نفتکش‌های تناژ بالا، به‌عنوان یک پایگاه جهت هدایت نیروها و همچنین، پناهگاهی به منظور اختفاء شناورهای موشک‌انداز و استقرار توپخانه دوربرد عراق که سعی در ناامن نمودن معبر وصولی بندر امام داشتند، مورد استفاده قرار می‌گرفتند. بنابراین، در همان روزهای نخست جنگ تحمیلی، فرماندهان و طراحان عملیاتی نیروی دریایی تصمیم به انهدام سکوهای فوق‌الذکر گرفتند و با انجام سلسله عملیات‌های اشکان، شهید صفری و مروارید (از نهم آبان‌ماه الی هفتم آذرماه ۱۳۵۹ ادامه داشتند) موفق به نابودی آنها شدند.

#### *عملیات مروارید:*

اگرچه تأسیسات انتقال نفت سکوهای البکر و الامیه در اثر انجام عملیات‌های اشکان و شهید صفری کاملاً منهدم شده بودند، لیکن، هنوز هم به‌عنوان مقر کنترل تحرکات دریایی و پناهگاه ناوچه‌های عراقی مورد استفاده قرار می‌گرفتند. بنابراین، ناوچه‌های موشک‌انداز پیکان و جوشن نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در روزهای ۶ و ۷ آذرماه ۱۳۵۹ شمسی، طرح عملیاتی مروارید را به‌منظور انهدام شناورهای عراقی و نیروهای مستقر در سکوهای مذکور، به مرحله اجراء گذاردند. در جریان عملیات مروارید ۱۰ فروند از انواع شناورها و دو فروند هواپیمای دشمن نابود شد. (همان: ۱۶۳ - ۱۶۷)

---

<sup>۱</sup> سکوهای نفتی البکر و الامیه برای کشور عراق از چنان اهمیتی برخوردار بودند که نیروی دریایی آن کشور به منظور حفاظت از سکوهای مذکور، بیشتر نتوان خود را در روز هفتم آذرماه ۱۳۵۹ شمسی در برابر نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران از دست داد.

## آزادسازی مناطق اشغالی جمهوری اسلامی ایران

### ۱ - تغییر در فرماندهی عالی جنگ

بلافاصله پس از برکناری بنی صدر از فرماندهی نیروهای مسلح در ۱۳۶۰/۳/۲۱، تیمسار ولی الله فلاحتی جانشین رئیس ستاد مشترک ارتش از سوی امام خمینی<sup>(ع)</sup> اجازه یافت تا تعیین تکلیف جانشین فرماندهی نیروهای مسلح، با استفاده از اختیارات مقام رهبری مأموریت ها و وظایف محوله را در ستاد مشترک ارتش انجام دهد. (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۴ : ۴۲۱)

این حکم اختیارات ستاد مشترک ارتش را افزایش داد و ارتباط ارتش را با امام خمینی<sup>(ع)</sup> که هدایت دفاع در مقابل ارتش متجاوز را بر عهده داشتند نزدیک تر کرد. بنی صدر که شاید تصور می کرد که ارتش از وی حمایت می کند، پس از عزل از ریاست جمهوری مخفی شد. از این هنگام او عملاً در اختیار سازمان مجاهدین خلق که به منافقین مشهور شدند، قرار گرفت و با کمک آنها برای خروج از کشور تلاش می نمود.

با فرار بنی صدر از کشور با کمک و همکاری برخی از افراد نیروی هوایی، تغییراتی در سطوح عالی ارتش در دستور کار قرار گرفت. بر این اساس کلیه فرماندهان پایگاه ها و تعدادی از مسئولین ستاد نیروی هوایی در ۱۳۶۰/۵/۱۶ تعویض گردیدند. (نمکی، ۱۳۸۷، ص. ۱۷۲)

همچنین سرهنگ علی صیاد شیرازی که از سوی بنی صدر کنار گذاشته شده بود در ۱۳۶۰/۵/۱۲ به سمت فرماندهی قرارگاه غرب نیروی زمینی ارتش برگزیده شد. (صحیفه امام، ج ۱۴، ۱۸۶) امام خمینی<sup>(ع)</sup> با استقبال از این تغییرات، در دیدار با جانشین فرمانده نیرو و فرماندهان جدید پایگاه های هوایی کشور در ۱۳۶۰/۵/۲۱ فرمودند: من امیدوارم حالا که امور به دست افراد متدین و متعهد افتاده است در سایر جاها هم همین طور بشود و این طور نیست که شما کار کنید و دیگران استفاده کنند. پیروزی شما، پیروزی همه ملت است و ملت از شما قدردانی می کند. امروز به دنبال شما دعا زیاد است و بعد از خدا، امید است شما مملکتتان را حفظ کنید. (همان، ج ۱۵،

(۱۰۴)

## ۲ - همکاری و هماهنگی موثر ارتش و سپاه

پس از عزل بنی صدر از فرماندهی کل قوا، زمینه برای همکاری و هماهنگی بیشتر ارتش و سپاه فراهم گردید. نیروی زمینی ارتش با انجام چهار عملیات ناکام در چهار ماه اول جنگ، متوجه شد که بدون کمک سپاه و حضور نیروهای داوطلب مردمی و بسیجی امکان اجرای عملیات موفقیت آمیز در جبهه ها را ندارد.

پس از برطرف شدن مهم ترین مانع همکاری بین ارتش و سپاه، همدلی بیشتری برای استفاده از ظرفیت های یکدیگر برای مقابله با ارتش عراق پیدا شد. از این زمان بود که جلسات مشترکی برای انجام عملیات شکست حصر آبادان بین ارتش و سپاه برگزار گردید که در نهایت منجر به طرح ریزی و اجرای عملیات مشترک از جمله عملیات ثامن الائمه (ع) گردید.

## ۳ - آزادسازی مناطق اشغالی ( کلیاتی از عملیات های مشترک سپاه و ارتش

(

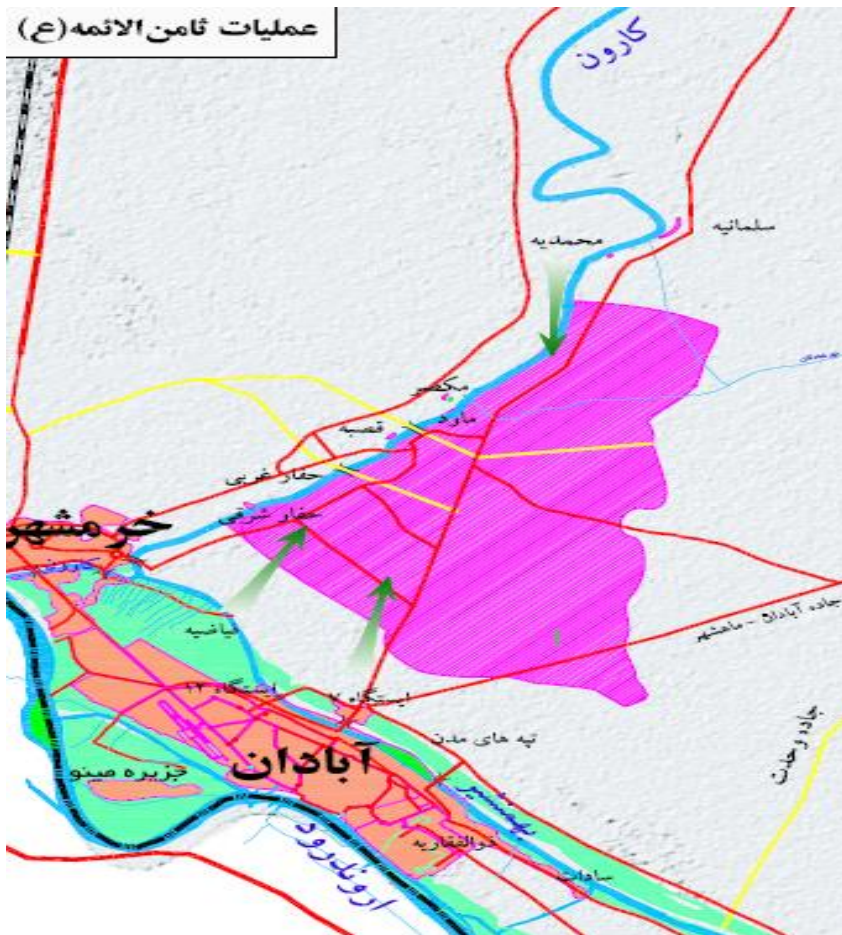
### الف - عملیات ثامن الائمه

پس از اشغال خرمشهر و در حالی که احتمال اشغال و تصرف شهر آبادان از سوی ارتش عراق می رفت، امام خمینی طی سخنانی در روز ۱۴ آبان سال ۱۳۵۹ خطاب به روحانیون حاضر که در آستانه ماه محرم به دیدار ایشان رفته بودند، فرمودند: من منتظرم که این «حصر آبادان از بین برود. باید این حصر شکسته بشود.» (همان، ج ۱۳: ۳۳۳)

عملیات ثامن الائمه که به منظور رفع حصر آبادان طرح ریزی شد در ساعت ۱ بامداد تاریخ ۵ مهرماه سال ۱۳۶۰ به اجرا درآمد. این عملیات تنها ۹۰ روز پس از عزل بنی صدر و پس از دوران پر التهاب حوادث تروریستی ماه های تیر و شهریور انجام شد. با توجه به اینکه یکی از واحدهای شرکت کننده در این عملیات یعنی لشکر ۷۷ از استان خراسان به جبهه اعزام شده بود و پاسداران و بسیجیان هم مشتاق اسم امام رضا<sup>(ع)</sup> بودند، بنابراین نام امام هشتم بر تارک این عملیات گذاشته شد و به ثامن الائمه معروف گردید.

قرارگاه فرماندهی عملیات، در سه راهی شادگان در کنار جاده ماهشهر قرار داشت. در این قرارگاه سرتیپ ظهیر نژادفرمانده نیروی زمینی ارتش، یوسف کلاهدوز قائم مقام فرمانده کل سپاه حضور داشتند.

به منظور شکست حصر آبادان، تهاجم به مواضع ارتش عراق از سه محور اصلی پیش بینی شده بود و حضور نیروهای بسیجی داوطلب، توانست کمبود واحدهای سپاه و ارتش را برطرف نماید. عملیات ثامن الائمه، با همکاری مشترک سپاه و ارتش و حضور نیروهای داوطلب مردمی با رمز « نصر من الله و فتح قریب » به اجرا درآمد. طبق پیش بینی های قبلی، قرار بود نیروهای رزمنده بدون تحریک قوای ارتش عراق، ساعت ۱ بامداد خود را به زیر خاکریزهای خط اول دشمن برسانند. اما وجود سرو صدا، موجب هوشیاری دشمن گردیده و یک ربع قبل از آغاز عملیات در حالی که نیروهای خط شکن به ۲۰۰ متری مواضع ارتش عراق رسیده بودند، دشمن با شلیک گلوله های منور، تاریکی شب را تبدیل به روشنایی کامل نمود و رزمندگان را مورد هدف قرار داد.



نقشه شماره ۱۳- منطقه ی عملیاتی ثامن الائمه

رزمندگان اسلام با مقاومت سرسختانه قوای دشمن مواجه شدند. در این حملات، ارتش عراق تعداد زیادی از خودروهای زرهی خود را از دست داد و تا پایان روز دوم مقاومت نمود.

در ساعت ۷ صبح روز سوم عملیات برابر با ۱۳۶۰/۷/۷ با انهدام پل حفار، نیروهای خودی، منطقه شرق کارون را تصرف و به عقبه دشمن دسترسی پیدا کردند و عملیات ثامن الائمه خاتمه یافت. با پایان یافتن عملیات، شهر آبادان پس از ۳۴۹ روز از محاصره ارتش بعثی خارج شد. در این عملیات کلیه اهداف پیش بینی شده در طرح از جمله «شکست حصر آبادان، آزاد سازی نیروهای خودی از خط پدافندی طولانی و نیز باز شدن «جاده اهواز - آبادان و جاده آبادان - ماهشهر» تأمین گردید.

با خبر پیروزی رزمندگان اسلام در شکست حصر آبادان، امام خمینی طی پیامی در پاسخ به نامه فرماندهان ارتش و سپاه، ضمن تبریک و تقدیر از رزمندگان و فرماندهان این عملیات، آن را «پیروزی بزرگ» نامیدند. این عملیات اولین عملیات مشترک ارتش و سپاه بود که در آغاز سال دوم جنگ انجام شد. این عملیات اولین پیروزی بزرگ ایران در جبهه های جنگ بود که جزء عملیات های کاملاً موفق و نسبتاً گسترده به حساب می آید.

### ب- عملیات طریق القدس

پس از عملیات شکست حصر آبادان، بلافاصله همه افکار فرماندهان سپاه و ارتش متوجه منطقه مناسب برای انجام عملیات بعدی شد. به همین منظور با مشخص شدن منطقه غرب سوسنگرد برای طرح ریزی نهایی به تدریج سلحشوران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی راهی منطقه «بستان» شدند تا به اتفاق یگان های منتخب ارتش جمهوری اسلامی ایران، تلاش نمایند این شهر و هفتاد روستای بین سوسنگرد تا بستان و اطراف منطقه جزایه را از دست ارتش متجاوز خارج کنند و خود را به بخشی از مرز بین المللی برسانند.

عملیات طریق القدس در ساعت ۳۰ دقیقه بامداد روز یکشنبه ۸ آذر ماه سال ۱۳۶۰ با رمز مبارک «یا حسین<sup>(ع)</sup>» انجام شد.

این عملیات پس از گذشت ایام ماه محرم و در روزهای اول ماه صفر آغاز شد و رزمندگان اسلام تحت تاثیر نهضت عاشورا در این نبرد شرکت کردند.

در این عملیات رزمندگان ۳ تیپ از سپاه با ۳ تیپ از ارتش، ادغام گردیدند. لازم به ذکر است که سپاه در ادامه عملیات، استعدادی در حدود ۲ تیپ دیگر را نیز به صحنه نبرد، وارد کرد. در این عملیات از تانک ها و نفربرهای غنیمتی لشکر ۳ زرهی ارتش بعثی که در شکست حصر آبادان بدست آمده بود استفاده شد.

در لحظه شروع عملیات که در اواخر فصل پاییز و در هوای نسبتاً سرد انجام می شد، نم نم باران آغاز گردید و باعث شد تا منطقه رملی محل عبور رزمندگان خط شکن، محکم و سفت گردیده و تردد از مسیر شن های روان برای آنها، آسان تر گردد. از سوی دیگر بارش باران، بنا بر اظهارات اسیران این عملیات، موجب غافلگیری لحظه ای دشمن و پناه بردن نیروهای ارتش بعثی به درون سنگرها گردید و فرصت مناسبی را برای نزدیک شدن رزمندگان اسلام به مواضع دشمن پدید آورد.

در ادامه عملیات رزمندگان تیپ ۱۴ امام حسین (ع) به سرعت خود را به شهر بستان رسانده و این شهر اشغال شده را پس از ۴۲۷ روز اسارت، از چنگال ارتش متجاوز دشمن آزاد نمودند.



نقشه شماره ۱۴ - منطقه ی عملیاتی طریق القدس

### پیامدهای عملیات

انجام موفقیت آمیز عملیات طریق القدس موجب شد تا مسئولین کشور پیام تبریکی به مناسبت پیروزی رزمندگان اسلام برای حضرت امام خمینی<sup>(ع)</sup> ارسال نمایند. ایشان در پاسخ، پیامی به شرح ذیل در تاریخ ۸ آذر ۱۳۶۰، مصادف با ۲ صفر ۱۴۰۲ صادر کردند و این عملیات را «فتح الفتوح» نامیدند.



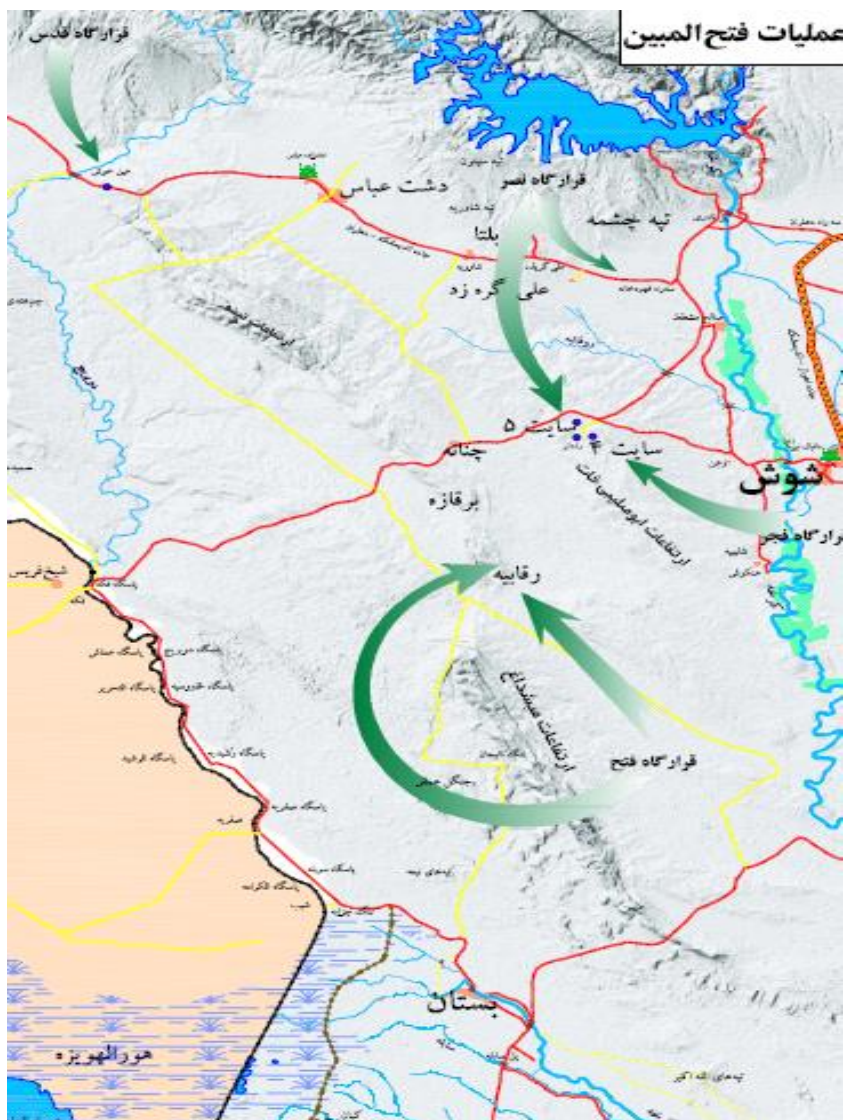
این عملیات پیامدهای زیادی را نیز دربرداشت از جمله، تجربه موفقیت آمیز بکارگیری گسترده مردم را نشان داد. همچنین دیدگاه شهید محمد علی رجایی که « ما سرنوشت جنگ را در میدان جنگ تعیین می کنیم»، تقویت شد و مسئولین کشور به اهمیت این شعار بیشتر پی بردند.

### ج- عملیات فتح المبین

وسعت منطقه عملیاتی فتح المبین از سه بخش کوهستانی، تپه ماهوری و دشت تشکیل شده بود. لذا هدف عملیات آزاد سازی مناطق اشغالی در غرب شهرهای دزفول و منطقه غربی کرخه و تصرف ارتفاعات تینه و رسیدن به مرز فکه بود

### سازمان و استعداد نیروهای خودی

با توجه به وسعت زیاد منطقه عملیاتی فتح المبین که بیش از چهار برابر مساحت منطقه عملیاتی طریق القدس بود، نیاز به وجود یگانهای جدید و تمرکز کلیه واحدهای عملیاتی جهت اجرای این عملیات گسترده به خوبی احساس می گردید. برای انجام عملیات، ارتش و سپاه هر آنچه که می توانستند پای کار آوردند. تا آنجا که می شد از استعداد یگان ها در خطوط پدافندی کاستند و به نیروهای آزاد خود برای شرکت در عملیات اضافه کردند.



نقشه شماره ۱۵ - منطقه ی عملیاتی فتح المبین

### شرح عملیات

عملیات فتح المبین در ساعت ۳۰ دقیقه بامداد روز دوم فروردین ماه سال ۱۳۶۱ با رمز «بازهراس» و در تاریکی کامل هوا آغاز شد.

در این عملیات که در جبهه ای به طول ۸۰ کیلومتر و عرض ۳۰ کیلومتر انجام شد، در حدود ۲۴۰۰ کیلومتر مربع از خاک کشور شامل ارتفاعات عین خوش، علی گره زد، تینه، ابوغریب، تنگه رقابیه، دشت عباس و تپه های ابوصلیبی خات و پایگاههای راداری ۴ و ۵ نیروی هوایی ارتش، از تصرف دشمن آزاد گشت.

همچنین شهرهای شوش، اندیمشک و دزفول و نیز جاده موصلاتی اندیمشک - اهواز از برد آتش توپخانه صحرائی و موشکهای فراگ خارج شدند.

در عملیات فتح المبین حدود ۱۰ هزار نفر از نظامیان عراقی کشته و مجروح و استعدادی در حدود ۲ لشکر عراقی منهدم گردید.

در جریان این عملیات در مجموع ۱۱ فروند هواپیما، ۳ فروند بالگرد، ۳۶۱ دستگاه انواع تانک و نفربر و صدها دستگاه خودروی نظامی ارتش عراق منهدم گردید. (هاشمی رفسنجانی، پس از بحران، ۱۳۸۶، ص. ۳۵)

با به اسارت در آمدن حدود ۱۷ هزار نفر از نظامیان بعثی، توانایی رزمی ارتش بعثی، کاهش یافته و با انهدام بخشی از قوای دشمن و به غنیمت گرفته شدن تعداد زیادی سلاح به همراه مهمات فراوان، فرصت برای انجام عملیات بزرگ بعدی به نام بیت المقدس فراهم آمد.

### تقدیر امام خمینی از عملیات فتح المبین

امام خمینی در تاریخ ۱۳۶۱/۱/۲ پیام زیر را منتشر و بر فرماندهان و رزمندگان این عملیات درود فرستادند: «... مبارک باد بر شما عزیزان افتخار آفرین، پیروزی بزرگی را که با یاری ملائکه الله و نصرت ملکوت اعلیٰ نصیب اسلام و کشور عزیز ایران، کشور بقیه الله الاعظم - اروحناله الفداء - نمودید. رحمت واسعه خداوند بر آن مادران و پدرانی که شما شجاعان نبرد در میدان کارزار و مجاهدان با نفس در شبهای نورانی را در دامن پاکشان تربیت نمودند.»

آفرین بر شما که میهن خود را بر بال ملائکه الله نشانید و در میان ملل جهان سرافراز نمودید. مبارک باد بر ملت، چنین جوانان رزمنده ای و بر شما چنین ملت قدردانی که به مجرد فتح و پیروزی توسط رزمندگان به دعا و شادی برخاستند. اینجانب از دور دست و بازوی قدرتمند شما را که دست خداوند بالای آن است می بوسم و بر این بوسه افتخار می کنم. (صحیفه امام ۱۳۷۸، ج ۱۶)

(۱۴۳ :

## د- عملیات بیت المقدس

پس از پایان یافتن عملیات فتح المبین بلافاصله برنامه ریزی و تلاش ها برای طرح ریزی و اجرای عملیات بیت المقدس آغاز شد.

عملیات بیت المقدس یکی از گسترده ترین و با ارزش ترین عملیات های دوران دفاع مقدس و یکی از دوازده عملیات بزرگ و مؤثر ایران در طول ۸ سال دفاع مقدس می باشد. هر مرحله از عملیات بیت المقدس در مقایسه با عملیات هایی مثل ثامن الائمه و طریق القدس، خود یک عملیات بزرگ به حساب می آید.

منطقه ی عملیات بیت المقدس بین شهرهای اهواز و خرمشهر تا منطقه مرزی بین ایران و عراق که از سه جهت، در محاصره موانع طبیعی مثل رودخانه های کرخه نور در شمال منطقه و کارون در شرق جبهه و هور الهویزه در غرب منطقه قرار داشت و از سوی دیگر محدود به مرز بین المللی بود. در شمال منطقه عملیاتی، رودخانه نیسان امتداد یافته و به رودخانه ی کرخه کور می رسید. در شرق آن رودخانه عریض کارون قرار داشت. از سمت جنوب به اروند رود می رسید و سمت غرب آن هم هور هویزه قرار داشت.

## استعداد و گسترش ارتش عراق

دشمن در این منطقه در حدود ۴۱ گردان زرهی و نیز ۳۸ گردان مکانیزه که هر گردان از حدود ۳۴ دستگاه تانک یا نفربر تشکیل شده بود و نیز ۴۰ گردان پیاده و ۳۰ گردان توپخانه صحرائی، در اختیار داشته است. بنابراین حدود ۲۷۰۰ دستگاه تانک و نفربر و نزدیک به ۴۰۰۰۰ نفر نیروی پیاده و ۵۰۰ قبضه توپ از سوی دشمن در این منطقه گسترش یافته بود.

ارتش عراق مهمترین تدابیر دفاعی را برای خرمشهر در نظر گرفته بود و با تمام توان و قوا، از این شهر حفاظت می کرد. ارتش عراق یک پدافند ۱۸۰ درجه ای را از سمت شرق و شمال شهر با رده های دفاعی متعدد پیش بینی کرده بود.

ارتش بعثی با تخریب برخی از خانه های مسکونی مردم در ضلع شرقی و شمالی این شهر یک رده دفاعی برای نیروهای خود ایجاد کرده بود. مقاومت در خرمشهر و نگهداری این شهر در هر شرایطی، از راهبردهای اساسی ارتش بعثی بود.

با مطمئن شدن عراق از برنامه ایران برای آزادسازی خرمشهر، از دو هفته قبل از آغاز عملیات بیت المقدس، شروع به میله کوبی و نصب موانع عمودی در میدان گمرک برای مقابله با عملیات هلی برن ایران نمود و به صورت تعجیلی آنها را بر پا نمود. (بهداروند، ۱۳۸۸، ص. ۲۹۷)

## سازمان و استعداد خودی

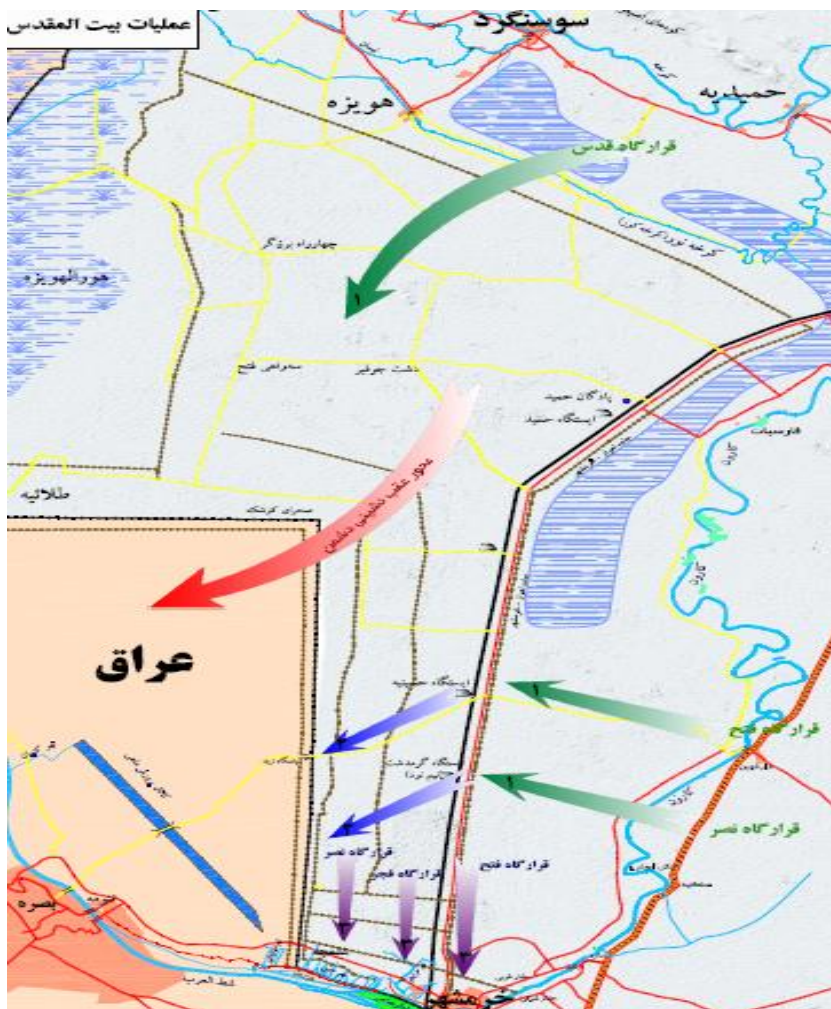
در عملیات بیت المقدس قرارگاه مرکزی کربلا، هدایت عملیات را با سه قرارگاه اصلی و یک قرارگاه پشتیبانی بر عهده گرفت.

در این عملیات مجموعاً ۱۴ تیپ پیاده و یک تیپ زرهی از سپاه با ۱۲۰ گردان که هر کدام استعداد یک لشکر را داشتند و ۳ لشکر و ۵ تیپ از ارتش شامل ۲۴ گردان زرهی و مکانیزه و ۳۶ گردان پیاده شرکت کردند. این واحدها با ۲۶ فروند بالگرد جنگی کبری و ۳۲ فروند بالگرد ترابری ۲۱۴ و ۱۶ فروند بالگرد نفربر شینوک و ۲۲ فروند بالگرد ۲۰۶ پشتیبانی می شدند. لازم به ذکر است که هر تیپ سپاه حد اقل بالغ بر ۸ تا ۹ گردان بود و هر گردان زرهی ارتش هم بین ۱۷ تا ۲۰ دستگاه تانک و نفربر در اختیار داشت. گرچه در این عملیات، سپاه و ارتش تمام توان آزاد خود را پای کار آوردند ولی طبق برآورد عملیات هنوز پنج شش لشکر کم بود.

نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز با پرواز ۲۰ نوبت هواپیمای جنگی در روز اول و ۶ پرواز در روزهای بعد و همچنین استقرار سامانه پدافند هوایی، از عملیات، پشتیبانی می نمود. نیروی هوایی جمعاً ۲۱۶۱ سورتی پرواز در این عملیات داشته است. همچنین این عملیات با ۲۹ گردان توپخانه صحرایی ارتش، پشتیبانی شده است.

رزمندگان جهاد سازندگی هم با حدود ۱۰۰ دستگاه ماشین آلات مهندسی و سایر امکانات و کمک ها در عملیات حضور فعالی داشتند.

در این عملیات، سه گردان مهندسی رزمی ارتش و یک گروه مهندسی و یک گردان پل شناور و یک گروهان شناور زرهی سنگین GSP ارتش، عملیات عبور از رودخانه را پشتیبانی کرده اند. در مجموع ارتش در این عملیات، دارای ۶۳ دستگاه ماشین آلات مهندسی و سپاه نیز دارای ۶۰ دستگاه بود. کار احداث ۵ پل PMP بر روی رودخانه کارون در شب اول عملیات نیز بر عهده نیروی زمینی ارتش بود.



نقشه شماره ۱۶ - منطقه ی عملیاتی بیت المقدس

### شرح عملیات

عملیات بیت المقدس در ساعت ۱۲:۳۰ شب و در اوایل بامداد روز جمعه ۱۰ اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۱ با رمز یا علی ابن ابی طالب <sup>(ع)</sup> آغاز شد. از آنجا که این ایام مصادف با ماه رجب و همزمان با فرارسیدن روز مبارک تولد امام علی <sup>(ع)</sup> بود، رزمندگان اسلام به اسم ایشان به عنوان رمز عملیات، جهت موفقیت هرچه بیشتر تمسک جستند.

بر اساس طرح مانور پیش بینی شده، می بایستی دو سوم کل نیروهای برآورد شده برای این عملیات، از رودخانه آرام و عریض کارون عبور نمایند. این یک خطر پذیری بزرگ برای تصمیم گیرندگان بود ولی در عین حال یک نوآوری و یک ابتکار عمل مهم و تعیین کننده نیز بود.

### حرکت به سمت مرز

پس از عبور از رودخانه کارون، جاده اهواز- خرمشهر به طور کامل آزاد شد. در تعقیب واحدهای ارتش بعثی، درگیری در منطقه جفیر ادامه یافت. با عقب نشینی لشکرهای ارتش بعثی، یگان های دو قرارگاه فتح و قدس به هم رسیدند و عمده منطقه پیش بینی شده در طرح عملیات بیت المقدس به جز منطقه خرمشهر، آزاد گردید.

پس از رسیدن نیروهای خودی به مرز بین المللی دشمن از نظر روحی آشفته و از هم پاشیده شده بود و همه چیز برای ورود به خرمشهر مهیا بود.

نیروهای خودی پس از یک نبرد بسیار سنگین، بالاخره در بامداد روز سوم خرداد سال ۱۳۶۱ با آرایش و سازماندهی فوق و با حدود ۱۲ گردان رزمی پیاده، عملیات آزاد سازی خرمشهر آغاز شد. بدین ترتیب ساعت ۱۰ صبح روز دوشنبه سوم خرداد، رزمندگان اسلام از طریق شمال غرب شهر، وارد خرمشهر شدند و تا غروب آن روز، بیش از ۱۲ هزار نفر از نظامیان بعثی را در داخل خرمشهر به اسارت خود درآوردند و مهر پیروزی را بر جبین ایرانیان و امام عزیزشان ثبت کردند. به هر حال این پیروزی بزرگ، در اخبار سراسری رادیو در ساعت ۲ بعد از ظهر به اطلاع مردم ایران رسید و فضایی از خوشحالی و شغف و شادی و سرور را برای مردم ایران به ارمغان آورد.

### نگاه امام خمینی به فتح خرمشهر

امام خمینی هم از این پیروزی بسیار مسرور شدند. از قول فرزند ایشان حاج احمد آقا، نقل شده است که گفته اند: هیچ گاه امام را در طول عمرشان تا به این اندازه، بشاش و خوشحال ندیده بودم. امام هم با بیان اینکه «خرمشهر را خدا آزاد کرد»، دیدگاه خودشان را نسبت به عملیات بیت المقدس و ارزش آن بیان کردند.

بنیانگذار جمهوری اسلامی با شنیدن خبر فتح خرمشهر در همان روز پیامی را صادر فرمودند که ضمن نشان دادن اهمیت آزاد سازی خرمشهر، دیدگاه خود را نسبت به دفاع اسلامی، رزمندگان سلحشور و پیروزی بر دشمن بیان کردند. در این پیام، امام با یقین به آنکه پیروزی فقط از جانب خداوند است «وما النصر الا من عند الله» از فرزندان اسلام و قوای سلحشور مسلح که دست قدرت

حق از آستین آنان بیرون آمد و کشور بقیه الله الاعظم را از چنگ گرگان آدم خوار که آلت‌هایی در دست ابر قدرت‌تان خصوصاً آمریکای جهان خوانند، بیرون آورد و ندای الله اکبر را در خرمشهر عزیز طنین انداز کرد و پرچم پر افتخار لا اله الا الله را بر فراز آن شهر خرم - که با دست پلید جنایتکاران غرب به خون کشیده شده و خونین شهر نام گرفت - بیفراشت، تشکر کردند.

### نتایج و دستاوردهای عملیات بیت المقدس

بیشترین دستاوردهای دوران جنگ در عملیات بیت المقدس حاصل شد. در جریان این عملیات، شهرهای خرمشهر، هویزه، پادگان حمید و منطقه وسیعی از خاک ایران، به وسعت تقریبی ۵۴۰۰ کیلومتر مربع آزاد شد.

حدود ۱۹ هزار و ۷۰۰ نفر از نظامیان عراقی به اسارت در آمدند. حدود ۱۶ هزار نفر از نظامیان ارتش بعثی کشته و زخمی شدند.

فراوانی غنائم به اندازه‌ای بود که فقط تخلیه مهمات برجای مانده از سوی ارتش بعثی در داخل سنگرهایش حدود دو ماه به طول انجامید. این مهمات غنیمتی تا ۳ سال، علیه قوای دشمن در نبردهای بعدی بکار می‌رفت. همچنین حدود ۲۰ فروند هواپیما و ۲ فروند بالگرد نظامی دشمن ساقط و ۴۱۸ دستگاه تانک و نفربر ارتش بعثی نیز منهدم گردید.

پس از فتح خرمشهر نمایندگان سازمان ملل از مناطق آزاد شده ایران بازدید و گزارشی را برای سازمان ملل تهیه کردند. آنها از پیروزی ایران بسیار شگفت زده شده بودند و باور نمی‌کردند که ایران به تنهایی و با دست خالی چنین پیروزی عظیمی را کسب کرده باشد.

عملیات بیت المقدس فرصت بزرگی را برای دستگاه سیاست خارجی ایران بوجود آورد. ایران می‌توانست با ارائه طرح صلحی خواستار تشکیل دادگاهی برای محاکمه صدام به عنوان آغازگر جنگ شود و خواهان پذیرش معاهده‌ی ۱۹۷۵ از سوی عراق و پرداخت خسارات کشور شود. گرچه جمهوری اسلامی به طور مرتب این خواسته‌ها را از زبان مسئولین مختلف کشور مطرح می‌کرد ولی دستگاه سیاست خارجی این پیروزی بزرگ را تبدیل به یک دستاورد سیاسی ماندگار نکرد.

### ۴ - دلایل پیروزی نیروهای مسلح

الف - برنامه ریزی صحیح

ب- فرماندهی فهیم و مقتدر

ج - ایمان و انگیزه رزمندگان اسلام



- د - ابتکار عمل و نوآوری
- ه - ترکیب تدبیر و عقلانیت با روحیه شهادت طلبی
- و - افزایش همکاری و همدلی بین ارتش و سپاه
- ز - تقلیل اختلافات سیاسی در کشور پس از عزل بنی صدر
- ح - استفاده بهینه از ظرفیت ها و منابع ملی
- ط - شناسایی و کسب اطلاعات دقیق از دشمن
- ی - استفاده گسترده تراز ظرفیت داوطلبان بسیجی و مردمی
- ک - بکارگیری تجربه عملیات های قبلی
- ل - رهبری و مدیریت مدبرانه حضرت امام خمینی<sup>(ع)</sup>

## ۱- چرایی ادامه ی جنگ پس از آزادسازی خرمشهر

با گذشت سه روز پس از فتح خرمشهر، فرماندهان ارتش و سپاه از حضرت امام خمینی<sup>(ع)</sup> برای چگونگی ادامه جنگ، کسب تکلیف کردند.

امام<sup>(ع)</sup> پس از تبریک فتح خرمشهر و تشکر از رزمندگان اسلام، فرمودند برای ادامه جنگ می خواهید چه کار کنید؟ نظر فرماندهان این بود که اگر می خواهیم جنگ را ادامه دهیم، باید از مرز عبور کنیم تا در کنار یک عارضه طبیعی مانند اروندرود پدافند نماییم. آقای هاشمی رفسنجانی می گوید: «امام موافق نبودند که نیروهای ما وارد خاک عراق شوند و در عین حال متوقف کردن جنگ را هم قبول نداشتند و می گفتند: اگر شما وارد عراق شوید چند اشکال پیدا می شود». (سفیری، ۱۳۷۸، ص. ۹۰)

بنابراین در این جلسه نظر و دیدگاه حضرت امام خمینی<sup>(ع)</sup> بر این بود که جنگ بدون ورود به خاک عراق، ادامه یابد تا کشور به اهداف خود و تأمین منافع ملی نائل آید.  
امام خمینی<sup>(ع)</sup> دلایل ذیل را برای دیدگاه خود بر شمردند :

الف- مردم عراق تصرف سرزمین خود را تحمل نمی کنند و آن هایی که الان با ما هستند در آن صورت به ما به عنوان متجاوز نگاه می کنند. پس نباید مردم عراق را در مقابل خود قرار دهیم.

ب- الان از لحاظ بین المللی موضع برحق داریم و متجاوز در خاک ماست، اگر وارد خاک عراق شویم کشورهای جهان، ایران را متهم به اشغالگری می نمایند.

ج- اگر وارد خاک عراق شویم، مردم بی گناه عراق آسیب می بینند و اذیت می شوند.

د- پس از ورود به خاک عراق، کشورهای عربی در حمایت صدام، صریح می شوند و بعضی ها که با ما هستند پشت سر صدام قرار می گیرند و کار ما دشوار می شود.

آقای هاشمی رفسنجانی معتقد است: «به هر حال امام<sup>(ع)</sup> مصلحت نمی دیدند که وارد خاک عراق شویم. از طرف دیگر متوقف شدن جنگ را هم قبول نداشتند». (همان : ۹۱)

نظامی ها با منطخ خودشان گفتند: « اگر دشمن بفهمد که ما وارد خاکش نمی شویم، احساس امنیت می کند. یعنی لازم نیست در مرزهایش نیرو بچیند. نیروهایش را متمرکز می کند و در مقاطع

مشخصی از نقاط معین به ما حمله می کند. منطق نظامی می گوید نباید چنین امنیتی به دشمن بدهیم. باید به گونه ای باشد که عراق فکر کند تا بغداد هم می رویم.»

آقای هاشمی رفسنجانی ضمن تاکید بر این که امام<sup>(ع)</sup> حرف و استدلال نظامی ها را پسندیدند. می افزاید: «حرف این ها از لحاظ نظامی محکم بود. امام<sup>(ع)</sup> با همان سلامت نفس و قاطعیتی که در وجودشان بود و در موارد لازم، استدلال متخصصین را می پذیرفتند، قبول کردند و گفتند حرف شما درست است.» (رحمانی، ۱۳۸۳، ص. ۷۵). امام<sup>(ع)</sup> در اندیشه ی پایان جنگ نبود بلکه اجتناب اولیه ی ایشان از ورود به خاک عراق، برای متجاوز خوانده نشدن ما بود.

امام خمینی (ره) خود در این باره طی سخنانی در ۱۳۶۱/۳/۲۲ می فرمایند: «ما هیچ وقت طالب جنگ از اول نبودیم. اگر چنانچه عراق به ما حمله نکرده بود ما دفاع نمی کردیم. اما ما دفاع کردیم، ما جنگ نکردیم تا حالا. در عین حالیکه رزمندگان ما و فرماندهان ارتش و سپاه به ما گفتند اجازه بدهید ما وارد بشویم در آنجا و با آن ها چه بکنیم (ما گفتیم فقط دفاع کنید) خوب، ما هم، ما می خواهیم دفاع بکنیم، دفاع که یک مسئله عقلی است... دفاع یک مسئله طبیعی است. ما همیشه دفاع کرده ایم تا حال، هیچ وقت جنگ نکرده ایم» (صحیفه امام، ج ۱۶، ۱۳۷۸: ۳۱۸)

## دلایل ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر

### الف - عدم پذیرش معاهده ی ۱۹۷۵ و ادامه حضور ارتش عراق در بخشی

#### از سرزمین های ایران

گرچه با پایان یافتن عملیات بیت المقدس، ایران توانسته بود تجاوز ارتش عراق را دفع نماید و سرزمین های خود را آزاد سازد و قوای دشمن را تا مرز عقب براند ولی هنوز بخش هایی از کشور از جمله مناطق مرزی غرب مانند ارتفاعات مسلط بر شهرهای سومار، قصرشیرین، گیلانغرب و مهران، ارتفاعات میمک و نفت شهر.

- بخشی از مرز شلمچه تا ارون رود به وسعت حدود ۱۰۰۰ کیلومتر مربع، همچنان در دست ارتش عراق باقی مانده بود.

- ادامه ی حضور قوای عراق در بخشی از اراضی ایران به مفهوم آن بود که دولت عراق در برابر خواسته های ایران، تسلیم نشده و می خواهد با گروگان گرفتن آنها، معاهده ی ۱۹۷۵ الجزایر را در مذاکره با ایران تغییر دهد.

## ب- تصور ایران از قدرت یافتن

پیروزی های نظامی مستمر ایران در جبهه های جنگ و انجام چهار عملیات پی پی در پی و موفق، موجب شد تا جمهوری اسلامی احساس نماید که دارای توانایی نظامی لازم برای غلبه نهایی بر ارتش عراق و شکست صدام حسین می باشد. بنابراین می تواند با ادامه عملیات نظامی به اهداف بلندتری در جنگ دست یابد.

ایران احساس می کرد جنگ به جایی رسیده است که می تواند از موضع بالا و برتر حرف بزند، بنابراین باید شور جهاد را حفظ کند. (هاشمی رفسنجانی، مصاحبه های ۱۳۶۱، ۱۳۸۰، ص. ۲۴۲-۲۴۵)

## ج- عدم ارائه ی هیچگونه پیشنهاد صلح از سوی رژیم بعثی عراق و یا

### مراجع بین المللی

اگرچه تلاش هایی برای انجام صلح از سوی برخی از سازمانهای بین المللی و بعضی از دولت ها صورت گرفت ولی هیچ یک از این اقدامات، نتوانست ایران را قانع کند که بدون نگرانی از آغاز دوباره جنگ، تنها با آتش بس می تواند به صلحی پایدار دست یابد. این امر، موجب نگرانی ایران از نرسیدن به صلح با پذیرش آتش بس و ایجاد شرایط « نه جنگ و نه صلح » برای مدتی نامعلوم می گشت. مذاکره می توانست سال ها به طول انجامد زیرا طولانی شدن مذاکره به نفع عراق و به ضرر ایران بود.

## د- عدم اعتماد به رفتار صدام

با فرض توقف جنگ، چنانچه ایران در مذاکرات با عراق به نتیجه نمی رسید، با توجه به روحیات صدام و وجود یک ارتش سازمان یافته در عراق، ممکن بود دوباره ارتش عراق حملات خود را آغاز کرده و این بار فضاهای بیشتری از کشور را به اشغال خود درآورد. باید توجه داشت که عمده نیروهای ایرانی، بسیجی بوده و طبیعتاً با توقف جنگ به سر کار و زندگی خود باز می گشتند و ایران قادر نبود تا حجم گسترده ای از نیروهای ثابت را در جبهه های جنگ در برابر ارتش عراق برای مدت طولانی حفظ نماید. از سوی دیگر صدام به نقض قول، شهرت داشت و نمی شد روی او حساب باز کرد. بنابراین کسی نمی توانست تضمین بدهد که صدام پس از آتش بس، دوباره جنگ را آغاز نکند.

## ه- شرایط نا مساعد دفاعی در مرزهای جنوبی کشور

مرز کشور در جنوب استان خوزستان در یک منطقه ی دشت وسیع قرار داشت که از نظر نظامی عبور از آن ها برای واحدهای زرهی ارتش عراق به سادگی میسر بود. از آنجا که عمده قدرت نظامی ایران متکی بر نیروهای پیاده بود، بنابراین نیاز به رسیدن به یک مانع طبیعی مثل شط العرب (اروند رود) جهت پدافند مطمئن ضروری می نمود. ایران در تلاش بود تا به یک عارضه قابل دفاع در جغرافیای منطقه جنگی دسترسی پیدا کند به گونه ای که از تهاجم دوباره ارتش عراق، ایمن گردد.

## و- انتظار مردم برای سرکوبی کامل دشمن

در آن زمان در بین مردم بخصوص خانواده های آسیب دیدگان از جنگ این احساس بوجود آمده بود که نه تنها بایستی قوای متجاوز را از خاک ایران بیرون نمود بلکه بایستی دولتی را که به خود اجازه آغاز جنگ را داده است مجازات نمود و شرایطی را فراهم آورد که حکومت عراق هیچگاه به فکر حمله به ایران نیفتد. اظهارات بسیاری از مردم، بر چنین درخواستی تأکید می ورزید. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ص. ۱۲۳) نگاه امام خمینی<sup>(ه)</sup> نسبت به نظرات مردم را از پیام ایشان به مناسبت روز پاسدار در ۱۳۶۱/۳/۶ می توان فهمید آنجا که می فرمایند: «در ایران اسلامی، مردم تصمیم گیرندگان نهایی تمامی مسائلند.» (صحیفه امام، ج ۱۶، ۱۳۷۸ : ۲۶۶)

## ۲- راهبرد جمهوری اسلامی ایران پس از آزادسازی خرمشهر

### الف- دفع کامل تهاجم سرزمینی

جمهوری اسلامی ایران در دو سال اول جنگ، « جلوگیری از پیشروی ارتش متجاوز بعثی، دفع تجاوز دشمن و آزادسازی سرزمین های اشغالی و حفظ تمامیت ارضی کشور » را هدف قرار داده بود. بر این اساس در مرحله اول، تلاش رزمندگان اسلام برای جلوگیری از گسترش پیشروی دشمن در خاک ایران و سپس طرح ریزی سلسله عملیات هایی به منظور بیرون کردن قوای دشمن از خاک ایران، تمرکز یافته بود. مردم نیز با مشاهده حمله دشمن به مناطق مسکونی در شهرها، شعار « جنگ جنگ تا پیروزی » را در حمایت از فرزندان شان در جبهه های جنگ، سر می دادند.

## ب - محدود نگهداشتن دامنه ی جنگ

جمهوری اسلامی ایران در سال های اولیه جنگ، در تلاش بود تا دامنه جنگ از حوزه مرزهای جغرافیایی دو کشور فراتر نرفته و آن را محدود نگه دارد. ولیکن با توسعه جنگ به مناطق شهری، قصد توسعه آن را داشت.

## ج- توسعه ی توان مقاومت و تلاش برای پشیمان کردن دشمن از حمله به

### ایران

جمهوری اسلامی ایران از آغاز جنگ، سعی نمود تا با تکیه بر توانمندی ها، استعداد ها و ظرفیت های ملت ایران، ضمن تأمین نیروی انسانی مورد نیاز خود از میان داوطلبان بسیجی، بر توسعه قدرت مقاومت خود افزوده و همچنین با توسعه صنعت دفاعی، اکثر جنگ افزارها، مهمات، مایحتاج و نیازمندی های خود را از داخل کشور فراهم کرده و با اتکا به مردم خود، تجاوز ارتش بعثی را دفع و امنیت خود را تأمین نماید.

امام خمینی<sup>(ره)</sup> پس از فتح خرمشهر و بعد از آنکه برخی از اعضای شورای عالی دفاع عبور از مرز و رسیدن به شط العرب را برای دفاع ضروری دانستند، با طرح شعار «جنگ جنگ تا رفع فتنه»، سرنگونی صدام حسین و نظام بعثی با همت، کمک و حرکت مردم عراق را در اندیشه خود داشتند.

## ۳- اجرای عملیات در داخل خاک عراق برای وادار نمودن دشمن به قبول

### شرایط جمهوری اسلامی ایران

پس از عملیات بیت المقدس و فتح خرمشهر تلاش چندانی برای خاتمه دادن به جنگ، صورت نگرفت. نه عراق حاضر شد از تمامی سرزمین های ایران عقب نشینی کرده و معاهده ی ۱۹۷۵ را به عنوان مبنایی برای ختم جنگ قرار دهد، نه ایران توانست بدون مشخص شدن آغازگر جنگ و آزادی تمامی سرزمین های خود به آتش بس تن دهد و جنگ را از راه سیاسی و با کمک دیپلماسی فعال به پایان ببرد.

تصور ایران آن بود که رژیم عراق بر اثر ادامه ی جنگ، دوام نخواهد آورد و تصور رژیم بعثی عراق هم این بود که ایران نمی تواند پیروزی های بزرگ نظامی خود را ادامه دهد و مجبور خواهد شد تن به مذاکره داده و شرایط عراق را برای پایان دادن به جنگ، بپذیرد.

به هر حال جنگ، عمدتاً در حواشی مرز و در خاک عراق ادامه یافت. از این زمان طی دو سال و نیم عملیات های رمضان، مسلم ابن عقیل، محرم، والفجر مقدماتی، والفجرهای ۱ و ۲ و ۳ و ۴، خیبر و بدر انجام شد ولی هیچ یک از طرفین نتوانستند موازنه قوا را به گونه ای بهم بزنند که تحولی اساسی در راستای پایان یافتن جنگ، صورت پذیرد.

پیچیدگی های جنگ افزایش یافت و تکیه بر قدرت سلاح از سوی ارتش عراق توسعه پیدا کرد و تلفات هر عملیات نسبت به عملیات های دوره قبل افزایش یافت.

کمک های تسلیحاتی و مالی کشورهای مختلف از جمله شوروی، فرانسه و کشورهای عربی خلیج فارس از عراق افزایش یافت و آمریکا گرایش آشکارتری به سوی عراق یافت. توان هوایی عراق توسعه پیدا کرد و جنگ آرام آرام از حوزه جبهه های زمینی به خلیج فارس نیز کشیده شد و رژیم صدام به دنبال دستیابی به جنگ افزارهای جدید و سلاح های مخرب تر رفت.

در مجموع، جنگ در داخل خاک عراق و با برتری قوای جمهوری اسلامی ایران ادامه یافت اما در عوض عراق، جنگ را به خلیج فارس کشاند و حملات شیمیایی را در جبهه ها آغاز نمود و بمباران مناطق مسکونی را شدت بخشید.

#### ۴- طرح ریزی و اجرای عملیات والفجر ۸

برابر دستور قرارگاه عملیاتی خاتم الانبیاء<sup>(ص)</sup> برای اولین بار در طول جنگ، هر یک از دو سازمان سپاه و ارتش در این عملیات، موظف شدند به صورت جداگانه، در مناطق مورد علاقه خود، برنامه ریزی و اجرا نمایند.

حضرت امام خمینی<sup>(ع)</sup> در دیداری که قبل از انجام عملیات فاو با فرماندهی سپاه داشتند با توجه به این نکته فرمودند: «شما توکل به ما و مسئولین و این ها نکنید، توکلتان را به خدا بکنید». (رضائی، ۱۳۹۰، ص. ۱۵۰) همین مسئله باعث شده بود تا فرماندهان سپاه با احتیاط بیشتری به طرح ریزی عملیات فاو بپردازند.

سپاه در منطقه فاو، عملیات خود را با بکارگیری دو قرارگاه کربلا و نوح و با پشتیبانی پدافند هوایی، هوانیروز، بخشی از نیروی هوایی و توپخانه، برنامه ریزی کرده بود و ارتش نیز قرار بود به صورت همزمان در منطقه شلمچه، عملیات خود را انجام دهد.

هدف از برنامه ریزی و انجام عملیات والفجر ۸ تصرف منطقه فاو و پیشروی به سمت ام‌القصر و قطع ارتباط کشور عراق با دریا، بود. عملیات فاو یکی از عملیات هایی بود که برای ختم جنگ طراحی شده بود. هدف هم این بود که از جاده ساحلی به ام القصر برویم.



نقشه شماره ۱۷ - منطقه ی عملیاتی والفجر ۸

### نکات اساسی طرح مانور والفجر ۸

در عملیات والفجر ۸ به چند نکته اساسی تأکید می شد. علاوه بر «توکل به خداوند بزرگ» و «لزوم پرهیز از تردید و یأس» روی این موارد تأکید می شد:

- الف- اعمال غافلگیری در تمامی ابعاد.
- ب- دقت و کنترل در جزئیات تمامی فعالیت ها از جمله شناسایی ها.
- ج- به کارگیری صحیح آتش های توپخانه.
- د- مراحل انجام طرح مانور از جمله عبور از اروند و شکستن خط مقدم دشمن، پاکسازی و رسیدن به هدف و در نهایت انجام پدافند.
- ه- انتقال وسائل سنگین مهندسی مثل لودر و بولدوزر از رودخانه ی اروند.



## روش های اعمال غافلگیری

در این عملیات قرارگاه خاتم الانبیاء<sup>(ص)</sup> برای غافلگیر کردن دشمن اقدامات ذیل را انجام داد:

### طرح ریزی عملیات فریب بزرگ

پس از انجام عملیات های خیبر و بدر در منطقه هورالهویزه از سوی رزمندگان اسلام، ارتش عراق نقطه ضعف و آسیب پذیری خود را در جبهه هور می دید. (همان : ۱۲۹) بنابراین با تشکیل قرارگاهی به نام «قرارگاه عملیات فریب» سعی شد تا به دشمن نشان داده شود که عملیات بزرگ بعدی قوای اسلام در این منطقه که حدود ۲۰۰ کیلومتر دور از منطقه ی فاو بود، صورت خواهد گرفت.

### ۲ - طرح ریزی عملیات محدود و ایذایی

فرماندهی کل سپاه با به کارگیری بخشی از توان یگان هایی که در مرحله اول عملیات والفجر ۸ برای آن ها مأموریتی پیش بینی نشده بود در منطقه ام الخصب در جزیره ام الرصاص واقع در خاک عراق، روبروی شهر خرمشهر و جزیره مینو، عملیاتی را طراحی کرد تا یگان های دشمن در این منطقه را درگیر نگه داشته و از امکان اعزام فوری آن ها به منطقه ی اصلی عملیات در جبهه فاو جلوگیری نماید.

### ۳ - رعایت حفاظت اطلاعات

بدین منظور اقداماتی نظیر تخلیه ی مردم، کنترل تردد، تعویض نیروهای ژاندارمری، اطلاع رسانی محدود، محدودیت مخابراتی و انتخاب اسامی گمراه کننده صورت گرفت.

### ۴ - کنترل اطلاعاتی دشمن و شناسایی مواضع

با شنود مکالمات ارتش عراق و نیز بررسی فرکانس های فعال در منطقه، مشخص گردید که از خانه ای در اهواز تماس هایی با عراق برقرار می شود. با دستگیری فردی که در آن خانه مستقر بود مشخص گردید که وی جاسوس عراق بوده و اطلاعات مربوط به جبهه های ایران را از طریق بیسیم در اختیار ارتش عراق می گذارد. از وی خواسته شد تا برای تخفیف در مجازاتش به کار خود ادامه دهد و اطلاعاتی را که سپاه می گوید به ارتش عراق مخابره کند.

## ۵- انتخاب منطقه غافلگیر کننده

ارتش عراق امکان عملیات در منطقه ی مثلث فاو را از نظر منطق نظامی رد می کرد. اسناد به دست آمده پس از عملیات والفجر ۸ نشان می دهد که بخش های اطلاعاتی ارتش بعثی، با کمک اطلاعات دریافتی از ماهواره ها، عکس های هوایی و مشاهده فعالیت های ایران، به این نتیجه رسیده بودند که قرائن و شواهد یک تهاجم گسترده از سوی قوای ایران در منطقه فاو و رأس البیشه وجود دارد ولی فرماندهان نیروهای عملیاتی ارتش صدام با توجه به منطق نظامی، امکان عبور از رودخانه اروند و انجام یک تهاجم وسیع بدون داشتن پل های متعدد بر روی اروندرود و نیز مشکل تدارک نیروهای تک کننده و نیز تداوم عملیات از سوی یگان های مهاجم را منتفی می دانستند .

### وضعیت و موقعیت منطقه عملیات

زمین منطقه عملیات والفجر ۸، شامل شبه جزیره ی فاو می شد که بین رودخانه ی اروند واقع در جنوب استان خوزستان و خلیج فارس و خور عبدالله در کنار مرز کشور کویت قرار گرفته است. این سرزمین تحت تأثیر جذر و مد آب خلیج فارس و رطوبت دائم حاصل از آن و نیز نهرهای منشعب از اروند رود قرار داشت. به همین دلیل قسمت عمده ای از زمین منطقه عملیات، باتلاقی، نمک زار و سست بود و در نتیجه برای تردد خودروها و نیز تانک ها و نفربرها و حرکت ستون های زرهی و نیز مانور یگان های پاتک کننده دشمن مناسب نبود.

بخش دیگری از زمین منطقه ی عملیات، پوشیده از نخلستان و نهرهایی بود که نخل های موجود در کنار ساحل را آبیاری می کردند. بنابراین تردد خودروهای رزمی و زرهی منحصراً از طریق سه جاده اصلی آسفالتی که یکی جاده ساحلی رأس البیشه به ام القصر، و دیگری جاده بصره- فاو به نام البحار و دیگری جاده استراتژیک فاو است صورت می گرفت و سایر نقاط برای تردد خودروها و ادوات جنگی و حتی برای رفت و آمد نفرات پیاده، مناسب نبودند و امکان گسترش یگان های رزمی زیاد، به دلیل شرایط، وضعیت و عواض زمین، وجود نداشت.

بنابراین، زمین منطقه عملیات یکی از سرزمین های پیچیده جنگی و عملیاتی، در آن زمان، محسوب می شد، به طوری که شامل انواع عوارض طبیعی از جمله رودخانه، نهر، نخلستان، باتلاق، چولان، جاده، روستا، شهر، ساحل، نمک زار، دشت، اسکله و بندرگاه می شد.

ساحل خودی و دشمن در رودخانه ی اروند باتلاقی و لجن زار بود و این وضعیت حوزه ی عمل غواص های خط شکن و پهلوگیری قایق ها را محدود می کرد. عمق آب رودخانه ی اروند رود، که از

خلیج فارس تأثیر می پذیرفت به طور متوسط به ۸ متر می رسید، به طوری که امکان کشتی رانی در آن را فراهم می آورد.

عرض این رودخانه در منطقه مورد نظر برای عملیات، بین ۶۰۰ تا بیش از ۱۰۰۰ متر بود و پل زدن بر روی آن، شرایط ویژه ای را می طلبید. جذر و مد چهار بار در رودخانه ی اروند و نهرهای منشعب از آن اتفاق می افتاد. بررسی وضعیت دقیق جذر و مد برای عملیات بسیار ضروری بود. در شرایط مد رودخانه، تمام نهرها و نخلستان ها پر از آب می گردید که حدود شش ساعت ادامه داشت ولی به هنگام جذر تمام نهرها خشک شده و عبور قایق از آنها ممکن نبود.

### مرحله بندی عملیات

برای انجام عملیات والفجر ۸ چهار مرحله به قرار زیر مشخص گردید:

**مرحله اول:** عبور نیروهای خط شکن از رودخانه اروند و شکستن خط اول دشمن و پاکسازی سر پل به دست آمده از عناصر دشمن با کمک نیروهای ویژه غواص بود. به هر لشکرگفته شد که از بین شجاع ترین نیروهای خود ۱۰۰ نفر را انتخاب کرده به آنها آموزش غواصی بدهد.

**مرحله دوم:** تصرف شهر بندری فاو، رسیدن به خور عبدالله و استقرار در منطقه مثلثی شکل شمال شهر فاو و همچنین استقرار در پایگاه دوم موشکی در شمال غربی شهر بود.

**مرحله سوم:** پیشروی یگان های خط شکن و واحدهای پشتیبان تا ابتدای کارخانه نمک و تشکیل خط دفاعی به موازات این منطقه از ساحل تا خور عبدالله.

**مرحله چهارم:** رسیدن یگان ها به زمین های انتهایی کارخانه نمک و کانال انتهایی آن، واقع در جاده ام القصر تا ساحل رودخانه اروندرود.

### اقدامات مهندسی

مهندسی سپاه با کمک جهاد سازندگی عمده مأموریت آماده سازی منطقه عملیات را بر عهده گرفت و توانست با به کارگیری حدود ۴۰۰ کمپرسی و تعداد زیادی لودر و بولدوزر، ۴۷۳ کیلومتر جاده جدید در منطقه اروندرود احداث و ۱۱۰ کیلومتر از جاده های موجود را تعمیر و آسفالت نماید. همچنین قرارگاه مهندسی به ساخت بیمارستان صحرائی، مکان های مناسب برای رفع آلودگی مواد شیمیایی، ساخت مواضع توپخانه، احداث مواضع موشک های پدافند هوایی هاگ و نیز بنه های تدارکاتی لازم، قرارگاه های مختلف و همچنین پد بالگرد اقدام نماید. در حین عملیات نیز

وظیفه‌ی نصب پل‌های شناور بر روی اروندرود و همچنین احداث خاکریزهای مناسب در جلوی خطوط دفاعی بر عهده قرارگاه مهندسی قرار گرفته بود.

### شرح عملیات

عملیات در شب ۲۱ بهمن ۱۳۶۴، توسط سپاه در فاو (در ساعت ۱۰:۲۲ روز ۲۰/۱۱/۱۳۶۴) با رمز مقدس «یا فاطمه زهرا<sup>(س)</sup>» از منطقه عمومی جنوب خسروآباد تا انتهای جزیره آبادان با عبور غواصان خط شکن از اروندرود در حالی که نم‌باران می‌بارید، آغاز گردید. با اعلام رمز عملیات، حدود ۲۰۰۰ غواص تهاجم خود را جهت شکستن خط اول دشمن آغاز و شروع به پاکسازی ساحل اروندرود و ایجاد یک سرپل مناسب، نمودند.

اکثر غواص‌ها برای اینکه در مقابل دشمن دیده نشوند «آیه ۹ سوره یس» را با خود زمزمه می‌کردند. این آیه که از سویی اکثر رزمندگان و بخصوص از سوی نیروهای اطلاعات- عملیات به هنگام مواجه با نیروهای دشمن، قرائت می‌شد به این شرح است: «وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ» آنها معتقد بودند که با خواندن این آیه، خداوند به آنها کمک خواهد کرد تا از چشم نظامیان دشمن، مخفی بمانند. برخی از غواص‌ها در خاطرات خود می‌گویند: پس از آنکه وارد رودخانه شدیم، سطح رودخانه را موجی فرا گرفت که باعث شد سرهای ما در میان امواج از دید دشمن مخفی بماند.

در روز اول عملیات، لشکر ۲۵ کربلا که از رزمندگان استان مازندران تشکیل شده بود، موفق شد تا شهر فاو را به تصرف کامل خود درآورد. فرمانده این لشکر برادر مرتضی قربانی براساس مأموریتی که از سوی برادر محسن رضایی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دریافت کرده بود، پرچم گنبد حضرت ثامن الائمه امام رضا<sup>(ع)</sup> را که از مشهد به جبهه آورده بودند را بر بالای بلندترین مناره‌ی مسجد آن شهر نصب نمود و افتخار به احتزاز درآوردن پرچم گنبد امام رضا<sup>(ع)</sup> در شهر فاو برای همیشه نصیب لشکر ۲۵ کربلا گردید.

### دفع پاتک‌های تعجیلی

اولین اقدام عراق برای جلوگیری از پیشروی نیروهای ایرانی، استفاده از قدرت نیروی هوایی خود بود. هواپیماهای جنگی عراقی تلاش زیادی را برای بمباران مواضع رزمندگان اسلام در روزهای اول عملیات انجام دادند. اما بارش باران و ابری بودن هوا در نخستین روزهای عملیات موجب شد تا پروازهای جنگنده‌های عراقی با مشکل مواجه شود. از سوی دیگر استقرار پایگاه موشکی هاگ توسط

نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، حملات هوایی عراق را با محدودیت جدی مواجه ساخت و نیروی هوایی عراق در هفته اول عملیات، بیش از ۱۵ هواپیمای خود را که هر کدام بیش از ۲۰ میلیون دلار قیمت داشتند از دست داد.

همزمان با حملات هوایی جنگنده های عراقی، یگان های زمینی ارتش عراق نیز حملات خود را به مواضع نیروهای ایرانی آغاز کردند. پاتک های عراق در روزهای اول بصورت ضعیفی انجام می شد ولی آرام آرام بر شدت آنها افزوده می گردید. فرمانده سپاه قبل از آغاز عملیات والفجر ۸، فرمانده توپخانه سپاه برادر ( سرلشکر شهید ) حسن شفیع زاده را مأمور نمود تا با کمک آتش دقیق توپخانه از منطقه جزیره آبادان، پاتک های سه روز اول دشمن را دفع نماید تا برای یگان های پیاده فرصتی فراهم شود تا آنها بتوانند مواضع خود را در مناطق تصرف شده، تثبیت نمایند.

توپخانه قرارگاه خاتم الانبیاء، در تمام دوره هفتاد و پنج روزه نبرد فاو توانست به عنوان یک یگان پر قدرت، واحدهای خط مقدم را در برابر پاتک ها و تهاجمات دشمن، به طور مرتب پشتیبانی نماید.

نیروی هوایی عراق در طول عملیات والفجر ۸ به طور متوسط روزانه ۳۵۵ پرواز انجام می داد و بالگردهای جنگی عراق نیز روزانه ۱۳۴ پرواز در منطقه عملیاتی داشتند. در همین حال مشکل اصلی رزمندگان، همچنان نداشتن پل بر روی اروندرود و چگونگی انتقال وسایل و تجهیزات سنگین به منطقه فاو بود.

### احداث پل بعثت

یکی از مهم ترین مسائل عملیات والفجر ۸ چگونگی تدارک رسانی و پشتیبانی از هزاران نفر رزمنده در آن سوی اروندرود بود. مأموریت این کار بزرگ بر عهده جهاد سازندگی قرار گرفت. نیروهای مهندسی و پشتیبانی جنگ جهادسازندگی، توانستند با بکارگیری حدود ۳ هزار و ۴۰۰ لوله نفتی ۵۶ اینچی و با یک طرح مهندسی دقیق، چنین پلی را به طول حدود ۶۰۰ متر و عرض حدود ۱۲ متر و با عمق حدود ۸ متر احداث نمایند.

### تلفات و خسارات دشمن

در این عملیات در حدود ۳۲ هزار نفر از نظامیان ارتش عراق، کشته و مجروح گردیدند. (بهادروند، ۱۳۸۸، ص. ۱۱۵) و ۲۱۰۵ نفر از نظامیان عراقی نیز به اسارت درآمدند و همچنین تعداد ۳۴ فروندهواپیما و ۵ فروندبالگرد ارتش عراق ساقط و منهدم گردید. در این

عملیات پایگاه پدافند ضد هوایی هاوک ارتش جمهوری اسلامی ایران بسیار فعال بود و در مجموع ۸۶ فروند موشک به سمت هواپیماهای عراقی پرتاب کرد که ۵۲ موشک به هدف اصابت کرد که موجب انهدام یا آسیب جنگنده های عراقی گردید. (نمکی، ۱۳۸۷، ص. ۲۸۲) و تعداد زیادی تانک و نفربر و خودروهایی زرهی منهدم گردید.

### نتایج عملیات فاو

- الف - تصرف کامل بخشی از اروند رود.
- ب - تصرف فاو و تأسیسات بندری آن.
- ج - تصرف سکوهای موشکی و تأمین خور موسی و افزایش ضریب امنیتی در جزیره ی خارک.
- د - کنترل خور عبدالله و تهدید بندر ام القصر.
- ه - ایجاد فشار به کشورهای عربی.

### ۵- تشریح عملیات کربلای ۵

یکی از سخت ترین، معروفترین، دشوارترین و به یاد ماندنی ترین عملیات هایی که در دوران جنگ، صورت گرفته و توانسته ذهن بسیاری را به خود مشغول نماید، عملیات کربلای ۵ است. این عملیات که حدود یک سال و نیم قبل از پایان جنگ تحمیلی در منطقه ی غرب شهر خرمشهر و در محور شلمچه به سوی بصره انجام شده بود با رمز یا فاطمه زهرا (س) آغاز و مهمترین عملیات در سال ۱۳۶۵ هجری شمسی بود که ضربه بسیار مهلکی بر استعداد و توان رزمی رو به افزایش ارتش بعثی صدام وارد آورد.

عملیات کربلای ۵، از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی طرح ریزی و در محور شلمچه در نیمه شب ۱۳۶۵/۱۰/۱۹ در جبهه ی جنوب و در محور شلمچه در منطقه شرق بصره به مرحله اجرا درآمد. زمین منطقه عملیات کربلای ۵ در شرق بصره دارای ارزش و اهمیت زیادی بود. محور مواصلاتی شلمچه کلید فتح بصره به شمار می رفت. وسعت سرزمین خشک این منطقه عملیاتی که به پنج ضلعی معروف بود به کمتر از پنجاه کیلومتر مربع می رسید. یک کیلومتر پیشروی در محور شلمچه، از نظر اهمیت نظامی و فشار سیاسی بر دشمن، برابر با حدود ۱۰ کیلومتر پیشروی در نقاط دیگر مانند محور فکه، ارزش داشت. بنابراین ارزش نظامی و سیاسی زمین منطقه عملیات کربلای ۵ بسیار زیاد بود.

## استحکامات و موانع منطقه ی عملیاتی کربلای ۵

ارتش عراق در طول سالیان دراز استقرار و پدافند در منطقه شرق بصره مبادرت به اقدامات زیر نموده بود :

الف - استحکامات هلالی شکل، به طوری که در درون هر یک از آنها یک دسته تانک می توانست موضع گرفته و با امنیت خاطر تیراندازی نماید. اطراف این استحکامات نیز با سیم های خاردار و میداین مین در مقابل نیروهای سپاه پوشانده شده بود.

ب - ایجاد منطقه ی آبگرفتگی در شمال منطقه عملیات به منظور رها کردن آب در زمین جهت جلوگیری از عملیات نیروهای پیاده ایران.

ج - تعبیه ی سنگر های بتونی، دیده بانی، تیربار و مهمات و نیز تعدادی سنگر تانک به منظور تسلط بر منطقه ی شلمچه.

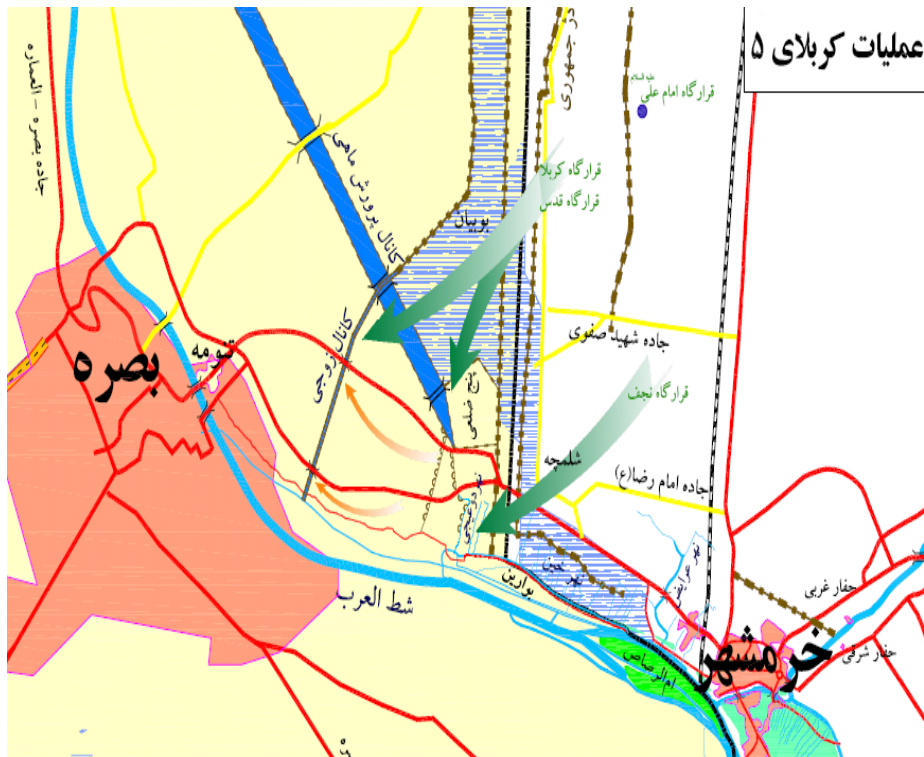
د - تعبیه ی سنگرهای کمین برای محافظت و کنترل از موانع، میداین مین و استحکامات ایجاد شده.

ه - ایجاد تعدادی دکل بلند دیده بانی در غرب اروند رود به منظور کنترل تردد نیروهای خودی.

و - استفاده از سلاح های ضد هوایی در خط اول و تعداد زیادی تانک به منظور جلوگیری از نفوذ رزمندگان اسلام در شکست خط اول.

ز - ایجاد موانع عظیمی از سیم های خاردار، تله های انفجاری، کانال، میدان های وسیع مین و سنگرهای بتنی، سنگرهای استراق سمع و سنگرهای کمین هم در جلوی خط اصلی قرار داشت.

ح - ایجاد ده ها ردیف موانع گوناگون در آبگرفتگی ها که در زیر آبگرفتگی هم مین کاشته بودند تا عبور هر نوع نیروی پیاده غیر ممکن گردد.



نقشه شماره ۱۸ - منطقه ی عملیاتی کربلای ۵

### شرح عملیات

این عملیات درست دو هفته پس از ناکامی در عملیات کربلای ۴، صورت گرفت، در حالی که زمانی حدود یک ماه برای آمادگی رزمندگان اسلام ضروری بود. اگر این فرصت به یگان های ارتش بعثی داده می شد، می توانستند بلافاصله نقاط ضعف خود را پوشانده و ایران را از دستیابی به منطقه شلمچه باز دارند.

در حین عملیات و پس از به اسارت در آمدن تعدادی از نیروهای دشمن مشخص شد که برخی از فرماندهان ارتش بعثی چند روز پیش از آغاز این عملیات، به مرخصی رفته بودند و برخی دیگر هم در شب عملیات، فرصت رساندن خود به قرارگاه مربوطه را نیافتند. حتی برخی از فرماندهان گردان های ارتش بعثی، فرصت پوشیدن لباس نظامی خود را نیز نیافتند و حتی با لباس شخصی به اسارت در آمدند آنها می گفتند: ما در خانه بودیم که به ما خبر دادند، بصره در تهدید است و ابلاغ کردند که خود را سریعاً به منطقه عملیاتی برسانیم.



در دو روز اول، به دلیل عدم آمادگی نیروهای دشمن، عملیات به خوبی پیش رفت و رزمندگان موفق شدند تعدادی تانک دشمن را به غنیمت گرفته و حدود ۶۵۰ نظامی عراقی را اسیر نمایند. پایگاه موشکی هاگ ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز در این عملیات فعال گردید و توانست تعدادی از هواپیماهای دشمن را مورد هدف قرار دهد. ولی از روز سوم به بعد آرام آرام، جنگ سختی از سوی ارتش عراق، علیه رزمندگان اسلام شکل گرفت.

در طی این عملیات، ایران در حدود یک میلیون و ۸۰۰ هزار گلوله توپ و حدود یک میلیون و ۲۰۰ هزار گلوله انواع خمپاره را به سوی مواضع ارتش عراق پرتاب نمود. با این همه، رزمندگان سپاه اسلام تنها توانستند تا خط نهر جاسم که آخرین رده دفاعی ارتش بعثی در منطقه عملیات بود مرحله به مرحله پیشروی کنند و در نهایت، به دلیل کمبود یگان پیاده و واحد زرهی، امکان این که رزمندگان اسلام گام های بلندتری در پیروزی بردارند میسر نشد.

در جریان عملیات کربلای ۵، هوانیروز سه تیم پروازی شامل ۹ فروند بالگرد را به کار گرفت. از این سه تیم یک تیم در حال عملیات، یک تیم در حال سوخت گیری و تیم دیگر در حال رفتن به منطقه ی عملیات بود. در مجموع از ۴ پایگاه هوانیروز تعداد ۱۳۰ فروند وسیله ی پروازی از بالگردهای ترابری و کبری در منطقه ی جنوب مستقر گردیده بودند.

در جریان پاتک ها، از ۱۸۰ تیپ موجود ارتش عراق، ۱۱۰ تیپ یعنی حدود دو سوم استعداد ارتش بعثی وارد منطقه ی عملیات شد. به طوری که در خلال این عملیات، نظامیانی از ۱۱۰ یگان و تیپ مختلف ارتش بعثی عراق اسیر شدند. بنابراین می توان گفت که شدید ترین و گسترده ترین نبرد ها در میان عملیات های ۹۰ گانه نیروهای مسلح در طول دوران دفاع مقدس، عملیات کربلای ۵ بوده است.

### نتایج و دستاورد های عملیات

در این عملیات بیش از ۱۵۰ کیلومتر مربع از خاک عراق به تصرف قوای ایران درآمد و پاسگاه های بوبیان، شلمچه، کوت سواری و خین در اختیار رزمندگان اسلام قرار گرفت.

جزایر بوارین، فیاض و ام الطویل و شهرک دوعیجی، رودخانه دوعیجی و نهر جاسم و همچنین ۱۰ کیلومتر از جاده شلمچه بصره و نیز ۱۱ پاسگاه فرماندهی ارتش بعثی عراق نیز به کنترل قوای اسلام درآمد.

در این عملیات ۲۶۵۵ نظامی عراقی شامل چهل افسر ارشد و چهل افسر جزء و ۶۰۰ درجه دار به اسارت درآمدند. استعدادی در حدود ۵۵ تیپ تا حدود زیادی منهدم گردید و به ۸۷۰ دستگاه

تانک، ۱۸۰ قبضه توپخانه صحرائی و ۱۰۰۰ دستگاه خودرو آسیب وارد شد. حدود ۳۰ هزار نفر از نظامیان عراقی کشته و تعداد بیشتری زخمی گردیدند و ۳۰ هواپیمای دشمن آسیب دید و ۷ فروند بالگرد دشمن نیز ساقط شد.

پس از ۴۵ روز جنگ، ارتش عراق به منظور جلوگیری از انهدام بیشتر، دست از جنگ کشید. (بهداروند، ۱۳۸۸، ص. ۲۸۶) همچنین ۲۳۰ دستگاه تانک، ۲۰ قبضه توپ، ۲۰۰ دستگاه خودرو و ۱۰۰ دستگاه وسایل مهندسی و ۱۰۰ قبضه توپ ضد هوایی به غنیمت در آمد.

### تقدیر امام خمینی<sup>(ع)</sup> از رزمندگان عملیات کربلای ۵

شرایط و سختی های انجام دو عملیات فشرده کربلای ۴ و ۵ موجب شد تا امام خمینی<sup>(ع)</sup> در ایام دهه مبارکه فجر این سال از شهیدان و رزمندگان عملیات های انجام شده در پیامی در ۱۳۶۵/۱۱/۱۶ به شرح ذیل تجلیل نمایند: « من ضمن تشکر و تقدیر فراوان از نیروهای مردمی و بسیجیان جان بر کف و سپاهیان محمد - صلی الله علیه و آله - و ارتش قدرتمند و مقاوم و سپاهیان قهرمان و دلاور و روحانیون و جهادگران و امدادگران و خبرنگاران و نیروهای انتظامی، کمیته، شهربانی و ژاندارمری و همه کسانی که در پشت جبهه ها به تقویت و تدارک رزمندگان همت گماشته اند و نیز با تقدیر و تشکر وافر از رزمندگان عملیات کربلای ۴ و خصوصاً کربلای ۵ که واقعاً حماسه آفریدند و حیرت و تعجب همه جهانیان را برانگیخته اند و بر مستحکمترین دژها و موانع و مدرنترین سلاح ها یورش بردند و دلاورانه در مصاف با دشمن زبون جنگیدند و امیران و افسران و درجه داران و سربازان بیشماری از دشمن را به اسارت گرفته اند و هم اکنون نیز به نبرد خود ادامه می دهند و دل انبیا و پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup> و مولای خود حضرت صاحب الامر<sup>(عج)</sup> را شادمان ساخته اند، از همه جوانان غیور و اقشار برومند کشور اسلامی می خواهم که مثل همیشه به جبهه ها هجوم آورند و به سپاهیان حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه - بپیوندند و نفس های آخر عمر صدامیان را بگیرند که دست نصرت حق با شما است.

چنانچه تا به امروز و در همه صحنه ها از امدادهای غیبی و عنایات ویژه خود، شما را متنعم ساخته است، بعد از این نیز یار و یاورتان خواهد بود و شما را تنها نخواهد گذاشت و من هم در همه حالات به شما دعا می کنم و شما را دوست دارم و ای کاش در کنار شما و در سنگر شما بودم.»

## اقدامات دشمن جهت توسعه ی جنگ و وادار نمودن جمهوری اسلامی ایران به توقف اقدامات نظامی

### ۱- استفاده ی گسترده از عوامل شیمیایی و نقش کشورهای کمک کننده

#### در آن

#### الف- جنگ شیمیایی چیست؟

منظور از جنگ شیمیایی، کاربرد گازهای شیمیایی مانند گاز خردل، اشک آور، سیانور و اعصاب به عنوان سلاح در جنگ است. چنین سلاح هایی بدلیل قدرت کشتار بالا و اثرات بسیار نامطلوب زیست محیطی آن جزء سلاح های نا متعارف طبقه بندی شده اند و تولید و استفاده از آنها طبق کنوانسیون ۱۹۲۵ ژنو ممنوع اعلام شده است. با وجود این ممنوعیت کاربرد سلاح شیمیایی توسط ارتش بعث عراق از همان ابتدای جنگ آغاز و تا پایان جنگ هم ادامه یافت. بر حسب نوع و میزان گستردگی استفاده عراق از این سلاح ها در جنگ تحمیلی میتوان سه دوره را از هم تفکیک کرد:

(۱)- از آغاز جنگ ( ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ ) تا آزاد سازی خرمشهر ( ۳ خرداد ۱۳۶۱ )

به نظر میرسد اهداف ارتش عراق در این دوره از کاربرد سلاح شیمیایی، آزمایش سلاح و عوامل شیمیایی، ارزیابی بازتاب و عکس العمل جهان و وارد آوردن تلفات بوده شده است.

(۲)- از تیرماه ۱۳۶۱ تا پایان سال ۱۳۶۵

در این دوره که همزمان با آغاز عملیات تهاجمی ایران در عملیات درون مرزهای عراق، با هدف تنبیه متجاوز و احقاق حق صورت گرفت. عراق دوران تازه ای را از کاربرد سلاح شیمیایی آغاز کرد. در این مدت عراق از سلاح شیمیایی در نقش سلاح تدافعی با هدف خنثی کردن تهاجمات ایران و وارد آوردن تلفات و ایجاد رعب و وحشت و استفاده از یک سلاح مطمئن استفاده کرد.

(۳)- از سال ۱۳۶۶ تا پایان جنگ ( مرداد ۱۳۶۷ )

در این دوره عراق از سلاح شیمیایی به عنوان یک سلاح تهاجمی برای بازپس گیری مناطق تصرف شده اش توسط نیروهای ایران استفاده کرد.

## ب-تعریف عوامل شیمیائی

به گروه هایی از ترکیبات مواد سمی و کشنده اطلاق می گردد که بصورت جامد، مایع و یا گاز(بخار) مورد استفاده قرار گرفته و منجر به بروز اثرات مخرب کننده و یا مصدومیت شدید در جانوران شده و همچنین باعث تخریب محیط زیست و نابودی گیاهان می شود. مواد سمی از دستگاه تنفسی، گوارشی و پوست مستقیماً پس از وارد شدن در بدن انسان، اثرات تحریکی به روی اجزاء دستگاه ایمنی بدن و ضایعات تخریبی بر پوست بر جای گذاشته و منجر به مصدومیت و نهایتاً مرگ انسان می شود. (نیکخواه بهرامی، ۱۳۸۹، ص. ۱۳)

این عوامل عبارتند از :

- (۱)- عوامل سیانور که از طریق تنفس و جذب خون اثر سمی آن ظاهر میشود.
- (۲)- عوامل عصبی که در حالت عادی بصورت مایع هستند ولی بدلیل فراربت زیاد بصورت گاز نیز منتشر می شوند و در اثر تماس با پوست بدن، دستگاه تنفسی، چشم و سلسله اعصاب بدن باعث مسمومیت و اختلال در جریان عصبی میشوند.
- (۳)- عوامل خفه کننده مواد خطرناکی هستند که بر روی بافت دستگاه تنفسی تأثیر گذاشته و موجب تحریک مخاط بینی، شش ها، چشم ها و تخریب بافت ها و سرانجام باعث مرگ میشود.
- (۴)- عوامل تاول زا که بصورت مایع و گاز مورد استفاده قرار می گیرند و موجب ضایعات موضعی پوستی و تحریک عمومی بافت ها، غشائی مخاطی، تاول و تخریب آن میگردد.
- (۵)- عوامل ناتوان کننده به عواملی اطلاق می شود که فرد را از انجام عملیات عادی باز دارند و معمولاً در درگیری و جنگ های شهری استفاده میشود.
- (۶)- سایر عوامل شیمیائی مانند مواد سمی کشنده توکسین ها، عوامل کنترل شورش ها، عوامل دودزا و عوامل علف کش ها را نیز میتوان نام برد.

## ج-هدف از کاربرد سلاح شیمیائی

- (۱)- ایجاد رعب و وحشت و اضطراب و تشویش با هدف عملیات روانی علیه دشمن و مردم غیر نظامی.
- (۲)- کاهش توان رزمی و ایجاد اختلال در سازمان رزمی دشمن.

(۳) - مرعوب نمودن و زمین گیر نمودن دشمن و یا ایجاد زلزله در روحیه و مقاومت دشمن و یا نیروهای پشتیبانی کننده.

## د- دوره های استفاده از سلاح شیمیایی توسط ارتش بعث عراق در

### هشت سال دفاع مقدس

(۱)- دوره اول : در سالهای اول و دوم جنگ تحمیلی و تا حدود نیمه دوم سال ۱۳۶۱ با اینکه ارتش بعث عراق مورد حملات کوبنده و بسیار اثرگذار رزمندگان اسلام قرار گرفت و تلفات و ضایعات قابل توجهی دید مع الوصف از سلاح شیمیایی به حالت آفندی در طول عملیات دفاعی خود بطور گسترده استفاده نکرد.

(۲)- دوره دوم : از سال ۱۳۶۲ تا پایان سال ۱۳۶۵ بویژه در نبردهای کربلا ۴ و ۵ برای پشتیبانی از نیروهای دفاعی زمینی خود، از سلاح شیمیایی استفاده کرد تا به کمک آن از عملیات تهاجمی نیروهای ایرانی که متکی به نیروهای پیاده بودند جلوگیری کند.

در طول این دوره ارتش عراق بیش از ۲۳۰ بار مواضع نیروها، مراکز پشتیبانی و عقبه ها و حتی شهرها و روستاها و مناطق غیر نظامی ایران را هدف حملات شیمیایی قرار داد که در مجموع حدود ۴۴ هزار نفر تلفات اعم از شهید و مجروح را در پی داشت. (یکتا، ۱۳۸۲، ص. ۱۳-۲۱)

(۳)- دوره سوم : جنگ شیمیایی عراق علیه ایران از آغاز سال ۱۳۶۶ شروع شد و تا پذیرش قطعنامه‌ی ۵۹۸ از سوی ایران و حتی پس از آن تا تابستان ۱۳۶۷ ادامه یافت. در این دوره زمانی ارتش بعث عراق پس از مرتفع کردن ضعفهای تاکتیکی و تکتیکی خود در زمینه بکارگیری سلاح شیمیایی در دو دوره گذشته و دستیابی به عوامل شیمیایی دوگانه، توانست از آنها به عنوان یک سلاح تهاجمی برای باز پس گیری مناطق تحت کنترل نیروهای ایران استفاده کند. فرماندهان عراق موفق شدند از این اسلحه به عنوان بخش اصلی از پدافند و یا آفند هماهنگ شده خود در بهار سال ۱۳۶۷ علیه نیروهای ایران در فاو، شلمچه و جبهه های غرب و شمال غرب بهره گیرند. (همان ، ص ۵۲)

پس از حملات گسترده شیمیایی ارتش بعث از سالهای ۶۶ و ۶۵ فاجعه آمیزترین حملات شیمیایی عراق که همه جهانیان را تحت تأثیر قرار داد. حمله شیمیایی هواپیماهای عراقی به شهر حلبچه و سردشت ایران اطراف آن با عوامل شیمیایی خردل، اعصاب و سیانور که در نتیجه بیش از

۹۰۰۰ نفر را تحت تأثیر مخرب خود قرار داد که تنها ۵۰۰۰ نفر در شهر حلبچه شهید و حدود ۲۰۰ نفر در شهر سردشت شهید و ۵۰۰۰ نفر مصدوم گردیدند. (نیکخواه بهرامی، ۱۳۸۹، ص. ۱۴۷)

جنگ ایران و عراق نشان داد که سلاح شیمیایی به منزله ی سلاح ارزان و قابل دسترس می تواند در هر کشوری با کمترین امکانات آزمایشگاهی تولید شود و در خدمت نیروها قرار گیرد. بنابراین تلاش گسترده ای صورت گرفت تا آمادگی دفاعی برای مقابله با این نوع جنگ (جنگ نوین) در سازمان رزم ارتش های دنیا طراحی شود.

در طول جنگ ۸ ساله ایران و عراق، بسیاری از کشورهای غربی از جمله آلمان، آمریکا، انگلستان، فرانسه، شوروی، ایتالیا و... که از طراحان پروتکل ۱۹۲۵ ژنو هستند در تجهیز عراق برای تولید گازهای شیمیایی نقش کلیدی داشتند. علت این همکاری را میتوان در دو نکته خلاصه کرد:

الف- حمایت از عراق در جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران و جلوگیری از پیروزی ایران در جنگ.  
ب- سود جوئی.

در جنگ ایران و عراق بار دیگر این نکته در بوته آزمایش قرار گرفت که دستیابی به سطحی از بازدارندگی تنها راه مقابله با دشمن تا دندان مسلح است، عاملی که میتواند تمام جنبه های نظامی حتی استفاده از سلاح شیمیایی را شامل شود در واقع عراق زمانی به استفاده هرچه بیشتر از گازهای سمی ترغیب شد که پی برد جمهوری اسلامی ایران سلاحی برای دفاع از خود یا مقابله به مثل ندارد. (همان، ص ۶۲)

## ۲- حملات وسیع هوایی و موشکی به شهرها و منابع حیاتی و حساس

منظور از جنگ شهرها، بمباران مراکز تجمع انسانی غیر نظامی و اماکن شهری با هواپیما، توپخانه، راکت و موشک است. بمباران شهرها همزمان با آغاز تهاجم سراسری رژیم بعث عراق به خاک ایران آغاز شد و تا پایان جنگ در تابستان ۱۳۶۷ ادامه یافت. در این مدت طولانی عراق روی هم رفته ۲۷۶۹ مورد شهرهای ایران را مورد هدف بمباران خود قرار داد که روی ۱۲۷ شهر از شهرهای ایران (همچنین جزایر جنوبی کشور در خلیج فارس) صورت گرفت.

بمباران شهرهای ایران طی جنگ فراز و نشیب های ویژه ای داشت. بیشترین بمباران شهرهای کشور در سال ۱۳۶۵ (۲۰٪ مجموع بمباران ها) و کمترین آن در سال ۱۳۶۳ (۵۲٪ مجموع بمباران ها) صورت گرفت و در یک نگاه کلان روی هم رفته بر حسب دفعات تهاجم به شهرهای ایران میتوان سه دوره را مشخص کرد:

الف- دوره اول از شهریور ماه ۱۳۵۹ و همزمان با حمله سراسری عراق آغاز شد و تا سال ۱۳۶۱ ادامه یافت. بیش از ۳۰٪ مجموع حملات به این دوره مربوط می شود که بطور میانگین، ماهانه ۵۰ حمله و روزانه ۱/۶ حمله به شهرهای کشورمان را دربر می گرفت.

ب- دوره دوم از سال ۱۳۶۲ تا سال ۱۳۶۳ را شامل میشود. تقریباً ۱۰/۷٪ مجموع بمباران ها در این دوره انجام شد که بطور میانگین ماهانه ۲۱ حمله و روزانه ۰/۷ حمله را در بر می گرفت.

ج- دوره سوم جنگ شهرها از سال ۱۳۶۴ آغاز شد و تا پایان جنگ ادامه یافت. ۵۸/۸٪ مجموع بمباران های شهر های کشور در این دوره انجام گرفت که بطور میانگین ماهانه ۶۴ حمله و روزانه ۲/۵ حمله را شامل می شد. نخستین بار تهران در اسفند ماه ۱۳۶۶ با موشک زمین به زمین هدف قرار گرفت. (حسینی، ۱۳۸۳، ص. ۲۹)

بر اساس آمار های موجود در سه دوره مزبور در مجموع بیش از ۱۶۰۰۰ نفر از شهروندان غیر نظامی کشور در اثر بمباران و موشک باران شهرها جان خود را از دست دادند و افزون بر آن ۵۹۰۹۹ نفر نیز زخمی و مجروح شدند. (همان ، ص ۳۰)

### سه هدف عمده ی عراق از بمباران شهرهای ایران

الف- ایجاد رعب و وحشت در میان توده مردم و وارد آوردن فشار روانی مستقیم بر آنان برای متزلزل کردن اراده هایشان در ادامه نبرد و و مقاومت و پشتیبانی از رزمندگان.

ب- خارج شدن از بن بست در نبردهای زمینی و جبران ناکامی هایشان در جبهه های جنگ زمینی.

ج- وادار کردن مسئولان جمهوری اسلامی ایران به پذیرش صلح مورد نظر عراق. در همین زمینه صدام در سومین سال جنگ گفت: « ما دو راه بیشتر نداریم، یا مصالحه یا اینکه برای حل مسئله جنگ، شهرهای ایران را هدف قرار دهیم.»

جمهوری اسلامی ایران هم برای مقابله با بمباران شهرهایش دو راه بیشتر نداشت:

الف- مقابله به مثل نخستین راه بود که مسئولان جمهوری اسلامی در اتخاذ این شیوه با محدودیت اساسی کشته شدن افراد غیر نظامی و بی گناه و وجود شهرها و اماکن مقدس متعدد شیعیان (کربلا، نجف، سامرا، کاظمین) در عراق روبرو بودند. ضمن اینکه ۶۰٪ از جمعیت عراق را شیعیان تشکیل می دهند، وضعیتی که جمهوری اسلامی را در تصمیم گیری برای بمباران شهرهای عراق در تنگنا قرار داد بطوری که مقامات مسئول در مواردی حتی در بمباران شهرهای غیر مذهبی

عراق با هشدار و اخطار قبلی اقدام می کردند. این در حالی بود که رژیم بعث عراق در جنگ شهرها، تنگناهای ایران را نداشت، برای نمونه شهر مذهبی قم طی جنگ ۶۷ بار بمباران شد.

ب- استقرار سایت های پدافند هوایی در اطراف شهرهای کشور. این شیوه مقابله نیز محدودیت های ویژه خود را داشت. نخست اینکه امکان پوشش تمامی شهرهای کشور به دلیل کمبود سیستم های پدافند هوایی وجود نداشت، از این رو بیشتر شهرهای پر جمعیت کشور تحت پوشش قرار گرفته بودند. دوم اینکه سیستم های پدافند ایران در برابر موشک های شلیک شده عراقی کارایی نداشت، لذا جنگ شهرها، ضمن نشان دادن آسیب پذیری ایران در دفاع از مکان های مسکونی و شهری، ضرورت برخورداری از سیستم های پیشرفته راداری، دفاع هوایی و موشکی و برخورداری از توان باز دارندگی و اراده ی سیاسی لازم برای استفاده از این توان را در مواقع لزوم بطور جدی، فرا روی رهبران سیاسی- نظامی کشور قرار داد.

### ۳- جنگ نفتکش ها و تأثیر آن در امنیت خلیج فارس و اقتصاد جمهوری

#### اسلامی ایران

منظور از جنگ نفتکش ها، گسترش دامنه ی جنگ ایران و عراق به سطح آب های خلیج فارس به منزله ی مهم ترین منطقه تأمین کننده ی نفت خام جهان و ترانزیت این ماده پر ارزش است.

از آنجا که دو طرف درگیر برای فلج کردن سیستم اقتصادی یکدیگر که به درآمد های نفتی، متکی بوده بیشتر نفت کش های حامل نفت یکدیگر را هدف قرار می دادند این جنگ و منازعه به جنگ نفتکش ها معروف شد. در آغاز، جنگ در خلیج فارس در سطح پائین بود ولی به تدریج با طولانی شدن جنگ وضعیت حادثتر می شد و قدرت های بزرگ نیز به صحنه آمدند.

افزایش حملات عراق به کشتیرانی ایران باعث شد که ایران به نزدیکترین هدف در دسترس (کشتیرانی شیخ نشین های خلیج فارس که مبدأ و مقصد آنها بنادر عربستان و کویت بوده و این دوکشور بطور گروهی از عراق در جنگ پشتیبانی می کردند بود) و این همان چیزی بود که عراق خواهان آن بود، زیرا باعث ستیزه جوئی کشورهای خلیج فارس و ابرقدرت ها با ایران گردید. از طرف دیگر اهمیت استراتژیکی خلیج فارس برای نظام بین الملل باعث شد که پای آمریکا و هم پیمانانش به این منطقه باز شود.



عراق در ابتدا به علت عدم توانایی رویارویی با نیروی هوایی ایران و محدودیت دامنه ی فعالیت نیروی هوایی خود، اهداف دریایی خود را در منتهی الیه شمال غربی خلیج فارس و جزیره خارک جستجو می کرد.

در پائیز سال ۱۳۶۲ با دریافت هواپیماهای سوپراتاندارد، ترمینال نفتی جزیره خارک را مورد حمله موشک های اکزوست فرانسوی قرار داد و این سر آغاز جنگ نفتکش ها بود.

متعاقب آن در طول سال های بعد با دستیابی به فناوری سوخت رسانی هوایی به هواپیماهای میراژ فرانسوی که با کمک مستشاران فرانسوی انجام گرفت توانست در ۱۳۶۵/۵/۲۱ برای نخستین بار به تأسیسات نفتی جزیره سیری حمله کرده و ۳ نفتکش در حال بارگیری را هدف قرار دهد و بدین وسیله با تأثیرگذاری بر روند صادرات نفتی ایران توانست میزان صادرات نفتی ایران را از ۱/۶ میلیون بشکه در روز به ۶۰۰ هزاربشکه کاهش دهد. ایران هم در واکنش به حملات هوایی عراق به شناورهای نفتکش و ترمینالهای نفتی ایران، نفتکش های حامل نفت شیخ نشین های خلیج فارس (کویت- عربستان) را هدف قرار داد که بخشی از درآمدهای حاصل از آنها برای کمک مالی و اعطای وام به عراق استفاده می شد.

از میان حدود ۸۰ حمله ای که ایران در سال ۱۹۸۷ م (۱۳۶۶ ه . ش ) علیه کشتیرانی در خلیج فارس ترتیب داد، ۷۳ حمله علیه کشتی هایی انجام شد که مبدأ و مقصد آنها کویت یا عربستان سعودی بود. در این سال ایران ۸۰ بار و عراق ۸۳ بار به نفتکش ها حمله کردند در نتیجه تعداد کل حملات انجام شده در سال ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۷، ۱۸۰ حمله از سوی ایران و ۲۱۵ حمله از سوی عراق بوده است. (کردزمن، ۱۳۸۲، ص. ۵۸-۶۰)

بدین ترتیب جنگ نفتکش ها که در سال ۱۳۶۳ شروع شده بود در سال ۱۳۶۶ توسعه یافت و در همین سال تعداد کشتی هایی که هدف قرار گرفتند از تمام سال های گذشته بیشتر بود و بدین سان بود که هواپیماهای عراق با موشکهای جدید دریافتی از غرب و قابلیت سوختگیری در هوا تمامی بنادر نفتی ایران را در خلیج فارس به خطر انداختند.

مهم ترین و مشهورترین بخش این مرحله از جنگ در منطقه استراتژیک خلیج فارس با آمریکایی شدن جنگ متمایز می شود. حمله ی اشتباهی موشک اکزوست هواپیمای عراقی به ناو یو-اس-اس - استارک در ۱۳۶۶/۲/۲۷ (۱۷می ۱۹۸۷) و تماس های کویت با مسکو برای کمک و حفاظت از کشتی های بی طرف و متعاقب آن پذیرش آمریکا از درخواست کویت برای نصب پرچم آمریکا بر فراز کشتی های کویتی و انجام دادن اقداماتی برای محافظت از نفتکش ها در برابر

حملات ایران، آمریکا را وارد جنگ مستقیم با ایران در خلیج فارس نمود و پای اروپای غربی را نیز به میدان کشید.

در ۱۳۶۶/۵/۲ (۲۴ جولای ۱۹۸۷) که نفتکش گول پیکر بریجتون در حالی که توسط ناوگان آمریکا اسکورت می شد، با مین دریایی برخورد و آسیب دید و این حادثه دیگری بود که غرب را تحریک و مصمم نمود.

در ۱۳۶۶/۷/۲۴ ایران با یک موشک کرم ابریشم در آب های کویت به نفتکش سی- اوایل سیتی با پرچم آمریکا حمله کرد و متعاقب آن بود که در ۱۳۶۶/۷/۲۷ سکوهای نفتی رشادت توسط ۴ رزم ناو آمریکائی مورد حمله قرار گرفت.

در ۱۸ آوریل ۱۹۸۸ (۱۳۶۷/۱/۲۹) باردیگر رزم ناوهای آمریکا به سکوهای نفتی نصر و سلمان حمله و آنها را به طور کامل منهدم کردند. در این حمله علاوه بر انهدام سکوهای مذکور، دو رزم ناو ایرانی سهند و جوشن را غرق و به یک شناور دیگر ایران خساراتی وارد کردند و در ۱۳۶۷/۴/۱۲ بود که حمله موشکی ناو آمریکائی وینسنس به هواپیمای مسافربری ایرباس ایران بر فراز خلیج فارس، موجب شهادت ۲۹۰ مسافر غیر نظامی این هواپیما گردید.

#### ۴- تغییر روش پدافند عراق و تهاجم موردی به بعضی از مناطق مرزی

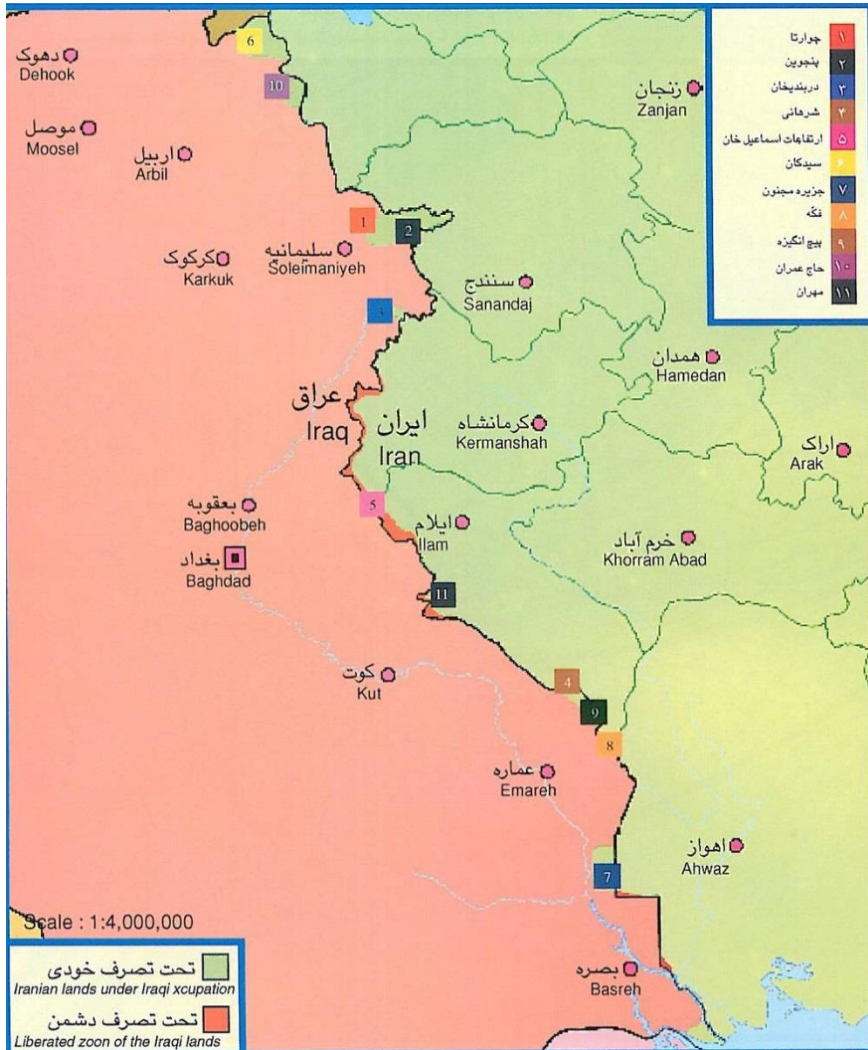
##### جمهوری اسلامی ایران

ارتش عراق، در طول ۸ سال جنگ بجز در تهاجم اولیه، در دو دوره دست به حملات متقابل زد تا بتواند ابتکار عمل را به دست گیرد. در سایر ایام هشت سال این ارتش در حالت دفاعی مطلق فرو رفته و شرایط نا مطلوب نظامی را تحمل می نمود.

دوره اول حملات مجدد عراق بعد از ۵ سال دفاع مطلق با هدف به دست آوردن ابتکار عمل، تصرف مناطقی در خاک ایران که بعد از تهاجم اولیه و در اثر حملات نیرو های ایران مجبور به از دست دادن آن ها شد، تصرف مناطقی از خاک عراق که توسط نیرو های ایران تصرف شده و مهم تر از همه ایجاد تحرکی در لشکر های عراقی بود.

در نتیجه از اسفند ماه ۱۳۶۴ تا اواخر اردیبهشت ۱۳۶۵ در ۱۲ منطقه که ۶ منطقه آن در خاک عراق بود، اقدام به حمله نمودند و مناطقی را متصرف شدند که بلافاصله با حملات رزمندگان اسلام آن ها را از دست دادند (مانند شهر مهران) و ثابت گردید که ارتش عراق در عرصه ی عملیات زمینی قادر به

رویارویی با رزمندگان اسلام نیست و لذا مجدداً برای ۲ سال دیگر تا آخر جنگ در حالت دفاعی خود فرو رفت.



نقشه شماره ۱۹ - حملات مجدد عراق در سالهای ۶۴ و ۶۵

دور دوم حملات عراق به آخر جنگ و اوایل سال ۱۳۶۷ بر می گردد. ویژگی این دوره حضور نیروهای آمریکا و اروپای غربی در خلیج فارس و رویارویی مستقیم ناوگان آمریکا در انهدام شناورها و سکوهای نفتی ایران در تلاش نظام بین المللی برای پایان دادن به جنگ ۸ ساله می باشد.

در این دوره ارتش رژیم بعث عراق همسو با آمریکا تلاش کرد ابتکار عمل را که از ویژگی های عملیات آفندی است بدست بگیرد.

ارتش بعثی عراق که در سال های پایانی جنگ، با برخورداری از پشتیبانی اکثر کشور های سازنده ی تجهیزات نظامی و پول های کشور های ثروتمند عرب منطقه، توسعه و توان بالایی به دست آورده بود با هدف باز پس گیری مناطق حساس در داخل خاک عراق که توسط نیرو های ایران تصرف شده بود مانند فاو، جزایر مجنون، ماووت، شاخ شمیران و دستگیری اسرای بیشتر با هدف داشتن امتیاز در مذاکرات آتی در ۱۳۶۷/۲/۲۶ تا ۱۳۶۷/۴/۷ مبادرت به حملاتی گسترده نمود.

## نقش کشورهای منطقه ای و فرامنطقه ای در جنگ رژیم بعث عراق، علیه جمهوری اسلامی ایران

### ۱- کشورهای عربی

پس از تجاوز سراسری رژیم بعثی عراق به خاک جمهوری اسلامی ایران، دولت‌ها و مجامع بین‌المللی واکنش‌های متفاوتی را از خود نشان دادند. دولت‌های منطقه به ویژه عربستان، اردن و کویت حمایت خود را از عراق اعلام نمودند. ملک حسین پادشاه وقت اردن ضمن تماس تلفنی با صدام حسین دستاوردهای ارتش شجاع عراق را تبریک گفت و حمایت کامل اردن با تمامی امکانات خود از عراق را اعلام کرد.

دولت امارات متحده ی عربی مجدداً تأکید نمود جزایر سه‌گانه ی عربی که از سوی رژیم ایران به اشغال در آمده باید به این کشور باز پس داده شود.

شورای همکاری حوزه خلیج فارس در کنار صدام حسین علیه ایران صف‌آرایی کرد. دبیر کل اتحادیه عرب طی مکالمه تلفنی با دبیر شورای فرماندهی عراق مواضع عراق و عربی صدام حسین را مورد ستایش قرار داد. دبیر کل سازمان کنفرانس اسلامی ضمن ارسال دو تلگراف به صدام حسین و امام خمینی<sup>(۶)</sup> خواستار برقراری آتش‌بس فوری شد. (منصوری لاریجانی، ۱۳۸۸، ص. ۱۲۵)

دولت‌های منطقه نیز با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، تحت تأثیر تبلیغات منفی بیگانگان، ایران را سرچشمه تهدید علیه خود می دانستند. لذا به حکومت صدام حسین علیه ایران کمک می کردند. آندره فونتین، نویسنده، روزنامه نگار و مورخ شهیر معاصر می نویسد:

«از شیخ نشین‌های خلیج فارس گرفته تا شوروی و آمریکا... همه از پیدا کردن راهزنی مثل صدام حسین که در برابر آیت الله قد علم کند، خوشحال بودند. در آن زمان، آرزوی غربی‌ها این بود که دو طرف متخاصم هرچه بیشتر به کشتن یکدیگر ادامه دهند. (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۱، ص.

۱۷۸-۱۷۹)

## ۲- بلوک غرب با محوریت ایالات متحده آمریکا

### الف - آمریکا

ایالات متحده یا آمریکا با توجه به روند جاری جنگ و اشغال بخشهایی از خاک ایران از سوی ارتش بعثی عراق و در موضع برتر بودن عراق و توان تسلیحاتی قوی آن (به دلیل تجهیز شدن از سوی شوروی سابق) که همه اینها را در راستای منافع خود می دید، تصمیم گرفت که در ابتدای جنگ، اعلام بی طرفی کند. این موضع در آن موقع کاملاً به نفع عراق بود و با اعمال فشار بر ایران، می توانست تامین کننده منافع ایالات متحده در ابعاد گوناگون باشد.

با وجود آنکه روابط پنهانی ایالات متحده با عراق و دیدارهای مخفیانه و آشکار مسئولان دو کشور همچنان ادامه داشت (ملاقات صدام با برژینسکی مشاور امنیت ملی کارتر رئیس جمهور آمریکا در تیرماه ۱۳۵۹ در مرز اردن)، اما به دلیل روند حاکم بر جنگ، این موضع بی طرفی ظاهری آمریکا تا هنگام تغییر وضعیت جبهه های جنگ و تغییر موازنه به نفع ایران، همچنان به قوت خود باقی بود. (نعمتی وروجنی، ۱۳۸۸، ص. ۹۳)

آمریکا با هدف تحت فشار قراردادن ایران برای آزادی گروگان های خود و به منظور مهار خطری که از جانب ایران متوجه منافع خود در منطقه می دانست، با سیاست صدام حسین همسو بود. در کتاب گروگان های آمریکایی در ایران، اداره یک بحران، که از جمله نویسندگان آن، برخی از دست اندرکاران مذاکرات مساله گروگان ها (وارن کریستوفر، معاون وقت وزیر امور خارجه آمریکا و هارولد ساندرز و گری سیک) هستند، آمده است :

«... ما فکر می کردیم چیزی که موجب تسلاهی خاطر و آرامش خیال ما می شد این بود که ایران با وجود جنگ احساس خواهد کرد که زیان های ناشی از تحریم ها بیشتر از همیشه خواهد شد و بالاجبار در اذهان اثر خواهد گذارد و زیان آن از نگهداری گروگان ها بیشتر خواهد بود...» (ولایتی، ۱۳۸۰، ص. ۶۰)

### ب - فرانسه

نخست وزیر فرانسه در ۷ مهر ماه سال ۱۳۵۹ در واکنش به حمله عراق اظهار داشت : «عراق هیچ کاری نمی کند جز باز پس گرفتن خاک خود». وی میانجی گری فرانسه میان ایران و عراق را رد کرد و اظهار داشت :

«فروش سلاح در چهار چوب همکاری موجود میان فرانسه و عراق صورت می گیرد و عراق برای به دست آوردن سرزمین هایش طبق معاهده ۱۹۷۵ که ایران آن را تصرف کرده می جنگد.»

فرانسه به طور شفاف و در سطح رسمی، موضع خود را حمایت از عراق اعلام کرد. منافع تجاری و تسلیحاتی پاریس با بغداد، قبل از شروع جنگ کم و بیش در جریان بود. این کشور طی سالهای ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸ م دومیلیارد دلار اسلحه به عراق فروخت. چهار ماه پس از آغاز جنگ در فوریه ۱۹۸۱، سخنگوی وزارت خارجه فرانسه اعلام کرد: «فرانسه ۶۰ فروند میراژ از نوع اف-۱ را در ادامه اجرای قرارداد سال ۱۹۷۷ م به عراق ارسال داشته است. در همین سال، صدور مواد غذایی از سوی شرکتهای فرانسه به عراق به ۴/۷ میلیارد دلار بالغ گردید. از سوی دیگر، منافع فرانسه در منطقه، عامل دیگری در جانبداری این کشور از عراق محسوب می شد. بر این اساس، ریموند بار، نخست وزیر فرانسه، درباره حمایت قاطع کشورش از عراق اظهار داشت:

«فرانسه نه تنها از نظر نظامی به عراق کمک می کند، بلکه قرا دادهای اقتصادی و فرهنگی نیز با این کشور دارد». در توجیه مواضع پاریس در مورد تجاوز عراق گفت: «عراق هیچ کاری نمی کند جز پس گرفتن خاک خود. عراق برای به دست آوردن سرزمین هایش طبق معاهده ی سال ۱۹۷۵ م که ایران آن را تصرف کرده است می جنگد.» (ربیعی، ۱۳۸۸، ص. ۷۴)

### ج - انگلستان

موضع انگلستان نیز در همین چارچوب قابل مطالعه است. به طور کلی، مواضع انگلستان و فرانسه با سیاست آمریکا در جانبداری از عراق و همچنین قدرت های میانه ی اروپایی و غیر اروپایی مانند آلمان، ژاپن، ... در جهت یکدیگر قرار داشته است. با این تفاوت که مواضع ژاپن و آلمان بیشتر اقتصادی بوده و نسبت به آمریکا، فرانسه و سپس انگلستان از اعتدال بیشتری برخوردار بوده است.

## ۳ - بلوک شرق با محوریت اتحاد جماهیر شوروی

### الف - شوروی

عراق دومین کشور عرب، بعد از مصر است که در ۹ آوریل ۱۹۷۲ میلادی (۲۰ فروردین ۱۳۵۱) قرار داد دوستی و همکاری با شوروی را امضاء کرد. (درویشی سه تلانی، ۱۳۷۸، ص. ۱۱۶)

در ماده ۸ این قرارداد نوشته شده بود: در صورت بروز موقعیتی که دال بر مخاطره ی صلح هر یک از طرفین و تجاوز به صلح باشد؛ متعاهدین معظم، بدون درنگ برای هماهنگی مواضعشان تماس حاصل خواهند کرد تا خطر موجود را برطرف و صلح را برقرار کنند. همچنین در ماده ۹ آن نوشته شده بود: طرفین متعاهدین معظم برای تقویت ظرفیت دفاعی خود توسعه همکاری را تعقیب خواهند کرد.

عراق با قرارداد دوستی و همکاری بلندمدت، متحد دیرینه و برجسته ی شوروی در جهان عرب بود. ارزش سیاسی و استراتژیک عراق تنها در نتیجه موافقتنامه کمپ دیوید و تصمیم مصر در پیوستن به طرح خاورمیانه‌ای ایالات متحده افزایش یافته بود.

علاوه بر این، عراق واردکننده ی اساسی سلاح‌های شوروی و صادرکننده ی قابل اعتماد نفت به اتحاد شوروی و متحدان اروپای شرقی آن بود. سرانجام، شوروی باید این را نیز می‌سنجید که حمایت نکردن از عراق ممکن است بر اعتبار اتحاد شوروی به عنوان حامی بادوام دولت‌های عربی در دوره ی پس از جنگ بازتاب منفی داشته باشد.

از سوی دیگر، ایران فرصتی منحصر به فرد و بی‌سابقه برای رهبری شوروی فراهم کرد. انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹م با سرعتی قابل ملاحظه یکی از ثابت قدم‌ترین متحدان ایالات متحده در برابر اتحاد شوروی در منطقه را از میان برداشته بود. در نتیجه، پایه سیاست مهار ایالات متحده در برابر اتحاد شوروی در منطقه از میان رفته و در عوض، هدفی هرچند متغیر، فرصت امیدبخش خود را به مسکو ارائه نموده بود.

توانایی تغییر در تحرک داخلی ایران و تردیدهایی که در شکل‌نهایی و تعیین موقعیت رژیم ایران وجود داشت، یک عامل اساسی در تصمیم اولیه شوروی در عدم حمایت از تلاش جنگی عراق علیه ایران به شمار می‌رفت. (مصباحی، ۱۳۸۵، ص. ۸۰)

## ب- چین

در این مقطع، موضع چین در برابر جنگ تعیین‌کننده و با اهمیت نبود. اما موضع این کشور نیز بدون توجه به آغاز کننده ی جنگ اتخاذ شد. از همین رو، مقامات چین رسماً از دو کشور خواستند که از جنگ دست برداشته و از راه مذاکره، مسائل خود را حل کنند.



## رفتار سازمان ملل در جنگ ایران و عراق و فرآیند صدور قطعنامه ۵۹۸

هنگامی که نیروهای عراق در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ (۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰) تهاجم خویش به جمهوری اسلامی ایران را آغاز کردند هیچ کشوری در شورای امنیت سازمان ملل تحرکی برای توقف آن انجام نداد. کشورهای عرب از عراق حمایت کردند. هیچ کشور غیرعرب دیگری نیز تمایل نداشت به رابط خود با بغداد لطمه بزند. تنها دبیرکل سازمان ملل (کورت والدهایم) مبادرت به صدور بیانیه‌ای نمود.

سخنگوی مطبوعاتی سازمان ملل متحد در مصاحبه مطبوعاتی روزانه با خبرنگاران، جلسه را با قرائت اعلامیه دبیرکل درباره جنگ عراق و ایران آغاز نمود. در این بیانیه گفته شد:

«دبیرکل با نگرانی فزاینده و عمیق تیره‌تر شدن روابط ایران و عراق و شدت یافتن اختلاف بین آنها را مورد توجه قرار داده است. در چنین وضع پر از مخاطره اختلاف ممکن است عواقب وخیم و غیرقابل پیش بینی به همراه داشته باشد. دبیرکل از هر دو دولت خواست که نهایت خویشتن داری را به عمل آورند و تا آنجا که می‌توانند برای رفع اختلافات خود از طریق مذاکره راه حلی پیدا کنند. (پارسا دوست، ۱۳۷۱، ص. ۱۷)

دبیرکل در این بیانیه تعمداً و آگاهانه از به کار بردن عبارت «تجاوز مسلحانه» خوداری می‌نماید و اصولاً نام «عراق» را به تنهایی نیاورده و کوشیده است نام عراق و ایران را همراه با هم بیاورد و روی سخن او متساویاً با هر دو کشور باشد. دبیرکل از هر دو کشور به ویژه از ایران می‌خواهد که خویشتن داری کند و اختلاف خود را با عراق از راه مذاکره حل کند. دبیرکل آشکارا از ایران می‌خواهد که به علت حمله نظامی عراق درصدد انجام اقدامات تلافی‌جویانه برنیاید و از «حق ذاتی دفاع از خود» چشم‌پوشی کند. (همان: ۱۸)

مروری بر تعداد قطعنامه های صادر شده توسط شورای امنیت سازمان ملل.

الف - قطعنامه ی ۴۷۹ در ۲۸ سپتامبر ۱۹۸۰م مطابق با ۶ مهر ۱۳۵۹. ش

(۱)- از ایران و عراق می خواهد از هرگونه کاربرد بیشتر زور به فوریت خودداری کنند و مناقشه خود را از راههای مسالمت آمیز و طبق اصول عدالت و حقوق بین الملل حل نمایند.

(۲)- از آنها مصرانه می خواهد هر پیشنهاد مناسب در مورد میانجیگری، سازش یا توسل به نهادهای منطقه ای یا دیگر راههای مسالمت آمیز بنا به انتخاب خود را که اجرای تعهداتشان براساس منشور ملل متحد راتسهیل کند، بپذیرند.

(۳)- از کلیه کشورهای دیگر می خواهد حداکثر خویشتن داری را مبذول دارند و از هر اقدامی که ممکن است به افزایش و گسترش بیشتر برخورد منجر شود خودداری کنند.

(۴)- از کوششهای دبیر کل و پیشنهاد وی در مورد مساعی جمیله برای حل این وضعیت پشتیبانی می کند.

(۵)- از دبیر کل درخواست می کند که ظرف چهار و هشت ساعت به شورای امنیت گزارش دهد. (هدایتی خمینی، ۱۳۷۴، ص. ۷۳-۷۸)

در بررسی قطعنامه ۴۷۹ نکات زیر قابل توجه است:

- شورای امنیت در ششمین روز آغاز جنگ و حمله عراق به ایران، قطعنامه صادر می کند و در آن از لفظ «وضعیت» استفاده می کند در حالی که همین شورا در تجاوز عراق به کویت در دوم اوت ۱۹۹۰، فقط دوساعت پس از این تجاوز، قطعنامه ی ۶۶۰ را صادر کرده و عراق را محکوم می کند.

- در قطعنامه ی ۴۹۷ سخنی از نقض تمامیت ارضی ایران نشده و پیشنهاد آتش بس هم نداده و از نیرو های اشغالگر هم نخواست خاک طرف دیگر را ترک کنند.

- جالب این که عراق این قطعنامه را بلافاصله پذیرفت ولی ایران اعلام کرد تا زمانی که نیرو های ارتش بعثی عراق در داخل خاک ایران هستند، قطعنامه ی فوق قابل قبول نیست. (سید آقائی، ۱۳۹۱، ص. ۱۱۸)

## ب - قطعنامه ی ۵۱۴ در ۱۲ جولای ۱۹۸۲ مطابق با ۲۳ تیرماه ۱۳۶۱ ه.ش

پس از صدور قطعنامه ۴۷۹، شورای امنیت در سکوتی سنگین فرو رفت. این امر هم زمان با پیشروی نیروهای عراقی در داخل خاک ایران و تحکیم مواضع آنها در مناطق تحت اشغال خود بود. ادامه اشغال سرزمین‌های ایران، حملات موشکی عراق نیز نتوانست شورا را به تحرک وادارد. اما انجام عملیات‌های نظامی از سوی ایران و آزادسازی بسیاری از مناطق تحت اشغال در عملیات ثامن‌الائمه و به ویژه در عملیات‌های فتح‌المبین و بیت‌المقدس شرایط سیاسی- نظامی را تحت الشعاع قرار داد. نماینده دائم کشور گویان که در جولای ۱۹۸۲ ریاست شورای امنیت را برعهده گرفت، قادر شد اعضا شورا را که در ابتدا دچار تردید بودند به تصویب قطعنامه ۵۱۴ ترغیب کند. با این حال قدرت نظامی ایران باعث گردید که شورای امنیت به درخواست اردن و حمایت امریکا تشکیل جلسه دهد و در ۱۲ جولای ۱۹۸۲ (۱۳۶۱/۴/۲۱) قطعنامه شماره (۱۹۸۲) ۵۱۴ را به اتفاق آراء تصویب نماید. (هدایتی خمینی، ۱۳۷۴ : ۸۳) که اهم مفاد آن به قرار زیر می باشد :

۱- خواستار آتش بس و خاتمه فوری کلیه عملیات نظامی است.

۲- علاوه بر آن خواستار عقب کشیدن نیروها به مرزهای شناخته شده بین المللی است .

۳- تصمیم می‌گیرد که گروهی از ناظران سازمان ملل متحد را به منظور بررسی، تأیید و نظارت بر آتش بس و عقب نشینی اعزام دارد و از دبیرکل می‌خواهد که گزارش خود را در مورد ترتیباتی که بدین منظور مورد نیاز است به شورای امنیت تسلیم نماید .

در خصوص این قطعنامه نکات زیر جالب توجه است :

۱- عنوان این قطعنامه نیز همانند قطعنامه ۴۷۹ «وضعیت میان ایران و عراق» است .

۲- این قطعنامه نیز همانند قطعنامه ۴۷۹ «توصیه» است .

۳- فاصله زمانی این قطعنامه با قطعنامه قبلی ۲۱ ماه و ۱۵ روز است که این فترت طولانی خود سؤال برانگیز است. فترت مربوط به زمانی است که نیروهای عراقی مشغول استحکام مواضع خود در داخل ایران بودند .

۴- در قطعنامه ۵۱۴، شورای امنیت به خطر افتادن و تهدید صلح را احراز نموده، ولی همچنان اقدامی درمورد معرفی متجاوز و آغازگر جنگ و تنبیه او ننموده و اصولاً صحبتی از تجاوز به میان نیاورده است .

۵- در این قطعنامه برای نخستین بار از برقراری آتش بس، عقب نشینی نیروها و تشکیل نیروی پاسدار صلح و استقرار آنها سخن به میان آمده است. (پارسا دوست، ۱۳۷۱، ص. ۴۸۱)

## ج- قطعنامه ی ۵۲۲ در اول اکتبر ۱۹۸۲م مطابق با ۱۲مهرماه ۱۳۶۱.ه.ش

۱- مصرانه مجدداً خواستار آتش بس فوری و پایان دادن به کلیه عملیات نظامی می‌شود.  
۲- درخواست خود را برای عقب‌نشینی نیروها به مرزهای شناخته شده بین‌المللی مجدداً مورد تأکید قرار می‌دهد. (هدایتی خمینی، ۱۳۷۴، ص. ۹۰)

نکات قابل توجه در تحلیل تطبیقی این قطعنامه عبارت است از:

- در فاصله قطعنامه قبلی ۵۱۴ تا این قطعنامه دو عملیات عمده رمضان (۲۳ تیرماه ۱۳۶۱ تنها دوروز بعد از تصویب قطعنامه ۵۱۴) و نیز عملیات مسلم بن عقیل در (۹ مهرماه ۱۳۶۱) انجام شد که دوباره شورای امنیت را بیدار و نگران کرد! به فاصله ۴ روز پس از عملیات مسلم بن عقیل تشکیل جلسه داده و قطعنامه ۵۲۲ را صادر می‌کند.

- در این قطعنامه بند جدیدی نیامده و صرفاً به دلیل فشار عملیاتی ایران به عراق و فشار سیاسی عراق به شورای امنیت برای جلوگیری از پیشرفت‌های ایران می‌باشد.  
- به دنبال این قطعنامه، ارتش عراق حملات هوایی خود را بر علیه مناطق مسکونی، کشتی‌های تجاری و نفت‌کش‌ها شدت می‌دهد. (سید آقائی، ۱۳۹۱، ص. ۱۲۸)

## د - قطعنامه ی ۵۴۰ در ۳۱ اکتبر ۱۹۸۳م مطابق با ۹ آبان ماه ۱۳۶۲

۱- از دبیر کل تقاضا می‌نماید تا به کوشش‌های میانجی‌گرانه خود میان طرفین به منظور نیل به حل اختلاف به نحو کامل و عادلانه و شرافتمندانه که مورد قبول هر دو طرف باشد، ادامه دهد  
۲- نقض حقوق انسانی و بشر دوستانه، مخصوصاً مفاد کنوانسیون ۱۹۴۹ را در کلیه زمین‌های آن محکوم می‌سازد و خواستار توقف فوری کلیه عملیات نظامی علیه هدفهای غیر نظامی از جمله شهرها و مناطق مسکونی است.

۳- حق کشتیرانی و بازرگانی آزاد را در آب‌های بین‌المللی مورد تأکید قرار داده و از کلیه کشورها می‌خواهد که این حق را رعایت کنند و از طرفین متخاصم می‌خواهد که بلافاصله به خصومت‌ها در منطقه خلیج [فارس] من جمله خطوط دریایی و آبراه‌های قابل کشتیرانی، بنادر، پایانه‌ها، تأسیسات دور از ساحل و همه بنادری که به طور مستقیم یا غیر مستقیم به دریا راه دارند، پایان داده و به تمامیت ارضی دیگر کشورهای ساحلی احترام بگذارند. (هدایتی خمینی، ۱۳۷۴، ص. ۹۷-۱۰۱)

در بررسی و تحلیل تطبیقی این قطعنامه، نکات زیر حائز اهمیت است:

- در فاصله قطعنامه ۵۲۲ تا ۵۴۰ چند عملیات بزرگ از جمله محرم و والفجرهای ۱ تا ۴ انجام می‌شود و بازمه شورا با هدف جلوگیری از پیروزی‌های ایران، قطعنامه ۵۴۰ را صادر می‌کند.

- فاصله این قطعنامه با قبلی ۱۳ ماه است در حالی که همین‌شورا در تجاوز عراق به کویت در کمتر از دوماه ۹ قطعنامه علیه عراق صادر می‌کند و در همه قطعنامه‌ها از لفظ تجاوز استفاده می‌کند در حالی که هنوز پس از ۴ سال از تجاوز عراق به ایران، کماکان از لفظ «وضعیت» و توصیه استفاده می‌کند. (سید آقائی، ۱۳۹۱، ص. ۱۳۰)

### ه - قطعنامه ی ۵۵۲ در اول ژوئن ۱۹۸۴م مطابق با ۱۱ خرداد ۱۳۶۳.ه.ش

۱- از کلیه دولت‌ها می‌خواهد تا براساس حقوق بین‌المللی حق کشتیرانی آزاد احترام بگذارند.

۲- حق کشتیرانی آزاد در آب‌های بین‌المللی و خطوط دریایی و کشتیرانی در مسیر کلیه بنادر و تأسیسات کشورهای ساحلی را که طرف مخاصمات نیستند مجدداً تأیید می‌کند.

۳- حملات اخیر به کشتی‌های بازرگانی را در مسیر بنادر کویت و عربستان سعودی محکوم می‌کند. (هدایتی خمینی، ۱۳۷۴، ص. ۲۱۸)

در بررسی قطعنامه ۵۵۲ نکات زیر قابل توجه است:

- شورای امنیت در این قطعنامه که یک سند بین‌المللی است برای اولین بار از لفظ خلیج استفاده می‌کند و عمداً کلمه فارس را حذف می‌کند.

- این قطعنامه پس از حملات عراق و ناامن کردن تردد کشتی‌های تجاری در خلیج فارس و با شکایت کشورهای حوزه خلیج فارس از جمله کویت، عربستان، قطر، بحرین و امارات از ایران صادر می‌شود! در حالی که عراق به ۷۱ کشتی تجاری حمله کرده بود.

- عملیات بزرگ خیبر در اسفندماه ۱۳۶۲ و تصرف جزایر مجنون عراق توسط رزمندگان اسلام از دلایل دیگر صدور این قطعنامه بود. (سید آقائی، ۱۳۹۱، ص. ۱۳۸)

### و - قطعنامه ی ۵۸۲ در ۲۴ فوریه ۱۹۸۶م مطابق با ۵ اسفند ۱۳۶۴.ه.ش

شورا با تأکید بر اصل عدم اجازه استیلا بر اراضی از طریق روز و با ابراز نگرانی فزاینده نسبت به طولانی شدن نزاع بین دوکشور و خسارت‌های جانی و مالی ناشی از آن و این که صلح و امنیت بین‌المللی را در معرض خطر قرار می‌دهد.

- ۱- نسبت به اعمال نخستینی که باعث شروع نزاع بین ایران و عراق شد، ابراز تأسف کرده و نسبت به تداوم آن، متأسف است.
- ۲- نسبت به تشدید این نزاع، به خصوص حمله به اراضی و بمباران مراکز صرفاً غیرنظامی و حمله به کشتی‌های بی طرف یا هواپیماهای غیرنظامی و نقض حقوق بشر به خصوص استفاده از سلاح‌های شیمیایی، ابراز تأسف می‌کند.
- ۳- از جمهوری اسلامی ایران و عراق می‌خواهد که فوراً آتش بس برقرار کرده و تمام عملیات جنگی خود را در زمین، دریا و هوا متوقف و تمام نیروهای خود را بی‌درنگ به مرزهای شناخته شده بین‌المللی بازگردانند.
- ۴- شورا ترغیب می‌کند که طی مدت کوتاهی پس از توقف عملیات جنگی، از طریق همکاری با کمیته صلیب سرخ بین‌المللی، هم اسرای جنگی مبادله شوند. (الکواری، ۱۳۸۷، ص. ۴۹۵)

در بررسی قطعنامه ۵۸۲ نکات زیر قابل توجه است:

- فاصله این قطعنامه تا قبلی (۵۵۲) یک سال و ۸ ماه و ۲۵ روز است! و در طی این مدت عملیات‌های مختلفی از جمله سنگین‌ترین عملیات آبی-خاکی در بهمن‌ماه ۱۳۶۴ در منطقه عمومی، آبادان و فاو عراق (والفجر) انجام می‌شود که تعادل امنیتی، نظامی و سیاسی دنیا و شورای امنیت را مختل می‌کند. و در حین عملیات پاسخگویی رزمندگان و به پاتک‌های سنگین عراق صادر می‌شود.
- در این قطعنامه برای اولین بار مبادله اسرای جنگی مطرح می‌شود که شاید یکی از علت‌های آن، افزایش تعداد اسرای عراقی باشد.
- رزمندگان غیور اسلام تا این قطعنامه ۳ مورد از خواسته‌های به حق خود را از شورای امنیت گرفتند! (سید آقائی، ۱۳۹۱، ص. ۱۴۲)

### ز- قطعنامه ی ۵۸۸ در ۸ اکتبر ۱۹۸۶م مطابق با ۱۹ مهرماه ۱۳۶۵.ش

شورا با تأکید مجدد به متن قطعنامه ۵۸۲ و ناراحتی شدید به خاطر طولانی شدن و تشدید منازعه با اشاره به تعهد دولت‌های عضو، مبنی بر عدم استفاده از زور بر علیه تمامیت ارضی و استقلال سیاسی هیچ کشوری، از جمهوری اسلامی ایران و عراق می‌خواهد که به طور کامل و بدون درنگ قطعنامه ۵۸۲ را که در تاریخ ۲۴ فوریه ۱۹۸۶ تصویب شد را اجرا کنند. (هدایتی خمینی، ۱۳۷۴، ص. ۱۱۷-۱۱۹)

دو نکته:

- از نظر حجم و تعداد کلمات به کار برده شده، این قطعنامه کوتاهترین قطعنامه از مجموعه قطعنامه‌های مورد مطالعه است.

- فاصله زمانی این قطعنامه با قبلی (۵۸۲) ۷ ماه و ۱۲ روز می‌باشد و کوتاهترین قطعنامه نسبت به موارد قبلی می‌باشد که با هم نسبت به برخورد شورای امنیت با تجاوز عراق به کویت، قابل توجه و ابهام است. چرا که هنوز هم از لفظ «وضعیت» استفاده شده و توصیه‌ای و ارشادی است!

## ۲- فرآیند صدور و مفاد قطعنامه ۵۹۸

### زمینه‌های صدور قطعنامه ۵۹۸:

قطعنامه‌های ۵۸۲ و ۵۸۸ تا حدودی زمینه‌های مناسب برای صدور ۵۹۸ بوده است. رد قطعنامه ۵۸۸ توسط ایران، شورای امنیت را در یک فشار شدید قرار داد تا بالاخره این جنگ طولانی را به اتمام رساند.

در طی این مدت حملات هوایی عراق به کشتی‌ها خصوصاً تاسیسات انتقال نفت ایران در خلیج فارس افزایش یافت.

از طرفی حملات سنگین نیروهای رزمنده ایران نیز به بخش‌هایی از خاک عراق و خصوصاً تهدید بصره، باعث شد که شورای امنیت، فکری اساسی بکند.

رفت و آمدهای سیاسی و طرح‌های مختلف مقامات منطقه‌ای مانند سازمان کنفرانس اسلامی و سیاسی به نتیجه‌ای نرسید و ایران کماکان به حقوق حقه خود پافشاری می‌کرد.

### متن قطعنامه ۵۹۸

شورا با تأکید مجدد به قطعنامه ۵۸۸ عمیقاً نگران تلفات انسانی و مادی بوده و با ابراز تأسف به بمباران مناطق مسکونی غیرنظامی و حملات به کشتی‌های بی‌طرف و هواپیماهای غیرنظامی، تخلف از قوانین بشردوستانه بین‌المللی به ویژه استفاده از سلاح شیمیایی و با ابراز تصمیم به پایان دادن تمامی عملیات نظامی بین ایران و عراق:

۱- آمرانه می‌خواهد که ایران و عراق به عنوان اولین قدم به سوی یک حل و فصل از طریق مذاکره، به یک آتش‌بس فوری اقدام کنند و تمام عملیات نظامی را در زمین، دریا، و هوا متوقف کرده، نیروها را بی‌درنگ تا سرحدات شناخته شده بین‌المللی بازگرداند.

۲- از دبیر کل درخواست می‌شود که گروهی از ناظران سازمان ملل متحد را برای تأیید، تحکیم و نظارت بر آتش‌بس و عقب‌نشینی به مرزها اعزام دارد و به علاوه از دبیر کل درخواست می‌شود که ترتیبات ضروری را برای مشاوره با طرفین انجام داده و گزارش آن را تسلیم شورای امنیت کند.

۳- شورا اصرار دارد که پس از توقف مخاصمات فعال، بی‌درنگ اسرای جنگی بر اساس کنوانسیون سوم ژنو در ۱۲ اوت ۱۹۴۹ آزاد و عودت داده شوند.

۴- از دبیر کل درخواست می‌شود که ضمن مشورت با ایران و عراق، مسأله تفویض کار تحقیق در باب مسئولیت مخاصمه به هیئتی بی‌طرف را بررسی کرده و در حداقل ممکن به شورا گزارش دهد.

۵- ابعاد عظیم خسارات وارده در خلال مخاصمه و نیاز به کوشش در جهت نوسازی با امدادهای بین‌المللی در خور، زمانی که مخاصمه خاتمه پذیرد، تصدیق می‌گردد و در همین خصوص از دبیر کل درخواست می‌شود که هیئتی از کارشناسان را برای پژوهش در باب مسأله نوسازی تعیین کرده و به شورای امنیت گزارش دهد. (هدایتی خمینی، ۱۳۷۴، ص. ۱۳۸)

چند نکته:

برای اولین بار در قطعنامه‌های جنگ ایران و عراق، شورای امنیت در قطعنامه ۵۹۸ از لفظ منازعه به جای وضعیت استفاده کرد.

در این قطعنامه وحدت‌نظر ۵ عضو دائمی شورای امنیت که در قطعنامه‌های قبلی به ندرت اتفاق افتاده بود، ایجاد شد.

این قطعنامه چه از نظر شکلی و محتوایی، حالت توصیه و ارشاد نداشت، بلکه بیشتر حالت قاطعانه و دستوری داشت.

این قطعنامه از نظر حجم و تعداد کلمات به کار برده شد. مفصل‌ترین قطعنامه از مجموعه قطعنامه‌های مورد مطالعه است.

فاصله این قطعنامه با ۵۸۸ حدود نه و نیم ماه بود که در طی این مدت رفت و آمدها و جلسات فشرده‌ای در مراجع حقوقی منطقه و بین‌المللی برگزار شد تا خواسته‌های به حق ایران در لابلای بندهای آن، قرار گیرد.

یکی از اشکالات این قطعنامه مثل موارد قبلی، عدم مشورت با ایران برای تدوین و تصویب آن بود و در واقع شورای امنیت، قطعنامه‌ای که از نظر ایران مردود و قابل اشکال بود را مجدداً مورد تأیید قرار داد.



با وجود یقین شورای امنیت به نقض حقوق بشر به دلیل حمله به مناطق مسکونی، کشتی‌ها، هواپیماهای غیرنظامی و استفاده از عوامل شیمیایی و ... صرفاً به ابراز تأسف اکتفا کرده و حداقل اسمی از عوامل این جنایات هولناک خصوصاً عراق در هیچ یک از قطعنامه‌ها به میان نیاورد. شورا می‌بایستی بر اساس مواد ۳۹ و ۴۰ منشور ملل متحد، متجاوز را احراز و معرفی می‌کرد که متأسفانه این کار را انجام نداد. (سید آقائی، ۱۳۹۱، ص. ۱۴۷)

### ۳- شرایط داخلی و خارجی ایران و دلایل پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران

الف - مصلحت نظام جمهوری اسلامی ایران که حضرت امام خمینی<sup>(ره)</sup> به عنوان رهبر و ولی فقیه براساس اختیاری که به موجب اصل یکصد و ده قانون اساسی داشتند. پذیرش قطعنامه را اعلام و آن را به مصلحت نظام تشخیص دادند.

ب - شرایط بین‌المللی نامساعد به نحوی که عراق با پذیرش کلیه قطعنامه‌های شورای امنیت ادعای صلاح طلبی می‌نمود و در مجامع بین‌المللی، ایران را جنگ طلب معرفی می‌کرد.

ج - شرایط جدید و پیچیده در منطقه با حضور بی سابقه نیروهای نظامی آمریکا و متحدینش در خلیج فارس. در این خصوص حمله به هواپیمای مسافربری ایران به قول جناب آقای هاشمی رفسنجانی اخطاری برای ایران بود.

د - کاربرد وسیع سلاح‌های شیمیایی توسط عراق و عکس‌العمل ضعیف مجامع بین‌المللی در این مورد.

ه - شرایط نامساعد اقتصادی به عنوان مثال نامه مسئولین اقتصادی کشور در خصوص ناتوانی در ادامه مدیریت اقتصادی کشور.

و- البته قطعنامه ۵۹۸ هیچ‌گاه از سوی ایران رد نشده بود و پیشنهاد ایران جابجایی در بندهای اجرایی آن بود.

ز- توسعه کمی و کیفی گسترده ارتش عراق در بعد تجهیزات و نیروی انسانی. پس از اعلام رسمی پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از طرف ایران دبیر کل سازمان ملل گزارشی به شورای امنیت ارسال کرد که منجر به صدور قطعنامه ۶۱۹ شورای امنیت در تاریخ ۱۹ اوت ۱۹۸۸ (۱۸/۵/۶۷) در خصوص تاسیس و اعزام گروه ناظران نظامی ایران-عراق نیروهای ملل متحد (یونیماک) گردید. (هدایتی خمینی، ۱۳۷۴، ص. ۱۷۴)

چند نکته :

لازم است که نقش شورای امنیت را در قبال تهاجم عراق به ایران و عراق به کویت دوباره به اختصار مرور کرده و نتیجه را به اهل انصاف واگذار کنیم:

- شورای امنیت سازمان ملل در طول هشت سال جنگ تحمیلی فقط ۸ قطعنامه در شرایطی خاص و با اشکالات و ابهامات جدی حقوقی و سیاسی صادر کرده که اولین آن ۶ روز پس از آغاز تجاوز عراق به ایران و دومی پس از ۲۱ ماه بعد (پس از آزادی خرمشهر) بوده است!

- شورای امنیت سازمان ملل در تهاجم عراق به کویت در سال ۱۳۶۹ در طول ۲۴ ماه ۱۲ قطعنامه صادر می کند که اولین آن بلافاصله و کمتر از ۲ ساعت از آغاز تجاوز (که در تاریخ مصوبات شورای امنیت کم نظیر بوده) و صرفاً ۵ مورد آن در ماه اول تجاوز و ۴ مورد آن در ماه دوم صادر می شود.

- در قطعنامه های مربوط به ایران و عراق از لفظ «وضعیت» ولی در تهاجم به کویت بلافاصله از لفظ «تجاوز» استفاده می شود!

- تمام کشورهای منطقه این تهاجم را محکوم می کنند و وزارت خارجه آمریکا و شوروی نیز خواستار توقف تمام کمک های نظامی بین المللی به عراق می شوند!

- در قطعنامه ۶۶۱ شورای امنیت بر علیه تجاوز عراق به کویت با مجازات های اقتصادی عراق موافقت می شود که ۱۰۶ کشور جهان به این مهم عمل می کنند!

- با بیانیه عراق مبنی بر الحاق کویت به این کشور، به شدت برخورد شده و محکوم می کنند.

- عراق در قطعنامه ۶۶۵ تحریم دریایی می شود و اجازه ندارد هیچ کشوری به سوی سواحل عراق برود یا از سواحل عراق حرکت کند.

در بیست و نهم نوامبر سال ۱۹۹۰ شورای امنیت دست به بالاترین اقدام ممکن زد و به کشورهای که با کویت همکاری می کردند اجازه داد تا برای اخراج عراق از کویت از تمام وسایل لازم استفاده کنند. اقدامات شورای امنیت در نهایت منجر به حمله نظامی نیروهای عراقی مستقر در کویت شد. ادامه مناقشه در پایان منجر به حذف رژیم صدام حسین نیز گردید. (الکواری، ۱۳۸۷، ص. ۴۱۷)

- عراق حدود ۱۱ سال بعد از آغاز تهاجم در سال ۱۳۷۰ از سوی دبیرکل سازمان ملل به عنوان متجاوز معرفی می شود در حالی که در تهاجم به کویت در کمتر از دوساعت به عنوان متجاوز معرفی می شود!

- فرزندان پاک میهن اسلامی و رزمندگان کفرستیز اسلام در طول هشت سال با سختی های فراوان موفق شدند با توکل بر خداوند از بدو پیروزی انقلاب اسلامی تا ۲۷ تیرماه ۱۳۶۶ و در طول ۸ قطعنامه، حقوق انسانی و بین المللی خود را در میدان نبرد و با ایثار و فداکاری از امپراطوری جهانی دریافت کنند.

#### ۴ - فرازهایی از نامه امام خمینی<sup>(ع)</sup> مبنی بر قبول قطعنامه ۵۹۸

حضرت امام<sup>(ع)</sup> در پیامی که به مناسبت سالگرد کشتار حجاج بیت‌الله‌الحرام (تیرماه ۱۳۶۶) در ۲۹ تیرماه ۱۳۶۷ صادر فرمودند علاوه بر تحلیل بلندی از فلسفه سیاسی-الهی حج و تأثیر عمیق آن در وجوه مختلف زندگی مردم دنیا، در انتها به دلایل پذیرش قطعنامه ۵۹۸ پرداخته که فرازهایی از آن را مرور می‌کنیم:

«... و اما در مورد قبول قطعنامه که حقیقتاً مسأله بسیار تلخ و ناگواری برای همه و خصوصاً برای من بود، این است که من تا چند روز قبل متعهد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می‌دیدم، ولی به واسطه حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلاً خودداری می‌کنم و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور، که من به تعهد و دلسوزی و صداقت آنها اعتماد دارم، با قبول قطعنامه و آتش بس موافقت نمودم و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می‌دانم.

... من در اینجا از همه فرزندانم در جبهه‌های آتش و خون که از اول جنگ تا امروز به نحوی در ارتباط با جنگ تلاش و کوشش نموده‌اند، تشکر و قدردانی می‌کنم و همه ملت ایران را به هوشیاری و مقاومت دعوت می‌کنم.

... ما برای درک کامل ارزش و راه شهیدانمان فاصله طولانی را باید بپیمائیم و در گذر زمان و تاریخ انقلاب و آیندگان، آن را جستجو نمائیم. مسلم خون شهیدان، انقلاب و خدا می‌داند که راه و رسم شهادت، کور شدنی نیست.

... آری دیروز روز امتحان الهی بود که گذشت و فردا امتحان دیگری که پیش می‌آید و همه ما نیز روز محاسبه بزرگتری را در پیش‌رو داریم. آنهایی که در این چندسال مبارزه و جنگ به هر دلیلی از ادای این تکلیف بزرگ طفره رفتند و خودشان و جان و مال و فرزندان و دیگران را از آتش حادثه دور کرده‌اند، مطمئن باشند از معامله با خدا، طفره رفته‌اند و خسارت و زیان بزرگی کرده‌اند که حسرت آن را در روز واپسین و در محاسبه حق خواهند کشید.

... من در میان شما باشم یا نباشم به همه شما وصیت و سفارش می‌کنم که نگذارید انقلاب به دست ناهلان و نامحرمان بیفتد. نگذارید پیشکسوتان شهادت و خون در پیچ و خم زندگی روزمره خود به فراموشی سپرده شوند.

... من در اینجا به جوانان عزیز کشورمان، به این سرمایه‌ها و ذخیره‌های عظیم الهی و به این گل‌های معطر و نوشکفته جهان اسلام سفارش می‌کنم که قدر و قیمت لحظات شیرین زندگی خود

را بدانید و خودتان را برای یک مبارزه علمی و عملی بزرگ تا رسیدن به اهداف عالی انقلاب اسلامی آماده کنید.

و من به همه مسئولین و دست‌اندرکاران سفارش می‌کنم که به هر شکل ممکن وسایل ارتقای اخلاقی، اعتقادی، علمی و هنری جوانان را فراهم سازید و آنان را تا مرز رسیدن به بهترین ارزش‌ها و نوآوری‌ها همراهی کنید و روح استقلال و خودکفائی را در آنها زنده نگه‌دارید.

مبادا اساتید و معلمین که به وسیله معاشرت‌ها و مسافرت به جهان به اصطلاح متمدن، جوانان ما را که تازه از اسارت استعمار رهیده‌اند، تحقیر و سرزنش نمایند و خدای ناکرده از پیشرفت و استعداد خارجی‌ها بت‌تراشند و روحیه پیروی و تقلید و گداصفتی را در ضمیر جوانان تزریق نمایند. به جای این که گفته‌شود که دیگران کجا رفتند و ما کجا هستیم، به هویت انسانی خود توجه کنند و روح توانایی و راه و رسم استقلال را زنده نگه‌دارند.

ما در شرایط جنگ و محاصره توانسته‌انیم آن همه هنرآفرینی و اختراعات و پیشرفت‌ها داشته‌باشیم، ان‌شاءالله در شرایط بهتر، زمینه کافی برای رشد استعداد و تحقیقات را در همه امور فراهم می‌سازیم.

مبارزات علمی برای جوانان، زنده کردن روح جستجو و کشف واقعیت‌ها و حقیقت‌هاست و اما مبارزات علمی آنان در بهترین صحنه‌های زندگی جهاد و شهادت شکل گرفته است.

... خداوند متعال به خانواده‌های شهدا صبر و اجر و به مجروحین و معلولین شفا عنایت فرماید و اسراء و مفقودین را به وطن خویش بازگرداند.

خداوندا از تومی خواهیم آنچه مصلحت اسلام و مسلمین است را برای ما مقدر فرمائی. والسلام‌علیکم و رحمه‌الله و برکاته

### روح‌الله الموسوی الخمینی

پنجم ذی‌حجه ۱۴۰۸ برابر با ۲۹ تیرماه ۱۳۶۷

(صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۷۴ تا ۱۰۰)

## مقطع پایان جنگ

جنگ‌ها میان کشورها معمولاً در سه حالت به پایان می‌رسند. در حالت اول یکی از دو کشور درگیر بر کشور دیگر غلبه کرده و جنگ با پیروزی یکی از طرفین به پایان می‌رسد، مانند حالتی که در جنگ جهانی دوم بر سر آلمان آمد و متفقین پیروز جنگ شدند. در حالت دوم شرایط درگیری و نزاع با برقراری آتش بس پایان می‌یابد، اما جنگ به صورت کلی پایان یافته تلقی نمی‌شود، مانند شرایطی که در جنگ سوریه و اسرائیل برقرار است. در حالت سوم، طرفین جنگ با پذیرش شرایطی که معمولاً توسط کشوری ثالث یا نهاد و سازمان بین‌المللی پیشنهاد می‌شود، به جنگ خاتمه می‌دهند، مانند شرایطی که در جنگ عراق علیه ایران پدید آمد و طرفین بر اساس قطعنامه ی ۵۹۸ در تاریخ ۲۷ تیرماه ۱۳۶۷ به درگیری خود خاتمه دادند.

### ۱ - پذیرش قطعنامه ی ۵۹۸ توسط جمهوری اسلامی ایران به طور

#### رسمی

پذیرش قطعنامه ی ۵۹۸ از سوی ایران، این ابهام را ایجاد کرد که با توجه به سوابق شورای امنیت سازمان ملل در جانبداری از عراق، چگونه می‌توان به این نهاد و تصمیمات آن اطمینان کرد. وزیر خارجه وقت ایران در پایان سال ۱۳۶۶ در نامه‌ای به دبیر کل اعلام کرد: ایران از اجرای قطعنامه ی ۵۹۸ شورای امنیت به طور کلی و به هم پیوسته پشتیبانی می‌کند. تعیین روز D (روز اعلام آتش بس) با اشاره به طرح اجرایی دبیر کل که باید با شروع آتش بس و کار بر روی تعیین هیئت بی طرف همراه باشد ایران آمادگی هر نوع همکاری دارد. (درودیان، ۱۳۷۸، ص. ۱۵۶)

این نکته نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران ماهها قبل از پذیرش رسمی قطعنامه ی ۵۹۸، با دیدی مثبت به این قطعنامه می‌نگریسته و به صورت تلویحی آن را پذیرفته بود. نظر مثبت ایران به طرح اجرایی دبیر کل سازمان ملل که باعث به تعویق افتادن طرح تحریم تسلیحاتی ایران در سازمان شد به نوعی این برداشت را ایجاد می‌کرد که ایران قطعنامه ی ۵۹۸ را پذیرفته است.

حضرت آیت الله خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۶۷/۳/۲۰، با بیان مواضع ایران نسبت به راه حل های سیاسی، به ابهامات اخیر پاسخ داده و فرمودند: «ما اصراری نداریم بر این که حتماً باید با جنگ این مقصود (پایان جنگ) عملی شود، اگر آنها مقاصد ما را برآورده می‌کردند، ما حرفی نداشتیم، منتهی به تجربه معلوم شده که اینها نمی‌کنند ..... البته راه حرکت‌های سیاسی را هم هرگز نمی‌بندیم. در خصوص قطعنامه ی ۵۹۸ ما این قطعنامه را رد نکردیم، چون نکات مثبتی را در آن گنجانده بودند. ما آن نکات مثبت را نگه داشتیم، اما قبول هم نکردیم، چون نکات منفی هم دارد» (روزنامه کیهان، ۱۳۶۷/۳/۲۱)

حجت الاسلام و المسلمین آقای هاشمی رفسنجانی در این باره می‌گوید :

«در دو، سه روز گذشته، جلسات متعددی با حضور سران کشور تشکیل شدو جمع بندی تمام این جلسات به حضور امام رسیده است. طی بحث هایی که صورت گرفت، مجموعه شرایط جمهوری اسلامی را به این نتیجه رساند که برای مصلحت انقلاب قطعنامه ی ۵۹۸ پذیرفته شود..... ایران تا به حال خواستار آن بود که ابتدا کمیته تعیین متجاوز تعیین شود، اما فعلاً با توجه به شرایط جدیدی که پیش آمده است، از آن شرط خود صرف نظر کردیم .... وقتی به ما اطمینان دادند که ترکیب کمیته تعیین متجاوز به گونه‌ای خواهد بود که واقعاً به حق رسیدگی می‌کند، ما از شرط قبلی خود، صرف نظر کردیم.» (روزنامه کیهان، ۱۳۶۷/۴/۲۸)

پس از ارائه جمع بندی محتوای این جلسه خدمت امام خمینی (ره) و تأیید آن توسط ایشان، مجدداً جلسه‌ای در تاریخ ۱۳۶۷/۴/۲۶ به ریاست حضرت آیت الله امام خامنه‌ای مدظله العالی رئیس جمهور وقت کشور تشکیل و پایان جنگ با پذیرش قطعنامه ی ۵۹۸ اعلام شد. به دنبال این جلسه رئیس جمهور در نامه‌ای به دبیر کل سازمان ملل، موافقت ایران را با قطعنامه ی ۵۹۸ اعلام کرد :

«ایران تصمیم گرفته است که رسماً قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت را به خاطر اهمیتی که برای حفظ جان انسان‌ها، برقراری عدالت و صلح و امنیت منطقه ای و بین المللی قائل است، بپذیرد.» (گزارش های ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۷/۴/۲۸، ص. ۱۵)

با ارسال این نامه به سازمان ملل، «خاویر پرز دکوئیار»، دبیر کل سازمان ملل، بلافاصله اعلام کرد که ایران رسماً و بدون قید شرط قطعنامه ی ۵۹۸ را پذیرفته است. وی اظهار امیدواری کرد «که تا دو روز آینده آتش بس میان دو کشور برقرار شود.»

در حالی که دبیر کل سازمان ملل تلاش داشت تا گام‌های اجرایی قطعنامه ۵۹۸ هرچه سریعتر برداشته شود، رژیم بعث عراق با درک این که در اجرای این قطعنامه متضرر خواهد شد و در نتیجه هیچ

امتیازی پس از هشت سال جنگ دریافت نخواهد کرد، کارشکنی‌های خود را ادامه می‌داد و بر طبل جنگ می‌کوبید.

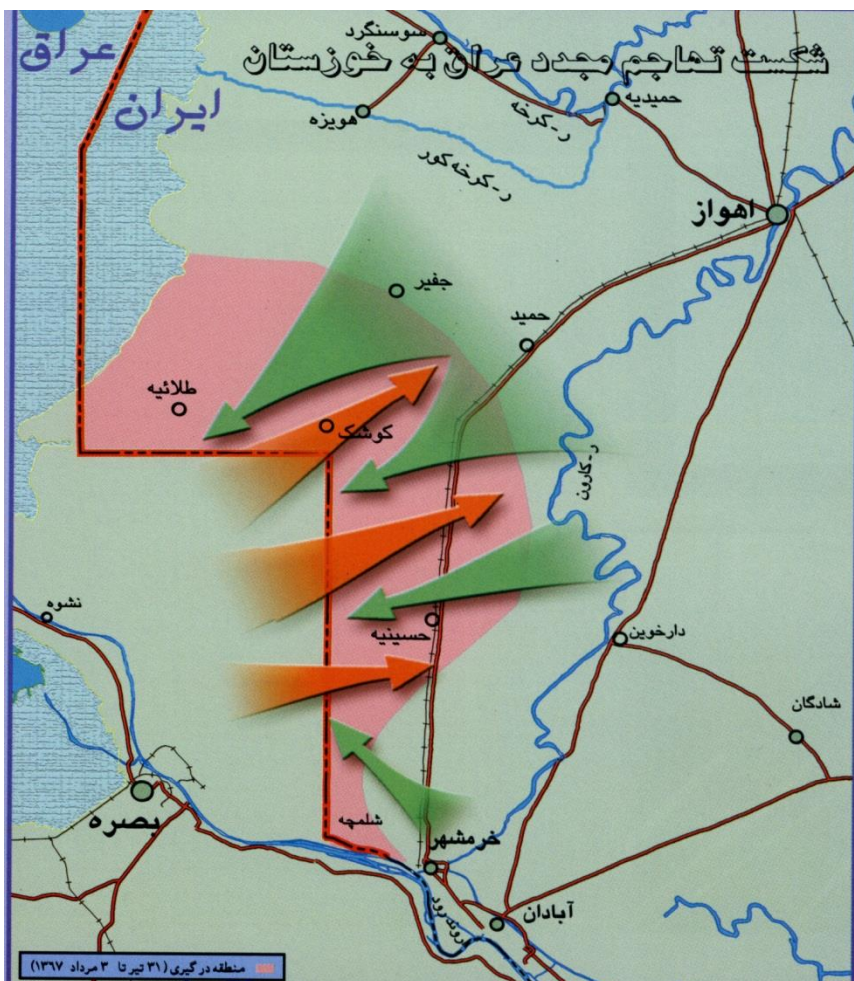
## ۲ - اجرای تهاجم گسترده و مجدد ارتش بعث عراق به جمهوری اسلامی

### ایران

با پذیرش قطعنامه ی ۵۹۸ از سوی ایران، امیدواری‌های بسیار زیادی در مجامع جهانی نسبت به پایان جنگ پدید آمد. دبیر کل سازمان ملل پس از اعلام رسمی تصمیم ایران، با فراخوانی وزرای خارجه دو کشور به نیویورک تصمیم داشت. جهت اجرای آتش بس با دو کشور وارد گفتگو شود، اما وزیر خارجه عراق با اظهار تردید نسبت به تصمیم ایران، در این روند کارشکنی می‌کرد. در این شرایط دبیر کل سازمان ملل با اظهار نگرانی از این روند که نمایندگان رسمی عراق به آن دامن می‌زدند، خواستار مشارکت قدرتهای بزرگ برای پیش برد قطعنامه ی ۵۹۸ شد.

در ادامه روند کارشکنی‌های رژیم عراق و زمینه سازی این کشور برای هجوم مجدد به ایران، طارق عزیز وزیر خارجه این کشور در نامه‌ای به دبیر کل، پیشنهادهایی را ارائه کرد تا عملاً قطعنامه ۵۹۸ از صحنه مذاکرات بین دو کشور حذف شود و نظر عراق که ناقض بندهای قطعنامه ۵۹۸ بود، به اجرا در آید مقامات عراق که می‌دانستند این پیشنهاد توسط مقامات ایران و سازمان ملل پذیرفته نخواهد شد، با این اقدام خود، قصد داشتند زمینه‌های حمله مجدد به ایران را فراهم کنند. (گزارش‌های ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۷/۴/۳۱)

و در چنین شرایطی ارتش عراق صبح روز جمعه ۶۷/۴/۳۱ تهاجم سراسری مجدد خود را از سه منطقه به ایران آغاز کرد. این تهاجم تنها سه روز پس از آن آغاز شد که جمهوری اسلامی ایران رسماً قطعنامه ی ۵۹۸ را پذیرفته بود.



نقشه شماره ۲۰ - تهاجم ارتش بعث عراق و شکست نهایی آن در پایان جنگ در منطقه جنوب

- در منطقه ی جنوب نیروهای دشمن از دو محور شلمچه و کوشک به داخل خاک ایران پیشروی کردند که هدف آن ها محاصره و تصرف مجدد شهر خرمشهر بود و در محور کوشک، با تصرف مرز، قصد اشغال جاده ی اهواز - خرمشهر را داشتند.



- در منطقه ی غرب کشور، دشمن به منظور تصرف شهرهای قصر شیرین، سر پل ذهاب، گیلان غرب، نفت شهر، سومار و مناطق میمک صرفی، صالح آباد، گلان، امیر آباد و شهر مهران را اشغال و در استان کرمانشاه در محور قصر شیرین و سر پل ذهاب تا پل ماهیت، پیش روی کرد<sup>۱</sup>.



نقشه شماره ۲۱ - تهاجم ارتش بعث عراق و شکست نهایی آن در پایان جنگ در منطقه غرب

- در منطقه ی شمالغرب نیز ارتش عراق اقدام به حمله نمود که بدون کسب موفقیت در ارتفاعات منطقه متوقف شد.

<sup>۱</sup> محلی که چند روز بعد، نیروهای سازمان مجاهدین خلق (منافقین) از آن عبور کرده و وارد شهر کردند سپس به اسلام آباد وارد شدند.

### ۳ - دفع تجاوز مجدد ارتش بعثی عراق در خوزستان

با انتشار اخبار تهاجم مجدد عراق به کشور به ویژه در منطقه جنوب، هجوم آحاد مردم به سوی جبهه‌های جنگ آغاز شد و سپاه با استفاده از این فرصت به سازماندهی نیروهای بسیج پرداخت. و آنها آنها را در قالب یگانهای سازمانی در مقابل ارتش عراق آرایش پدافندی داد. در این شرایط که بار دیگر شهرهای خرمشهر، آبادان و اهواز در معرض تهدید دشمن قرار گرفته بودند، امام خمینی<sup>(ره)</sup> در پیامی به سپاه هشدار دادند: «برای دفاع از کشور باید متر به متر بجنگیم و هیچ عذری از هیچ کس پذیرفته نیست». حاج سید احمد خمینی پیام را تلفنی به فرمانده سپاه اطلاع داد: «اینجا نقطه حیاتی کفر و اسلام است، یعنی نقطه شکست یا پیروزی اسلام یا کفر است و باید متر به متر بجنگید و هیچی از هیچ کس پذیرفته نیست و اینجا نقطه ای است که یا موجب می‌شود سپاه حیات پیدا کند دوباره در کشور و یا برای همیشه یک سپاه ذلیل و مرده بشود»<sup>۱</sup>.

با این پیام، روح تازه‌ای در فرماندهان، پاسداران، بسیجیان و نیروهای مردمی دمیده شد و خطوط مقاومت در برابر ارتش عراق در جنوب شکل گرفت صدام که همچنان در ابتدای جنگ سودای پیروزی آسان و سریع را در ذهن می‌پروراند با شدت درگیری‌ها مجبور شد دستور عقب نشینی بدهد. تنها پس از ۲۴ ساعت ارتش عراق در اطلاعیه نظامی خود عقب نشینی به مرزهای بین المللی در مناطق جنوب را اعلام کرد. (گزارش‌های ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۷/۵/۱، ص. ۵)

### ۴ - اجرای عملیات فروغ جاویدان توسط منافقین با پشتیبانی ارتش بعث

#### عراق

در حالی که ارتش عراق برای تسهیل ورود نیروهای سازمان مجاهدین خلق (منافقین) به خاک ایران<sup>۲</sup>، حضور خود را در مناطق غربی ایران (قصر شیرین، سرپل ذهاب) حفظ کرده بود، ارتش به اصطلاح آزادی بخش ملی ایران (منافقین) از یگانهای ارتش بعث عراق عبور کرده و وارد خاک ایران شد.

---

<sup>۱</sup> این مطلب که در سندی صوتی با صدای مرحوم حاج احمد خمینی<sup>(ره)</sup> در مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، موجود است با شماره ۱۷۱۰ مورخه ۱۳۶۷/۵/۱ و صفحه ۵۳ به چشم می‌خورد.

<sup>۲</sup> سازمان مجاهدین یک گروه شبه نظامی با تفکر التقاطی (اسلام + مارکسیسم) که پس از انقلاب اسلامی رهبران آن به دنبال سهم خواهی از انقلاب بودند که امام<sup>(ره)</sup> به دلیل مواضع غیر دینی سازمان، آنان را طرد کرد و به دلیل تفکر انحرافی و عملکرد دوگانه در اذهان عمومی مردم ایران، «مجاهدین خلق» به عنوان «منافقین» مطرح شدند این سازمان پس از حوادث ۱۴ اسفند

ورود ستون منافقین که ابتدا بدون درگیری تا گردنه ی چهار زبر ادامه یافت، سرآغاز فصل جدیدی در مبارزه ی مردم ایران علیه سازمان نفاق شد. سازمان مجاهدین با این تحلیل که جمهوری اسلامی به دلیل پذیرش قطعنامه ی ۵۹۸، «مبانی مشروعیت خود را زیر سؤال برده» و «امام خمینی<sup>(ع)</sup> با این اقدام مقبولیت خود را از دست داده است» و ... حمله ی برنامه ریزی شده خود را آغاز کردند. به گفته مسعود رجوی این حمله طبق برنامه زمان بندی شده قرار بود در سالگرد جنگ ایران و عراق در اواخر شهریور ۱۳۶۷ انجام شود، اما به دلیل آنکه ایران، قطعنامه ی ۵۹۸ را پذیرفته و احتمال برقراری آتش بس وجود داشت، باید از این فرصت طلایی استفاده می شد.

## دیدگاه سازمان مجاهدین خلق (منافقین) از اوضاع داخلی ایران در سال

۱۳۶۷

رهبری سازمان مجاهدین خلق با درک ضعیف از مناسبات قدرت در ایران و نیز شناخت ناقص از نقش معنوی امام خمینی<sup>(ع)</sup> و رابطه و اعتقاد عمیق مردم با ایشان برخی وقایع و رخدادهای داخل ایران را دست مایه تحلیلی قرار داد که از درون آن فروپاشی نظام سیاسی ایران تداعی می شد. رهبران سازمان معتقد بودند که در شرایط عادی پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران امری غیر ممکن است و جمهوری اسلامی زمانی قطعنامه را خواهد پذیرفت که از نظر نظامی، سیاسی و اقتصادی به بن بست کامل رسیده باشد. (شعبانی، ۱۳۸۰، ص. ۳۵۹)

به استناد مطالب مندرج در کتاب «پیدایی تا فرجام» که به همت جمعی از پژوهشگران نگاشته شده و توسط موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی به زیور چاپ آراسته شده، رجوی در ادامه ی مباحث خود بر این مسئله تأکید کرد که «... ما از قبل تصمیم به انجام این عملیات بزرگ داشتیم و می خواستیم آن را دیرتر انجام دهیم، اما پذیرش قطعنامه کار ما را تسریع کرد ... اگر الان اقدام

---

۵۹ و با ائتلاف با لیبرال ها، دقیقاً در مقابل مردم و امام قرار گرفت و به ویژه پس از حوادث ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ رجوی رهبر نفاق، بنی صدر رئیس جمهور مخلوع، همراه سرهنگ معزی خلبان شاه، با گریم و تغییر چهره (آرایش زنانه) پس از درگیری های ۳۰ خرداد سال ۱۳۶۰ از کشور فرار و در پایگاه نظامی و متروکه «ورلی» شهر پاریس به زمین نشستند و بنی صدر طی مصاحبه ای در پاریس اعلام می دارد: «ح.ا.ا. در آئینه نزدیک دچار حوادث امنیتی زیادی خواهد شد» که شش روز بعد از طریق افراد نفوذی منافقین حوادث انفجار مسجد ابوذر تهران، انفجار حزب جمهوری اسلامی، انفجار نخست وزیری و ترور شهدای محراب و .... توسط منافقین به وقوع پیوست.

نکنیم فرصت از دست خواهد رفت، زیرا بعد از اینکه بین ایران و عراق صلح شود، در اینجا قفل می‌شویم و دیگر نمی‌توانیم کاری انجام دهیم و از لحاظ سیاسی تبدیل به فسیل می‌شویم... رژیم از لحاظ نظامی تعادل خود را از دست داده است و هم از لحاظ سیاسی در انزوای بین‌المللی قرار دارد.» «...ما باید با جفت پا به کمر رژیم زده و خود راه تهران برسانیم و با نغزهای دجله به پشت درب های زندان اوین رفته و نیروهای خود را آزاد کنیم...» (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۵، ص. ۱۰۳)

سرلشکر و فقیق السامری از مسئولین سابق اطلاعات ارتش عراق که در جلسه تصمیم‌گیری برای انجام سریع تر عملیات فروغ جاویدان حضور داشت در این باره می‌گوید :

«به محض» قبول قطعنامه ی ۵۹۸ از سوی ایران سرلشکر فاضل البراک تکریتی مدیر سرویس‌های اطلاعاتی و سپهبد ستاد صابر الدوری و مسعود رجوی رئیس سازمان گروهک مخالفین ایران با حضور اینجانب به منظور بحث و بررسی درباره چگونگی پیش روی سریع و عمیق نیروهای این سازمان از خانقین به سمت تهران، برای در دست گرفتن قدرت در این کشور با پشتیبانی نیروهای مسلح عراق، در کاخ ریاست جمهوری در حضور شخص صدام تشکیل جلسه دادیم.

ابعاد این عملیات و پیامدهای احتمالی آن مورد بحث و تبادل نظر طولانی قرار گرفت. مسعود رجوی به صدام گفت: «مولای من، مطمئن باشید که سازمان من ظرف چند ساعت وارد شهر همدان در ۲۵۰ کیلومتری مرز خواهد شد».

سپهبد صابر الدوری گزاره گویی‌هایش را از حد گذراند و گفت: «سرور من از دیروز تا به حال تصویر ورود این سازمان به ایران و به دست گرفتن قدرت در آنجا از برابر چشمان من دور نمی‌شود». همچنین به منظور پشتیبانی هوایی از عملیات فروغ جاویدان، از نیروی هوایی و هوانیروز ارتش عراق خواسته شده تا در این عملیات از سازمان حمایت کنند.

## شرح عملیات فروغ جاویدان

پس از فراهم شدن شرایط و آمادگی در ارتش عراق و نیز کسب آخرین وضعیت جبهه‌ها، ستون ارتش آزادیبخش، در ساعت ۰۶:۰۰ روز دوشنبه ۱۳۶۷/۵/۳ پس از اجرای مراسم صبحگاه از قرارگاه خود در عمق خاک عراق به حرکت درآمد و پس از پیمودن مسیر تعیین شده در ساعت ۱۶:۰۰ از مرز خسروی عبور و طبق پیش بینی قبلی در ساعت ۱۷:۰۰ از قصر شیرین و در ساعت ۱۸:۰۰ از سر پل ذهاب عبور کرد. نیروهای سازمان با مقدماتی که ارتش بعث عراق در این محورها فراهم کرده بود توانست با کمترین درگیری (تلفات) عبور کند. با عبور ستون ارتش آزادیبخش از مسیرهای تعیین شده، درگیری‌های پراکنده و محدود نیروهای خودی با آن‌ها آغاز شد.

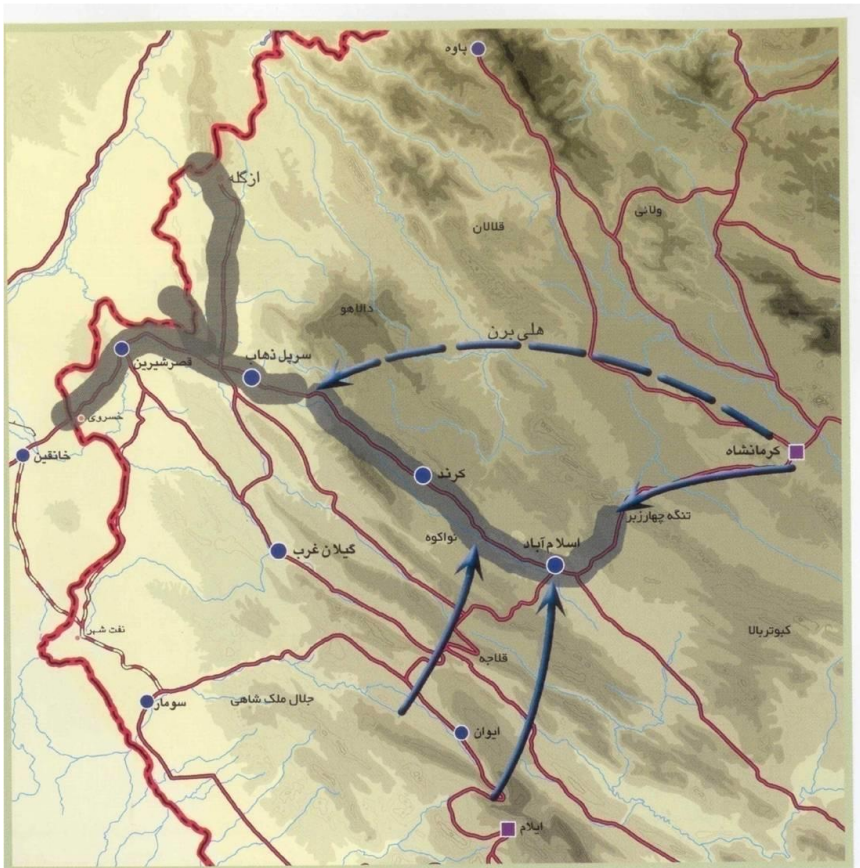
در این مرحله از عملیات فروغ جاویدان که نیروهای خودی به دلیل حمله گسترده عراق در محور غرب، انسجام خود را از دست داده بودند، ابتدا تصور می‌کردند که این ارتش عراق است که به سمت کرد و اسلام آباد پیشروی می‌کند. سازمان منافقین در تحلیل درون سازمانی خود که در کتاب «ارتش آزادی بخش» که در کشور سوئیس منتشر شده در این خصوص می‌نویسد: «در واقع فرماندهان سپاه مستقر در منطقه ماهیدشت و گردنه چهارزبر با نیروهای مهاجم درگیر بودند.» (سازمان مجاهدین خلق، ۱۳۷۴، ص. ۱۱۵)

جنگ و گریز در این گردنه استراتژیک ادامه داشت. جنگ سخت تن به تن در گرفت و نیروهای سپاه و بسیجی با آر پی جی، تیر بار و سلاح‌های انفرادی به مقابله با ستون نظامی منافقین پرداختند. در کمتر از ۳ ساعت ستون نیروهای سازمان متوقف و زمین گیر شده بودند. نیروهای سازمان در آغاز روز ۱۳۶۷/۵/۴ تلاش خود را برای عبور از تنگه چهارزبر با ۱۶ خودروهای زرهی آغاز کردند که بی نتیجه بود و با دادن تلفات مجبور به عقب نشینی شدند. رهبر سازمان که در رویای فتح تهران بود که هر لحظه خبر ناکامی و شکست تلاش سازمان را دریافت می‌کرد. شهید صیاد شیرازی با هلی کوپترهای هوانیروز توانست ستون منافقین را به روی جاده آسفالت منهدم نماید. نیروهای نفاق زمین گیر شده بودند و هر کدام شیاری، سوراخی یا حفره‌ای برای پنهان شدن یافته و در آن خزیده بودند.

فرمانده کل سپاه به یگان‌های مستقر در این منطقه مأموریت داد تا هم‌زمان از محور کرمانشاه - اسلام آباد به شهر اسلام آباد، از محور پل دختر به اسلام آباد و همچنین از محور ایلام به اسلام آباد به شهر نزدیک شده و ضمن هوشیاری، نیروهای دشمن منافق را محاصره، منهدم و سپس منطقه را پاکسازی کنند.

نیروی هوایی و هوانیروز ارتش جمهوری اسلامی ایران مستقر در منطقه نیز با تمام توان، پشتیبانی از عملیات را به عهده داشتند.

عملیات زمینی یگانهای سپاه از سمت‌های مختلف آغاز شد هم‌زمان با آن، هجوم نیروی هوایی و هوانیروز ارتش جمهوری اسلامی ستونهای منافقین را مورد هجوم قرار دادند. یکی از فرماندهان ارتش جمهوری اسلامی ایران که در این عملیات نقش مهمی را ایفاء نمود (شهید صیاد شیرازی) بود که فرماندهی هلی کوپترها را به عهده داشت.



نقشه شماره ۲۲ - منطقه ی پیشروی منافقین در غرب کشور

پس از انجام عملیات سد پیشروی و تثبیت (زمین گیر کردن) ستون نظامی سازمان نفاق، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران عملیات مرصاد را به منظور مقابله، انهدام، تعقیب و تنبیه ارتش آزادیبخش سازمان نفاق آغاز کردند. نیروهای خودی، تهاجم سنگینی را از محور کرمانشاه - اسلام آباد شروع و به سمت تنگه حسن آباد و شهر اسلام آباد حرکت کردند.

خودروهای سازمان یکی پس از دیگری هدف آر پی جی های پاسداران و بسیجیان با پشتیبانی هلیکوپترهای ارتش جمهوری اسلامی قرار می گرفت و منهدم می شد نیروهای سازمان نیز که در حال فرار به سمت شهر اسلام آباد یا دشتهای کنار جاده بودند، با تیربارها و سلاح های انفرادی هدف قرار گرفته و به هلاکت می رسیدند.

در عملیات مرصاد نزدیک ۱۵۲۳ نفر از افراد سازمان کشته، ۲۳۰۰ نفر زخمی و ۳۰۵ نفر اسیر شدند و اکثر امکانات آنان نابود و یا به غنیمت رزمندگان اسلام در آمد. خداوند چنین مقرر کرده بود که ملت ایران انتقام خود را از منافقین در پایان جنگ هشت ساله بگیرند. در واقع هلاکت منافقین در حالی که متحد صدام و ارتش رژیم بعث عراق شده بودند، یکی از دستاوردهای جنگ هشت ساله بود که از طرف خداوند به ملت ایران هدیه شد.

### ۵- پذیرش قطعنامه ی ۵۹۸ از سوی عراق به طور رسمی

جمهوری اسلامی ایران پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸، در مذاکره با دبیر کل سازمان ملل بر اساس مفاد این قطعنامه، اصرار داشت تا زمان برقراری آتش بس از سوی دبیر کل اعلام شود. نماینده وقت ایران در سازمان ملل در این باره تصریح کرد :

ما امروز بار دیگر اعلام می کنیم شرط اجرای همه بندهای قطعنامه ی ۵۹۸ که جمهوری اسلامی ایران آماده است همین لحظه، آتش بس در جنگ را بپذیرد. (گزارش های ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۷/۴/۳۱، ص. ۷)

روزنامه نیویورک تایمز که منعکس کننده دیدگاههای مقامات وزارت خارجه امریکاست، در این باره نوشت :

امریکا به عراق فشار آورد تا آتش بس را قبول کند. (گزارش های ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۷/۵/۱۶)

با تغییر اوضاع به زیان عراق و فشارهایی که از سوی ابر قدرت‌ها، کشورهای منطقه و سازمان ملل به این کشور وارد شد، مقامات عراق در ۱۳۶۷/۵/۱۵ در نامه‌ای به دبیر کل سازمان ملل رسماً اعلام کرد، «عراق نیز با آتش بس موافقت می کند». (ولایتی، ۱۳۷۶، ص. ۳۲۹)

### ۶- اعلام آتش بس توسط شورای امنیت سازمان ملل

به دنبال موافقت عراق با تعیین زمان آتش بس، وزیر خارجه ایران در جلسه نهم ملاقات با دبیر کل سازمان ملل در روز ۱۳۶۷/۵/۱۶، پاسخ مثبت ایران را مبنی بر قبول برقراری آتش اعلام کرد. (همان : ۳۲۴)

پیرو اعلام موافقت ایران و به دنبال مذاکرات دبیر کل با اعضای شورای امنیت درباره ترکیب هیئت ناظر بر آتش بس «یونیماک»<sup>۱</sup> (گروه نظامی ناظر سازمان ملل در جنگ ایران و عراق)، دبیر کل سازمان ملل اعلام کرد، تاریخ ۲۰ اوت ۱۹۸۷ میلادی (۱۳۶۷/۵/۲۹) زمان برقراری آتش بس خواهد بود و پس از آن، اقدامات لازم برای اجرای بندهای ۴،۶،۷ و ۸ قطعنامه انجام خواهد شد.

با تصمیم مقامات دو کشور ایران و عراق نسبت به تاریخ اجرای آتش بس، سرانجام در فاصله کمتر از دو هفته از تعیین زمان برقراری آتش بس تا اجرای آن، کلیه تلاش‌های دبیر کل سازمان ملل برای استقرار نیروهای ناظر بر آتش بس (یونیماک) در جبهه‌های جنگ و در پایتخت دو کشور انجام گرفت و جنگ ایران و عراق، پس از گذشت هشت سال از تجاوز عراق به ایران پایان یافت. صدام در حالی که هیچ دست‌آوردی از این جنگ به دست نیاورده بود و مشکلات داخلی و ژئوپلیتیک عراق همچنان به قوت خود باقی بود، زمینه‌های جنگ دیگری را فراهم کرد. وی با پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر که در پی رد و بدل کردن نامه‌هایی با رئیس‌جمهور وقت ایران صورت گرفت، تجاوز به کویت را آغاز کرد. اقدامی که بیش از گذشته حقانیت جمهوری اسلامی ایران و سخنان امام خمینی<sup>(ع)</sup> درباره ی شخصیت صدام که او دیوانه است را اثبات کرد.

---

<sup>1</sup> - United Nations Military Observer for Iraq & Iran



## دلایل و عوامل پیروزی جمهوری اسلامی ایران در دفاع مقدس

هشت سال دفاع مقدس مردم مسلمان و انقلابی ایران فرازونشیب زیادی داشت و عملیات های پیروز و افتخارآفرینی چون فتح المبین و بیت المقدس و والفجر ۸ و کربلای ۵ و در مواردی نیز عدم موفقیت هائی مثل رمضان و والفجرمقدماتی در کارنامه ی عملیاتی رزمندگان اسلام مشاهده می گردد.

در ادامه به بخش هایی از دلایل و عوامل پیروزی جمهوری اسلامی ایران در دفاع مقدس اشاره می شود.

### ۱- دلایل پیروزی

#### الف - حفظ، تثبیت و تداوم انقلاب اسلامی

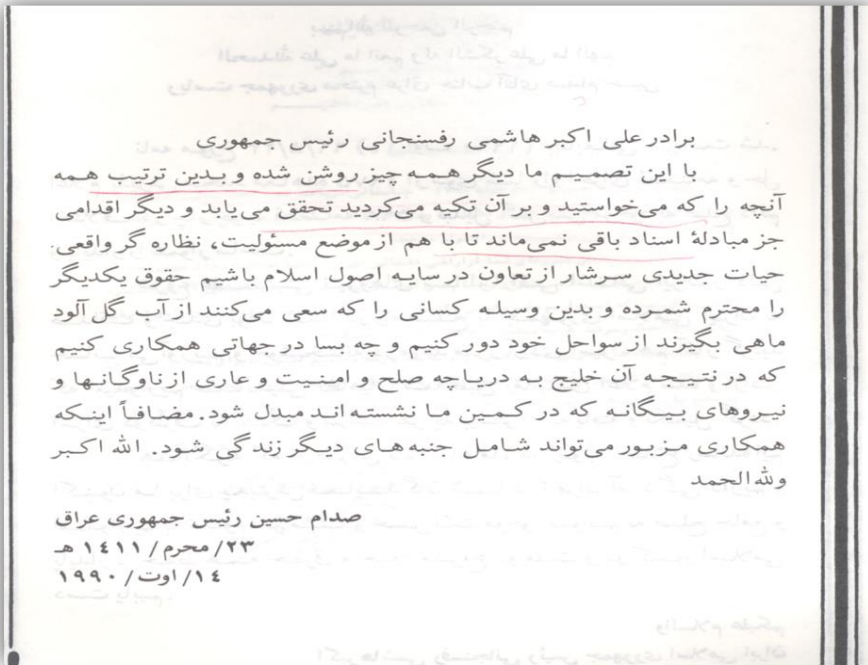
هدف اصلی رژیم بعثی عراق و ایر قدرت های حامی آن براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران بود. که هر چند آسیب های فراوانی به کشور مان وارد شد لیکن به اقتدارش نیزافزوده شد و حاکمیت از انسجام و ثبات بیشتری برخوردار شد و جایگاه ویژه ای را در نظام سیاسی منطقه و جهان کسب نمود.

انقلاب اسلامی نه تنها با تحمیل جنگ توسط استکبار جهانی مهار نشد بلکه با قدرت و بالندگی بیشتر به حرکت خود ادامه داد و امروزه شاهد آثار آن در اقصی نقاط گیتی مثل خاورمیانه ، شمال آفریقا و آمریکای جنوبی در رویش و خیزش امواج ضد استکباری و ضد امریکائی هستیم. و مقاومت و از خودگذشتگی ملت مسلمان ایران و اراده ی آنان در احقاق حق خود موجب آشنائی بیشتر مردم دنیا و ملت های تحت ستم با اهداف و آرمانهای انقلاب اسلامی و ظهور بیداری اسلامی گردید.

#### ب- شکست استراتژی عراق در تهاجم به جمهوری اسلامی ایران

نگاهی به تاریخ معاصر نشانگر این واقعیت است که جنگهای قرون اخیر همواره جدا شدن بخشی از خاک ایران را در پی داشته است و از افتخارات ج.ا.ایران این است که علی رغم حمایت

ابرقدرت ها از دشمن، با اتکال الهی و تکیه بر قدرت ملی، اجازه تجزیه ذره ای از خاک کشور را نداد و دشمن بعثی نتوانست به ادعاهای خود در مورد اربوند رود و سایر نقاط مرزی کوچکترین دسترسی پیدا کند.



سند شماره ۱ - پذیرش قطعنامه به طور رسمی و شکست نهایی عراق

### ج - پذیرش مجدد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر توسط رژیم بعث عراق

صدام که با پاره نمودن قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر جنگ را آغاز کرد در نهایت با پذیرش آن در ششمین و آخرین نامه خود در ۶۹/۵/۲۳ به رئیس جمهور ایران نوشت «بدین ترتیب همه آنچه را که می خواستید و بر آن تکیه می کردید تحقق می یابد و دیگر اقدامی جز مبادله اسناد باقی نمی ماند.»

## د - معرفی رژیم بعث عراق به عنوان متجاوز توسط دبیرکل سازمان ملل

خاویر پریز دکوئیار دبیرکل سازمان ملل پس از اخذ و بررسی اسناد و ادله ج.ا.ایران و عراق در تاریخ ۱۸ آذر ۱۳۷۰ صدام را به عنوان متجاوز و آغازگر جنگ معرفی نمود که این موضوع تحقق یکی از شرائط و خواسته های جمهوری اسلامی ایران بود.

با عنایت به دلایل ذکر شده معلوم می گردد که جمهوری اسلامی ایران پیروز قطعی این جنگ بوده زیرا توانسته است دشمن متجاوز را در کلیه اهداف خود ناکام نماید و از موجودیت و تمامیت ارضی خود به نواحسن دفاع نماید.

## ۲- مهمترین عوامل پیروزی جمهوری اسلامی ایران بر رژیم بعث عراق

### الف - رهبری و مدیریت حضرت امام خمینی (ره) در ۸ سال دفاع مقدس

با آغاز جنگ، بزرگترین نقطه قوت ایران، وجود رهبری معنوی، پر جاذبه، دوراندیش، نترس، توانمند و با حکمتی بود که مردم ایران او را از صمیم قلب دوست داشتند و توانسته بود به عنوان نقطه اتکا و توانمندی روحی ملت ایران عمل نماید.

امام، تهدید بزرگ جنگ را تبدیل به فرصتی استثنائی برای ظهور توانایی های ملت ایران و آزمونی برای جهاد فی سبیل الله کردند. امام خمینی توانست با نفوذ عظیم خود، انگیزه بزرگی را در ایستادگی در برابر دشمن در بین بسیاری از مردم ایران بوجود آورده و روحیه تهاجمی را در قوای مسلح ایجاد کرده و با تدابیری هوشیارانه، از پیروزی دشمن جلوگیری نماید. وی توانست بلافاصله ابتکار سیاسی جنگ را در دست گرفته و دولت عراق را در بن بست عملکرد خود قرار دهد. او به سرعت در کشور انسجام ملی را علیه متجاوز شکل داد و مقاومتی مثال زدنی از ملت ایران را به نمایش گذاشت. آنقدر با دشمن جنگید تا توانست تمام سرزمین های اشغالی ایران را آزاد نماید و قدرت ایران را به سطح بازدارندگی در برابر دشمن برساند و هم صدام را از اقدام پشیمان نموده و او را وادار به پذیرش خواسته های منطقی ایران بنماید.

### ب- نقش مردم در پشتیبانی از جنگ

در دوران جنگ تحمیلی، ملت ایران ظرفیت روحی بالا و تحمل فراوانی از خود نشان داد. میل به فداکاری و ایستادگی در بین مردم افزایش یافت. اقشار مختلف مردم پیوسته از نظام جمهوری

اسلامی و سیاست‌های امام خمینی برای پیروز شدن در برابر دشمن، حمایت می‌کردند. مشروعیت دفاع از اسلام، کشور و انقلاب اسلامی، انگیزه‌ای قوی را در مردم به وجود آورد که موجب وحدت ملی و اراده مصمم برای دفع تهاجم نظامی خارجی گردید.

در دوران دفاع مقدس، بخشی از مردم ایران به طور داوطلبانه از سراسر نقاط کشور با انگیزه‌ای الهی عازم جبهه‌های جنگ شدند و توانستند تمام نارسایی‌ها و کمبودهای موجود در جبهه‌ها را با حضور خود، برطرف نمایند. وجود چنین رزمندگانی امکان طرح ریزی عملیات‌های گوناگون و پیچیده را به فرماندهان و برنامه‌ریزان، فراهم می‌آورد. حضور نیروهای داوطلب بسیجی، موجب شد تا موازنه‌ی قوا به نفع ایران برقرار گردیده و قدرت مکمل توان رزمی ایران با سازماندهی آنها به وجود آمده تا بتوانند نقش تعیین‌کننده‌ای را در پیروزی ایران بر قوای بعثی فراهم آورند.

### ج- ایثارگری و فرهنگ جهاد و شهادت

دوران جنگ، فرهنگ ویژه‌ای را در بین رزمندگان در جبهه‌ها به وجود آورد و رفتارهای جدیدی را خلق کرد. بر همین اساس اصطلاحات گفتاری و عملکردهای خاصی نیز در بین رزمندگان اسلام، رایج گردید. این فرهنگ که مبتنی بر دوستی و محبت با یکدیگر بود، یکی از عوامل مهم موفقیت دوران جنگ به حساب می‌آید. در اینجا به برخی از عناصر کلیدی این فرهنگ اشاره می‌شود.

#### (۱) - سبقت‌گیری بر دیگران

رزمندگان خود را برادر یکدیگر می‌دانستند زیرا معتقد بودند *إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ* (سوره‌ی حجر، آیه‌ی ۴۷) این برادری هم در این عالم و هم در بهشت که در سریرها روبروی یکدیگر می‌نشینند تداوم دارد. اما در عین برادری آنها سعی می‌کردند تا یک نوع مسابقه را در انجام وظایف خود، بوجود آورند. آنها هر کدام در تلاش بودند تا در خالص شدن و در فعال بودن در امور جبهه‌ها از سایر همزمان خود، سبقت بگیرند. بیشتر کار کنند و از فرصت‌ها استفاده نمایند زیرا معتقد بودند که در جهان آخرت ما گرفتار اعمال خودمان هستیم و از خارج به ما چیزی نمی‌دهند. ما هستیم که اساس آن عالم را بنا می‌کنیم. *إِنَّهَا هِيَ أَعْمَالُكُمْ تُرَدُّ إِلَيْكُمْ* یعنی این همه، اعمال شماست که به شما باز می‌گردد. آنها معتقد بودند *فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ* یعنی هر کس کار خوب انجام دهد خود آن کار را می‌بیند و *مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ* (سوره‌ی زلزال، آیات ۸ و ۹) یعنی هر کس، کار بد انجام دهد خود آن عمل شر را می‌بیند. بنابراین تمام کارهای ما، عقاید ما و اخلاق ما در آن جهان منعکس می‌شود. (صحیفه‌ی امام، جلد ۱۶، ۱۴۰)

## (۲) - خطر پذیری

رزمندگان اسلام از رفتن به خط مقدم جبهه و حضور در عملیات ها، استقبال می کردند. آنها همیشه تمایل داشتند تا جبهه ها فعال باشد. بر همین اساس از حضور مستمر در خطوط پدافندی، کراهت داشتند. گرچه برخی از آنان بالاجبار در کارهای پشتیبانی و عقبه ها فعال می شدند ولی بسیاری از آنها تمایل داشتند که در صحنه فعال عملیات، حضور داشته باشند و رودر رو با دشمن، قرار گیرند.

بر همین اساس رزمندگانی که مجبور می شدند تا به فعالیت‌های پشت جبهه بپردازند و در عملیات شرکت نکنند، ناراحت می شدند. آنها از جبهه های غیر فعال و ایجاد رکود در جبهه ها، استقبال نمی کردند. رزمندگان به این آیه قرآن باور داشتند که: لَنْ يَصِيْبَنَا اِلَّا مَا كَتَبَ اللهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا و علی الله فلیتوکل المومنون (سوره ی توبه، آیه ی ۵۱) یعنی بگوهرگز به ما جز آن چه خدا برای ما مقرر داشته نمی رسد. او مولای ماست و مومنان باید تنها بر خدا توکل کنند.

خلقیات و شیوه ی هدایت فرماندهان دوران دفاع مقدس به این گونه بود که خود، بیش از سایر رزمندگان در خط مقدم جبهه دشمن قرار می گرفتند و به جای اینکه به زیر مجموعه خود بگویند «جلو بروید»، در جایی که لازم بود خود جلو می رفتند و به بقیه می گفتند «بیاید». بر همین اساس تعداد زیادی از فرماندهان لشکرها، تیپ ها، گردان ها، گروهان ها، دسته ها و افراد برجسته، در حین هر عملیات شهید می شدند. راه خط شکنی همین بود.

## (۳) - افزایش مستمر توانایی ها

جبهه جنگ برای رزمندگان فرصتی عظیم را جهت یادگیری مستمر فراهم آورده بود. آنها به طور مداوم در پی افزایش قابلیت ها، ظرفیت ها، توانمندی ها و کارآمدی خود بودند. در روزهای آغاز جنگ، افراد زیادی را می شد یافت که استفاده از هیچ سلاحی را نمی دانستند ولی با گذشت زمان و تلاش پیگیر، آنها به اشخاصی متخصص و با مهارت در استفاده از انواع سلاح های جنگی و فنون نظامی می شدند.

رزمندگان، جبهه را تبدیل به دانشگاهی برای تعلیم و تعلم کرده بودند. طرحریزی های عملیاتی در روزهای اول جنگ از کیفیت بالایی برخوردار نبود. هرچه از جنگ می گذشت توان فکری فرماندهان برای برنامه ریزی های دقیق تر افزایش می یافت و طرح های عملیاتی پخته تری ارائه می گردید.

## د- ابتکارات و خلاقیت ها

جبهه های جنگ، فرماندهانی را پرورش داد و تربیت کرد که خلاقیت آن ها و امید آنها به پیروزی، تحول عظیمی را در تغییر وضعیت جنگ به نفع ایران ایجاد کرد. آنان در میدان جنگ توانستند سازمان مورد نیاز جبهه ها را برای مقابله با قوای دشمن، بوجود آورده و مجموعه ای یکپارچه و مقتدر را برای اداره صحنه های گوناگون جنگ، تدارک ببینند. طرح ریزی عملیات های بزرگی چون « شکست حصر آبادان»، «فتح خرمشهر»، «جنگ شلمچه»، «تصرف فاو»، «آزاد سازی بستان و سوسنگرد»، «نبرد مرصاد»، «جنگ های بازی دراز» و... بدون حضور دائمی فرماندهان، در جبهه های نبرد امکان پذیر نبود.

## ه- وحدت و همبستگی ملی

در سال های جنگ، صحنه داخلی کشور تا حدود زیادی، خوب اداره شد مردم نگران وضعیت اجتماعی و معیشتی خود نبودند. اداره عقبه جبهه ها به گونه ای بود که مردم در آرامش زندگی می کردند. سیاست های حمایتی دولت موجب بهبود شاخص های ضریب جینی، تورم و تسهیلات زندگی شده بود.

دولت قیمت ها را کنترل کرده و در بازار و تجارت داخلی و خارجی، دخالت می کرد. البته جنگ موجب رکود اقتصادی گردید. در دوران جنگ، انسجام سیاسی کشور در وضعیت نسبتاً مطلوبی بود. گرچه در سال اول جنگ، با فرار رئیس جمهور وقت و اقدام مسلحانه منافقین و ترور های گسترده، فضای ناامنی در کشور ایجاد شد ولی به هر حال، این مشکل دوام زیادی نیافت و به سرعت فضای کشور به سمت امنیت و آرامش، جلو رفت.

## و- شیوه و سبک مدیریت جبهه

سبک مدیریت فرماندهان در جبهه های جنگ، متفاوت از شیوه های مرسوم در سایر ارتشها بود. گرچه سلسله مراتب و فرماندهی و فرمانبری در بین رزمندگان وجود داشت ولی اطاعت بر اساس اعمال زور و فشار بر زیر دستان نبود. بلکه رابطه ای دوسویه بر مبنای محبت و مهربانی بین فرمانده و فرمانبر برقرار شده بود. فرمانده با مشورت با همزمان خود، آنان را در تصمیمات خود شریک می کرد و همه می دانستند که پس از تصمیم باید توکل بر خدا نمود. فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ (سوره ی آل عمران، آیه ی ۱۵۹) یعنی پس چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن. همانا خداوند توکل کنندگان را دوست می دارد.

## ز- اسطوره های دفاع مقدس

... جزو واجب ترین، مفید ترین و قریب ترین کاری که ما را به پروردگار عالم تقریب می کند، این است که ما مفاخر ارزشی اسلام را زنده نگه داریم...

... شخصیت های برجسته ی ارزشی چه کسانی هستند؟ در درجه ی اول شهدا هستند... این ها علمند، اعلام الهدا و منار التقی اینها هستند. مثل تعبیراتی که ما برای علمای بزرگ به کار می بریم، واقعا جای دارد که چنین تعبیراتی در باره ی اینها بشود. در واقع با تعریف یک چهره ی انقلابی، انقلاب را تعریف کنید.

... بگذارید شهدا رنگ ثابت زندگی مردم بشوند.<sup>۱</sup>

## ح- تشابهات دفاع مقدس و عاشورای حسینی

برخی از وجوه مشترک دو فرهنگ عاشورا و دفاع مقدس عبارتند از:

- (۱)- هر دو برای دفاع از حریم ارزش ها و حفظ اسلام و رضای پروردگار، رویاروی دشمن می ایستند.
- (۲)- رهبر هر دو حرکت فرزندان پیامبرند همان صلابت، پایداری، ذلت ناپذیری، شهادت پذیری و روح ایثار در وجود مبارک ابا عبدالله<sup>(ع)</sup> هست، در وجود امام خمینی<sup>(ره)</sup> تجلی یافته است. امام به پیروی از سرور و سالار شهیدان از هیچ فداکاری در راه مکتب و آرمان های الهی دریغ ندارد.
- (۳)- یاران امام خمینی<sup>(ره)</sup> همچون شهیدان کربلا، کانون عرفان و محبت الهی و سرشار از شوق شهادت و فداکاری اند.
- (۴)- دشمن رویارو با عاشورا و دفاع مقدس؛ در نهایت قساوت، پستی، دنیاپرستی و خودخواهی عمل نموده است.
- (۵)- همان مظاهر روز و شب عاشورا را در جبهه های دفاع مقدس دیده می شود: زمزمه های عاشقانه، نماز، عبادت، قرائت قرآن و آمادگی برای وصل و پیوند با محبوب.
- (۶)- پایداری و شکیبایی زنان ایران اسلامی و نقش روشننگری و صبوری آنان، جلوه ای از صبوری و پیام رسانی قافله اسیران کربلاست.

---

<sup>۱</sup>- برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضاء ستاد برگزاری کنگره ی سرداران و ۱۸۰۰۰ شهید آذربایجان- مرداد ۱۳۷۴

(۷) - هر دو جریان رسواگر ستم شدند و نقاب از چهره‌ی دروغ و نفاق برافکندند.

(۸) - در هر دو جریان از شهیدان شیر خوار تا پیران سالخورده می‌توان یافت.

(۹) - صحنه‌ها و موقعیت‌هایی همچون صحنه‌های کربلا بارها در جبهه‌های دفاع مقدس اتفاق افتاد: مانند تشنگی، جدا شدن سرها، اسارت‌ها و ... این صحنه‌ها همواره ذهن‌ها را به صحنه‌های کربلا پیوند می‌زند.

(۱۰) - پایان هشت سال دفاع مقدس، همچون پایان عاشورا، تمام شدن و توقف راه نبود؛ بلکه پس از آن ایمانی که محصول خلوص و فداکاری رزمندگان بود، هشیاری، تحرک و بیداری‌های بزرگی را رقم زد که نه تنها تضمین سلامت جامعه که الهام‌بخش مبارزات در گوشه و کنار جهان شد تأثیر این ایمان و خلوص را در رزمندگان لبنان نیز می‌توان یافت.

(۱۱) - همچنان که انقلاب عاشورا تضمین‌کننده بقا و سلامت مکتب اسلام نوپایی شد که محصول ۲۳ سال تلاش پیامبر(ص) و مجاهدت صحابه‌ی بزرگ بود. مجاهدت‌های هشت سال دفاع مقدس نیز موجب تضمین بقا و سلامت انقلاب اسلامی شد.



## تحلیل آمار ایثارگران جمهوری اسلامی ایران و تلفات ارتش بعث عراق

در مکتب توحید، آن چیزی دارای ارزش و ماندگاری است که در راه خدا و برای خدا شکل گیرد. هر مقدار از عمر انسان که برای خدا صرف شود، هر کاری که برای خدا انجام گیرد و هر مالی که در این راه هزینه شود از ارزش واقعی و ماندگاری برخوردار است و از این رو هر چه انجام کاری برای خدا سخت تر و نیت خالص تر باشد ارزش و اثر آن بیشتر است. بنابر این هرگونه اهتمام و تلاش در راه خدا مصداق جهاد فی سبیل الله است.

در مکتب اسلام، از خودگذشتگی در راه خدا و دفاع از حق، والاترین ارزش هاست و همواره فرهنگ ایثارگری و شهادت طلبی در تاریخ اسلام درخشش و ویژگی خاصی داشته است.

دستاورد اساسی حضرت امام خمینی<sup>(ع)</sup> در رهبری انقلاب اسلامی، احیاء اسلام ناب محمدی<sup>(ص)</sup> و مهم ترین ویژگی آن احیاء فرهنگ شهادت و ایثارگری بود. با مروری گذرا در فرآیند نهضت امام خمینی و قوام نظام اسلامی به خوبی می توان دریافت که اگر فرهنگ شهادت طلبی و ایثارگری نبود، نه انقلاب به پیروزی می رسید و نه نظام اسلامی دوام می یافت، همانگونه که در صدر اسلام نیز اگر این ویژگی نبود نه اسلام شکل گرفته بود و نه دوام می یافت.

بنابر این موضوع شهادت و ایثارگری سکه ی پر بهائی است که در یک روی آن باید والاترین ارزش های الهی را مشاهده کرد و در روی دیگر آن دستاوردها و آثار و برکات بی بدیلی را.<sup>۱</sup>

### شهید و شهادت

«شهید» در لغت به معنی گواه، حاضر، ناظر و... و در اصطلاح دینی به کسی اطلاق می شود که با انتخاب آگاهانه، و براساس حجت شرعی، در راه خدا به شهادت می رسد. در اساسنامه بنیاد شهید انقلاب اسلامی این گونه تعریف شده است: «شهید به کسی گفته می شود که جان خود را در راه

---

<sup>۱</sup> - برگرفته از سخنرانی حجت الاسلام رحیمیان، نماینده ولی فقیه در بنیاد شهید و امور ایثارگران در دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی و حفظ دستاوردهای آن یا دفاع از کیان جمهوری اسلامی ایران در مقابل تهدیدات و تجاوزات دشمن و عوامل ضد انقلاب و اشرار نثار نموده یا می نماید.»

## شهادت، قله ی کمال

شهادت از برترین واژه های فرهنگ اسلامی و از مقدس ترین مفاهیم معارف الهی است. شهادت اوج کمال انسان است، آنگاه که انسان تمام هستی خود را یک جا نثار معبود می کند و قطره ی وجودش به دریای بیکران هستی مطلق می پیوندد. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فرمود: «فَوْقَ كُلِّ ذِي بَرٍّ بَرٌّ حَتَّى يُقْتَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، فَإِذَا قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَيْسَ فَوْقَهُ بَرٌّ». (وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۰، حدیث ۲۱)

«بالتر از هر خیر و نیکی، خیر و نیکی وجود دارد تا انسان در راه خدا کشته شود که بالاتر از کشته شدن در راه خدا، خیر و نیکی یافت نشود.»

هم چنین پیغمبر اکرم «ص» فرمود: «أَشْرَفُ الْمَوْتِ قَتْلُ الشَّهَادَةِ» (بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۸، حدیث ۴). یعنی: «شهادت برترین مرگ ها است.»

و نیز از آن حضرت نقل شده که فرمود: «لَوَدِدْتُ إِنِّي أَقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، ثُمَّ أَحْيَا ثُمَّ أَقْتَلُ ثُمَّ أَحْيَا ثُمَّ أَقْتَلُ ثُمَّ أَحْيَا ثُمَّ أَقْتَلُ» (صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۱) یعنی: «دوست دارم در راه خدا کشته شوم نه یک بار و دو بار که بارها کشته شوم و زنده شوم و باز هم کشته شوم.»

## مقام شهید

شهید مصداق عینی شهادت است که با انتخاب آگاهانه و در کمال خلوص، هستی خود را یکجا به آفریدگار جهان تقدیم می کند و به سرچشمه ی بقا و حیات، پیوند می یابد.

درک مقام شهید از توان و ظرفیت فهم ما خارج است و تنها منبع وحی الهی است که شمه ای از این مقام را برای ما بازگو فرموده است: «و لَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَ لَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ». (سوره ی بقره، آیه ی ۱۵۴) یعنی: «برای کسانی که در راه خدا کشته می شوند نگویند مردگانند [کلمه ی اموات را درباره شهدا به کار نبرید] بلکه آن ها زنده اند، لکن شما درک نمی کنید.»

این آیه ضمن آنکه بر زنده بودن شهدا تأکید می ورزد، درک این مقام را از حیطة ی شعور و فهم بشر در این دنیا خارج می شمارد. در حالی که در آیه ی فوق از به کار بردن تعبیر اموات در مورد شهدا نهی می کند، در آیه ای دیگر از پندار مرده بودن آنان نیز نهی فرموده است که نه فقط به زبان نگویند آنها مرده اند بلکه به دل نیز راه ندهید.

امام خمینی<sup>(ع)</sup> در این زمینه می فرماید: «از شهدا که نمی شود چیزی گفت. شهدا شمع محفل دوستانند. شهدا در قهقهه ی مستانه شان و در شادی وصولشان «عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» اند؛ و از «نفوس مطمئنه ای» هستند که مورد خطاب «فادخُلِی فی عِبَادِی و ادخُلِی جَنَّتِی» پروردگارد. اینجا صحبت از عشق است و عشق؛ و قلم در ترسیمش بر خود می شکافد.» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۱۴۷)

### وظیفه ی جامعه نسبت به شهید

از آنجا که شهید برای خدا و در راه خدا هستی خود را برای نجات و سعادت جامعه فدا می نماید، هر چند پاداش اصلی خود را از خداوند دریافت می کند، اما بنا بر حکم عقل، جامعه نیز به لحاظ حقی که شهید بر گردن آنان دارد، مدیون شهید است و باید با تمام وجود دین خود را در قبال شهید ایفاء نماید.

زنده نگهداشتن یاد و نام شهید و بزرگداشت زمان و مکان شهادت و مدفن او و الگوسازی از شخصیت و سیره ی زندگی و حماسه ی ایثارگرانه ی شهید، بخشی از وظائف جامعه نسبت به شهید می باشد.

بزرگداشت و تکریم شهید در جامعه یعنی بزرگداشت و تکریم فرهنگ شهادت و تمام نیکی ها و ترویج روحیه ی ایثارگری و فداکاری برای ارزش ها و دفاع از جامعه و سرزمین اسلامی. فرهنگ و روحیه ای که قوام و بقاء جامعه و نظام و سرزمین اسلامی، همواره نیازمند به آن می باشد. این مطلبی است که تمام ملل و کشورها در چارچوب جهان بینی و ارزش های خود به منظور حفظ استقلال و دفاع از موجودیتشان در برابر بیگانگان و مهاجمان مورد توجه و اهتمام جدی آنان قرار می دهند.<sup>۱</sup>

### منزلت خانواده شهید

خانواده شهید از جهات مختلف، دارای مقام و منزلت ویژه ای در پیشگاه خداوند و در نظام و جامعه اسلامی می باشد. پدر و مادر شهید باتوجه به این که معمولاً بیشترین نقش را در تربیت شهید ایفاء کرده اند و با داشتن بیشترین علاقه به فرزند خود، او را تقدیم خدا کرده اند مورد تکریم

---

<sup>۱</sup> - برگرفته از سخنرانی حجت الاسلام رحیمیان، نماینده ولی فقیه در بنیاد شهید و امور ایثارگران، در دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

بیشتری هستند. والدین، مخصوصاً مادر، به طور طبیعی آنچنان علاقه ای به فرزند خود دارند که عادتاً برای حفظ فرزندشان حاضرند همه چیز خود را فدای او کنند و می توان گفت والدین، فرزند خود را از جان خود بیشتر دوست می دارند. این بیت از شعر سعدی بهترین توصیف حالت بدرقه والدین به هنگام عزیمت فرزندانشان به سوی جبهه است:

در رفتن جان از بدن گویند هر نوعی سخن

من خود به چشم خویشتن دیدم که جانم می رود

همسر شهید نیز که افتخار همزیستی با شهید را داشته و شریک زندگی و پشتیبان و سرپرست خود را به ظاهر از دست داده و بار نگهداری و تربیت فرزندان شهید و مسئولیت حفظ کرامت و عظمت شهید را در جامعه به دوش گرفته، به همراه فرزندان شهید به عنوان یادگاران شهید که نزدیک ترین نسبت و انتساب را به او دارند، منزلت و جایگاه برجسته ای را نزد خداوند و مردم دارند.

به این ترتیب خانواده های شهدا از دو جهت شایسته ی تکریم و تجلیل و خدمت می باشند: اولاً به دلیل اهلیت و شایستگی اکتسابی و نقشی که در همراهی و همسوئی با شهید ایفاء می کنند. ثانیاً بخاطر انتسابی که با شهید دارند و در سایه ی دینی که جامعه به شهید دارد، بخشی از تکریم و تعظیم شهید در احترام و تجلیل از خانواده و اهل بیت او تجلی می یابد و مساله ی تکریم خانواده شهید و تقدیم خدمات لازم به آنان نه تنها به عنوان یک کار مطلوب بلکه یک وظیفه همگانی برای جامعه و نظام اسلامی به حساب می آید.

حضرت امام خمینی<sup>(ع)</sup> می فرمایند: «سلام و درود بر شما پدران و مادران، همسران، فرزندان و بازماندگان شهدا که از بهترین عزیزان خود، در راه بهترین هدف که اسلام عزیز است، بزرگوارانه گذشته اید و در امر دفاع از دین خدا، آنچنان صبر و مقاومت نشان داده اید که رشادت و استقامت یاران سید شهیدان حضرت امام حسین علیه السلام را در خاطره ی جهانیان تجدید کردید (صحیفه امام، جلد ۱۷:

۹۵)

مقام و منزلت جانبازان و آزادگان نیز به نوبه ی خود حائز است و باید از آن تقدیر شایسته به عمل آید. دیدگاه مقام معظم رهبری، خواندنی است: «جانبازان در قضیه جنگ، یک موضوع استثنائی اند. همه ما از جنگ فارغ شدیم، اما این جانباز است که تا آخر عمرش از جنگ، فارغ نخواهد شد. وزنه ی ایثار جانبازان ۷۰ درصد به بالا، به تعبیری سنگین تر از مسأله ی شهادت است.»<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> - دیدار مقام معظم رهبری با تعدادی از جانبازان و خانواده آنان در ۶ مهر ۱۳۹۰

در اینجا مروری بر آمار شهداء، جانبازان و آزادگان و اشاره به پاره ای از ویژگی های آنان می تواند دستمایه ای برای تحلیل های گوناگون باشد.

## آمار ایثارگران دوران دفاع مقدس

آزادگان				جانبازان		
غیرجانباز	جانباز			بالای ۲۵ درصد	زیر ۲۵ درصد	تعیین درصد نشده
	بالای ۲۵ درصد	زیر ۲۵ درصد	تعیین درصد نشده			
۱۶۸۹	۳۸۸۰۶	۲۲۸۵	۱۹۸	۲۲۱۱۷۹	۳۲۰۱۸۹	۱۴۹۷۱
۴۲۹۷۸	جمع کل آزادگان <sup>۱</sup>			۵۵۶۳۳۹	جمع کل جانبازان	

جدول شماره ۱- آمار ایثارگران دفاع مقدس

## آمار کل شهدا به تفکیک استان های کشور

تعداد	سازمان استان / اداره شهرستان	ردیف
۹۵۳۴	آذربایجان شرقی	۱
۹۱۰۴	آذربایجان غربی	۲
۳۲۴۱	اردبیل	۳
۲۳۰۲۱	اصفهان	۴
۵۳۳۱	البرز	۵
۲۶۵۳	ایلام	۶
۱۹۴۲	بوشهر	۷
۲۱۵۷۶	تهران بزرگ	۸
۲۳۳۶	چهارمحال و بختیاری	۹

<sup>۱</sup> از میان ۴۲۹۸۷ آزاده ۴۱۲۸۹ نفر آنها نیز جانباز هستند که در ارقام فوق ملحوظ شده است.

۱۴۴۱	خراسان جنوبی	۱۰
۱۶۴۰۷	خراسان رضوی	۱۱
۲۲۲۱	خراسان شمالی	۱۲
۱۳۳۶۳	خوزستان	۱۳
۲۸۶۱	زنجان	۱۴
۲۵۹۹	سمنان	۱۵
۱۶۳۹	سیستان و بلوچستان	۱۶
۵۷۱۹	شهرستانهای استان تهران	۱۷
۱۳۸۷۹	فارس	۱۸
۲۷۵۶	قزوین	۱۹
۴۷۹۷	قم	۲۰
۳۶۲۸	گلستان	۲۱
۶۹۴۶	گیلان	۲۲
۶۰۸۷	لرستان	۲۳
۹۸۵۳	مازندران	۲۴
۵۲۱۹	مرکزی	۲۵
۱۱۲۶	هرمزگان	۲۶
۶۹۳۴	همدان	۲۷
۳۴۸۹	یزد	۲۸
۵۲۵۳	کردستان	۲۹
۶۰۵۶	کرمان	۳۰
۹۱۳۴	کرمانشاه	۳۱
۱۷۱۷	کهگیلویه و بویراحمد	۳۲
	۲۱۱۸۶۲	جمع

جدول شماره ۲- آمار کل شهدای کشور به تفکیک استانی

مجموع شهدائی که در بنیاد شهید انقلاب اسلامی دارای پرونده هستند ۲۱۹/۰۰۰ نفر می باشند که از این رقم حدود ۲۰/۰۰۰ نفر در درگیری با شرارت های ضدانقلاب و ترورهای منافقین به شهادت رسیده اند. افرادی که در درگیری های مستقیم دفاع مقدس شهید شده اند ۱۷۲/۰۰۰ نفر و شهدای بمباران های دشمن ۱۶/۰۰۰ نفر می باشند و به این ترتیب جمع شهدای جنگ تحمیلی به ۱۸۸/۰۰۰ نفر می رسد.

برخلاف شایعه پراکنی های بیگانگان که رقم شهدای جمهوری اسلامی را چندین برابر واقعیت، بزرگ نمائی می کردند و به منظور القاء ناتوانی در مدیریت جنگ و تضعیف روحیه مردم، بهره گیری از امواج انسانی را به جای مدیریت و تکنولوژی دامن می زدند، رقم ۱۸۸/۰۰۰ شهید در مقایسه با

کشته های عراق در جنگ با وجود همه ی پشتیبانی های جهان استکبار از ارتش عراق از جمله نکات مهمی است که باید از ابعاد گوناگون مورد بررسی قرار گیرد.<sup>۱</sup>

یاد آوری می شود مشابه این تفاوت را در رقم ۴۲/۱۷۵ اسرای ایران در قبال حدود ۷۰/۰۰۰ نفر اسیر عراق شاهد هستیم که باید مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

نکات مورد توجه در خصوص آمار شهداء، جانبازان و آزادگان دفاع مقدس بیشترین شهید دفاع مقدس در سال ۱۳۶۵ با ۴۱/۰۰۰ شهید بوده است.

سن ۷۲٪ از شهداء (یعنی حدود ۱۵۵/۰۰۰ نفر) بین ۱۶ تا ۲۵ سال است (یعنی نوجوان و جوان).

بیشترین تعداد شهید از جهت سن ۲۰ ساله می باشند با تعداد ۳۰/۰۰۰ نفر در جنگ تحمیلی به طور میانگین از هر ۲۳۰ نفر جمعیت کشور یک نفر به شهادت رسیده است. در این میان استان اصفهان از هر ۱۴۴ نفر یک نفر و قم از هر ۱۴۸ نفر یک نفر و استان سمنان از هر ۱۵۵ نفر یک نفر به شهادت رسیده اند و دارنده ی رتبه ی اول تا سوم در کشور می باشند.

در میان اقشار، جامعه ی روحانیت بیش از ده برابر میانگین کل جامعه به شهادت رسیده اند و بیش از ۵ برابر میانگین جامعه شهید داده اند (یعنی فرزندانشان به شهادت رسیده اند). شهدای مؤنث بیش از ۶/۴۰۰ نفر و نزدیک به ۳٪ کل شهدا می باشند.

حدود ۵۶/۰۰۰ نفر از شهدا متأهل و بقیه مجرد بوده اند. اگر این نکته را که اکثریت قاطع شهداء مجرد بوده اند و در بین متاهلین، آنان که فرزندان کمتری داشته اند نسبت بیشتری را دارا هستند، در کنار این نکته قرار دهیم که حدود ۹۷٪ شهداء به قشر مستضعف تعلق دارند، می توان این نتیجه را گرفت که هر که سبکبارتر بوده است سبکبار تر به معراج شهادت پرواز کرده است. این نکته را نیز باید یادآور شد که اکثریت شهداء از پایگاه مسجد و سنگر نماز جمعه و جماعت به جبهه عزیمت کرده اند و براساس تحقیقی که روی وصیت نامه ی شهداء انجام یافته انگیزه اصلی

---

<sup>۱</sup> برگرفته از سخنرانی حجت الاسلام رحیمیان، نماینده ولی فقیه در بنیاد شهید و امور ایثارگران، در دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

آنها در پیمودن راه شهادت به ترتیب الهام گیری از نهضت حسینی و پیروی از امام خمینی<sup>(ع)</sup> و دفاع از اسلام مورد تأکید قرار گرفته است و به این ترتیب نتیجه می گیریم که با سبکباری از تعلقات زندگی مادی به همراه انگیزه ی نیرومند ایمان به مبدأ و معاد و عشق و پیروی از جایگاه امامت و ولایت، روحیه شهادت طلبی به فعلیت و شکوفائی می رسد.

توضیح این که آمار و ارقام فوق توسط بنیاد شهید و امور ایثارگران در مرداد ماه ۱۳۹۱ به پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس اعلام شده است.



## نتایج و دستاوردهای جنگ و دفاع مقدس در عرصه های داخلی و بین

### المللی

دوره جنگ یکی از مقاطع فراموش نشدنی و بی نظیر تاریخ ایران و خود یک مقطع تاریخی بسیار مهم است. مردم ایران در شرایطی که تازه با نهضت اسلامی خود توانسته بودند حکومتی جدید را در کشور شکل دهند و هنوز ساختارهای سیاسی و نظامی جدید را آرایش نداده بودند و تحت فشارهای تبلیغاتی و اقتصادی برخی از قدرتهای بزرگ بودند و آشوبهای داخلی در بعضی از نقاط کشور در جریان بود، دچار تهاجم نظامی ارتش عراق گردیدند. در حین جنگ هم کشور مواجه با ترورهای منافقین و اختلافات سیاسی در سطح مقامات بالا از جمله ریاست جمهوری گردید. از آن طرف، کشور عراق از همه امکانات لازم برای شروع یک جنگ برخوردار بود، مشکل مالی نداشت و حمایت تسلیحاتی هم می شد و تبلیغات جهانی هم به نفع وی بود. در چنین وضعیتی ایران توانست به مقابله با قوای متجاوز عراق بپردازد و همه سرزمین های اشغالی خود را با انجام عملیات نظامی باز پس بگیرد و برای اولین بار یک وجب از خاک کشور هم در تصرف ارتش متجاوز باقی نماند. (علایی، ۱۳۸۸، ص. ۶۰۹)

## ۱- دستاوردهای داخلی

### الف - عرصه های سیاسی و امنیتی

تجربه ی دیگر ما، مبارزه ی فعال با ضد انقلاب داخلی توأم با نبرد گسترده علیه تجاوز خارجی بود. در شرایطی که صدام امریکایی به ایران انقلابی تجاوز کرده بود، کلیه گروه های وابسته در کردستان، دیگر نمی توانستند انگیزه ای برای مقابله با حاکمیت انقلابی مردم و انقلاب اسلامی داشته باشند. (منصوری لاریجانی، ۱۳۸۸، ص. ۲۹۱)

مهم ترین معضل ناامنی در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همکاری و همراهی سازمان مجاهدین (منافقین) خلق با رژیم بعثی عراق بود که با سقوط صدام حسین و از بین رفتن حزب بعث در عراق، قدرت نظامی منافقین نیز تا حدود زیادی منهدم شد.

همچنین احزاب مسلح دمکرات و کومله نیز سلاح های خود را به زمین گذاشته و تا حد زیادی نفوذ سیاسی خود را در کشورمان از دست دادند. (علایی، ۱۳۸۸، ص. ۶۳۱)

## ب- عرصه‌ی اجتماعی و فرهنگی

از برکات مهم دفاع مقدس، تقویت اعتماد به نفس و خودباوری بوده است. ما در دوران دفاع مقدس به این نتیجه رسیدیم که باید خود را باور کنیم و با تکیه بر توانمندی های خود به ویژه جوانان خداجو کشور را اداره نماییم. تأثیر این خودباوری، بعد از جنگ در عرصه های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فناوریهای نوین دفاعی، نمود فزاینده ای داشته است که بخش هایی از آن به شرح زیر است:

- (۱)- داشتن روحیه قناعت و صرفه جوئی.
  - (۲)- ابتکار عمل در ساخت قطعات، وسائل و تجهیزات مورد نیاز.
  - (۳)- خودکفائی در کالاها و تجهیزات اساسی در مقابل تحریم های اقتصادی.
  - (۴)- رشد باورهای دینی و معنوی.
  - (۵)- تولد تفکر بسیجی به عنوان ایدئولوژی کارآمد دفاع مقدس.
  - (۶)- رشد فضایل اخلاقی و معنوی.
  - (۷)- تکلیفی عمل کردن در دفاع به عنوان یک وظیفه (منصوری لاریجانی، ۱۳۸۸، ص. ۲۸۲-۲۸۸)
- یکی از مهمترین فرهنگ هایی که در دوران دفاع مقدس در افکار مردم رایج گردید جنگیدن رزمندگان اسلام برای ادای تکلیف الهی بود و آنها نتیجه را فرع بر انجام تکلیف می دانستند. (علایی، ۱۳۸۸، ص. ۶۲۳)

امام خمینی<sup>(۶)</sup> در این زمینه می فرمایند «ملت ایران تا روزی که احساس می کرد توان و تکلیف جنگیدن دارد به وظیفه خود عمل نمود و تا لحظه آخر هم تردید نکرد و آن ساعتی هم که مصلحت بقای انقلاب را در قبول قطعنامه دید، به آن گردن نهاد و باز هم به وظیفه خود عمل نمود.» (صحیفه ی امام، جلد ۲۱: ۲۸۴)

مقام معظم رهبری در دیدار با تعدادی از اصحاب فرهنگ و هنر دفاع مقدس در مهرماه ۱۳۷۹ در این خصوص می فرمایند:

«اگر در جنگی، عزم ملی و خردمندی سردمداران کشور به کمک کشور نیاید، آن سرافکندگی، ذلت و هزیمت معنوی ای که بر دوش ملت سنگینی خواهد کرد، شاید از همه خسارت ها بالاتر باشد...»

یکی دیگر از مهم ترین تجارب فرهنگی در دوران دفاع مقدس رواج فرهنگ ساده زیستی به جای فرهنگ رفاه طلبی و سرمایه داری بود. (منصوری لاریجانی، ۱۳۸۸، ص. ۲۹۶)

## ج- عرصه‌ی اقتصادی

تحریم اقتصادی کشورمان که از همان اول پیروزی انقلاب اسلامی آغاز و در اوایل سال ۱۳۵۹ به صورت رسمی از سوی کشور آمریکا اعلام شده، بخش قابل توجهی از نیازهای گسترده‌ی مردم و نیروهای مسلح را با مشکل جدی مواجه کرد.

ملت ما در دوران دفاع مقدس با روحیه‌ی قناعت و صرفه جویی مقاومت کردند و در تولید و ساخت نیازهای مختلف عمومی و تخصصی تا مرز خودکفایی بخش قابل توجهی از نیازهای ضروری پیش رفتیم.

توزیع عادلانه کالا در این دوران توانست مواد ضروری و مورد نیاز اکثر مردم را با قیمت مناسب در اختیار آنان قرار داده و زمینه‌های نارضایتی عموم را مرتفع کند. (منصوری لاریجانی، ۱۳۸۸، ص. ۲۹۲)

به منظور عدم اتکای جدی به درآمد نفتی در وضعیتی که صدور آن به شدت کاهش یافته و به کمتر از سیصد هزار شبکه در روز رسیده بود، شهید بزرگوار محمد علی رجائی رئیس جمهوری وقت ایران اعلام نمود: «.. ما نفت را برای سوزاندن و استفاده‌های مادی نمی‌خواهیم، بلکه از آن در جهت مبارزه با امپریالیسم استفاده خواهیم کرد، چرا که از نفت هم به عنوان سلاح می‌شود استفاده کرد.» (همان: ۲۹۳)

البته با تمام مشکلاتی که جنگ برای اقتصاد ایران به بار آورد، می‌توان گفت ایران علی‌رغم آنکه در دوران جنگ در شرایط تحریم تسلیحاتی (و اقتصادی) به سر می‌برد ولی کشور دچار قحطی یا بیماری‌های ناشی از کمبودهای تغذیه‌ای نشد. (علایی، ۱۳۸۸، ص. ۶۱۴)

برابر تحقیق دکتر محمد قلی مجد عضو هیئت علمی دانشگاه پنسیلوانیای آمریکا در پایان جنگ اول جهانی (۱۹۱۷ تا ۱۹۱۹) به واسطه‌ی حضور ارتش بریتانیا در کشور ایران، حدود ۸ تا ۱۰ میلیون نفر از مردم ما به واسطه‌ی کمبود مواد غذایی دچار قحطی، گرسنگی و سوء تغذیه، تلف شدند.<sup>۱</sup>

## د- عرصه‌ی علمی و فناوری

تحول در حوزه‌ی صنایع دفاعی، این باور را در مراکز دانشگاهی و علمی - پژوهشی کشور به وجود آورد که خواستن، توانستن است. همچنین مقابله با اتکای به بیگانه در امر فناوری‌های جدید

<sup>۱</sup> - مستند تلویزیونی اشغال از گروه سیاسی شبکه خبر، قسمت دهم، بزرگترین هولوکاست قرن

و درک فرآیند رشد فناوری توسط متخصصان و نخبگان داخلی، فرهنگ خود باوری بود که در اندیشه رزمندگان ما در دوران دفاع مقدس تجلی کرد.

از انصاف به دور است اگر دستیابی به سلول های بنیادین و دانش هسته ای توسط پژوهشگران و اندیشمندان ایرانی را متأثر از فرهنگ خود باوری و خلاقیت دوران دفاع مقدس ندانیم، چنان که بارها و بارها رهبر معظم انقلاب اسلامی به این حقیقت اشاره فرموده اند.

## ه- عرصه‌ی نظامی

جنگ تحمیلی، فشار و مشکلات زیادی را برای ملت و دولت ایران به وجود آورد و این فشارها، خصوصاً تحریم تسلیحاتی از سوی بسیاری از کشورهای بلوک غرب، شرق و حمایت مالی و انسانی تعدادی از کشورهای غربی منطقه، باعث شد که :

(۱)- نیروهای داوطلب مردمی در سازمان رزم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به کارگیری و با گسترش توانایی های ایران، به عنوان قدرت بازدارنده در پیشروی های ارتش رژیم بعث عراق، مطرح شوند.

(۲)- ارتش جمهوری اسلامی از وابستگی نظامی کشورهای بیگانه خصوصاً آمریکا بیرون آمده، قابلیت ها و توانمندی های خود را به نمایش بگذارد.

(۳)- اندیشه های دفاعی امام خمینی<sup>(ره)</sup> تبیین گردیده و مردم با فرهنگ جهاد و شهادت آشنا شوند.

(۴)- رژیم بعثی عراق با تلاش و فداکارای نیروهای مسلح و مردم از سرزمین مقدس اسلامی، عقب رانده شد.

(۵)- ابتکار نظامی و تدبیر عملیاتی به غیر از سال اول جنگ، در اختیار نیروهای مسلح جمهوری اسلامی قرار گرفت.

(۶)- شکست ارتش پولادین رژیم بعثی عراق با حمایت های گسترده کشورهای دنیا باعث شد که تهدیدات نظامی منطقه ای و حتی بین المللی از کشور ما دور شود.

(۷)- ابتکارات و خلاقیت های فنی و مهندسی نظامی و طراحی نیازهای ویژه ی دوران دفاع مقدس از دستاوردهای بی نظیر در دوران دفاع مقدس بوده که رزمندگان اسلام موفق شدند با استفاده از این توانمندی در حفظ نیروی انسانی، امکانات و نیز تسهیل در دفاع نا برابر به موفقیت های چشمگیری برسند.

(۸) - تجربه ی جدید و منحصر به فرد جمهوری اسلامی ایران در نحوه شناسایی و تامین نیروی انسانی داوطلب، آموزش و بکارگیری در حین نبرد (با توجه به محدودیت های شدید زمانی و یکی از دستاوردهای موفق نظامی در دوران دفاع مقدس می باشد). (علایی، ۱۳۸۸، ص. ۶۱۸-۶۲۲)

## ۲- دستاوردهای خارجی

جمهوری اسلامی ایران، ناخود آگاه به جنگی تمام عیار فراخوانده شد که بر اساس پیش بینی کارشناسان نظامی و سیاسی، توان مقابله ی سه روزه داشت. اما پس از هشت سال دفاع دلیرانه ی رزمندگان، نه تنها دشمن نتوانست یک وجب از خاک کشورمان را اشغال کند، بلکه در اوج درماندگی و عجز قرار گرفت و همگان به عظمت، پایداری و اقتدار جمهوری اسلامی ایران اعتراف نمودند.

امام خمینی (ع) در این باره فرمودند: «ما در جنگ، ریشه های انقلاب پربار اسلامی مان را محکم کردیم.» (همان: ۲۹۵)

## الف- عرصه ی سیاسی

(۱) - تثبیت اقتدار جمهوری اسلامی در این دفاع باعث گردید که چشم طمع جهانخواران از تجاوز به کشورمان کوتاه شود و اگر این اقتدار نبود، قطعاً آمریکا در سال ۲۰۰۳ به جای حمله به عراق (حادثه سپتامبر سیاه) به کشور ما حمله می کرد.

(۲) - از برکات هشت سال دفاع مقدس در عرصه سیاسی، ارایه شیوه های مبارزه با ستمگران برای کشورهای اسلامی و جهان مستضعفان می باشد و کابوس شکست ناپذیری کشورهای بزرگ را با تردید مواجه ساخت.

(۳) - اکثر کارشناسان مسائل سیاسی دنیا و منطقه به این رسیدند که بایستی نقش ویژه ایران را در تامین امنیت منطقه، جدی بگیرند و در روابط سیاسی و منطقه ای خود تجدید نظر کنند.

(۴) - آثار و برکات مقاومت در دوران دفاع مقدس باعث شد که خواب و خیال رژیم صهیونیستی برای گسترش در منطقه خاورمیانه با شکست مواجه شود و در گرداب انتفاضه فلسطین و مقاومت حزب الله لبنان، گرفتار شود.

(۵) - عملکرد سازمان های بین المللی و منطقه ای، خصوصاً شورای امنیت سازمان ملل و رفتار سیاسی آنان در نحوه برخورد با این بحران و حل و فصل آن به شدت مورد تردید قرار گرفت.

- (۶) - وقوع جنگ تحمیلی، صداقت و مقاومت ملت شریف ایران، باعث مطرح شدن انقلاب مردمی ایران به عنوان الگوی مبارزه مردمی در سطح منطقه و جهان شد. (همان: ۳۳۱)
- (۷) - پیام امام خمینی<sup>(۶)</sup> در سوم اسفند ماه سال ۱۳۶۷ به موارد بالا به خوبی پرداخته است:
- هر روز ما در جنگ برکاتی داشتیم که در همه صحنه ها از آن بهره جسته ایم:
  - ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر نموده ایم.
  - ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ، ثابت نموده ایم.
  - ما در جنگ، پرده از چهره تزویر جهان خواران کنار زده ایم.
  - ما در جنگ، دوستان و دشمنان را شناخته ایم.
  - ما در جنگ، ابهت دو ابر قدرت شرق و غرب را شکستیم.
  - ما در جنگ، ریشه های انقلاب پر بار اسلامیمان را محکم کردیم.
  - ما در جنگ، به مردم جهان و خصوصاً مردم منطقه نشان دادیم که علیه تمامی قدرت ها و ابر قدرت ها، سالیان سال می توان مبارزه کرد. (صحیفه امام، ج ۲۱: ۲۸۳)
  - جنگ ما، کمک به فتح افغانستان را به دنبال داشت.
  - جنگ ما، فتح فلسطین را به دنبال داشت.
  - جنگ ما موجب شد که تمامی سردمداران نظام های فاسد در مقابل اسلام احساس ذلت کنند.
  - جنگ ما، بیداری پاکستان و هندوستان را به دنبال داشت.
  - علاقه به اسلام شناسی مردم آمریکا و اروپا و آسیا و آفریقا یعنی در کل جهان از جنگ هشت ساله ماست. (همان، ص: ۲۸۴)
- در همین رابطه مقام معظم رهبری در سخنرانی خودشان در مهرماه ۱۳۷۹ در این خصوص می فرمایند: «ما در دوره ی جنگ، از طرف مجامعی که ادعا می کردند در مسائل جهانی بی طرفند، در مقابل یک اعمال غرض واضحی قرار گرفتیم. ادعاهای بسیار بزرگی هم می کردند.. کسانی که شما امروز می بینید درباره ی سلاح های کشتار جمعی و میکروبی و از این حرف ها داد سخن می دهند و جزو مسائل واضح می شمردند، اینها به رژیم عراق و ارتش عراق سلاح شیمیایی دادند. برایش ساختند و یا امکان ساخت آن را برایش فراهم کردند. دو قطب بزرگ دنیای آن روز - یعنی قطب آمریکا و قطب شوروی سابق - مشترکاً با همه ساز و برگشان به کمک عراق آمدند.»
- (۸) ما در این ماجرای هشت ساله یک پیروزی مطلق به دست آوردیم. ما که جنگ را شروع نکرده بودیم که بگوئیم فلان جا را می خواستیم بگیریم، نتوانستیم، پس ناکام شدیم، قضیه این نبود. قضیه این بود که دشمنی به ما حمله کرده بود و می خواست بخشی از خاک ما را بگیرد، همه ی دنیا هم به

او کمک کردند، ما هم مردانه ایستادیم، ناکام شد و بینی اش به خاک مالیده شده و برگشت. پیروزی از این بالاتر؟ (همان)

(۹) - و بالاخره سازمان ملل متحد با یک تاخیر طولانی ۱۱ ساله و در سال ۱۳۷۰ رژیم بعثی عراق را به عنوان متجاوز به کشور جمهوری اسلامی ایران معرفی کرد.

## ب- عرصه‌ی اقتصادی

(۱) تجربه‌ی تجاوز رژیم بعث عراق به منطقه و دنیا نشان داد که این کشور هر چند با توانمندی بالای نظامی و حمایت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی موفق به پیشروی در بخشی از خاک کشور مقدس ما شد، لیکن واکنش نیروهای مسلح و مقاومت ملت غیور ایران، نشان داد که شاید کشوری بتواند شروع کننده باشد، لیکن الزاماً پایان دهنده‌ی به آن بحران نیست و احتمال دارد که کشور مدافع با توانایی به ظاهر محدود، در صحنه‌های نظامی بتواند سال‌ها مقاومت کند. (علایی، ۱۳۸۸، ص. ۶۵۰)

(۲) دوران دفاع مقدس تجربه‌ی خوبی برای نیروهای مسلح و وابستگی آنها به متن مردم و جامعه بود.

هر چه نیروهای مسلح به متن مردم وابسته تر باشند و شهروندان هر کشور، آنها را از خود بدانند، پیوستگی و انسجام بهتری ایجاد شده که می‌تواند با اتکا به پشتوانه مردمی بر علیه متجاوزین داخلی و خارجی وارد عمل شود.

امام خمینی<sup>(ع)</sup> در این باره خطاب به نیروهای مسلح می‌فرماید: ملت مسلمان ایران از شما قدردانی می‌کند و شما را از خود و خود را از شما جدا نمی‌داند و اکنون در جهان، کشوری نیست که پیوند ملت و قوای مسلحش بدین پایه باشد. (همان: ۶۴۵)

(۳) حضور قدرتمند نیروهای نظامی با پشتوانه مردمی ایران با انجام عملیات‌های سنگین در دوران دفاع مقدس باعث شد که مسئولان سیاسی کشورمان بتوانند خواسته‌های به حق نظام مقدس جمهوری اسلامی را در مجامع بین‌المللی، خصوصاً شورای امنیت سازمان ملل، به قدرت‌های بزرگ دیکته کنند. عملیات‌های غرور آفرین والفجر ۸ و کربلای ۵، یکی از این شگفتی‌های فرزندان دلاور کشورمان بود که بندهای قطعنامه ۵۹۸ را به مرور در صحن شورای امنیت به اعضای آن، دیکته کرد.

(۴) بودجه هشت سال جنگ تحمیلی عراق بر علیه جمهوری اسلامی ایران، برابر با یکسال بودجه کل کشور بود که این موضوع بیانگر اوج صرفه جوئی در مسائل اقتصادی در جنگ بوده است.



## منابع و مأخذ

قرآن کریم.

صحیفه امام، (۱۳۷۸). مجموعه‌ی آثار امام خمینی<sup>(ع)</sup> جلد ۶، تهران، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی<sup>(ع)</sup>.

صحیفه امام، (۱۳۷۸). مجموعه‌ی آثار امام خمینی<sup>(ع)</sup> جلد ۱۴، تهران، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی<sup>(ع)</sup>.

صحیفه امام، (۱۳۷۸). مجموعه‌ی آثار امام خمینی<sup>(ع)</sup> جلد ۱۶، تهران، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی<sup>(ع)</sup>.

صحیفه امام، (۱۳۷۸). مجموعه‌ی آثار امام خمینی<sup>(ع)</sup> جلد ۲۱، تهران، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی<sup>(ع)</sup>.

joyce, j. a. (1941). *broken star, the story of the league of the nations (1919-1939)*. swansea: christopher daves.

khadduri, m. (1969). *republican iraq: a study in iraq politics since the revolution of 1958*. london: oxford university press.

league of nations. (1935). *official journal*, 13-14.

Ministry of foreign affairs of iran. (1969). *some facts concerning the dispute between iran and iraq over shat-al-arab*. tehran: Ministry of foreign affairs of iran.

Persia, s. w., & wilson, s. a. (1941). *a political officers dairry 1907-1914*. london: oxford university press.

آجرلو، ر. (1388). *دکترین نظامی در اسلام، نگاهی به اندیشه و فلسفه جنگ در اسلام*.

تهران: دانشگاه امام حسین(ع).

اطلس کامل گیتاشناسی (پنجم). (1373). تهران: سازمان جغرافیایی و کارتوگرافی

گیتاشناسی.

السامرای، و. (1388). *ویرانی دروازه شرقی (سوم)*. (ed.). قارونی (Trans.) تهران: مرکز

مطالعات و تحقیقات جنگ.

الکوارى رح ع. (1387). عملکرد شورای امنیت در جنگ عراق و ایران). م. عسگری (Trans. , تهران: پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس.

بدیعی ر. (1362). *جغرافیای مفصل ایران*. تهران: انتشارات اقبال.

بنی لوحی رس ع. & پیری ره م. (1379). *نبردهای شرق کارون*. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.

بهداروند م. (1388). *ما و جنگ*. تهران: پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس.

پارسا دوست م. (1369). *ریشه تاریخی اختلافات ایران* (چهارم ed). کیهان انتشار.

پارسا دوست م. (1371). *نقش سازمان ملل در جنگ ایران و عراق*. تهران: شرکت سهامی انتشار.

پیری ره م. (1386). *جزوه درسی طرح ریزی استراتژی نظامی*. تهران: دوره عالی جنگ سپاه.

پیری ره م. (1381). *فرماندهی و ستاد در رزم*. تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه.

پیری ره م. (1372). *محاسبه توان رزم نوین*. تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه.

تافلر ره & ، تافلر آ. (1372). *جنگ و ضد جنگ* (ش. خوارزمی. Trans. ) تهران: نسیمرغ.

تحلیلی بر جنگ تحمیلی رژیم عراق علیه جمهوری اسلامی ایران. (1361). تهران: نشر دفتر حقوقی وزارت امور خارجه .

ترابی ری. (1379). *بررسی روابط اقتصادی*. تهران: ایران و ایالت متحده آمریکا.

جعفری ولدانی ا. (1371). *کانون بحران در خلیج فارس*. تهران: انتشارات کیهان.

جمشیدی م. (1383). *مبانی و تاریخ اندیشه نظامی*. تهران: دافوس سپاه-دوره عالی جنگ.

جمشیدی م. (1380). *مبانی و تاریخ اندیشه نظامی در ایران*. تهران: دوره عالی جنگ، دافوس سپاه.

جمعی از پژوهشگران. (1385). *.. پیدایی تا فرجام*. تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی وزارت اطلاعات.

حافظ نیا م. (1381). *جغرافیای سیاسی ایران*. تهران: سمت.

حریریان م. (1377). *تاریخ ایران باستان*. تهران.

حسینی رق. (1366). *اصول جنگ و توان رزمی*. تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه.

حسینی م. (1383). *جنگ ایران و عراق: بررسی تاثیر جنگ بر استراتژی دفاعی-نظامی ایران*. *نگین ایران* 42-23 ,

حمیدی نیا رح. (1385). *تحولات سیاسی و بین المللی در دوران دفاع مقدس*. تهران: هیئت معارف جنگ شهید صیاد شیرازی.

- درویدیان رم، (1378). *پایان جنگ اول*. (ed. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- درویدیان رم، (1381). *سیری در جنگ ایران و عراق*. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- درویشی سه تلانی، ف. (1378). *ریشه های تهاجم اول*. (ed. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- ربیعی، ز. (1388). *بررسی مواضع فرانسه در قبال جنگ تحمیلی*. فصلنامه تخصصی مطالعات دفاع مقدس، 70-83.
- رحمانی، ق. (1383). *بی پرده با هاشمی رفسنجانی* (دوم ed.). تهران: کیهان.
- رضائی، رم. (1390). *بررسی عملیات والفجر 8*. تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- روزنامه کیهان. (28/4/1367) .. *روزنامه کیهان*، 2.
- روزنامه کیهان. (21/3/1367) .. *خطبه های نماز جمعه تهران*. کیهان، 2.
- سازمان مجاهدین خلق. (1374) .. *ارتش آزادی بخش*. سوئیس: سازمان مجاهدین خلق.
- سفیری، رم. (1378). *حقیقت ها و مصلحت ها، گفتگو با هاشمی رفسنجانی*. تهران: نشر نی.
- سید آقائی، رس. (1391). *بررسی ابعاد حقوقی جنگ ایران و عراق* (اول ed.). تهران: پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس.
- شایان، رح. (1380). *تحلیل کمی روند رشد تحولات در استان خراسان*. تهران.
- شعبانی، بن. (1380). *بررسی تأثیر دلایل آغاز عملیات فروع جاویدان بر چگونگی اختتام آن* (پایان نامه کارشناسی ارشد). تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد.
- صفوی، رس. (1386). *جغرافیای نظامی امنیتی ایران*. تهران: دانشکده و پژوهشگاه علوم دفاعی.
- صفوی، رس. (1381). *مقدمه ای بر جغرافیای نظامی ایران* (پنجم ed.). انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- صفوی، رس. (1384). *مقدمه ای بر جغرافیای نظامی ایران* (اول ed.). شمال غرب و غرب کشور انتشارات دانشگاه امام حسین (ع).
- صفوی، رس. (1387). *مقدمه ای بر جغرافیای نظامی ایران* (دوم ed.، Vol. سوم). تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- صفوی، رس &، اردستانی، رح. (1388). *مبدأ تحول در استراتژی ایران* (اول ed.). مرکز تحقیقات و اسناد دفاع مقدس.
- طارق عزیز. (1359). *روابط ایران و عراق*. تهران.

- طباطبایی، ص. (1387). *خاطرات سیاسی اجتماعی*. تهران: نشر عروج.
- عزتی، ع. ا. (1372). *جغرافیای نظامی ایران*. تهران: سمت.
- علایی، رح. (1388). *تاریخ تحلیلی جنگ ایران*. (منتشر نشده).
- فوزی، ری. (1384). *تحولات سیاسی و اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران*. نشر عروج.
- قره باغی، ع. (1364). *اعترافات ژنرال*. نشر نی.
- کاظمی، رس. (1377). *ابعاد حقوقی دورنمای صلح بین ایران و عراق* (اول). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- کامران، رح. (1381). *جغرافیای نظامی جزایر خلیج فارس (لارک، قشم، هنگام)*. انجمن جغرافیای ایران.
- کردزمن، آ. (1382). *غرب و منازعه دریایی در خلیج فارس*. 1987 گین ایران. 55-81، کیانی، رس. (1388). *حماسه سرزمین خورشید*. دافوس آجا.
- گزارش‌های ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران. (16/5/1367) .. گزارش‌های ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، شماره 11-13، 140
- گزارش‌های ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران. (1/5/1367) .. گزارش‌های ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، شماره 5-6، 125
- گزارش‌های ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران. (28/4/1367) .. گزارش‌های ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران. 14-16، 124
- گزارش‌های ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران. (31/4/1367) .. گزارش‌های ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، شماره 7-8، 124
- مارف، (1380). *تاریخ نوین عراق* (اول). عباسپور. Trans. بنیاد پژوهش‌های اسلامی. مصباحی، رم. ا. (1385). *اتحاد شوروی و جنگ ایران و عراق*. سیاست دفاعی شماره. 45، 75-89، مطهری، رم. (1368). *جهاد*. قم: انتشارات صدرا.
- منصوری لاریجانی، ا. (1388). *آشنایی با دفاع مقدس*. قم: خادم الرضاع).
- موسوی قویدل، رس. ع. (1385). *سیری در جنگ ایران و عراق*. تهران: هیات معارف شهید صیاد شیرازی.
- نامی، رح. & محمدپور، ع. (1387). *جغرافیای کشور عراق با تأکید بر مسائل ژئوپلیتیک*. تهران: چاپ سپهر سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- نطاق پور نوری، رم. (1386). *صحنه جنگ*. تهران: دوره عالی جنگ، دافوس سپاه.

- نعمتی وروجنی ری، (1388). جنگ ایران و عراق، بررسی تغییر در مواضع بی طرفی ایالات متحده اسناد وزارت امور خارجه ایالات متحده، فصلنامه تخصصی مطالعات دفاع مقدس، سال هشتم، شماره 29، فصلنامه تخصصی مطالعات دفاع مقدس. 80-102،
- نمکی رع. (1387). نیروی هوایی در دفاع مقدس. تهران: نشر ایران سبز.
- نوحی را، (1366). ژئوپلیتیک کشورهای همجوار. ستاد مشترک سپاه، معاونت اطلاعات.
- نوروزی رم، (1385). فرهنگ دفاعی / امنیتی (چاپ اول). تهران: انتشارات سنا.
- نوری را، ج. (1377). جهاد. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- نیکخواه بهرامی رم، (1389). گاه شمار حملات شیمیایی عراق در هشت سال دفاع مقدس. تهران: پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس با همکاری انتشارات شکیب.
- ودیدی رک، (1353). مقدمه ای بر جغرافیای انسانی ایران (دوم ed). دانشگاه تهران.
- ولایتی رع. (1376). تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران (اول ed). دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ولایتی رع. (1380). تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- هاشمی رفسنجانی رع. ا. (1386). پس از بحران. تهران: دفتر نشر معارف انقلاب.
- هاشمی رفسنجانی رع. (1380). مصاحبه های 1361 تهران: دفتر نشر معارف انقلاب.
- هدایتی خمینی رع. (1374). شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران (تا پذیرش قطعنامه 598 ز سوی ایران). تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- هوشنگ مهدوی رع. (1371). تاریخ روابط خارجی ایران (ششم ed). تهران: امیرکبیر.
- یکتا رح. (1382). جنگ ایران و عراق؛ کاربرد سلاح های شیمیایی، نگین. 13-21،